

پاسخ به مسائل مهم زندگی

از دیدگاه مسیحیت

نویسنده: دوروتی ال. جانس

مترجم: بهرام

انتشارات ایلام - انگلستان ۲۰۰۸

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۱-۹۰۴۹۹۲-۷-۳۸

این کتاب ترجمه‌ای است از کتاب

Solving Life's Problems

Dorothy L. Johns

Translated into Persian by: Bahram

GLOBAL UNIVERSITY
1211 South Glenstone Ave.
Springfield MO 65804
U.S.A

Published by
ELAM PUBLICATIONS
P. O. BOX 75
GODALMING GU8 6YP
ENGLAND

Persian Translation Copyright © Elam Ministries 2007

ISBN 978-1-904992-38-7

پاسخ به مسائل مهم زندگی، دوره خدمات مسیحی

کلیه آیات نقل شده، از کتاب مقدس ترجمه قدیم است. در صورتی که این ترجمه برای تان دشوار است، می‌توانید آیه‌ها را از ترجمه جدید «هزاره نو»، «مژده برای عصر جدید» و یا ترجمه «تفسیری» بیابید و بخوانید.

فهرست مطالب

پیشگفتار

۵

بخش اول: اصول کتاب مقدسی برای حل مشکلات

۹

درس ۱: منشأ مشکلات

۳۳

درس ۲: یافتن راه حل - از دیدگاه مسیحی

۶۱

درس ۳: حل مشکلات با استفاده از اصول مسیحی

بخش دوم: مشکلات در روابط

۹۳

درس ۴: مشکلات در روابط اجتماعی

۱۲۳

درس ۵: مشکلات در روابط خانوادگی

۱۵۳

درس ۶: مشکلات مجرد

بخش سوم: مشکلات ویژه

۱۸۳

درس ۷: مسائل جنسی در نقشه خدا

۲۰۵

درس ۸: غلبه بر افسردگی

۲۳۳

درس ۹: رنج کشیدن و مرگ

۲۶۳

درس ۱۰: امیدوار بودن

۲۸۳

پاسخ خودآزمایی‌ها

۲۹۳

آزمون‌های میانی

پیشگفتار

تبدیل مشکلات به پیروزی

فیلسوفی، زندگی را چنین تعریف کرده است: «زندگی وقفه‌ای است پر از اشک بین دو بی‌خبری».

مسلماً این نمی‌تواند نقطه‌نظر و دیدگاه یک شخص مسیحی درباره زندگی باشد، که زندگی از هیچ می‌آید و به هیچ می‌رود و مملو از اشک و سختی است. با وجود این، ما مسیحیان نیز در زندگی خود تجربیات و مشکلاتی داریم که برای یافتن راه حل محتاج به کمک هستیم.

هدف از زندگی چیست؟ چرا اشخاص خداپرست رنج می‌کشند؟ چرا در جهان اینقدر درد و ناراحتی و نفرت وجود دارد؟ منشأ این مشکلات چیست و چطور مسیحیان می‌توانند از این مشکلات اجتناب نمایند؟ آیا همه مشکلات نتیجه گناه است؟ کجا می‌توانیم جواب مشکلاتمان را بیابیم؟ اینها تعدادی از سؤالاتی است که در این کتاب بررسی خواهیم کرد.

برای بعضی از مشکلاتی که با آنها روبرو هستیم، راه حل روشنی وجود ندارد. در هر حال، کلام خدا به ما راهنمایی‌های لازم به منظور یافتن راه حل بسیاری از مشکلات را داده است. همچنین به ما نشان می‌دهد چطور می‌توانیم از مشکلات دوری نماییم.

اراده خدا این نیست که مسیحیان مغلوب مشکلات شوند. خدا شخصی را به‌عنوان حلال مشکلات معرفی کرده که راهنمایی‌ها و کمک‌های لازم را به ما خواهد داد تا مشکلات خود را به پیروزی تبدیل نماییم، اگر برای دریافت کمک نزد او برویم.

در حین مطالعه این کتاب، از اصول داده شده برای حل مشکلات زندگی خود استفاده کنید و بدین ترتیب برکت عظیم خدا را زمانی که مشکلاتتان را به عیسی

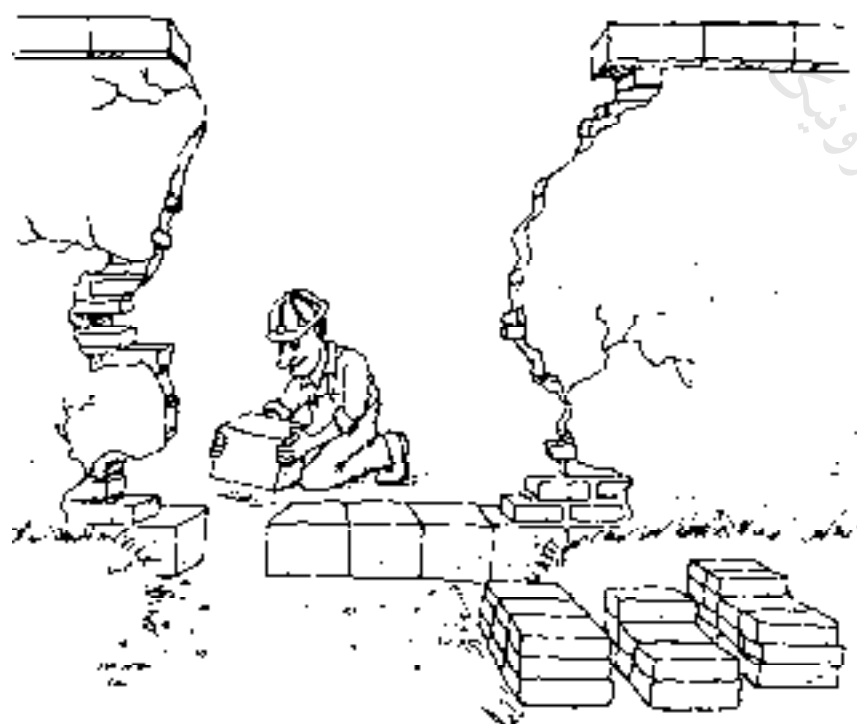
مسیح می‌سپارید و اجازه می‌دهید که به شما کمک نماید، خواهید دید. اصولی که در این کتاب فرا می‌گیرید همچنین به شما در خدمتی که به دیگران می‌کنید، کمک خواهد نمود.

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی

فصل اول

اصول کتاب مقدسی برای حل مشکلات

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی



منشأ مشکلات

مسیح قبل از مرگش بر روی صلیب، با شاگردان درباره وقایعی که بعد از بازگشت او به آسمان برای آنها رخ خواهد داد، سخن گفت. یکی از مطالبی که او گفت، عبارت بود از: «در جهان برای شما زحمت خواهد شد. ولكن خاطر جمع دارید زیرا که من بر جهان غالب شده‌ام» (یوحنا ۱۶: ۳۳). سپس مسیح برای شاگردانش چنین دعا کرد: «...ای پدر قدوس، اینها را که به من داده‌ای به اسم خود نگاه دار خواهش نمی‌کنم که ایشان را از جهان ببری بلکه تا ایشان را از شریر نگاه داری» (یوحنا ۱۷: ۱۱ و ۱۵).

تا زمانی که در این جهان هستیم با مشکلات روبرو خواهیم بود. این مشکلات از کجا می‌آیند؟ آیا برای پیشگیری از مشکلات می‌توان کاری کرد؟ چرا خدا اجازه می‌دهد که مسیحیان سختی بکشند و تجربه شوند؟

در این درس ما منشأ مشکلات و دلیل روبرو شدن با آنها را بررسی قرار خواهیم کرد. فهمیدن دلیل وقوع اتفاقات، به ما کمک می‌کند تا طرق یافتن راه حل‌ها را بیابیم یا از این اتفاقات در جهت رشد زندگی روحانی خود استفاده نماییم. در حین مطالعه این درس به مشکلات خود و منشأ آنها فکر کنید. وقتی شما منشأ مشکلی را تشخیص دهید آن وقت می‌توانید درباره راه حل‌های احتمالی آن فکر کنید. تشخیص دادن منشأ مشکلات، همچنین به ما کمک می‌کند که از بروز بعضی مسائل مشخص جلوگیری کنیم و این بهترین راه حل است.



فهرست مطالب

پیامد گناه

پیامد عوامل خارج از حیطه و کنترل ما

پیامد انتخاب شخصی

پیامد محبت و نگرانی خدا برای ما

اهداف درس

پس از مطالعه این درس شما قادر خواهید بود:

- سه روشی را که نشان می‌دهد گناه باعث بوجود آمدن مشکلات می‌شود، توضیح دهید.
- نمونه‌هایی از مشکلات را نام ببرید که در نتیجه اتفاقاتی بوجود می‌آیند که خارج از حیطه و کنترل ما هستند.
- اهمیت دقت در انتخاب‌های شخصی را تشخیص دهید.
- دلایلی را که خدا اجازه می‌دهد تجربیات و سختی‌ها را متحمل شویم، نام ببرید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- فهرست مطالب و اهداف درس را مطالعه کنید.
- ۲- به عنوان زمینه، پیدایش باب‌های ۱، ۲ و ۳ را مطالعه کنید.
- ۳- درس را قسمت به قسمت بخوانید، آیات را حتماً مطالعه کنید و به سؤالاتی که در حین درس پرسیده می‌شود، پاسخ دهید و مطمئن شوید موضوع هر قسمت را درک کرده‌اید و پس از درک موضوع هر قسمت، قسمت بعدی را مطالعه کنید.
- ۴- به سؤالات خودآزمایی آخر درس پاسخ دهید و پاسخ‌های خود را با جواب‌های داده شده در آخر کتاب مقایسه کنید.

متن درس

پیامد گناه

گناه آدم

آدم و حوا بصورت انسانی کامل، در یک دنیای بدون نقص خلق شدند (پیدایش ۲). آنها در مشارکت واقعی با خدا بودند و هیچ مشکلی نداشتند، اما خدا به آنها این قدرت را بخشید تا خودشان اطاعت و خدمت کردن به خدا را انتخاب کنند.

در جهان قدرت پلیدی به نام شیطان وجود داشت که مسیح او را «شریر» می‌نامد (یوحنا ۱۷: ۱۵). شیطان در باغ عدن به صورت ظاهری یک مار آمد. کلام خدا به ما نمی‌گوید او چطور به آنجا آمده بود، اما در باب سوم کتاب پیدایش می‌خوانیم که چطور شیطان، آدم و حوا را وسوسه کرد تا نسبت به خدا ناطاعتی کنند. عدم اطاعت آنها باعث آمدن لعنت بر کل دنیا شد. زمین و تمامی انسان‌ها از طریق این گناه دچار فساد و تباهی شدند و این آغاز درد، رنج، مصیبت و کار مشقت‌آمیز برای انسان‌ها بود.

- ۱- کدام یک از عبارات زیر به بهترین وجه مطالب گفته شده درباره منشأ مشکلات را خلاصه می‌کند؟
- a) شیطان عامل تمامی مشکلات ما است.
- b) گناه آدم و حوا عامل تمامی مشکلات ما است.
- c) تأثیر شیطان و عدم اطاعت آدم و حوا باعث آمدن لعنت بر کل جهان شد و منشأ تمام مشکلات گردید.

جهان زیر لعنت گناه

- پیدایش ۱۶:۳-۱۹ بیان می‌کند که چگونه لعنت در اثر گناه، بر زمین حاکم شد. پیر شدن و مرگ ما، در واقع نتیجه این لعنت است. به دلیل گناه، جهان کامل نیست و در آن بلایایی مانند قحطی، سیل و زلزله وجود دارد. بخاطر گناه است که مجبور هستیم برای تهیه خوراک در مقابل طوفان، سیل، حشرات و حیوانات وحشی در تقلا باشیم. اگر چه همه ما کشاورز نیستیم ولی حیات ما وابسته به این تدارک است. به دلیل گناه است که بعضی از کودکان با بیماری و معلولیت‌های جسمی و ذهنی متولد می‌شوند.
- ۲- محیطی را که در آن زندگی می‌کنید در نظر بگیرید، آیا شما می‌توانید نمونه‌ای از مشکلاتی را که در اثر لعنت جهان بوجود آمده، ذکر کنید؟

طبیعت گناه‌آلود ما

- حتماً داستان پسر خردسالی را شنیده‌اید که وقتی بخاطر کار اشتباهش مورد مواخذه مادر قرار گرفت، جواب داد که «شیطان باعث شد من این کار را بکنم». خیلی راحت است که تمام مشکلاتمان را به گردن شیطان بیندازیم ولی واقعیت این است که خیلی از مشکلات ما نتیجه طبیعت گناه‌آلود خودمان است.
- به ما قدرت انتخاب داده شده که آیا می‌خواهیم خدا را اطاعت نماییم یا نه. گناه ما در واقع انتخاب شخص ما است و خود ما شخصاً مسئول هستیم.

در رومیان ۱۲:۵ کلام خدا می‌فرماید: «لهذا همچنان که بوساطت یک آدم گناه داخل جهان گردید و به گناه موت؛ و به اینگونه موت بر همه مردم طاری گشت، از آنجا که همه گناه کردند».

۳- اشعیا ۶:۶۴ و ۶:۵۳، امثال ۹:۲۰، رومیان ۲۳:۳ و اول یوحنا ۸:۱ را بخوانید و بگویید کدام یک از جملات زیر مفهوم آیات بالا را به صورت خلاصه بیان می‌کند.

(a) تعدادی از مردم نسبت به بقیه گناهکارتر هستند.

(b) آدم مسئول طبیعت گناه‌آلود ما است.

(c) همه انسان‌ها با یک طبیعت گناه‌آلود متولد می‌شوند و همگی بخاطر گناه شخصی‌شان مقصر هستند.

آیات فوق روشن می‌سازند که تمامی انسان‌ها با یک توان بالقوه برای ارتکاب گناه به دنیا می‌آیند و همگی ما مسئول انتخاب‌های خودمان هستیم، چه کارهای خوب انجام دهیم و چه بد. بسیاری از مشکلات ما نتیجه اعمال گناه‌آلودی است که مرتکب می‌شویم، همچون سخنانی که با بی‌دقتی می‌گوییم و یا برخوردهای گناه‌آلود مثل: خودرأیی، خودخواهی، طمع، حسادت و یا اولویت‌های غلط.

در انجیل نمونه‌ای به ثبت رسیده که در آن مسیح مردی را که مدت‌ها مریض بود، شفا می‌دهد. پس از آن، مسیح او را در هیکل پیدا کرده، به او یک نصیحت می‌کند: «اکنون شفا یافته‌ای. دیگر خطا (گناه) مکن تا برای تو بدتر نگردد» (یوحنا ۵:۱۴).

در این نمونه به روشنی دیده می‌شود که گناه عامل اصلی بیماری آن مرد بود. اشخاصی که با استفاده از مواد مخدر و یا تنباکو، زیاده‌روی در خوردن و نوشیدن، زناکاری و یا سایر اعمال گناه‌آلود باعث تباهی بدن‌شان می‌شوند، ممکن است دچار بیماری‌های سخت شوند.

وقتی ما با عدم اطاعت از قوانین خدا گناه می‌کنیم، مشکلاتی برای خودمان به‌وجود می‌آوریم. مشکلاتی چون، از هم پاشیدگی زندگی خانوادگی، گسستگی روابط، غصه، رنج، بیماری و حتی مرگ.

رومیان ۲۳:۶ به ما یادآوری می‌کند که: «مزد گناه موت است». نه تنها موت جسمانی، بلکه موت روحانی که عبارت است از، جدایی جاودانی از خدا. واکنش ما در مقابل مشکلات، گاهی اوقات باعث بوجود آمدن مسائل جدیدی می‌شود. نگرش منفی یا گله و شکایت، جزو واکنش‌های گناه‌آلودی است که می‌توانیم در برابر مشکلات داشته باشیم و در نتیجه، مشکلات بر ما غلبه می‌کنند و باعث از بین رفتن مشارکت ما با خدا می‌شوند.

همانطور که در فصل‌های آینده خواهیم دید، طرز برخورد صحیح و مثبت، به ما کمک می‌کند تا بر مشکلات غلبه کنیم و نتیجه آن رشد روحانی ما خواهد بود.

۴- برای اجتناب از مشکلاتی که در نتیجه گناه خودمان پیش می‌آید، چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟

اشتباه است اگر فکر کنیم در این دنیا می‌توانیم با داشتن یک زندگی کامل و مبرا از گناه، از مشکلاتی که در رابطه با گناه است، اجتناب نماییم. تجربه نشان می‌دهد که با وجود همه تلاش‌ها، باز هم کامل نیستیم؛ اگر چه پیروزی‌هایی بر گناه پیدا می‌کنیم ولی باز هم بعضی از مواقع طبیعت گناه‌آلود باعث شکست‌مان می‌شود. بنابراین بعضی اوقات امکان دارد مشکلاتی داشته باشیم که نتیجه قصورات خودمان است. اما حقیقت شگرف این است که حتی مواقعی که گناه می‌کنیم، خدا ما را دوست دارد و هنگامی که از گناهان خود توبه کنیم و از او درخواست کمک نماییم، او حاضر است در پیدا کردن راه حل به ما کمک کند.

در درس‌های آینده، نمونه‌های خاصی را بررسی خواهیم کرد که چطور گناه باعث بوجود آمدن مشکلات می‌شود و چگونه می‌توان از بروز آن مشکلات جلوگیری و یا بر آنها غلبه کرد.

پیامد عوامل خارج از حیطه و کنترل ما

دیدیم که مشکلات انسان می‌تواند از گناه سرچشمه گیرد. چرا که به دلیل وجود گناه، ما در یک دنیای تباه شده زندگی می‌کنیم. گناه باعث لعنت تمامی جهان گردید و تأثیر شیطان بر جهان باعث هرج و مرج، اغتشاش، دردسر و یأس و ناامیدی شده است.

همه انسان‌ها با یک طبیعت گناه‌آلود به دنیا می‌آیند (رومان ۳: ۲۳). آیا این بدین معنا است که تمامی مشکلات ما همیشه نتیجه گناه شخصی‌مان است؟ مطمئناً نه! بسیاری از مشکلات ما نتیجه عواملی است که کاملاً خارج از کنترل‌مان هستند. اما این عوامل کدامند؟

بلایای طبیعی

کشتی مسافرتی تایتانیک انگلیسی که در سال ۱۹۱۲ میلادی ساخته شد، بزرگترین کشتی دنیا در آن زمان بود و متخصصین آن احتمال غرق شدن کشتی را ناممکن می‌دانستند. اما در شب ۱۴ آوریل ۱۹۱۲ با یک کوه یخی برخورد کرد و در اولین سفر دریایی خود از انگلستان به آمریکا غرق شد. حدود ۱۵۰۰ نفر از ۲۲۰۰ مسافر آن مردند. هیچکس تصور نمی‌کرد که یک کوه یخ بتواند شکافی چنان عمیق بوجود آورد که در مدت زمان حدود ۵/۲ ساعت، این کشتی غرق شود.

در مورد مشکلاتی که این مصیبت بوجود آورد فکر کنید! بدون شک مسیحیان زیادی بودند که یکی از عزیزان خود را در این حادثه از دست دادند. مشکلاتی از قبیل غم، درد، رنج و تأثیرات بعدی این حادثه را نمی‌توان به گناه شخصی هیچکس مربوط دانست. آنها صرفاً نتیجه یک بلای طبیعی بودند.

شاید شما قربانی مصیبت‌هایی از قبیل سیل، زلزله، طوفان و یا قحطی باشید و یا شاید در خانواده، مشکلاتی از قبیل بیماری، مرگ، بیماری‌های روانی، مشکلات مالی و یا مسائل دیگری که خارج از کنترل شما است، داشته‌اید. مطمئناً ریشه اصلی تمامی

این مشکلات، گناه آدم و حوا در باغ عدن است که باعث شد زمین زیر لعنت قرار گیرد، اما آنها نتیجه گناه شخصی نمی‌باشد.

کتاب مقدس به وضوح آشکار می‌سازد که مسیحیان خداترس نیز مانند بی‌ایمانان گناهکار ممکن است با مشکلاتی روبرو شوند، چون آنها نیز در دنیایی زندگی می‌کنند که زیر لعنت گناه قرار دارد.

۵- متی ۹:۲۴-۹ را مطالعه کنید و توضیح دهید مسیح در مورد وقوع چه حوادثی در هنگام بازگشت ثانوی خود، سخن گفت. چه مصیبت‌هایی در آنجا بیان شده که خارج از کنترل ایمانداران می‌باشد.

اعمال دیگران

هنگام رکود اقتصادی، بسیاری از مردم کار خود را از دست می‌دهند. ممکن است این اتفاق برای شما روی دهد بدون اینکه کار اشتباهی مرتکب شده باشید. و یا کارفرمایان تصمیم می‌گیرند که شما را به بخش دیگری منتقل کند و این موضوع مشکلاتی برای تمام خانواده ایجاد می‌کند. راننده‌ای که متوجه علامت ایست نشده، با ماشین‌تان تصادف می‌کند و باعث جراحت و خرابی می‌شود. و یا همسایه شما به دلیل نداشتن اطلاع کافی از فعالیت‌های‌تان، شما را متهم به انجام کار خلاف می‌کند. دشمن به کشورتان حمله می‌کند و شما باید برای دفاع از مملکت‌تان به جبهه جنگ بروید. و یا ممکن است قربانی یک جرم شوید. این‌ها نمونه‌های کوچک و بزرگی از مشکلاتی است که در نتیجه تصمیمات و یا اعمال دیگران برای ما بوجود می‌آید و خود ما هیچ کنترلی بر آنها نداریم.

در واقع ارتباط داشتن با دیگران جزو طبیعت همه انسان‌ها است. بعضی اوقات خوشحالی و سعادت ما وابسته به تصمیماتی است که دیگران می‌گیرند.

در این درس توجه زیادی به حل مشکلاتی خواهد شد که در نتیجه ارتباط با دیگران پیش می‌آید.



۶- موارد زیر را بررسی کنید و مشخص نمایید که کدام یک نتیجه عوامل خارج از کنترل ما است.

(a) شخصی را که خیلی دوست دارید در اثر یک سانحه هوایی جان خود را از دست می دهد.

(b) شما بذر خود را دیر می کارید و در نتیجه رشد نمی کند.

(c) دزد به منزل شما می آید و اموال شما را سرقت می کند.

(d) اتفاقی کیف خود را روی پیش خوان سوپرمارکت جا می گذارید و کسی آن را می دزدد.

(e) رئیس اداره شما را به علت دیر آمدن مکرر اخراج می کند.

(f) خانه شما در اثر زلزله خراب می شود و خودتان نیز مجروح می گردید.

(g) به شدت مریض می شوید و در نتیجه کارتان را از دست می دهید.

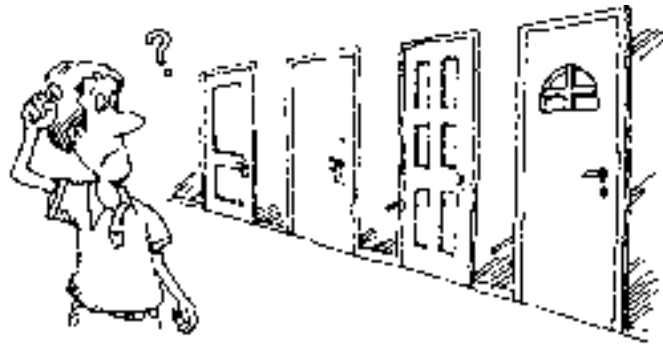
پیامد انتخاب شخصی

اشتباه در تصمیم گیری

«اگر کمی آرامتر رانندگی می کردم، این تصادف اتفاق نمی افتاد!»

«اگر بیشتر مواظب بودم، نمی افتادم!»

«اگر همه واقیعت ها را می دانستم، آن وقت تصمیم بهتری می گرفتم!»



آیا تا به حال جملاتی نظیر جملات بالا را بکار برده‌اید، زمانی که مشکلی در نتیجه تصمیم‌گیری خودتان بوجود آمده است؟ ما در فعالیت‌های روزمره خود با تصمیم‌گیری‌های بسیار مواجه هستیم. بعضی از این تصمیمات نتیجه خوبی دارند و باعث رضایت خاطر ما می‌شوند و بعضی دیگر انتخاب‌های نادرست هستند و برای ما مشکل ایجاد می‌کنند. انتخاب‌های نادرست، لزوماً گناه‌آلود نیستند ولی ممکن است از روی بی‌دقتی، جهالت و یا عدم تشخیص اولویت‌ها باشند. شاید هم تصمیماتی را با دقت و تفکر زیاد گرفته‌ایم ولی نتیجه برخلاف انتظار ما بوده است. از آنجا که ما حکمت کافی نداریم، پس طبیعی است اگر گاهی دچار اشتباه شویم. گر چه امکان دارد هیچ‌گناهی در شرایط حاکم وجود نداشته باشد، اما ما باید با مشکل حاصله از آن روبرو شویم.

تا زمانی که کودک راه رفتن را بیاموزد، بارها می‌افتد ولی به تدریج یاد می‌گیرد که چطور بر روی حرکات خود کنترل داشته باشد و بدون افتادن راه برود. به همین صورت ما نیز از اشتباهات مان یاد می‌گیریم که باید تصمیمات خود را با دقت بیشتری بگیریم و این قسمتی از فرآیند بالغ شدن است.

۷- توضیح دهید چطور تصمیمات اشتباه ما باعث بوجود آمدن مشکلات می‌شود.

۸- وقتی در نتیجه یک تصمیم اشتباه مشکلی برای ما پیش می‌آید، چه درسی می‌آموزیم؟

انتخاب‌های به‌دقت بررسی شده

بطور کلی تمام تصمیماتی که باعث بروز مشکل می‌شوند، لزوماً انتخابات اشتباه نیستند. بعضی مواقع از درست بودن تصمیمات مان مطمئن هستیم، ولی در ضمن می‌دانیم که امکان بروز مشکلات نیز هست.

در کتاب مقدس نمونه‌های فراوان وجود دارد. در کتاب دانیال، باب سوم، داستان سه جوان عبرانی را می‌خوانیم که تصمیم گرفتند تمثال طلایی پادشاه را سجده نکنند، حتی اگر به قیمت جان‌شان تمام شود. پادشاه از تصمیم‌شان بسیار خشمگین شد و از آنها توضیح خواست و آنها به او چنین پاسخ دادند:

«ای نبوکدنصر، درباره این امر ما را باکی نیست که تو را جواب دهیم. اگر چنین است، خدای ما که او را می‌پرستیم قادر است که ما را از تون آتش ملتهب برهاند و او ما را از دست تو ای پادشاه خواهد رهانید. و اگر نه، ای پادشاه تو را معلوم باد که خدایان تو را عبادت نخواهیم کرد و تمثال طلا را که نصب نموده‌ای سجده نخواهیم نمود». (دانیال ۳: ۱۶-۱۸)

در این مثال، خدا آنها را از مرگ رهانید تا قدرتش را نشان دهد. اما آن سه جوان مرگ را به ناطاعتی از خدا ترجیح می‌دادند.

پولس رسول تصمیم گرفت در طول خدمتش انجیل را موعظه کند، حتی اگر جفا ببیند. یک بار، زمانی که در لستره موعظه می‌کرد، اهالی آنجا به قدری خشمگین شدند که او را سنگسار کرده، جسدش را از شهر بیرون کشیدند چون فکر کردند که او مرده (اعمال ۱۴: ۱۹).

۹- اعمال ۲۰:۱۴-۲۱ را مطالعه کنید و بگویید پولس بعد از سنگسار شدن چه کرد؟

۱۰- سخنان پولس به شاگردانی که آنجا بودند، چه بود؟ (اعمال ۲۲:۱۴)؟

تصمیم پولس برای موعظه انجیل حتی اگر به قیمت آزار دیدنش تمام شود، موجب شد که او برای مدت طولانی در زندان بیفتد و در نهایت توسط دشمنان انجیل به مرگ سپرده شود. سخنان او در فیلیپیان ۱:۱۲-۱۴ کلمات الهام بخش برای ما هستند:

«اما ای برادران، می خواهم شما بدانید که آنچه بر من واقع گشت، برعکس به ترقی انجیل انجامید. به حدی که زنجیرهای ما آشکارا شد در مسیح در تمام فوج خاص و به همه دیگران. و اکثر از برادران در خداوند از زنجیرهای من اعتماد به هم رسانیده، بیشتر جرأت می کنند که کلام خدا را بی ترس بگویند.»

تاریخ کلیسا پر از نمونه هایی است از ایماندارانی که حاضر بودند جفا و حتی مرگ را بپذیرند و شهادت مسیحی شان را ترک نکنند. همینطور مبشرانی مانند جیم الیوت را می بینیم که هنگام رسانیدن پیام انجیل، توسط قبیله سرخپوستان آوکا (Auca) که در امریکای جنوبی زندگی می کردند، کشته شد. انتخاب او به طور واضح در جملاتی که قبل از مرگ نوشت، آشکار می شود:

«احمق نیست کسی که چیزی را که قادر به نگاه داشتنش نیست،

می دهد تا آنچه را که از دست دادنی نیست، به دست آورد.»

جیم الیوت کسی بود که پاداش اخروی را بر لذت زودگذر این دنیا ترجیح می داد. پس از مرگ او، همسرش الیزابت، به همراه راشل سنت که برادرش به همراه جیم الیوت شهید شده بود، به قبیله آوکا نزدیک شد و در نتیجه بشارت این دو زن وقف شده، بسیاری از افراد آن قبیله مسیح را به عنوان نجات دهنده شخصی خود پذیرفتند.

«آمین آمین به شما می‌گویم اگر دانه گندم که در زمین می‌افتد نمیرد، تنها ماند لیکن اگر بمیرد ثمر بسیار آورد. کسی که جان خود را دوست دارد، آن را هلاک کند؛ و هر که در این جهان جان خود را دشمن دارد، تا حیات جاودانی آن را نگاه خواهد داشت (یوحنا ۱۲: ۲۴-۲۵).

۱۱- کدام یک از موارد زیر تصمیم‌گیری صحیح است حتی اگر موجب بروز مشکلاتی شود؟

- a) تصمیم می‌گیرید از دوست‌تان که مرتکب جنایت شده، با دادن این شهادت که در زمان قتل او با شما بود، دفاع کنید.
- b) تصمیم می‌گیرید که رابطه خود را با دوست بی‌ایمانتان که به او علاقه زیادی دارید و احتمال ازدواج با او نیز وجود دارد، قطع کنید.
- c) تصمیم می‌گیرید به جای اینکه از کارفرمای خود برای رفتن به کلیسا در روز یکشنبه اجازه بگیرید، روز یکشنبه را نیز کار کنید.
- d) تصمیم می‌گیرید در هنگام غذا خوردن سر خود را خم کرده، خدا را به خاطر برکاتش شکر کنید، اگر چه ممکن است مورد تمسخر بی‌ایمانان قرار بگیرید.
- e) شما بدون اینکه از تمام جوانب مهم یک قضیه آگاه باشید تصمیم خود را می‌گیرید.

پیامد محبت و نگرانی خدا برای ما

چرا خدای با محبت اجازه می‌دهد که فرزندان‌ش زجر بکشند؟ اگر او واقعاً ما را دوست دارد، چرا ما را از تمام مشکلاتمان نمی‌رهاند؟

آیا تا به حال چنین سؤالاتی از خود پرسیده‌اید، زمانی که احساس می‌کنید دیگر تاب تحمل تجربیات را ندارید؟

خدا گاهی اوقات ما را از تجربیات می‌رهاند. ما دیدیم که او چطور سه جوان یهودی را از تون آتش رهایی داد. شاید شما شفای الهی را تجربه کرده‌اید و یا شاهد بوده‌اید که چگونه خدا به روشی غیر قابل بیان و دور از انتظار، نیازهایتان را برآورده کرده است. هر چند این تجربیات باعث شادی ما می‌شوند ولی با این وجود می‌دانیم که در بعضی مواقع خدا اجازه می‌دهد رنج ببریم و این کار را نه به این خاطر که از رنج کشیدن ما لذت می‌برد، انجام می‌دهد بلکه بخاطر اینکه به ما علاقه دارد، علاقه‌ای که ورای تجربیات گذرای ما است.

بیایید ببینیم چرا خدا اجازه می‌دهد ما مشکلات را تجربه کنیم.

تقدیس و ثبات بخشیدن به ایمان ما

داستانی درباره یک پل قدیمی راه‌آهن نقل شده که در اثر مرور ایام فرسوده شده بود به حدی که در صورت عبور مجدد قطار، هر لحظه امکان ریزش آن وجود داشت. پس شرکت سازنده به منظور امنیت مسافران، آن را کاملاً بازسازی کرد. وقتی کار بازسازی تمام شد، تاریخ افتتاح مجدد پل به همه مردم اعلام شد. نقطه اوج این مراسم زمانی بود که دو قطار هم‌زمان از روی پل می‌گذشتند. آیا آن شرکت سعی در خراب کردن پل داشت؟ نه، آنها مطمئن بودند که آن پل خراب نمی‌شود. هدف آنها از این آزمایش این بود که به مردم ثابت کنند که پل محکم ساخته شده و دیگر خطر ریزش وجود ندارد.

در اینجا نکته بسیار مهمی وجود دارد. آیا خدا ما را وسوسه می‌کند؟ خیر! آیا او ما را آزمایش می‌کند؟ بله! در اینجا تفاوت بزرگی بین وسوسه یک شخص برای انجام گناه و آزمایش او در جهت آشکار شدن کیفیت ایمان، وجود دارد.

۱۲- یعقوب ۱: ۲-۴ و ۱۲-۱۷ را مطالعه کنید. سپس به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

- (a) برخورد یک مسیحی با تجربیاتش چگونه باید باشد؟
- (b) چرا یک مسیحی باید چنین نگرشی داشته باشد؟
- (c) آیا خدا ما را برای انجام گناه وسوسه می‌کند؟
- (d) چه کسی مسئول گناهی است که ما انجام می‌دهیم؟

از ما خواسته شده که در زمان مشکلات شاد باشیم و چنین درخواستی بی‌دلیل نیست. در نحمیا ۸: ۱۰ دلیل آن بیان شده است.
«... محزون نباشید زیرا که سرور خداوند، قوت ما است.»

شادی ما در خداوند، به ما قدرت تحمل و غلبه بر مشکلات را می‌بخشد.

۱۳- اول پطرس ۱: ۶-۷ را مطالعه کنید. این قسمت از کلام خدا به ما می‌گوید در تجربیات گوناگونی که ما را محزون می‌سازند شادی نماییم. هدف از این تجربیات چیست؟

پطرس رسول در این قسمت از کلام خدا می‌فرماید که طلای فانی به وسیله آتش آزموده و خالص می‌شود، اما ایمان ما که ارزش ابدی دارد و به وسیله تجربیات آزموده می‌شود، از طلای فانی بسیار باارزش‌تر است.

اگر چه خدا اجازه می‌دهد که تجربه شویم، ولی قول داده که در این تجربیات همراه ما باشد. از اول قرن‌تین ۱۰: ۱۳ به نکات زیر پی می‌بریم:

- ۱- خدا اجازه نمی‌دهد فوق از طاقت تجربه شویم.
- ۲- او به ما قدرت تحمل تجربیات را می‌دهد.
- ۳- خدا در تجربیات ما، راه‌گریز را فراهم می‌کند.

۱۴- بر اساس قسمت‌های مطالعه شده از کلام خدا، به سؤالات زیر پاسخ دهید.

(a) هدف شیطان از وسوسه ما چیست؟

(b) هدف خدا از آزمایش ما چیست؟

شکل‌گیری صورت مسیح در ما

نقشه خدا برای شما و من این است که به شباهت فرزندش، عیسی مسیح درآئیم. این زندگی، ما را برای آن حیات جاودانی که در آسمان خواهیم داشت، آماده می‌سازد. خدا مشتاق است که به ما در جهت بالغ شدن در تجربه مسیحی مان کمک کند تا روز به روز بیشتر به شباهت مسیح درآئیم. اگر برخورد ما با مشکلات صحیح باشد، خدا از آنها برای خیریت و شکل‌گیری شخصیت مسیح در ما استفاده می‌کند. به یاد می‌آورم دو زنی را که هر دو برای مدت طولانی در بستر بیماری بودند. کم‌کم یکی از آنها شروع به گله و شکایت کرد، و روحیه‌اش تلخ شد. او برای خودش دلسوزی می‌کرد و در نتیجه هیچ‌کس دوست نداشت در کنار او باشد. دیگری اگر چه مشکلات سختی را تحمل می‌کرد، اما صبور بود و با شادی درباره فیض خدا برای تحمل مشکلات و شاد بودن شهادت می‌داد. آن زن اجازه داد که شخصیت مسیح در او شکل گیرد و در نتیجه بر مشکلاتش غلبه کرد.

۱۵- رومیان ۸: ۱۷ و ۲۸-۲۹ را مطالعه کنید و بگویید کدامیک از جملات زیر مفهوم آیات فوق را بیان می‌کنند.

(a) اگر خدا را دوست داشته باشیم، بر طبق اجازه او، فقط اتفاقات خوب برای ما خواهد افتاد.

(b) تجربیات باعث رشد روحانی اشخاصی می‌شود که خدا را دوست دارند و به هدایت او ایمان دارند.

(c) بخشی از فرآیند شبیه مسیح شدن شراکت در رنج‌های او است.

d) هدف خدا از اینکه در مشکلات برای خیریت ما عمل می‌کند، این است که به شباهت فرزندش عیسی مسیح دربیاییم.

پولس این واقعیت را چه زیبا در رساله دوم خود به قرن‌تین ۷:۴-۱۰ بیان می‌کند:
«لیکن این خزینه را در ظروف خاکی داریم تا برتری قوت از آن خدا باشد نه از جانب ما. در هر چیز زحمت کشیده، ولی در شکنجه نیستیم؛ متحیر ولی مأیوس نی؛ تعاقب کرده شده، لیکن نه متروک؛ افکنده شده، ولی هلاک نی؛ پیوسته قتل عیسی خداوند را در جسد خود حمل می‌کنیم تا حیات عیسی هم در بدن ما ظاهر شود.»

توانایی کمک به دیگران

دلیل دیگری که خدا اجازه می‌دهد ما سختی‌ها را تحمل کنیم، این است که بهتر بتوانیم به افرادی که در مشکل هستند کمک نماییم.
کسی که تنهایی را تجربه کرده، بهتر می‌تواند یک شخص تنها را درک کند. والدینی که بچه‌های آنها در رنج بوده‌اند، نسبت به والدینی که کودکان‌شان در مشکلات هستند، احساس دلسوزی بیشتری می‌کنند. ما با کسانی که تجربیاتی شبیه خودمان داشته‌اند، بیشتر احساس نزدیکی می‌کنیم. شهادت ما درباره فیض و عمل خدا در هنگام مشکلات، به دیگران کمک می‌کند که در مشکلات‌شان به خداوند تکیه کنند و مأیوس نشوند. پولس رسول این مطلب را در دوم قرن‌تین باب ۱:۳-۴ بیان می‌فرماید:

«متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که پدر رحمت‌ها و جمیع تسلیات است، که ما را در هر تنگی ما تسلی می‌دهد تا ما بتوانیم دیگران را در هر مصیبتی که باشد تسلی نماییم، به آن تسلی که خود از خدا یافته‌ایم.»

۱۶- با توجه به آیات ذکر شده از کلام خدا، کدام یک از مطالب زیر صحیح است.

- (a) خدا از روی قصد ما را در تجربیات می‌اندازد تا بتوانیم دیگران را که تجربیاتی مشابه دارند، کمک کنیم.
- (b) خدا زمانی که در مشکلات هستیم برای ما فکر می‌کند و می‌خواهد ما نیز به فکر کسانی باشیم که در مشکلات هستند.

یادگیری توکل به خدا

من از مسیحیان بسیاری شنیده‌ام که بدون قدرت و کمک خدا تحمل مشکلاتی که با آن روبرو بوده‌اند، غیرممکن می‌دانسته‌اند. در رساله اول پطرس باب ۷:۵ این موضوع تأکید شده است.

«تمام اندیشه خود را به وی واگذارید زیرا او برای شما فکر می‌کند.»
پولس رسول در رساله دوم قرنتیان ۸:۱-۱۰ ارزش زحمت دیدن را بدین‌گونه بیان می‌فرماید:

«زیرا ای برادران نمی‌خواهیم شما بی‌خبر باشید از تنگی‌ای که در آسیا به ما عارض گردید که بی‌نهایت و فوق از طاقت بار کشیدیم، به حدی که از جان هم مأیوس شدیم. لکن در خود فتوای موت داشتیم تا بر خود توکل نکنیم، بلکه بر خدا که مردگان را برمی‌خیزاند، که ما را از چنین موت رهانید و می‌رهاند و به او امیدواریم که بعد از این هم خواهد رهانید.»

پولس یاد گرفته بود که نه تنها در مشکلات گذشته بلکه در مشکلات آینده خود نیز می‌تواند به خدا توکل کند.

۱۷- دوم قرنتیان ۸:۱-۱۰ را با اول قرنتیان ۱۳:۱۰ مقایسه کنید و بگویید چه حقیقتی در هر دو این قسمت‌ها تأکید شده است.

۱۸- چگونه مشكلات می‌تواند در رابطه ما با خدا و دیگران مفید واقع شود؟
۱۹- به عنوان آخرین تمرین این درس، لیستی از مشكلاتی که در حال حاضر در زندگی خود با آنها مواجه هستید، تهیه کنید. سپس با توجه به درس، منشأ مشكلات خود را تشخیص داده، در کنار آنها بنویسید. در درس آینده، به مرور متوجه راه حل‌هایی برای حل مشكلات‌تان خواهید شد.

در این درس، منشأ مشكلات را بررسی کردیم و دیدیم که چگونه حضور شیطان در جهان، ریشه همه مشكلات می‌باشد. اما ما می‌توانیم مشكلات خود را به پیروزی تبدیل کنیم به شرطی که اجازه بدهیم خدا از طریق آنها در ما کار کند و صورت مسیح را در ما شکل بدهد تا غلامان با منفعتی برای او باشیم.
در درس آینده، به دیدگاه مسیحی برای حل مشكلات نگاه خواهیم کرد و منابعی را که خدا برای برخورد مثبت با مشكلات به ما داده، مورد بررسی قرار خواهیم داد. باشد که نام او در تمامی اعمال ما جلال پیدا کند.

خودآزمایی

سؤالات چند جوابی: مناسب‌ترین پاسخ را انتخاب کنید.

۱- تا زمانی که آدم و حوا از امر خدا نافرمانی نکرده بودند کدام یک از موارد زیر را نداشتند.

(a) انتخاب‌ها

(b) مشکلات

(c) شراکت با خدا

(d) داوری

۲- به چه طریق می‌توانیم از مشکلاتی که نتیجه گناه شخصی است، اجتناب نماییم؟

(a) اطاعت از خدا و کلام او

(b) انجام دادن آنچه احساس می‌کنیم درست است.

(c) پیروی از آدم

۳- کلام خدا می‌گوید که روش کسب قدرت روحانی در هنگام مواجه شدن با مشکلات، است:

(a) ترس

(b) ناراحتی

(c) عزم راسخ

(d) شادی و خوشی

۴- آرزوی شیطان ما است.

(a) کمک

(b) آزمایش

(c) وسوسه

(d) تطهیر

۵- کدام یک از جملات زیر صحیح است؟

- (a) تمام انسان‌ها به دلیل گناه شخصی محکوم هستند.
- (b) همه ما فقط بخاطر گناه آدم گناهکار هستیم.
- (c) شیطان ما را به گناه وسوسه می‌کند، بنابراین ما شخصاً برای گناهی که انجام می‌دهیم مسئول نیستیم.

(d) بعضی از انسان‌ها از همان بدو تولد گناهکار هستند، ولی بعضی دیگر که والدین مسیحی دارند، مسیحی متولد می‌شوند.

۶- هنگام وقوع مشکلات قبل از هر چیز باید مواظب باشیم.

- (a) عکس‌العمل‌های اشتباه
- (b) آنچه مردم فکر می‌کنند
- (c) آسایش و راحتی خودمان
- ۷- پولس رسول و جیم الیوت اظهار می‌دارند که مهمترین نگرانی ما باید:

- (a) شادی شخص خودمان باشد.
- (b) پاداش آسمانی باشد.
- (c) دوری کردن از مشکلات باشد.
- (d) برطرف کردن نیازهایمان باشد.

۸- پشتکار داشتن به چه معنایی است؟

- (a) اجتناب از مشکلات
- (b) ادامه و دنبال کردن هدف و دست نکشیدن از آن
- (c) حل مشکلات به وسیله تلاش شخصی

(d) تسلیم شدن به وسوسه شیطان

۹- کدام یک از جملات زیر هدف خدا از تجربه کردن ما نیست؟

- (a) شباهت هر چه بیشتر ما به مسیح
- (b) تطهیر ما
- (c) وسوسه ما برای انجام گناه

(d) تقدیس ما

- ۱۰- سؤالات انطباقی - هر کدام از مشکلات زیر را با منشأ آن انطباق دهید.
- (a) فکر می‌کردم رد کردن آن کار تصمیم درستی بود اما حالا می‌بینم که باید آن را قبول می‌کردم چون کارفرمایم قصد دارد کار خود را تعطیل کند.
- (b) در مدتی که مریض بودم فهمیدم که پیش از آن، در وقت دادن به دعا و مطالعه کلام کوتاهی کردم.
- (c) او در اثر مست بودن در هنگام رانندگی تصادف کرد.
- (d) من برای زمستان به یک پالتو جدید احتیاج دارم اما پس‌اندازم را برای خرید انجیل به منظور کمک به یک پروژه بشارتی خرج کردم.
- (e) او هنگام امتحان تقلب کرد و در نتیجه از ادامه آن دوره محروم شد.
- (f) در دهکده ما زلزله‌ای آمد و بسیاری جان خود را از دست دادند.
- (g) شیوع وبا در تمام دهکده باعث شد بسیاری از مردم بمیرند.
- (۱) جهان زیر لعنت گناه
- (۲) گناه شخصی
- (۳) خارج از کنترل ما
- (۴) قضاوت اشتباه
- (۵) انتخاب دقیق و با تفکر
- (۶) برخورد خدا با ما

پاسخ صحیح تمرین‌ها

جواب سؤالات درس به ترتیب داده نشده است تا در هنگام نگاه کردن پاسخ یک سؤال، اتفاقی جواب سؤال بعدی را نبینید. بنابراین اول شماره سؤال خود را پیدا کنید و سپس جواب خود را با پاسخ داده شده مقایسه نمایید.

۱۰- با مصیبت‌های بسیار می‌باید داخل ملکوت خدا گردیم.

c-۱

۱۱- پاسخ b صحیح است، اگر چه ممکن است به قیمت اطاعت از خدا مشکلاتی بوجود آید. پاسخ d نیز صحیح است زیرا باعث جلال خدا می‌گردد و محبت ما را نسبت به او نشان می‌دهد. پاسخ‌های a و c اشتباه هستند زیرا لازمه جواب a شهادت دروغ می‌باشد و لازمه پاسخ c عدم اطاعت از حکم خدا است. پاسخ e نیز نادرست می‌باشد زیرا بیان‌کننده اشتباه در تصمیم‌گیری است.

۲- پاسخ انتخابی شما. برای نمونه در منطقه‌ای که من زندگی می‌کنم یک نوع خاص از درختان در اثر آفت‌زدگی خشک شدند.

۱۲- (a) باخوشی

(b) برای اینکه با افزایش صبر و تحمل باعث رشد روحانی خود گردد.

(c) خیر، به هیچ وجه!

(d) شیطان ما را وسوسه می‌کند و ما تسلیم خواهش‌های گناه‌آلود خود

می‌شویم.

c-۳

۱۳- امتحان ایمان ما تا واقعی بودن آن ثابت شود.

۴- اطاعت از خدا و کلام او

۱۴- (a) هدف شیطان این است که ما را وادار به انجام گناه نماید.

(b) هدف خدا این است که ما با صبر، واقعی بودن ایمان خود را ثابت کنیم.

۵- جنگ‌ها، قحطی‌ها، زلزله‌ها، جفا و مرگ.

۱۵- a) غلط

b) صحیح

c) صحیح

d) صحیح

۶- بر اساس شواهد داده شده جواب‌های a، c، f و g درست هستند و در جواب‌های b، d و e مسئولیت اتفاق بر عهده فرد می‌باشد.

۱۶- خدا در رنج‌ها به فکر ما است و انتظار دارد ما نیز به فکر دیگران باشیم (این یکی از روش‌هایی است که باعث می‌شود خدا از مشکلات برای خیریت ما استفاده کند).

۷- بی‌دقتی و یا تصمیم‌های غیر عاقلانه می‌توانند باعث بروز مشکلات شوند.

۱۷- خدا نمی‌گذارد که ما بیش از طاقت خود آزموده شویم.

۸- جواب انتخابی شما. یاد می‌گیریم که در انتخاب‌های خود بیشتر دقت کنیم.

۱۸- تجربیات باعث می‌شود که ما احساس دلسوزی و شفقت بیشتری نسبت به کسانی که در تجربیاتی شبیه ما هستند داشته باشیم. همچنین باعث می‌شود که به خدا بیشتر اعتماد کنیم.

۹- او به شهر دربه می‌رود و در آنجا نیز به موعظه درباره خبر خوش ادامه می‌دهد.

۱۹- جواب انتخابی شما.

یافتن راه حل - از دیدگاه مسیحی

«دل من در خداوند وجد می‌نماید، و شاخ من در خداوند برافراشته شده، و دهانم بر دشمنانم وسیع گردیده است، زیرا که در نجات تو شادمان هستم» (اول سموئیل ۱:۲).

آیا این کلمات، سخنان فردی است که بخاطر مشکلات فراوان، از زندگی مأیوس شده است؟ هرگز! این‌ها سخنان شخصی است که در اطمینان و شادی حاصل از پیروزی زندگی می‌کند. این‌ها سخنان حنا است؛ شخصی که در زندگی خود مشکلات فراوان داشت. حنا یکی از دو زن القانه بود و ریشه تمام مشکلاتش این بود که نمی‌توانست فرزندی به دنیا آورد. زن دیگر القانه، حنا را به دلیل نازا بودن مورد تمسخر و ریشخند قرار می‌داد و حنا بخاطر این موضوع بسیار ناراحت و مأیوس بود. او اشتیهای خود را از دست داده بود و اشک‌های فراوانی نزد خدا می‌ریخت. ناراحتی زیاد حنا باعث نگرانی شوهرش که به او عشق می‌ورزید، شده بود. چطور امکان دارد شخصی که چنین مشکلاتی دارد، گوینده جملات اول سموئیل باب ۱:۲ باشد؟

حنا، مشکل خود را نزد خدا آورد و سرسپردگی خود را به او اعلام کرد. این سرسپردگی آرامشی در قلب او ایجاد کرد، با اینکه هنوز مشکلش حل نشده بود. «... پس آن زن راه خود را پیش گرفت و می‌خورد و دیگر ترشرو نبود.» (اول سموئیل ۱:۱۸)

مدتی بعد مطابق آرزوی حنا، خدا به او پسری بخشید. زندگی حنا از زمانی که مشکلش را نزد خدا آورد، عوض شد.

در این درس، ما با یک دیدگاه مسیحی به حل مشکلات نزدیک خواهیم شد. خدا راه‌های بسیاری برای ما فراهم کرده تا مشکلات را حل کنیم. اگر بارهای سنگین خود را با قلبی بی‌ریا و مطیع نزد خدا بیاوریم، ما نیز مانند حنا قادر خواهیم بود بگوییم: «دل من در خداوند وجد می‌نماید».



فهرست مطالب

ابتدا مشکل گناه را در زندگی خود حل نمایید
اجازه دهید کلام خدا هادی شما باشد
از منابع دیگر استفاده کنید

اهداف درس

- پس از مطالعه این درس شما قادر خواهید بود:
- بیان کنید چگونه هر شخص می‌تواند مشکل گناه خود را حل کند.
 - تعالیم مسیح و عهد جدید را با ده فرمان مقایسه کنید و از آنها برای حل مشکل استفاده نمایید.
 - از منابع دیگری که خدا برای حل مشکلات به شما داده، استفاده کنید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- جهت آماده‌سازی خود، خروج ۱:۲۰-۱۷ و انجیل متی باب‌های ۵ الی ۷ را مطالعه کنید و در حین درس، تمام آیات داده شده را بخوانید.
- ۲- درس را بر اساس روش داده شده در درس اول، مطالعه کنید.
- ۳- به خودآزمایی پاسخ دهید و جواب‌های خود را مقایسه کنید.

متن درس

ابتدا مشکل گناه را در زندگی خود حل نمایید

بزرگترین مشکلی که هر یک از ما باید حل کنیم، مشکل گناه است و برای این مشکل راه حلی وجود دارد. در درس اول، آیاتی از کلام خدا را مطالعه کردیم که نشان می‌داد همه انسان‌ها گناهکار هستند، شخص عادل وجود ندارد و همه ما بخاطر گناهانمان نزد خدا مقصر هستیم. همچنین دیدیم که نتیجه گناه، موت یعنی جدایی جاودانی از خدا است.

برای اینکه بتوانیم به دیگر مشکلاتمان با دید درست نزدیک شویم، لازم است ابتدا جوابی برای مشکل گناه بیابیم. قبل از اینکه بتوانیم به دیگران در حل مشکلاتشان کمک کنیم، باید آنها را متوجه این حقیقت بسازیم که مهمترین احتیاج‌شان حل شدن موضوع گناه در زندگیشان است. عیسی مسیح تنها جواب برای حل مشکل گناه می‌باشد. ما می‌توانیم با ایمان و اعتراف نزد او آمده، بخشایش الهی را کسب کنیم و از طریق اطاعت، مشارکت خود را با مسیح، خداوند و نجات‌دهنده‌مان حفظ نماییم.

اعتراف

۱- اول یوحنا ۹:۱ و رومیان ۹:۱۰ و ۱۰ را مطالعه کنید و دوحقیقتی را که یک گناهکار باید اعتراف کند بیان نمایید.

۲- وقتی ما گناهان خود را به خدا اعتراف می‌کنیم، چه اتفاقی می‌افتد؟

اعتراف، این نکات را شامل می‌شود: بپذیریم گناهکار هستیم، برای گناهی که انجام داده‌ایم محزون باشیم، و تصمیم بگیریم که دیگر گناه نکنیم. اعتراف همچنین تصدیق این حقیقت است که مسیح خداوند و سرور زندگی ما است. اعتراف، بیانگر خواست درونی ما است تا زندگی خود را به دست‌های او تسلیم کنیم.

ایمان

۳- شخص گناهکار به چه چیز باید ایمان بیاورد؟ (رومیان ۹:۱۰)

خدا از طریق مرگ مسیح بر روی صلیب و قیام او از مردگان، نقشه نجات را کامل کرد و باعث برقراری مشارکت انسان با خودش شد. مسیح کفاره گناهان ما شد. قیام او از مردگان، بخش مهمی از نقشه نجات بود. در اول قرن‌تین ۱۷:۱۵ و ۲۱-۲۲ کلام خدا چنین می‌فرماید:

«اما هرگاه مسیح برنخاسته است، ایمان شما باطل است و شما تاکنون در گناهان خود هستید. زیرا چنانکه به انسان موت آمد، به انسان نیز قیامت مردگان شد. و چنانکه در آدم همه می‌میرند در مسیح نیز همه زنده خواهند گشت.»

زمانی که تصدیق می‌کنیم مسیح بر مرگ و قبر غالب شد، در واقع اعتراف می‌کنیم که او طریق بخشایش گناهان را مهیا کرده، و ما را بر گناه غالب ساخته است. ما ایمان داریم که مسیح قادر است به ما در غلبه بر وسوسه و داشتن یک زندگی روحانی

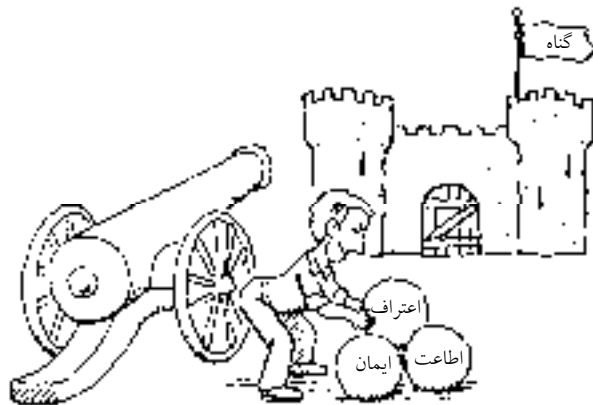
کمک کند. همچنین ایمان داریم که اگر بر او توکل کنیم، او قادر است زندگی ما را هدایت کند و برای آن حیات جاودانی که با او در آسمان خواهیم داشت، ما را آماده سازد.

۴- چرا قیامت مسیح از مردگان برای نجات ما اهمیت دارد؟ ارتباط آن را با گناه آدم بیان کنید.

اطاعت

بعد از اینکه به گناهان خود اعتراف کردیم و مسیح را به عنوان خداوند و سرور خود پذیرفتیم، باید مطیع او و کلامش باشیم و از این طریق محبت خود را به وی نشان دهیم. مسیح در مورد اهمیت اطاعت، با شاگردان خود سخن گفت:

«اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگاه دارید. هر که احکام مرا دارد و آنها را حفظ کند، آن است که مرا محبت می نماید؛ و آنکه مرا محبت می نماید، پدر من او را محبت خواهد نمود و من او را محبت خواهم نمود و خود را به او ظاهر خواهم ساخت. اگر کسی مرا محبت نماید، کلام مرا نگاه خواهد داشت و پدرم او را محبت خواهد نمود و به سوی او آمده، نزد وی مسکن خواهیم گرفت» (یوحنا ۱۴:۱۵ و ۲۱ و ۲۳).



در قسمت بعدی این درس، به بعضی از تعالیم مسیح اشاره خواهیم کرد و اینکه چطور اطاعت از احکام او کمک خواهد کرد تا از بروز بعضی مشکلات جلوگیری شود و برای دیگران راه حل‌هایی پیدا شود.

۵- آیا شما مشکل گناه را در زندگی خود حل کرده‌اید؟ با دادن جواب مناسب به سؤالات زیر خود را ارزیابی کنید.

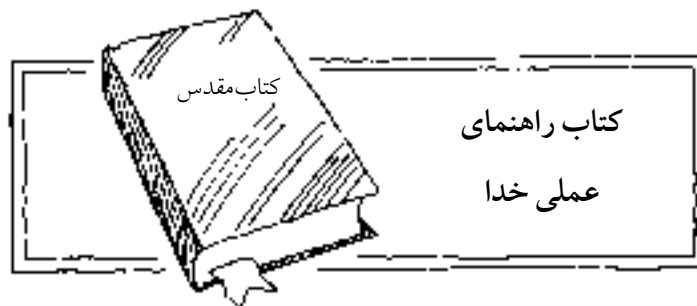
بله	خیر	
		(a) من این را درک کرده‌ام که همه انسان‌ها از جمله خودم گناهکار هستند.
		(b) من گناهان خود را به خدا اعتراف کرده‌ام.
		(c) من اعتراف کرده‌ام که مسیح خداوند من است.
		(d) ایمان دارم که مسیح از مردگان قیام کرده و با رستخیز خود از مردگان به من قدرت غلبه بر گناه، مرگ و قبر را داده است.
		(e) ایمان دارم همانطور که مسیح مشکل گناه را در زندگی من حل کرد، قادر است مرا در پیدا کردن راه حل برای سایر مشکلات کمک کند.
		(f) من می‌خواهم مطیع مسیح و کلام او باشم.
		(g) ایمان دارم که اطاعت مانع بروز بسیاری از مشکلات می‌شود.

اجازه دهید کلام خدا هادی شما باشد

یک مسیحی نباید برای رهایی از شرایط دشوار، به هر راه حلی متوسل شود بلکه باید با رجوع به کتاب مقدس، جوابی سازگار با ایمان مسیحی خود بیابد. مهم است بدانیم که یک ایماندار از چه روش‌هایی برای حل مشکلات استفاده می‌کند.

اول، مسیحی کسی است که در زندگی مطیع عیسی مسیح است. بنابراین باید تمام راه‌حل‌هایی که برای مشکلاتش در نظر می‌گیرد، مطابق با کلام خدا و مخصوصاً تعالیم عیسی مسیح و شاگردانش باشد. کلام خدا به روشنی درباره اعمال صحیح و شایسته سخن می‌گوید. بنابراین راه‌هایی که مخالف کلام خدا است، باید کنار گذاشته شود.

دوم، کتاب مقدس، کتاب راهنمای عملی خدا است برای ما. هنگام فروش ماشین‌آلات یک شرکت سازنده، یک کتاب راهنمای عملی از طرف آن شرکت به خریدار داده می‌شود که در آن کتاب، نحوه استفاده از آن دستگاه نوشته شده است. به همین صورت، خدا که انسان‌ها را خلق کرده، می‌داند چه چیزی باعث موفقیت آنها می‌شود. کتاب مقدس، یک کتاب راهنمای عملی است که خدا برای مسیحیان تدارک دیده است. رد کردن این دستورالعمل‌ها، در واقع به معنای دعوت کردن از مشکلات و سختی‌ها به زندگی می‌باشد. در درس اول نیز دیدیم که ناطاعتی، موجب بروز مصیبت می‌شود.



در اینجا امکان آن نیست که تمام آیات کلام خدا را که در مورد روش زندگی است بیان کنیم، اما در حین مطالعه این دوره و بررسی بعضی از مشکلات خاص، نظر کلام خدا را در مورد آنها بررسی خواهیم نمود. تعدادی از این راهنمایی‌ها در ده فرمان (خروج ۱:۲۰-۱۷) و موعظه بالای کوه مسیح (متی باب‌های ۵ تا ۷) بیان شده است که بطور خلاصه آنها را بررسی خواهیم کرد.

۶- با ذکر دو دلیل بیان کنید چرا کلام خدا باید به عنوان راهنمای زندگی ما مورد استفاده قرار گیرد؟

ده فرمان

عقیده رایجی وجود دارد مبنی بر اینکه چون مسیح مجازات گناهان ما را پرداخته، ما دیگر زیر شریعت نیستیم و مسیح ما را کاملاً آزاد ساخته تا هر گونه که می‌خواهیم زندگی کنیم. کاملاً درست است که مسیح ما را از اسارت گناه رهایی داده، اما به کلام او در متی ۱۷:۵ و ۱۸ توجه کنید:

«گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا صحف انبیا را باطل سازم. نیامده‌ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم. زیرا هر آینه به شما می‌گویم، تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه یا نقطه‌ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود.»

مسیح شریعت را منسوخ نکرد بلکه به ما قدرت می‌دهد تا آن را اطاعت کنیم. خروج ۱:۲۰-۱۷ و متی باب‌های ۵ تا ۷ را مطالعه کنید. می‌بینید که مسیح نه تنها از پیروانش انتظار داشت که احکام او را به دقت رعایت کنند بلکه از آنها می‌خواهد از هر چیزی که آنها را به سمت ناطاعتی سوق می‌دهد، پرهیز کنند.

هدف از این دوره کمک کردن به شما است تا راه حل مشکلات‌تان را پیدا کنید. به منظور داشتن پایه و اساس مناسب در برخورد صحیح با مشکلات، از دیدگاه مسیحی، لازم است آنچه را که کتاب مقدس در جهت کمک به شما می‌گوید بدانید.

برای شروع، ده فرمان را با آیاتی از عهد جدید مقایسه خواهیم کرد. این آیات، با رفتار ما سر و کار دارد یعنی آنچه که ما انجام می‌دهیم. این آیات را در کلام خدا پیدا کنید و به دقت مطالعه نمایید.

عهد جدید	ده فرمان
متی ۱۹:۱۷-۱۹؛ رومیان ۸:۱۳-۱۰؛ اول قرنتیان ۹:۶-۱۱	خروج ۲۰:۳-۱۷
مرقس ۱۲:۲۹-۳۰	آیه ۳- تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد.
متی ۴:۱۰؛ اول یوحنا ۵:۲۱	آیه ۴- صورتی تراشیده و هیچ تمثالی از آنچه در بالا در آسمان است و از آنچه پایین در زمین است... برای خود مساز.
متی ۵:۳۳-۳۷ و ۶:۹؛ یعقوب ۵:۱۲ و ۳:۱۰	آیه ۷- نام یهوه خدای خود را به باطل مبر.
لوقا ۱۶:۴، عبرانیان ۱۰:۲۵ (توجه: عیسی مسیح در اولین روز هفته یعنی یکشنبه از میان مردگان قیام کرد به همین دلیل بسیاری از مسیحیان یکشنبه را به عنوان روز خداوند نگاه می‌دارند. اعمال ۷:۲۰؛ مکاشفه ۱:۱۰)	آیه ۸- روز سبت را یاد کن تا آن را تقدیس نمایی.
متی ۱۵:۴، افسسیان ۶:۱، کول ۳:۲۰؛ اول تیموتائوس ۵:۱-۲	آیه ۱۲- پدر و مادر خود را احترام نما.
متی ۲۱:۵-۲۵ و ۱۷:۱۹-۱۹؛ رومیان ۸:۱۳-۱۰؛ اول پطرس ۱۵:۴	آیه ۱۳- قتل مکن.
تیطس ۱:۶؛ یعقوب ۲:۱۱؛ متی ۵:۲۷-۲۸ و ۳۱-۳۲؛ متی ۱۹:۴ و ۳:۷، رومیان ۹:۶؛ اول قرنتیان ۹:۶	آیه ۱۴- زنا مکن.
متی ۱۸:۱۹؛ رومیان ۹:۱۳؛ افسسیان ۴:۲۸؛ اول پطرس ۴:۱۵	آیه ۱۵- دزدی مکن
متی ۴۳:۵-۴۴ و ۱۸:۱۹؛ کولسیان ۴:۶؛ تیطس ۲:۸؛ یعقوب ۳:۲-۳	آیه ۱۶- بر همسایه خود شهادت دروغ مده.
مرقس ۱۲:۳۱؛ رومیان ۹:۱۳ و ۱۵:۱-۲؛ غلاطیان ۵:۱۴؛ یعقوب ۸:۲	آیه ۱۷- به خانه همسایه خود طمع موز...

۷- در مثال‌های زیر کدامیک از قوانین ده فرمان نقض شده است. مشکلاتی را که احتمالاً پیش خواهد آمد، حدس بزنید.

رفتار	فرمان نقض شده	نتایج احتمالی
(a) برای یوسف کار از همه چیز مهمتر است، حتی از رابطه‌اش با خدا و خانواده‌اش.		
(b) دوست هانری سؤالات امتحانی را دزدید و کپی آن را به هانری داد تا قبل از امتحان جواب‌ها را پیدا کند.		
(c) هومر در اداره، شیفته زنی شده که متأهل است و در نتیجه به همسرش خیانت می‌کند.		
(d) مریم نسبت به همسایه‌اش که ماشین جدیدی خریده، حسادت می‌کند. پس در بین دوستان چنین شایعه‌پراکنی می‌کند که این همسایه از طریق راه‌های نادرست پول آن را فراهم کرده است.		

۸- اکنون همین روش را برای مشکلات خودتان یا افرادی که از مشکلاتشان باخبر هستید، بکار ببرید. رفتار نادرست، قانونی که نقض شده، و نتایج حاصله از آن را بنویسید.

خدا این قوانین را از این جهت نداده که ما را غلامان خود بسازد. او این قوانین را به ما داده، چون می‌داند که با پیروی از آنها می‌توان از مشکلات بسیاری اجتناب کرد و زندگی شاد و موفق داشت.

روش‌های برخورد

روزی طی صحبتی که با چند نفر داشتم، درباره خانمی شنیدم که به شهری که در چند صد کیلومتری خانه‌اش قرار داشت، نقل مکان کرده بود. یکی از حاضرین گفت:

«خانم محمدی چون خیلی غمگین بود، به آنجا نقل مکان کرد. ولی در آنجا هم همچنان غمگین خواهد بود، چون مشکل و غم او در درونش است.»

این دوست، درباره حقیقت مهمی صحبت می کرد. اگر روش برخورد ما با مسئله ای اشتباه باشد، هیچ راه حل خارجی نمی تواند به ما کمک ماندنی و پایدار کند. ولی وقتی با روش صحیح با مشکل مان برخورد کنیم، می توانیم انتظار پیروزی داشته باشیم، حتی اگر به راه حل مورد نظرمان نرسیم.

مسیح در مورد روش برخورد ما با مسائل، بسیار سخن گفت. خوشا به حال ها که قسمتی از موعظه بالای کوه مسیح است، به ما می گوید چطور باید باشیم.

در کتاب «رشد و بلوغ روحانی»، ریک هوارد، مطالبی در مورد خوشا به حال ها نوشته است. خوشا به حال ها که در متی باب ۵ آیات ۳ الی ۱۰ ذکر شده، در واقع طرز برخوردهای شخصیتی و درونی ما است که روح القدس آنها را در قلب کسانی که به او اجازه بدهند، بوجود می آورد.

۹- در این تمرین، ما سخنان آقای ریک هوارد درباره خوشا به حال ها را خلاصه کرده، در ستون سمت راست جا داده ایم. طرز برخوردهایی که مخالف تعلیم مسیح هستند نیز در ستون سمت چپ نوشته است. متضاد هر یک از خوشا به حال ها را از ستون سمت چپ یافته، در جلوی آن بنویسید. آیا می بینید که چطور طرز برخورد اشتباه می تواند منبع مشکلات باشد و یا وضعیت موجود را بدتر بسازد؟

- | | |
|--|-----------------|
| (a) آیه ۳- مسکین در روح، متکی به خدا | (۱) خودخواه |
| (b) آیه ۴- ماتمیان، غمگین بودن به علت | (۲) نامطیع |
| گناه که نتیجه آن اعتراف و توبه است. | (۳) مغرور |
| (c) آیه ۵- فروتنان، فروتنی و تسلیم بودن به خدا | (۴) متکی به خود |
| (d) آیه ۶- گرسنگان و تشنگان عدالت، اطاعت | (۵) مأیوس |
| (e) آیه ۷- رحم کنندگان، بخشیدن اشتباه دیگران | (۶) گناه آلود |
| (f) آیه ۸- پاک دلان، مقدس بودن | (۷) عدم بخشش |

- g) آیه ۹- صلح‌کنندگان، در صلح و آشتی
بودن با دیگران (یعقوب ۱۷:۳ و ۱۸)
h) آیه ۱۰- زحمت‌کشان برای عدالت، اعتماد
به خدا در همه چیز

محبت، کلید است

در کتاب مقدس، محبت به عنوان کلید یافتن راه حل مشکلات معرفی شده است. یک بار شخصی از مسیح پرسید: «اول همه احکام کدام است؟» (مرقس ۱۲:۲۸) و مسیح چنین پاسخ داد (مرقس ۱۲:۲۹-۳۱):

«اول همه احکام این است که بشنو ای اسرائیل، خداوند خدای ما خداوند واحد است. و خداوند خدای خود را به تمامی دل و تمامی جان و تمامی خاطر و تمامی قوت خود محبت نما، که اول از احکام این است. و دوم مثل اول است که همسایه خود را چون نفس خود محبت نما. بزرگتر از این دو، حکمی نیست.»

۱۰- اول قرن‌تین ۴:۱۳-۸ را بخوانید و ستون‌های زیر را پر کنید.

محبت	محبت	محبت	محبت
-----	-----	-----	-----
-----	-----	-----	-----
-----	-----	-----	-----
-----	-----	-----	-----
-----	-----	-----	-----

لحظه‌ای فکر کنید. اگر ما حقیقتاً همین محبتی را که پولس بیان می‌کند از خود نشان می‌دادیم، از مشکلات بسیاری می‌شد اجتناب کرد. این روش و طرز برخوردی

است که خدا از ما انتظار دارد و در صورت انجام آن دیگر احتیاجی نیست نگران شکسته شدن حکم خدا باشیم. در رومیان ۸: ۱۳-۱۰ پولس رسول می‌فرماید:

«مدیون احدی به چیزی مشوید جز به محبت نمودن با یکدیگر، زیرا کسی که دیگری را محبت نماید، شریعت را به‌جا آورده باشد. زیرا که «زنا مکن، قتل مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده، طمع مورز» و هر حکمی دیگر که هست، همه شامل است در این کلام که «همسایه خود را چون خود محبت نما.» محبت به همسایه خود بدی نمی‌کند پس محبت تکمیل شریعت است.»

۱۱- مسیح چگونه شریعت را به انجام رسانید؟

۱۲- ما چگونه می‌توانیم شریعت را نگاه داریم؟

در این بخش، ما بطور خلاصه به روشی که کلام خدا برای حل مشکلات ارائه می‌دهد، اشاره کردیم. هم‌زمان که در این درس پیش می‌رویم تا نگاهی بیافکنیم به پاسخ‌هایی که کلام خدا در رابطه با مشکلات خاص به ما می‌دهد، شاید بخواهید مجدداً به این آیات رجوع کنید. در تعالیم مسیح و رسولان، راهنمایی‌های عملی بسیاری برای زندگی روزانه ما وجود دارد و ما می‌توانیم با مطالعه کلام خدا و بکار بستن آنها در زندگی روزمره، نفع بسیار ببریم.

استفاده از منابع دیگر

دعا و هدایت روح القدس

به‌عنوان خدمتی شخصی به شما، خدا کمک‌تان خواهد کرد تا مشکلات‌تان را حل کنید. شما می‌توانید مشکلات‌تان را در دعا به حضور خدا بیاورید و او راه حل را به شما نشان خواهد داد، بطوری که خواهید دانست که چه کاری باید انجام دهید و

یا اینکه از طریق‌های دیگر مشکل شما را حل خواهد کرد. داشتن چنین رابطه‌ای با خدا باعث می‌شود تا عادت کنیم که همواره با او گفتگو کنیم.

۱۳- آیات نوشته شده در ستون سمت چپ را بخوانید و روشی را که دعا باعث حل مشکلات می‌گردد از ستون سمت راست یافته، آیه مربوطه را جلوی آن بنویسید.

- | | |
|-----------------------------|----------------------|
| (a) غلبه بر وسوسه | (۱) اول تواریخ ۱۱:۱۶ |
| (b) شادمان شدن | (۲) متی ۴۱:۲۶ |
| (c) افزایش استقامت و مداومت | (۳) یعقوب ۱۳:۵ |
| (d) قوت یافتن | (۴) افسسیان ۱۸:۶ |
| (e) رهایی از رنج و درد | (۵) یوحنا ۲۴:۱۶ |

کلام خدا در یوحنا ۱۳:۱۶ وعده می‌دهد که روح‌القدس ما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد. همچنین می‌توانید از روح‌القدس بخواهید که هر روزه شما را هدایت نماید. روح‌القدس همیشه شما را بر اساس کلام خدا راهنمایی خواهد نمود.

«کلام تو (خدا) برای پایهای من چراغ و برای راههای من نور است.

قسم خوردم و آن را وفا خواهم نمود که داوری‌های عدالت تو را نگاه خواهم داشت.» (مزمور ۱۱۹:۱۰۵ و ۱۰۶)

باید به دعا‌های دائمی که همراه با تشکر و شکرگزاری است، اطاعت را نیز افزود، که قبلاً در مورد آن سخن گفتیم. آیا متوجه شدید که نویسنده مزمور ۱۱۹ نور بودن کلام خدا را برای راه‌هایش، به قولی که برای اطاعت از کلام خدا می‌دهد، مربوط می‌سازد؟ جواب دعا و اطاعت همیشه تنگاتنگ یکدیگر پیش می‌روند. دعا می‌تواند مشکلات عظیمی را حل نماید.

۱۴- لوقا ۱۲:۱۲، یوحنا ۲۶:۱۴ و اول قرنتیان ۱۳:۲ را بخوانید و بیان کنید که روح‌القدس برای ما چه کاری انجام می‌دهد.

عقل سلیم و استدلال

خدا به همه انسان‌ها این قابلیت و توانایی را داده که با در نظر گرفتن واقعیت‌های آشکار قضاوت کنند. خدا انتظار دارد که ما از این توانایی استفاده کنیم. شما احتمالاً هر روزه بسیاری از مشکلات را به وسیله عقل سلیم و استدلال حل می‌کنید. در واقع این عملکرد آنقدر برای ما طبیعی است که حتی متوجه آن نمی‌شویم. برای مثال، بچه‌های همسایه برای یکی از دوستانم مشکلی پیش آورده بودند. آنها هر روز صبح به حیاط خانه او می‌آمدند و با بچه‌های او بازی می‌کردند و اغلب تمام روز را در آنجا می‌ماندند. دوستم نخست همه مسائل زیر را در نظر گرفت:

۱- برای او، نزدیک بودن به بچه‌هایش خیلی مفید بود چون می‌توانست مواظب کارهایشان باشد.

۲- فرزندان او احتیاج داشتند که اغلب با بچه‌های دیگر باشند.

۳- حضور این همه بچه در حیاط، آن هم برای تمام روز، باعث ناراحتی و به هم خوردن آرامش او می‌شد.

برای حل این مشکل، چندین راه حل معقول وجود داشت. دوست من با استفاده از قدرت استدلال خود ساده‌ترین راه حل مشکل را در این دید که از مدت زمانی که بچه‌ها برای بازی به حیاط منزلش می‌آمدند، بکاهد.

گاهی اوقات می‌بینیم که چطور خدا به روشی عجیب و غیر معمول یکی از مشکلاتمان را حل می‌کند. او ممکن است ما را به راه‌هایی هدایت کند که برای مردم غیر قابل درک باشد. با وجود این، برای بسیاری از موارد روزانه، عقل و قدرت استدلال و برهان مهمترین وسایل حل مشکل هستند.

۱۵- کدام یک از موارد زیر راه حل‌های غیر معقول برای مشکل ذکر شده هستند؟

- (a) سرزنش سایر مادران برای نگاه نداشتن فرزندانشان در حیاط منزل خودشان.
- (b) با همکاری بقیه مادرها، ترتیبی بدهند که بچه‌ها هر روز در حیاط منزل یکی از آنها بازی کنند.
- (c) به فرزندان خودش اجازه بازی در حیاط منزل را ندهد تا بدین صورت از آمدن بقیه بچه‌ها جلوگیری کند.
- (d) به بچه‌های همسایه بگوید که فقط بعد از اجازه گرفتن از او حق دارند برای بازی به حیاط منزل بیایند.

۱۶- کدام یک از موارد زیر نمونه‌هایی از استفاده از عقل سلیم و استدلال در حل مشکلات هستند؟

- (a) مطالعه دقیق درس برای قبول شدن در امتحان.
- (b) بهانه آوردن برای کار احمقانه‌ای که انجام داده‌ایم.
- (c) استراحت بعد از یک کار سخت و طاقت‌فرسا.
- (d) برای اجتناب از روبرو شدن با شخصی که نسبت به ما نامهربان بوده، از خیابان عبور می‌کنیم.
- (e) درخواست بخشش از کسی که او را رنجانیده‌ایم.
- (f) نخریدن ساعت جدید تا زمانی که قسط‌های قبلی پرداخت شوند.
- (g) دوری از افرادی که روی ما تأثیر بد می‌گذارند.

وجدان و پرهیزکاری

وجدان، بیان‌کننده آن صدا یا احساس درونی است که به ما می‌گوید چه چیزی درست است و چه چیزی غلط. «گاهی اوقات» وجدان می‌تواند ما را در حل مشکلات کمک کند. باید بگوییم «گاهی اوقات»، چون اگر قبلاً وجدان‌تان را نادیده گرفته‌اید، ممکن است پیغام آن واضح و مشخص نباشد. این واقعیت تلخ و

ناراحت کننده در رومیان ۱: ۱۸-۳۲ بیان شده است. این الگو در آیه ۲۸ توضیح داده شده است:

«و چون روا نداشتند که خدا را در دانش خود نگاه دارند، خدا ایشان را به ذهن مردود واگذاشت تا کارهای ناشایسته بجا آورند.»
عدم توجه به هشدارهای وجدان، باعث خاموش شدن صدای وجدان می شود.
اگر از روح القدس بخواهید که شما را هدایت کند و مطیع تعالیم او باشید، آنگاه می توانید در مورد چیزهای اشتباه به هشدارهای وجدان تان تکیه کنید.



کسی که نسبت به هشدارهای وجدانش حساس است، زمانی که کار اشتباهی انجام می دهد، به دلیل داشتن احساس تقصیر، از خدا طلب بخشش می کند. با اهمیت دادن به صدای درونی (هشداردهنده)، وجدان خودتان را بیدار و حساس نگاه دارید. وجدان حساس، برای حل مشکلات به شما کمک خواهد کرد و خواهید دانست که کدام یک از راه ها را باید رد کنید.

پرهیزکاری، در سه قلمرو به ما کمک می کند تا از مشکلات پیشگیری کنیم و یا مشکلات موجود خودمان را حل نماییم. این سه قلمرو عبارتند از: افکار، گفتار و رفتار. من اینها را با وجدان مربوط ساختم چون هر وقت ما در یکی از آنها ضعیف می شویم، وجدان مان به ما هشدار می دهد.

ریشه صحبت‌ها و رفتارهای ظاهری ما در افکارمان است. مسیح تعلیم داد که ریشه قتل در افکار و سخنان خشمگینانه است و همچنین زنا در افکار ناپاک و گناه‌آلود ریشه دارد (متی ۵: ۲۱-۳۰). شما می‌توانید افکارتان را کنترل کنید و از غرق شدن در افکاری که می‌توانند باعث مشکل شوند، خودداری کنید.

«خلاصه ای برادران، هر چه راست باشد و هر چه مجید و هر چه عادل و هر چه پاک و هر چه جمیل و هر چه نیک‌نام است و هر فضیلت و هر مدحی که بوده باشد، در آنها تفکر کنید» (فیلیپیان ۴: ۸).

یکی از راه‌هایی که کمک می‌کند افکارتان را پاک نگه دارید، خواندن کتاب است. کتاب‌های مسیحی بی‌شماری هست که از طریق بیان مشکلات و تجارب سایر مسیحیان به ما بصیرت و آگاهی می‌بخشد. وقتی در این کتاب‌ها می‌خوانم که چطور خدا سایر مسیحیان را در مشکلاتشان راهنمایی کرده، من نیز دلگرم می‌شوم که خداوند مرا نیز هدایت خواهد نمود.

یک مسیحی باید در انتخاب کتاب‌ها و مجله‌ها، برنامه‌های رادیو و تلویزیون و سایر تفریحات، دقت فراوان کند تا از این طریق افکارش را کنترل نماید. احتمالاً کنترل زبان و گفتار از هر چیز دیگری برای ما مشکل‌تر است. یعقوب، برادر خداوند در رساله‌اش می‌فرماید:

«زیرا همگی ما بسیار می‌لغزیم. و اگر کسی در سخن گفتن نلغزد، او مرد کامل است و می‌تواند عنان تمام جسد خود را بکشد.» (یعقوب ۳: ۲)

آیات ۳ الی ۱۲ همین باب را مطالعه کنید. این آیات بر این واقعیت که زبان می‌تواند سلاح کشنده‌ای باشد، تأکید می‌کنند و اگر ما نتوانیم آن را کنترل کنیم، صد در صد برای ما مشکل‌ساز خواهد شد.

۱۷- امثال ۱۹:۱۰ و ۲۸:۱۷ و ۳۲:۳۰ را مطالعه کنید. با توجه به پیغامی که دارند، جواب صحیح را انتخاب کنید.

- a) هرگز با شخصی که از شما عاقل تر است صحبت نکنید.
- b) مواظب گفتار خود باشید- زبان خودتان را کنترل کنید.
- c) با فکر کردن درباره آن چیزی که می خواهید بگویید، نشان می دهید که شخص عاقلی هستید.

۱۸- پیغام امثال ۲۳:۲۱ و ۱۴:۱۰ چیست؟

در اینجا نتایجی از عدم کنترل زبان بیان شده است:

- ۱- جدا کردن دوستان از همدیگر (امثال ۲۸:۱۶)
«مرد دروغگو نزاع می پاشد، و نام دوستان خالص را از همدیگر جدا می کند.»
- ۲- ایجاد زخمهای کشنده (امثال ۸:۱۸)
«سخنان نام مثل لقمه های شیرین است، و به عمق شکم فرو می رود.»
- ۳- ایجاد اختلاف و تفرقه بین برادران (امثال ۱۶:۶ و ۱۹)
«شش چیز است که خداوند از آنها نفرت دارد، بلکه هفت چیز که نزد جان وی مکروه است. شاهد دروغگو که به کذب متکلم شود؛ و کسی که در میان برادران نزاعها پاشد.»

زمانی که یاد بگیرید بر افکار و گفتار خود تسلط داشته باشید، خواهید توانست رفتارتان را نیز کنترل کنید. در تمام این موارد احتیاج به کمک روح القدس خواهید داشت چرا که انسانیت گناه آلودتان شما را به سوی انجام کارهای غلط سوق خواهد داد. پولس رسول این واقعیت را تشخیص داده بود و آن را در رومیان ۱۸:۷، ۱۹ و ۲۴ و ۲۵ بیان می کند.

«زیرا می دانم که در من یعنی در جسد من هیچ نیکویی ساکن نیست، زیرا که اراده در من حاضر است اما صورت نیکویی کردن نی. زیرا آن نیکویی را که می خواهم نمی کنم، بلکه بدی را که نمی خواهم می کنم.»

وای بر من که مرد شقی‌ای هستم! کیست که مرا از جسم این موت
رهایی بخشد؟ خدا را شکر می‌کنم به وساطت خداوند ما عیسی
مسیح.....»

۱۹- تعیین کنید کدام یک از جملات زیر در رابطه با وجدان و پرهیزکاری
درست هستند.

- (a) وجدان من در واقع یک صدای درونی است که خدا آن را برای محافظت من
در برابر گناه به من بخشیده است.
- (b) حتی زمانی که صدای وجدان را نادیده می‌گیرم، باز هم این وجدان در مورد
چیزهای غلط بطور واضح به من هشدار خواهد داد.
- (c) فقط تا زمانی که اجازه می‌دهم روح‌القدس مرا هدایت کند و تعلیم بدهد،
می‌توانم انتظار داشته باشم که وجدانم مرا به شکل درست راهنمایی کند.
- (d) آن چیزی که می‌گویم و انجام می‌دهم ریشه در تفکراتم دارد.
- (e) چیزهایی که می‌خوانم و می‌شنوم تأثیر پایداری بر تفکرات من ندارد.
- (f) اگر بتوانم زبان خود را کنترل کنم، آنگاه می‌توانم بر سایر قسمت‌های زندگی
خود نیز کنترل داشته باشم.
- (g) در زندگی برای موفقیت در پرهیزکاری، احتیاج به قدرت مسیح دارم.

افراد دیگر

اگر از وجدان، عقل سلیم و درک خود پیروی کنید، بسیاری از مشکلاتتان قابل
حل خواهد بود. همچنین می‌توانید جواب سایر مشکلات خود را از طریق دعا و
هدایت روح‌القدس بیابید. گاهی یک مشکل آنقدر جدی و شخصی است که باید
فقط آن را به حضور خدا بیاورید و اجازه دهید که او جواب آن را در قلب شما
بگذارد. اما در اکثر موارد خدا از دیگران نیز به عنوان وسیله‌ای برای پیدا کردن راه
حل مشکلاتتان استفاده می‌نماید.

دوستان و افرادی که به فکر ما هستند

امکان دارد در جستجوی دوستی عاقل و دیندار باشید (شخص رازداری که می‌توان به او اعتماد کرد). دوستان این حسن را دارند که از نظر احساسی مانند ما درگیر موضوع نیستند و در نتیجه می‌توانند مشکل را از بیرون و از جنبه‌ای دیگر ببینند. اما نصیحت آنها باید همیشه منطبق با تعلیم کلام خدا باشد.

اغلب دوستان مسیحی می‌توانند از این طریق باعث برکت همدیگر شوند. گروه‌های دعا، کلاس‌های کانون شادی، و سایر گروه‌های داخل کلیسا می‌توانند با همدیگر مشارکت داشته باشند و با هم دعا کنند. من شاهد دریافت جواب‌های عالی در جهت حل مشکلات بوده‌ام هنگامی که دعا‌های متحد گروهی در کلیسا انجام شده است.

از جهتی دیگر، شما می‌توانید دوست شخصی باشید که در احتیاج است. آرزوی من این است که مطالعه این درس باعث حساس‌تر شدن شما نسبت به نیازهای دیگران شود و بتوانید هر چه بیشتر آنها را در حل مشکلاتشان کمک کنید.

مشاوران حرفه‌ای

گاهی اوقات مشکلات بسیار جدی پیش می‌آید و بهترین روشی که خدا می‌تواند به ما کمک کند، استفاده از مشورت شخصی است که تحصیلات تخصصی دارد. مشکلات پزشکی و روانشناختی از این دسته می‌باشد. موضوعات حساس و مهمی وجود دارد که نباید آنها را با دوستان در میان گذاشت، چرا که امکان دارد دانش کافی برای کمک به شما را نداشته باشند. در چنین مواردی، یک شبان دلسوز، مشاوران مسیحی متخصص، دکترها و یا افراد دیگری که در زمینه مشکل شما دانش ویژه‌ای دارند، می‌توانند پند مناسب و دقیقی به شما بدهند. خدا می‌تواند از قضاوت‌های آنها استفاده کند، به همان شکلی که از قضاوت‌های شما استفاده می‌کند. دقت کنید که حتماً یک مشاور مسیحی و یا کسی را انتخاب کنید که مخالف اصول مسیحی زندگی شما نباشد.

۲۰- اشخاص نظرهای مختلفی در مورد سهم کردن دیگران در مشکلاتشان دارند. از نمودار زیر برای ارزیابی نظرهای خودتان استفاده کنید. سپس نظریات خود را با جواب صحیح داده شده، مقایسه کنید.

مخالف	موافق	
		(a) نمی‌خواهم با بیان مشکلاتم باعث ناراحتی دیگران شوم.
		(b) کمک خواستن از دیگران در هنگام مشکلات، نشانه ضعف و ناتوانی است.
		(c) دوست مسیحی ندارم که مشکلاتم را با وی درمیان بگذارم.
		(d) شرم‌آور است اگر اجازه بدهم کسی بفهمد که من مشکل دارم.
		(e) مشکلات خود را با دیگران در میان نمی‌گذارم چون مردم خودشان به اندازه کافی مشکل دارند.
		(f) من یاد گرفته‌ام که نمی‌توان در مشکلات به دیگران اعتماد کرد.
		(g) دوستان نمی‌خواهند که مشکلات من باعث ناراحتی‌شان شود.
		(h) من اغلب در مشکلاتم از دوستان مسیحی‌ام کمک می‌گیرم.
		(i) من اغلب دوستانم را در مشکلاتشان کمک می‌کنم.
		(j) هر شخص برای خودش مشکلی دارد. در نتیجه، کمک خواستن از دیگران در هنگام مشکلات شرم‌آور نیست.
		(k) برای مسیحیان این یک امتیاز است که در مسیح می‌توانند برای مشکلاتشان با برادران و خواهران خود در دعا متحد شوند.
		(l) یک مشاور خردمند تا زمانی که نخواهید مشکل شما را با دیگران در میان نمی‌گذارد.

در این درس، ما در مورد نگرش مسیحی در یافتن راه حل برای مشکلاتمان صحبت کردیم. در درس آینده، درباره اصول اساسی حل مشکلات و اینکه چگونه شما می‌توانید از این اصول برای حل مشکلات زندگی‌تان استفاده کنید، سخن خواهیم گفت. آرزوی ما این است که مطالعه این درس باعث تقویت و تشویق شما در زندگی شود.

خودآزمایی

سؤالات چند جوابی - مناسب ترین پاسخ را انتخاب کنید.

۱- اعتراف یعنی پذیرش گناهکار بودن و این حقیقت که:

(a) خدا مرا دوست دارد (محبت خدا).

(b) من همسایه‌ام را دوست دارم.

(c) مسیح خداوند است.

۲- مهمترین مشکلی که همیشه در زندگی با آن روبرو هستیم:

(a) خودخواهی است.

(b) گناه است.

(c) عدم پرهیزکاری است.

۳- قیامت مسیح از مردگان برای نجات من ضروری است چون:

(a) راهی برای رهایی من از مجازات گناه مهیا می‌کند.

(b) به گناه آدم و طبیعت گناه‌آلود من مربوط است.

(c) تنها دلیل من برای اثبات پسر خدا بودن مسیح است.

(d) باعث غلبه من بر گناه می‌شود.

۴- به چه طریقی محبت خود را نسبت به مسیح ثابت می‌کنیم؟

(a) بیان اینکه او را دوست داریم.

(b) دوری کردن از عصبانی شدن.

(c) اجتناب از مشکلات.

(d) اطاعت از کلام او.

۵- تمام راه حل‌های ممکن برای یک مشکل باید در پرتو امتحان شود.

(a) عقل سلیم

(b) وجدان

(c) کتاب مقدس

d) نصیحت دوستان

سؤالات صحیح و غلط - جملات صحیح را با حرف «ص» و جملات غلط را با حرف «غ» مشخص کنید.

- ۶- کتاب مقدس شامل دستورات خدا برای اجتناب از مشکلات است.
- ۷- مسیح آمد تا شریعت را باطل کند.
- ۸- تعالیم مسیح نسبت به قوانین عهد عتیق از ما انتظارات کمتری دارد.
- ۹- مسیح بر آنچه که باید باشیم و آنچه که باید انجام دهیم به یک اندازه تأکید کرد.
- ۱۰- یک طرز برخورد غلط می‌تواند باعث بوجود آمدن مشکل شود.
- ۱۱- دعا و هدایت روح القدس فقط زمانی که عقل سلیم قادر به تصمیم‌گیری نیست، ضروری است.
- ۱۲- مهمترین حکم، کنترل زبان است.
- ۱۳- شریعت به وسیله یک رفتار محبتانه به انجام می‌رسد.
- ۱۴- وجدان یک شخص همان هدایت روح القدس است.
- ۱۵- اگر می‌خواهیم بر گفتار و رفتارمان تسلط داشته باشیم، باید افکار خودمان را کنترل نماییم.
- ۱۶- یک راه خوب برای ارزیابی نصیحت دوستان این است که نصیحت آنها چقدر با تعلیم کلام خدا مطابقت دارد.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۱۱- با محبت

۱- او باید به گناهان خود و همچنین خداوندی مسیح اعتراف کند.

۱۲- با محبت

۲- او ما را می‌بخشد، ما را تقدیس می‌کند و از مجازات گناه نجات می‌دهد.

۱۳- (a) ۲

(b) ۵

(c) ۴

(d) ۱

(e) ۳

۳- خدا، مسیح را از مردگان برخیزانیده است.

۱۴- او ما را تعلیم خواهد داد.

۴- مرگ از طریق گناه آدم وارد جهان شد و به همین دلیل ما دارای طبیعت گناه‌آلود هستیم؛ در واقع همه ما در گناه متولد می‌شویم. قیام مسیح از مردگان، مَهری بود بر آزادی ما از مجازات گناه. به واسطهٔ مرگ مسیح است که ما می‌توانیم زندگی جاودان داشته باشیم.

۱۵- پاسخ‌های a و c جواب‌های غیر معقول برای این مشکل است.

۵- جواب انتخابی شما- اگر شما مشکل گناه را در زندگی خود حل کرده‌اید، می‌توانید به تمام این جملات جواب مثبت بدهید. آیا شما نیاز دارید که این مشکل مهم را قبل از تلاش برای برطرف نمودن هر مشکل دیگری حل کنید؟

۱۶- (a) بله

(b) خیر

(c) بله

(d) خیر

(e) بله (این همچنین ممکن است وجدان ما را شامل شود).

(f) بله

(g) بله

۶- اول، برای اطاعت از مسیح، باید بدانیم که او از ما می‌خواهد چه کاری انجام دهیم. بنابراین تعالیم او در این زمینه راهنمای ما می‌باشد. دوم، کتاب مقدس شامل دستورات خدا است تا ما به عنوان مخلوقات او بتوانیم با اطاعت آنها زندگی موفق و پیروزی داشته باشیم.

۱۷- (b) مواظب گفتار خود باشید- زبان خودتان را کنترل کنید.

۷- (پاسخ‌های شما لازم نیست که دقیقاً شبیه پاسخ‌های من باشد. من در اینجا بعضی از نتایج را بیان نموده‌ام، امکان دارد نتایج دیگری نیز وجود داشته باشد).

فرمان نقض شده نتایج احتمالی

(a) فرمان اول- مشکلات خانوادگی، مرگ روحانی و غیره.

(b) فرمان هشتم- گناه آنان آشکار خواهد شد؛ همه از آن آگاه می‌شوند؛ و آنها از

مدرسه اخراج خواهند شد و غیره.

(c) فرمان‌های ۷ و ۱۰- احساس تقصیر؛ ناراحتی از همسرش؛ از هم‌پاشیدگی دو خانواده

و غیره.

(d) فرمان‌های ۹ و ۱۰- بدنام کردن همسایه؛ فاش شدن آنچه او در مورد همسایه گفته؛

همسایه‌اش امکان دارد با او دشمن شود و به دنبال راهی برای

صدمه زدن به او باشد.

۱۸- اگر زبان‌تان را کنترل نکنید، برای خودتان مشکلات و صدماتی بوجود

خواهید آورد.

۸- پاسخ انتخابی شما. آیا می‌توانید بفهمید که چرا خدا ده فرمان را به ما داده

است و چرا مسیح و سایر نویسندگان عهد جدید بر اهمیت اطاعت از آنها تأکید

کرده‌اند؟

۱۹- (a) صحیح

(b) غلط

(c) صحیح

(d) صحیح

(e) غلط

(f) صحیح

(g) صحیح

۹- پاسخ های انتخابی شما. پاسخ های من به قرار زیر است.

(a) ۴

(b) ۱ یا ۶

(c) ۳ یا ۱

(d) ۲

(e) ۷

(f) ۶

(g) ۸

(h) ۵

۲۰- امیدوارم که شما با جملات a تا g مخالف و با جملات h تا l موافق باشید.

۱۰-

محبت	محبت	محبت	محبت
صبور (حلیم) است	غرور ندارد	با راستی شادی	محبت
مهربان است	اطوار ناپسندیده	می کند	حسد نمی برد
	ندارد	صبر می کند	کبر ندارد
	طالب نفع خود	همه را باور می کند	سؤطن ندارد
	نیست	امیدوار است	از ناراستی
	خشم نمی گیرد	هر چیز را متحمل	خوشوقت نمی گردد
		می باشد	ساقط نمی شود

حل مشکلات با استفاده از اصول مسیحی

اگر شما در زندان اسیر بودید و نگهبانان مسلح شما را احاطه کرده بودند و نمی‌توانستید آزادانه رفت و آمد کنید، مطمئناً می‌گفتید: «من یک مشکلی دارم و یا حتی مشکلاتی دارم!» در چنین شرایطی، مطمئناً فکر می‌کردید که آزادی تنها راه حل مشکل شما است.

زمانی که پولس رسول خود را در چنین شرایطی یافت، ابداً زندانی بودنش را به عنوان یک مشکل ندید، بلکه آن را به‌عنوان یک ترتیب الهی برای زندگی‌اش پذیرفت. پولس زندانی بودن را یک امتیاز می‌دانست که خدا به او داده تا بدین وسیله از انجیل حمایت کند و آن را استحکام بخشد (فیلیپیان ۱: ۷). او به فرصت‌هایی توجه داشت که خدا به او داده بود تا عیسی مسیح را به نگهبانان قصر و خادمین خدا در آن شهر معرفی کند. در درس اول ما به عکس‌العمل پولس در رابطه با زندانی شدنش اشاره کردیم. او در زندان خوشحال بود چون می‌دانست خدا حتی در آنجا او را بکار خواهد برد.

شاید بهترین شیوه برخورد با مشکلات این باشد که آنها را فرصتی برای بکارگیری ایمان، افزایش اعتمادمان به مسیح، اثبات امانت عظیم خدا و تأیید شدن به‌وسیله خدا بدانیم. وقتی شما با مسیح برای حل مشکلاتتان همکاری می‌کنید، ایمان شما تقویت می‌شود. خدا برای هر مشکلی راه حلی مخصوص و مناسب دارد.

در این درس، ما به بررسی تعدادی از اصول مسیحی برای حل مشکلات خواهیم پرداخت. وقتی شما از این اصول پیروی کنید، می‌توانید انتظار داشته باشید که خدا در زندگی شما عمل کند و می‌توانید هر مشکلی را با شادی و پیروزی پشت سر بگذارید.



فهرست مطالب

با یک نگرش مسیحی آغاز نمایید
از عکس‌العمل‌های اشتباه اجتناب کنید
از یک روش اصولی و منظم استفاده نمایید
شاد و شکرگزار باشید

اهداف درس

- پس از مطالعه این درس شما قادر خواهید بود:
- توضیح دهید که آمادگی روحانی برای حل مشکلات متضمن چه چیزی است.
 - نمونه‌هایی از عکس‌العمل‌های اشتباه در قبال حل مشکلات را نام ببرید.
 - از یک روش حل مشکلات که بر اساس اصول مسیحی است، پیروی نمایید.
 - خدا را برای تمامی کمک‌هایش در هر شرایط شکر و سپاس گوید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- درس را بر اساس اصول داده شده، مطالعه نمایید. همه آیات کلام خدا را بخوانید و به سؤالات درس پاسخ دهید. سپس، جواب‌های خود را با پاسخ‌های داده شده در آخر درس مقایسه کنید.
- ۲- به خودآزمایی درس پاسخ داده، جواب خود را با پاسخ‌های داده شده در آخر کتاب مقایسه نمایید.
- ۳- این درس آخرین درس از بخش اول است. هر سه درس را دوباره مرور کنید و سپس به آزمون میانی شماره (۱) پاسخ دهید.

متن درس

با یک نگرش مسیحی آغاز کنید

دو پرسش مهم

اخيراً در مورد زوجی شنیدم که قصد جدا شدن از یکدیگر را داشتند. زمانی که آنها ازدواج کردند، هر دو مسیحی وقف شده بودند که با وفاداری در جلسات کلیسایشان شرکت می‌کردند، کلام خدا را می‌خواندند و با یکدیگر دعا داشتند. اما با گذشت زمان، شوهر هر چه بیشتر درگیر کارش شد، و همسرش نیز با دو فرزندشان که در طی چهار سال اول ازدواجشان به دنیا آمده بودند، مشغول بود و بدینسان هر دو بیش از حد مشغول بودند. در ابتدا، عادت مطالعه روزانه کلام و پرستش متحد را از دست دادند و به تدریج دلایل بیشتری برای دور بودن از کلیسا یافتند. به صورتی کاملاً طبیعی، زمانی که مشکلات شروع به ریشه دواندن در زندگیشان کرد، آنها آمادگی روحانی لازم برای برخورد با مشکلات را نداشتند. اگر چه هر دو کاملاً از تعلیم کلام خدا در مورد ایمان و رفتار مسیحی آگاه بودند اما نمی‌خواستند

آن را اجرا کنند، بلکه تصمیم گرفتند صرفاً از عقل خودشان برای حل مشکلات استفاده کنند.

دوستان مسیحی‌شان خیلی سعی کردند که آنها را از این کار منصرف کنند اما آنها تصمیم‌شان را برای جدا شدن گرفته بودند. آنها نمی‌خواستند آن چیزی را که کلام خدا در مورد طلاق می‌گوید بشنوند چون می‌ترسیدند که بر تصمیمشان تأثیر بگذارد (مرقس ۱۰: ۲-۱۲ و متی ۵: ۳۱-۳۲). آنها تصمیم خود را عملی کردند و در نتیجه با مشکلات بزرگتری درگیر شدند.

با انتخاب این راه حل که مخالف اراده مکشوف شده خدا در کلامش بود، این زوج جوان خودشان را از برکات زیر محروم کردند:

- ۱- قوت و نیروی الهی که تا پایان حل یک مشکل عمل می‌کند.
- ۲- صلح و آرامشی که ثمره اطاعت است.
- ۳- هدایت روح‌القدس تا اراده خدا آشکار شود.
- ۴- قدرت خدا در جواب دادن به یک مشکل به روش فوق طبیعی و دور از انتظار.

این زوج نمونه‌ای از افرادی هستند که به دو سؤال مهمی که من اغلب در هنگام مشکلات از خود می‌پرسم، جواب اشتباه می‌دهند. این دو سؤال عبارتند از:

- ۱- آیا واقعاً می‌خواهم اراده خدا را در رابطه با این مشکل بدانم؟
- ۲- آیا زمانی که اراده خدا را فهمیدم، واقعاً می‌خواهم آن را انجام دهم؟

اگر زمانی که این دو سؤال را از خودتان می‌پرسید، نمی‌توانید با اطمینان جواب مثبت به آنها بدهید، مهمترین و اولین نیاز شما این خواهد بود که مدتی را برای کسب آمادگی روحانی بگذرانید و در دعا از خدا بخواهید تا به شما قدرت دهد که بگویید: «بله، می‌خواهم راه حلی را که خدا برای مشکلات من در نظر گرفته، بفهمم و آن را انجام دهم.»

۱- بر اساس آنچه در درس‌های اول و دوم یاد گرفتید، در دفتر یادداشتان به سؤالات زیر پاسخ دهید.

(a) مشکلی را که در این مثال توضیح داده شد، تشخیص دهید.

(b) ریشه مشکل را تشخیص دهید.

(c) اگر این زوج جوان مشکل اصلی و ریشه آن را تشخیص می‌دادند و آن را اعتراف می‌کردند، چه راه حل عاقلانه‌ای می‌توانستند پیدا کنند که آنها را در برخورد با سایر مشکلات کمک نماید؟

آمادگی روحانی

یکی از عوامل بسیار مهم برای موفقیت در حل مشکلات، آمادگی روحانی است. مواقعی که در فشار هستیم، زمانی است که باید مقدار دعا و مطالعه کلام خود را افزایش دهیم نه اینکه از مقدار آنها بکاهیم. حل کردن یک مشکل به روشی مسیح‌گونه چیزی نیست که ما در لحظه بروز مشکلات بتوانیم تصمیم بگیریم که آن را انجام دهیم. امکان دارد مشکلی به صورت ناگهانی پیش بیاید و احتیاج به عکس‌العمل سریع داشته باشد. یک شخص مسیحی عاقل، در یک حالت آمادگی روحانی، با قلب و ذهنی باز نسبت به هدایت روح القدس به سر می‌برد.

پولس رسول راهنمایی‌های مفیدی در اول تسالونیکیان ۵: ۱۶-۱۸، ۲۱ و ۲۲ می‌دهد:

«پیوسته شادمان باشید. همیشه دعا کنید. در هر امری شاکر باشید که

این است اراده خدا در حق شما در مسیح عیسی. همه چیز را تحقیق

کنید و به آنچه نیکو است متمسک باشید.»

آمادگی روحانی باید شامل فعالیت‌های زیر شود:

۱- داشتن وقت مشخص برای مطالعه کلام، تفکر درباره آنچه که از کلام خوانده شده و دعای هر روزه. ذهن خود را نسبت به تعلیم کلام خدا باز کنید و اجازه دهید روح القدس افکار شما را کنترل کند.

- ۲- به تعالیم روحانی که توسط شبان یا سایر معلمان بیان می‌شود، گوش فرا دهید.
- ۳- قاطعانه تصمیم بگیرید که مشکلات را بر طبق تعلیم کلام خدا مورد بررسی قرار دهید، حتی اگر انجام دادن راه حلی که کلام خدا معرفی می‌کند، مشکل باشد.

۲- در مورد مشکلی که در حال حاضر دارید فکر کنید و آمادگی روحانی خود را برای حل مشکل و درک اراده خدا ارزیابی کنید. سپس پاسخ‌های مناسب را انتخاب کنید:

خیر	بلی	
		(a) من می‌خواهم اراده خدا را درباره این مشکل بدانم.
		(b) من کلام خدا را مطالعه کردم تا ببینم تعلیم کلام خدا در مورد مشکل من و یا شرایط مشابه آن چیست؟
		(c) از روح‌القدس می‌خواهم که مرا در فهمیدن اراده خدا هدایت کند.
		(d) اگر برای فهمیدن تعلیم کلام خدا به کمک احتیاج داشته باشم با شبان کلیسا و یا یکی از دوستان مسیحی خردمند خود مشورت خواهم کرد.
		(e) من تصمیم گرفته‌ام که اراده خدا را به جا آورم حتی اگر برای من سخت باشد.

آمادگی روحانی پیشاپیش به شما کمک خواهد کرد تا اراده خدا را بدانید. به شما قدرت خواهد داد و تشویق خواهید شد تا بهترین راه حل را انجام دهید و شما را از تصمیم‌گیری‌هایی که باعث بروز مصیبت می‌گردد، برحذر می‌دارد.

از عکس‌العمل‌های اشتباه اجتناب کنید

آمادگی روحانی به شما کمک خواهد کرد تا از برخوردهای غلط و متداول در هنگام مشکلات دوری کنید. بسیاری از این رفتارهای غلط جزو یکی از تقسیم‌بندی‌های زیر قرار می‌گیرند: خشم - انزواطلبی - و اتکا به تلاش انسانی. اجازه دهید هر کدام از آنها را به طور خلاصه بررسی کنیم.

خشم

اولین عکس‌العمل بسیاری از مردم هنگامی که مورد آزار و اهانت قرار می‌گیرند و یا کار اشتباهی در موردشان صورت می‌گیرد، این است که با خشم و یک حالت تهاجم با آن برخورد می‌کنند. این عکس‌العمل می‌تواند به صورت‌های مختلف باشد: عصبانیت نسبت به سایر اشخاص، نسبت به خدا و یا شرایط؛ متهم ساختن دیگران و یا انداختن تقصیر به گردن دیگران؛ و انتقام‌جویی. بسیار طبیعی است اگر وقتی که آزردده‌خاطر هستیم، بخواهیم شخصی را که باعث این آزرده‌گی شده، مورد آزار قرار دهیم. اما این طریقی نیست که مسیح از ما خواسته انجام دهیم. این یک اشتباه متداول است. روش مسیح عبارت است از:

«شنیده‌اید که گفته شده است چشمی به چشمی و دندانی به دندانی، لیکن من به شما می‌گویم، با شریر مقاومت نکنید بلکه هر که به رخساره راست تو طپانچه زند، دیگری را نیز به سوی او بگردان. شنیده‌اید که گفته شده است همسایه خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن، اما من به شما می‌گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن‌کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند، دعای خیر کنید، تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید، زیرا که آفتاب خود را بر بدان و نیکان طالع می‌سازد و باران بر عادلان و ظالمان می‌باراند.» (متی ۵: ۳۸-۳۹ و ۴۳-۴۵)

در حقیقت، زمانی که ما خشم خود را به خداوند می‌سپاریم، می‌توانیم به خدا اطمینان کنیم که از ما محافظت می‌نماید. پولس رسول می‌فرماید:

«ای محبوبان انتقام خود را مکشید بلکه خشم را مهلت دهید، زیرا مکتوب است خداوند می‌گوید که انتقام از آن من است، من جزا خواهم داد.» (رومان ۱۲: ۱۹)

مسیح نمونه کامل ما است. او هرگز از کسی رنجید یعنی وقتی دیگران باعث ناراحتی او شدند، از آنها رنجیده‌خاطر نشد و هرگز از روی خشم عکس‌العمل نشان نداد. زمانی که او بر روی صلیب بود، به سربازان رومی نگاه می‌کرد که او را زدند و آب دهان بر او انداختند و در نهایت بر صلیب می‌خکوبش کردند، و چنین دعا کرد: «ای پدر اینها را بیامرز زیرا که نمی‌دانند چه می‌کنند.» (لوقا ۲۳:۳۴)

اگر زمانی که مورد آزار و بدرفتاری دیگران قرار می‌گیرید، از آنها رنجید و عکس‌العملی از روی خشم نشان ندهید، آن وقت می‌توانید شادی واقعی حاصل از درک این واقعیت را که با رفتار صحیح خود بر این آزمایش غالب آمده‌اید، تجربه نمایید. این رفتار باعث قوی‌تر شدن شما می‌شود تا بتوانید در آینده بدون اینکه عصبانی شوید، با موارد مشابه برخورد کنید.

لازمه رنجیدن از دیگران، دعا و تمرین است. چه برکت بزرگی است وقتی شما بتوانید به گذشته نگاه کنید و بگویید که «خیلی خوشحالم که از روی عصبانیت عکس‌العمل نشان ندادم، بلکه توانستم شخصی را که سعی داشت مرا برنجاند، محبت کنم.»

۳- عکس‌العمل‌های ذکر شده را با توضیح مربوط به منطبق کنید.

- (a) تقصیر او است که من نتوانستم کار پیدا کنم. او عمداً مانع از کار کردن من شد.
- (b) به هر قیمتی که شده، حساب خودم را باهاش تسویه خواهم کرد.
- (c) او آن چنان باعث رنجش و آزار من شد که هرگز با او صحبت نخواهم کرد.
- (d) من صریحاً به او گفتم که در مورد مقصود و رفتار زشتش، چه نظری دارم.

(۱) خشم

(۲) تهمت زدن

(۳) رنجیدن

(۴) انتقام‌جویی

انزوطلبی

انزوطلبی یا دوری جستن از دیگران می‌تواند صورت‌های مختلف به خود بگیرد. گاهی اوقات به صورت فرار از مشکل و گشتن به دنبال پناهگاهی است. بعضی از اشخاص با پناه آوردن به مواد مخدر و یا مشروبات الکلی از حقیقت فرار می‌کنند. بعضی دیگر با لذت‌طلبی، پرخوری، کار بیش از حد و یا حتی از طریق تعصبات مذهبی سعی در گریز از حقیقت دارند. برای اجتناب از رویارویی با حقیقت، می‌توانید پشت سر هر چیزی پنهان شوید. (البته یک نوع گوشه‌گیری سازنده وجود دارد و آن وقتی است که یک مسیحی تصمیم می‌گیرد از شرایطی که باعث بروز مشکل می‌شود، دوری کند).

گوشه‌گیری گاهی اوقات به صورت انزوطلبی فیزیکی است. زن جوانی را می‌شناسم که ازدواج نکرده بود و هنوز با والدینش زندگی می‌کرد. او به تدریج نگران این موضوع شد که امکان دارد هرگز نتواند ازدواج کند و طولی نخواهد کشید که مسئولیت نگهداری از والدین سالخورده‌اش نیز بر دوش او خواهد افتاد. در حالی که برادرها و خواهرهایش که ازدواج کرده بودند در این مورد مسئولیتی نخواهند داشت. پس از مدت زمان کوتاهی، تلخی و احساس ترحمی که نسبت به خودش داشت، باعث شد بدون اینکه به کسی خبر دهد به کجا می‌رود، خانه را ترک کند.

نوع دیگر انزوطلبی، دوری جستن از دیگران است. زن بیوه‌ای را می‌شناسم که حاضر نیست به هیچ وجه خانه‌اش را ترک کند مگر در شرایط اضطراری. او از زمانی که شوهرش فوت کرده، دیگر به دیدن فامیل و دوست‌هایش نمی‌رود و بسیار تنها و غمگین است.

۴- در کدام یک از برخوردهای زیر شخص سعی می‌کند از مشکلاتش به‌وسیله انزوطلبی یا دوری جستن از دیگران فرار کند.

(a) فروتنی

(b) خودخواهی

c) احساس ترحم نسبت به خود

d) خوشی

e) امیدواری

f) تلخی

g) خشم

۵- به سؤالات زیر پاسخ دهید:

بله	خیر	
		a) آیا معمولاً زمانی که کاری موافق میل شما انجام نمی‌شود، با عصبانیت عکس‌العمل نشان می‌دهید؟
		b) آیا زمانی که اشتباهی رخ می‌دهد، حتی اگر از جانب شما باشد، تقصیر را به گردن شخص دیگری می‌اندازید؟
		c) آیا مردم همیشه باعث رنجش شما می‌شوند؟
		d) آیا اغلب اوقات در حالت گله و شکوه هستید و روحیه منفی دارید؟
		e) اگر کسی نسبت به شما اشتباهی مرتکب شود آیا شما از آن دسته افرادی هستید که تا تلافی نکنید، آرام نمی‌گیرید؟
		f) آیا تا به حال سعی کرده‌اید به جای برخورد مثبت با یک موقعیت مشکل، از آن فرار کنید و یا دوری جویید؟

تکیه صرف بر تلاش انسانی

از آنجا که تلاش انسانی همیشه یک عامل منفی نیست، آن را آخر از همه عنوان می‌کنم. خدا روح انسان را بگونه‌ای توانمند و مثبت خلق کرده که او را قادر می‌سازد به روش شگفت‌آوری بر مشکلات زندگی غالب آید. اگر هیچ تفکر مثبتی وجود نداشت، دنیای غیر مسیحی قادر به ادامه حیات خود نبود. اما فقط تکیه کردن به روح

انسان به عنوان منبع اصلی برای اداره و کنترل مشکلات زندگی، مطمئناً یک روش مسیحی نیست!

هدف و تصمیم خدا برای فرزندانش این است که با قدرت مسیح قیام کرده با مشکلات روبرو شوند تا خدا از مشکلات آنها به عنوان فرصتی برای آشکار کردن قدرت و فیض خود استفاده کند.

در نتیجه، دانستن این نکته ضروری است که هنگام برخورد با مشکلات، اتکا صرف به توانایی‌ها نمی‌تواند ما را رهایی دهد و تلاش‌های شخصی نیز مشکلات را حل نخواهد کرد، بلکه باید آنها را در دعا نزد خدا بیاوریم.



هیچ مشکلی آنقدر کوچک نیست که نشود آن را نزد خداوند برد. زمانی که با ماشین رانندگی می‌کنم و وقت کمی دارم، با توجه به مقررات متعدد و دست و پاگیر، برای پیدا کردن جای پارک دعا می‌کنم. آیا این کار احمقانه است؟ به هیچ وجه! خدا، خالق عظیمی است که از تمامی جهان نگهداری می‌کند، ولی در عین حال خدایی است که از افتادن یک گنجشک به زمین آگاه است و حتی تعداد موهای سر شما را نیز می‌داند (متی ۱۰:۲۹-۳۱). او برای کوچکترین مشکلات زندگی شما نیز فکر می‌کند و می‌خواهد به شما کمک کند. بنابراین مهمترین چیزی که در رابطه با حل مشکلات زندگیتان باید انجام دهید، پیروی از نصیحت نویسنده امثال ۳:۵-۸ است. این قسمت را بخوانید و بر اساس آن، بهترین جواب سؤالات زیر را تعیین کنید.

۶- این قسمت از امثال به شما می‌گوید که اعتمادتان باید بر:

(a) آن چیزی باشد که فکر می‌کنید.

(b) خداوند باشد.

۷- همچنین به ما می‌گوید نباید هرگز تکیه ما بر:

(a) سایر اشخاص باشد.

(b) دانسته‌های ما باشد (آن چیزهایی که فکر می‌کنیم می‌دانیم).

(c) احساسات ما باشد.

۸- اگر شما در هر کاری که می‌کنید خداوند را به یاد بیاورید، آن وقت می‌توانید انتظار داشته باشید او:

(a) راه درستی را که باید بروید به شما نشان بدهد.

(b) مشکلات کمی در جلوی پای شما بگذارد.

شاید اعتماد به خدا در مشکلات کوچک، از اعتماد به او در مشکلات غامض و پیچیده، راحت‌تر باشد. اما بیاد داشته باشید که مشکلات بزرگ، فرصتی به خدا می‌دهد تا معجزه‌ای در زندگی شما انجام دهد. قدرت خدا نامحدود است زمانی که یاد می‌گیرید که همه چیز را به دست‌های او بسپارید. خدا هرگز شما را مأیوس نخواهد کرد (افسیسیان ۳:۲۰، اول یوحنا ۵:۱۴ و ۱۵ را مطالعه کنید).

۹- بیان کنید چرا نباید سعی کنیم مشکلات خود را فقط با تلاش شخصی‌مان حل کنیم؟

از یک روش اصولی و منظم استفاده کنید

تا این قسمت از درس، بنیانی گذاشته‌ایم تا به وسیله آن بر اساس اصول مسیحی، از یک روش با قاعده و منظم برای حل مشکل استفاده نماییم.

کتاب‌های بسیاری به منظور کمک به اشخاص در برخورد با انواع مشکلات نوشته شده است. این یک موضوع بسیار پیچیده است و در این رابطه نگرش‌های بسیاری وجود دارد. هدف ما ارائه راهنمایی‌هایی است که در صورت پیروی، شما به یک طرز برخورد صحیح و مسیح‌گونه دست خواهید یافت، در حالیکه به خدا اجازه می‌دهید که جواب مشکل شما را بدهد.

بعد از اینکه درباره شش مرحله یک روش نظام‌دار برای حل مشکل بحث کردیم، این فرصت را خواهید داشت که از این روش برای حل یک مشکل ذکر شده در کتاب مقدس و یا نمونه‌هایی از زندگی روزمره استفاده کنید.

در درس‌های آینده مشکلات خاص را بررسی خواهیم کرد و شما فرصت خواهید داشت تا از این شش مرحله برای مشکلات واقعی زندگی خود و یا دیگران استفاده نمایید.

مراحل حل مشکل	
روش الف	روش ب
۱- تشخیص مشکل	(برای مشکلاتی که به نظر می‌رسد جواب فوری وجود ندارد.)
(a) تشخیص ریشه مشکل	۱- مشکل را تشخیص بدهید.
(b) جستجو برای عوامل ریشه‌دارتر	۲- آنها را به حضور خدا ببرید و به او بسپارید.
۲- مشکل خود را به حضور خدا ببرید و به او بسپارید.	۳- منتظر عمل خدا در زندگی خود باشید.
۳- با توجه به تعلیم کتاب مقدس تمام راه حل‌های ممکن را بررسی کنید.	
۴- نتایج احتمالی تمام راه حل‌ها را در نظر بگیرید.	
۵- یک راه حل را انتخاب کرده، به آن عمل کنید.	
۶- نتایج حاصل از راه حل انتخابی را بسنجید و تعدیل‌های لازم را انجام دهید.	

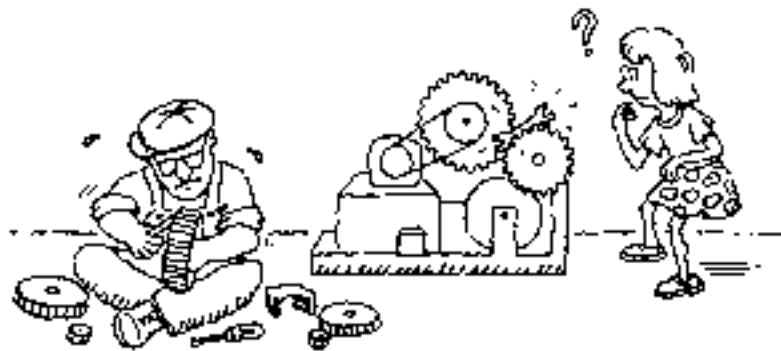
روش الف:

مرحله اول - تشخیص مشکل

تشخیص همه مشکلات کار آسانی نیست، هر چند بعضی از آنها راحت‌تر تشخیص داده می‌شوند. فرض کنید من احتیاج به پول دارم، یا همسایه من چندان فرد خوش‌آیندی نیست، و یا چشمم ضعیف می‌شود. تشخیص این نوع مشکلات راحت است.

از طرف دیگر، اگر احساس غم و ناراحتی می‌کنم بدون اینکه بتوانم دلیل خاصی را عنوان کنم، و یا شاید در خوابیدن مشکل دارم، در این صورت، لازم است خودم را به دعا و تفکر بسپارم تا ریشه مشکل را پیدا کنم و یا شاید برای پیدا کردن ریشه مشکل احتیاج به کمک دیگران داشته باشم.

۱) ابتدا شما باید منشأ و ریشه مشکل را تشخیص دهید. ما درباره منشأ مشکلات در درس اول صحبت کردیم. زمانی که این کار انجام شود، شما قادر خواهید بود بهتر با مشکلات روبرو شوید. زمانی که درک کنید که مشکل شما واقعاً می‌تواند تغییر کند، برای مرحله بعد آماده هستید.



۲) شاید لازم باشد به دنبال عوامل بنیادی‌تر بگردید. برای مثال، فرض کنید از نظر مالی برای خرید غذا در مضیقه هستید و تا چند روز دیگر هم از حقوق خبری نیست. علت این امر شاید خرج کردن پول برای چیزهای غیر ضروری است. در نتیجه، با یک برنامه‌ریزی دقیق برای آینده، می‌توانید این مشکل را به راحتی حل کنید. اما اگر می‌بینید که درآمدتان کفاف نیازهای زندگی را نمی‌دهد، باید به دنبال یک راه حل مناسب و اساسی بگردید. مشکل اصلی این است که مبلغی که خرج می‌کنید بیشتر از درآمد شماست. بنابراین، یا باید درآمد خود را افزایش دهید و یا از خرج‌هایتان بکاهید.

۱۰- بر روی یک ورقه کاغذ سؤالاتی را بنویسید که می‌توانید از آنها برای حل یک مشکل استفاده کنید. به تدریج که این مراحل را می‌خوانید، به این سؤالات اضافه کنید. مرحله اول را دوره کنید و سه یا چهار سؤالی را بنویسید که به شما برای گذشتن از این مرحله کمک می‌کند. پاسخ خود را با پاسخی که در آخر درس داده شده، مقایسه کنید.

مرحله دوم - مشکل خود را به حضور خدا ببرید و به او بسپارید

خدا از هر مشکلی که ممکن است شما داشته باشید بزرگتر است. چشمان خود را از مشکلات برداشته، به عیسی مسیح زنده که دانای مطلق، محبت مطلق و قادر مطلق است بنگرید. او برای شما فکر می‌کند (اول پطرس ۵:۷). درباره مشکل خود با خدا صحبت کنید (یعنی با صدای بلند و کلمات خودتان آن را به خدا بگویید). درست است که خدا از مشکلات آگاه است، اما می‌خواهد که مشکلات را در دعا به حضور او ببریم.

در اینجا نکته مهمی درباره مشخص و معین بودن دعا وجود دارد. یک بانوی مسیحی را می‌شناسم که درخواست‌های خودش را روی کاغذ می‌نویسد و تاریخی را که برای آنها شروع به دعا کرده، یادداشت می‌کند. او تاریخ دریافت جواب دعا را نیز می‌نویسد. او معتقد است که رجوع کردن به لیست دعاها جواب داده شده

باعث تقویت ایمانش می‌شود و امین بودن خدا را نشان می‌دهد. این کار همچنین به یادش می‌آورد که برای پاسخ‌های دعا شکرگزاری کند.

در همان حین که شما توجه خود را از روی مشکلات به خدا برمی‌گردانید، احساس خواهید کرد که بار سنگینی از روی شانه‌هایتان برداشته شده است. چون به مسیح اعتماد کرده‌اید، باید نگرانی را از خود دور کنید. بار مشکلات باید برداشته شود زیرا مسیح می‌فرماید:

«بیایید نزد من ای تمام زحمت‌کشان و گران‌باران و من شما را آرامی خواهم بخشید» (متی ۱۱:۲۸).

«و تمام اندیشه خود را به وی واگذارید زیرا که او برای شما فکر می‌کند» (اول پطرس ۵:۷).

این معنی واقعی سرسپردگی و تسلیم است و تنها چیزی که شما نیاز دارید، اعتماد قلبی است که نگرانی و ترس را از شما دور می‌کند.

۱۱- بر اساس مرحله دوم، سؤال پنجم خود را بنویسید و به لیست اولیه اضافه کنید.

مرحله سوم - با توجه به تعلیم کتاب مقدس، تمام راه حل‌های ممکن را بررسی کنید

در درس دوم، در مورد روش‌های پیدا کردن جواب صحبت کردیم. گاهی اوقات برای یک مشکل بیش از یک راه حل وجود دارد. کاری که شما باید انجام دهید، پیدا کردن بهترین جواب است. مراحل زیر را در مورد هر کدام از راه حل‌ها بکار ببرید. (۱) اصول کتاب مقدس را که به مشکل شما مربوط می‌شود، پیدا کنید. هر راه حلی را که با این اصول مغایرت دارد کنار بگذارید.

(۲) بر اساس اصول استخراج شده، بهترین جواب‌ها را برای مشکل‌تان در نظر بگیرید. از منابع خود استفاده کنید. (به درس دوم رجوع شود)

(۳) در تمام مراحل اراده خدا را طالب باشید.

۱۲- بر اساس مرحله سوم، سؤال‌های ۶ الی ۸ را به لیست خود اضافه کنید. حتماً پیش از ارجاع به سؤالاتی که من نوشته‌ام، سؤالات خود را بنویسید. این کار به شما کمک خواهد کرد تا آن چیزی را که یاد گرفته‌اید، بخاطر بیاورید.

مرحله چهارم - نتایج احتمالی تمام راه حل‌ها را در نظر بگیرید

در مورد نتایج احتمالی تصمیم زوجی که می‌خواستند طلاق بگیرند، فکر کنید. نتایج حاصل از هم پاشیدن یک خانواده، نه تنها روی زن و شوهر بلکه روی بچه‌ها نیز اثر می‌گذارد. یک تصمیم اشتباه، می‌تواند مشکلات بزرگتر از مشکل اولیه برای ما بوجود آورد. به همین دلیل، رد تمام راه حل‌هایی که مورد تأکید کلام خدا نیست، بسیار مهم است. با استفاده از منابع قابل دسترس، نتایج احتمالی هر کدام از تصمیم‌هایتان را تعیین کنید. (به درس ۲ رجوع شود)

۱۳- بر اساس مرحله چهارم، سؤال شماره ۹ را به لیست خود اضافه کنید. نتایج ابدي حاصل از تصمیم‌تان را با نتایج زودگذر این دنیا مقایسه کنید.

مرحله پنجم - یک راه حل را انتخاب کرده، به آن عمل کنید

تا این مرحله، شما مشکل را تشخیص داده‌اید و آن را در دعا به حضور خدا آورده‌اید، همینطور کلام خدا را به منظور درک تعلیمش در رابطه با مشکلات دقیقاً مطالعه کرده‌اید. همچنین شاید لازم دانستید مشکلاتتان را با یک دوست مسیحی یا شبان و یا یک مشاور در میان بگذارید. اکنون شما باید به وسیله هدایت روح القدس تشخیص دهید که اراده خدا برای شما در این شرایط چیست و سپس باید بر اساس تصمیمی که گرفته‌اید، عمل کنید. مطمئن باشید که خداوند در حل این مشکل با شما خواهد بود و شما را کمک خواهد کرد.

مرحله ششم - نتایج حاصله را بسنجید و تعدیل‌های لازم را انجام دهید

علت بیان مرحله ششم این است که احتیاج داریم نتایج حاصل از راه حل انتخابی خود را بسنجیم. گاهی اوقات پس از به اجرا در آوردن تصمیم گرفته شده، متوجه می‌شویم که بهترین راه حل را انتخاب نکردیم و در نتیجه تعدیل‌های بیشتری نیاز است. اگر بعد از انتخاب بهترین راه حل و آوردن مشکلات به حضور خدا و طلبیدن اراده و هدایت او، نتیجه مطلوب حاصل نشد، مأیوس نشوید. توانایی حل مشکل استعدادی نیست که از بدو تولد آن را به ارث ببریم بلکه از طریق تمرین یاد می‌گیریم که چگونه مشکلات را حل کنیم. اکنون زمانی است که باید خود را تفتیش کنید و ببینید آیا کاملاً خود را به اراده خدا تسلیم کرده‌اید و آماده هستید به هر جایی که شما را هدایت کند بروید؟

۱۴- برای تکمیل لیست‌تان بر اساس مرحله ششم، سؤال دهم خود را به آن اضافه کنید.

در تشخیص راه حل‌های مورد نیاز، باید این موضوع را در نظر داشت که همه ناملایمات و سختی‌ها به منزله وجود مشکلی نیستند که نیاز به راه حلی داشته باشند. اگر شرایطی وجود دارد که نمی‌توان تغییر داد، آن وقت احتیاج به تعدیلات دیگری داریم. برای حل این دسته از مشکلات، اجازه دهید روش (ب) را مورد بررسی قرار دهیم.

روش ب

مرحله اول - تشخیص مشکل

مانند روش الف عمل کنید.

مرحله دوم - مشکل خود را به حضور خدا ببرید و آن را به او بسپارید

مانند روش الف عمل کنید.

مرحله سوم - منتظر عمل خدا در زندگی خود باشید

زمانی که پولس رسول خود را در زندان در بند دید، می‌دانست که نمی‌تواند شرایط را تغییر دهد. خدا قبلاً او را از زندان رهانیده بود اما این بار، اجازه داد که او در زندان بماند (اعمال باب ۱۶). در هر حال پولس منتظر بود که خدا برای خیریت او عمل کند. در نتیجه، خداوند به طریق عجیبی از او برای اعلام انجیل در زندان استفاده کرد.

در برخورد با این نوع از مشکلات، واقعی‌ترین راه حل این است که با شادی شرایط موجود را بپذیریم و قبول کنیم که قادر به عوض کردن شرایط نیستیم و اجازه دهیم که این شرایط باعث بلوغ ما و شکل‌گیری صورت مسیح در ما شود تا تبدیل به انسان‌هایی دلسوز و پر رحم و شفقت نسبت به دیگران شویم. این واقعیت را به یاد بیاورید که:

«و می‌دانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست می‌دارند و به حسب اراده او خوانده شده‌اند همه چیزها برای خیریت ایشان با هم در کار می‌باشند» (رومیان ۸: ۲۸).

صحیح نیست اگر دائماً در این فکر باشیم که: «شرایط می‌توانست طور دیگری باشد، اگر فقط ...». چنین افکاری در واقع تلف کردن وقت و انرژی است. شما می‌توانید بدون توجه به موقعیتی که در آن هستید، انتظار داشته باشید که خدا برای خیریت شما عمل کند.

۱۵- در حل کدام یک از مشکلات زیر باید از روش ب استفاده کرد.

(a) با بدگویی درباره دوست‌تان باعث رنجش عمیق او شده‌اید.

(b) شما باید از والدین پیر خود که هیچ کمک دیگری ندارند، مواظبت کنید.

(c) مرگ همسر‌تان باعث تنها ماندن شما شده است.

(d) به علت عدم امکانات مالی مجبورید در حال حاضر در محله فقیرنشین زندگی کنید.

(e) پسر نوجوان شما منزل را ترک کرده، و نمی‌دانید به کجا رفته است.
 (f) می‌خواهید به تحصیلاتتان ادامه دهید ولی والدین شما در وضعیتی نیستند که بتوانند از نظر مالی به شما کمک کنند.

۱۶- دانیال باب یک آیات ۱ الی ۱۷ را مطالعه کنید و مراحل بیان شده برای حل مشکلات را در این مورد بررسی کنید. سپس در مقابل سؤالاتی که قبلاً نوشته‌اید، متن کتاب مقدس و راه حلی را که دانیال با کمک خدا برای حل مشکلات بکار برد، بنویسید. اگر نمی‌توانید برای بعضی از سؤالات جوابی پیدا کنید، جای آن را خالی بگذارید. برای مثال، سؤال اول می‌تواند به این صورت باشد: مشکل دانیال چه بود؟ جواب خود را یادداشت کنید.

۱۷- از هر دو روش الف و ب برای بررسی مسائل بیان شده در دانیال ۱:۶ الی ۲۸ استفاده کنید. کدام یک از این دو روش در این مورد برای یافتن جواب، مناسب‌تر است؟

شاد و شکرگزار باشید

آخرین اصل در پاسخ مسیحیت به حل مشکلات، جلال دادن خدا است.
 «پیوسته شادمان باشید. همیشه دعا کنید. در هر امری شاکر باشید که این است اراده خدا در حق شما در مسیح عیسی» (اول تسالونیکیان ۵:۱۶-۱۸).

پیوسته خدا را بپرستید. خود را عادت دهید تا در زمانی که فکر شما مشغولیت خاصی ندارد در سکوت خدا را بپرستید. این تمرین ساده باعث دگرگونی و تبدیل فکر شما خواهد شد. خدا را به خاطر امانتش و این که در مشکلات، شما را تنها نمی‌گذارد شکر کنید.

مانند پولس رسول دیگران را در برکات خود شریک سازید. پولس رسول از آنجا که نمی‌خواست مسیحیان فیلیپی نگران او باشند، در نامه‌ای که برای آنها فرستاد،

درباره امانت مسیح نوشت (فیلیپیان ۱: ۱۲). او با شادی به آنها نوشت: «پیوسته در هر دعای خود برای جمیع شما به خوشی دعا می‌کنم، به سبب مشارکت شما برای انجیل از روز اول تا به حال.» (فیلیپیان ۱: ۴-۵)

پولس همچنین از چیزهایی که یاد گرفته بود می‌نویسد، زمانی که اجازه داده بود که خدا مشکلات زندگی‌اش را حل کند. او می‌گوید:

«نه آنکه درباره احتیاج سخن می‌گویم، زیرا که آموخته‌ام که در هر حالتی باشم، قناعت کنم. و ذلت را می‌دانم و دولتمندی را هم می‌دانم، در هر صورت و در همه چیز، سیری و گرسنگی و دولتمندی و افلاس را یاد گرفته‌ام. قوت هر چیز را دارم در مسیح که مرا تقویت می‌بخشد.» (فیلیپیان ۴: ۱۱-۱۳)



شادی!

۱۸- بر اساس این درس بیان کنید چه حقیقتی باعث می‌شد که پولس رسول در هر شرایطی قانع و شادمان باشد.

۱۹- مطابق آیات کلام خدا، برای پولس چه نوع پاداشی بسیار مهم بود؟

(a) پاداش دنیوی

(b) پاداش اخروی

زمانی که می‌فهمیم مسیح بر هر شرایطی که برای ما پیش می‌آید حاکم است و به فکر ما است و برای سعادت جاودانی ما عمل می‌کند، چه کاری جز تشکر از او می‌توانیم انجام دهیم؟ او حقیقتاً شایسته پرستش است.

اکنون آماده هستیم که مشکلات خاصی را که در بین اکثر مردم رواج دارد و شما نیز امکان دارد با آنها روبرو باشید، بررسی کنیم.

در فصل آینده درباره مشکلات در روابط صحبت خواهیم کرد. دعای ما این است که مطالعه این قسمت کمک زیادی به شما بکند.

خودآزمایی

در این خودآزمایی، جزئیات سه مشکل و نتایج آنها بیان شده است. بعد از مطالعه آنها، به سؤالات مطرح شده، بر اساس اصول بیان شده در این درس پاسخ دهید. سپس، پاسخ خود را با جواب‌های داده شده در آخر درس مقایسه کنید.

۱- رایموند و آرلین فرزندان شبان یک کلیسای کوچک بودند. درآمد این شبان بسیار محدود بود. رایموند همیشه آرزو داشت که در آینده یک دکتر بشود. در نتیجه وقتی به سن دانشگاه رسید، والدینش تصمیم گرفتند که با پس‌اندازی که داشتند، او را به یک کالج پزشکی بفرستند. این بدین معنا بود که پولی برای رفتن آرلین به دانشگاه باقی نمی‌ماند. والدین آرلین فکر می‌کردند که او ازدواج خواهد کرد و به دانشگاه نخواهد رفت. اما آرلین نیز قصد رفتن به دانشگاه را داشت و تصمیم والدینش برای او شکست بزرگی به حساب می‌آمد و باعث ناامیدی زیاد او شد. چرا که دیگر نمی‌توانستند برای رفتن به دانشگاه، از نظر مالی به او کمک کنند. در نتیجه، آرلین در دنیای خودش غرق شد و نسبت به خودش احساس ترحم می‌کرد. او مدت زیادی از وقتش را به غصه خوردن می‌گذراند. غم شدید سلامتی او را به مخاطره انداخت و در نتیجه برای چندین هفته در همان بیمارستانی که برادرش تعلیم می‌دید، بستری شد. رایموند یک مسیحی وقف شده بود و آرلین نیز یک مسیحی بود اما در این مورد مشکل بر او غالب شد.

(a) مشکل آرلین چه بود؟

(b) منشأ اصلی مشکل او چه بود؟

(c) عکس‌العمل او در قبال مشکلش چه بود؟

(d) اگر آرلین اصول ارائه شده در این درس را دنبال می‌کرد، چه راه حلی برای او ممکن بود وجود داشته باشد. (امکان دارد بیشتر از یک راه حل به ذهن شما خطور کند.)

e) بر اساس آیاتی که در این درس مطالعه کردیم، آرلین برای پیدا کردن راه حل چگونه باید به مشکلش نزدیک بشود؟

۲- آندره صاحب یک قصابی و یک مسیحی است. یک روز او تعدادی گوسفند از دوستش داود که او هم مسیحی بود، خرید. آندره گوسفندها را کشت اما مأمور وزارت بهداشت گوشتها را برای فروش تأیید نکرد و گفت که گوشتها آلوده هستند و باید از بین بروند. آندره خیلی ناراحت شد و برای مطالبه پولش پیش داود رفت. اما داود منکر مریض بودن گوسفندها در موقع فروش شد و از پس دادن پول امتناع کرد. آندره از شدت ناراحتی، شکایت خود را به دادگاه برد. وقتی شبان‌شان از ماجرا خبردار شد، از آنها دعوت کرد که برای حل مشکل به روش مسیحی نزد او بروند. در ضمن به آنها یادآوری کرد که کلام خدا به مسیحیان هشدار می‌دهد که برای قضاوت پیش بی‌ایمانان نروند (اول قرن‌تین ۱: ۶-۸). اما آندره اطاعت نکرد و از طریق قانونی پیش رفت. دوستی آنها زیاد دوام نیاورد و یک روحیه شکست در کلیسا بوجود آمد.

a) آندره چه اصولی را در رابطه با حل مشکل باید پیروی می‌کرد تا موضوع به روش مسیحی حل می‌شد؟

b) نتیجه رفتار او چه بود؟

c) نتیجه نهایی رفتار او چه می‌توانست باشد؟

d) مراحل حل موفقیت‌آمیز مشکل را به صورتی که باعث جلال خدا شود، بیان کنید.

۳- امین و استر ۱۰ سال است که ازدواج کرده‌اند اما فرزندی ندارند. آنها علاقه زیادی به داشتن فرزند دارند و بارها دعا کرده‌اند که خدا این نیازشان را برآورده کند. دکترها هم نتوانستند به آنها کمکی بکنند. هم‌زمان، آنها آمادگی خود را به شبان‌شان برای خدمت در بین بچه‌ها اعلام کردند. مسیح نیز خدمت تعلیم آنها را به بچه‌ها برکت داد. در نتیجه، زندگی آنها مملو از پرستش خدا است.

- (a) چه روشی از حل مشکل در این مورد به کار رفته است؟
- (b) با مراجعه به لیستی که در اختیار دارید، بیان کنید که چطور امین و استر بر مشکل خود فائق آمدند؟ جواب خود را در دفتر یادداشت‌تان بنویسید.

۴- مشکلی را در زندگی خودتان یا یکی از افرادی که می‌شناسید، در نظر بگیرید. برای حل مشکل، از مراحل داده شده، استفاده کنید و ایمان داشته باشید که خدا به شما در پیدا کردن راه حل مناسب کمک خواهد کرد.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۱۰- سؤالات شما باید شبیه سؤالات زیر باشد:

۱- مشکل من چیست؟

۲- منشأ مشکل من چیست؟

۳- آیا عامل بنیادی‌تری وجود دارد که باید آن را در نظر بگیرم؟

۴- آیا راه حل مشخص و آشکاری وجود دارد؟

۱- پاسخ انتخابی شما، پاسخ من به شرح زیر است:

(a) مشکل اصلی عدم اطاعت از خدا است که شامل نداشتن دعا و مطالعه کلام و همچنین شرکت نکردن در جلسات کلیسایی است.

(b) ریشه مشکل، طبیعت گناه‌آلود است.

(c) توبه از گناه و اطاعت از خدا، راه حلی است که با عقل سلیم سازگار است. این

راه حل باعث آمادگی روحانی این زوج برای برخورد با سایر مشکلاتی که در پیش خواهند داشت، می‌شود.

۱۱- (۵) آیا مشکل خود را در دعا به حضور خدا برده‌ام؟

۲- در صورتی که به هر کدام از سؤال‌ها جواب منفی داده‌اید، شما را تشویق

می‌کنم که از مراحل ذکر شده برای اصلاح موقعیت‌تان استفاده کنید.

۱۲- (۶) چه اصول کتاب مقدسی در رابطه با این مشکل وجود دارد؟

(۷) آیا برای یافتن راه حل لازم است از یک دوست مسیحی و یا یک مشاور

کمک بگیرم؟

(۸) چه راه حلی با تعلیم کلام خدا هماهنگ است؟

۳- (a) ۲

(b) ۴ و ۱

(c) ۳

(d) ۱

۹-۱۳) پس از رعایت همه مراحل یافتن راه حل، به عنوان یک مسیحی، کدام یک از راه حل ها بهتر است؟

۴- b) خودخواهی

c) احساس ترحم نسبت به خود

f) تلخی

g) خشم

۱۴- ۱۰) آیا این راه حل مرا راضی می کند، یا لازم است تغییراتی در آن ایجاد کنم؟

توجه: اگر تعدیلات بیشتری احتیاج باشد، ممکن است بخواهید دوباره از مرحله اول برای پیدا کردن راه حل اقدام کنید.

۵- در صورتی که به هر یک از سؤال ها جواب مثبت داده اید، برای پیدا کردن راه های مثبت در برخورد با مشکلات، لازم است زمانی را به تفکر و دعا بپردازید و از خداوند بخواهید که در آینده شما را در تشخیص و جلوگیری از عکس العمل های نادرست در قبال مشکلات، کمک کند.

۱۵- امکان دارد که از روش ب برای حل مشکلات بیان شده در قسمت های b، c، d، و e و از روش الف برای حل مشکلات a و f استفاده کنید.
۶- b) خداوند باشد.

۱۷- در این مورد دانیال از روش ب استفاده کرد. او مشکل خودش را تشخیص داد، آن را در دعا به حضور خدا آورد و انتظار داشت خدا برای خیریت او عمل نماید. به هیچ طریقی دانیال نمی توانست بدون ناطاعتی از خدا، حکم پادشاه را نگاه دارد. او پاداش اخروی را انتخاب کرد و خدا به انتخاب او احترام گذاشت.
۹- زیرا درک شما محدود است و امکان دارد ندانید بهترین راه حل کدام است و علاوه بر این، مشکلاتی وجود دارند که فقط از طریق اعتماد به خدا حل می شوند، خدایی که هیچ چیز برای او غیر ممکن نیست.

سؤال	جواب
۱- مشکل دانیال چه بود؟	می‌بایست غذایی را می‌خورد که مطابق قانون یهود باعث نجس شدنش می‌گردید (دانیال ۵:۱ و ۸).
۲- منشأ مشکل او چه بود؟	پادشاه
۳- آیا عامل بنیادی‌تری وجود داشت؟	خیر
۴- آیا یک راه حل مشخص و آشکاری وجود داشت؟	بله
۵- آیا دانیال مشکلش را با خدا در میان گذاشت؟	بله، این موضوع در آیات ۸، ۹ و ۱۷ بیان شده است. خدا دانیال و دوستانش را نزد اشفناز (رئیس خواجه‌سرایان) مکرم ساخت.
۶- آیا اصول کتاب مقدسی در رابطه با این مشکل وجود داشت؟	بله، دانیال می‌دانست که خدا غذاهای مخصوصی را نجس اعلان کرده است (به لاویان ۹:۱۰ و باب ۱۱ نگاه کنید).
۷- آیا دانیال برای پیدا کردن راه حل احتیاج به کمک داشت؟	خیر، او می‌دانست که آن غذا باعث نجس شدن او می‌شود. (آیه ۸)
۸- چه راه حلی منطبق با تعلیم کلام خدا وجود داشت؟	نخوردن غذا
۹- دانیال به‌عنوان یکی از اشخاص منتخب خدا چه راه حلی را انتخاب کرد؟	او تصمیم گرفت که از آن غذا نخورد و به جای آن برای آزمایش مدت ۱۰ روز سبزیجات و آب بخورد (آیات ۱۱-۱۳). او از اشفناز و نگهبانان کمک خواست و از غذای پادشاه نخورد. بعد از ۱۰ روز بدلیل موفقیت‌آمیز بودن آزمایش، آنها به خوردن سبزیجات و آب ادامه دادند.
۱۰- آیا تعدیلات بیشتری مورد نیاز بود؟	خیر، خدا از طریق برکت دادن دانیال در واقع به انتخابی که او کرده بود احترام گذاشت (آیات ۱۷ و ۲۰).

b-۷

a-۸

۱۸- اصل اعتماد داشتن به خدا که در هر شرایطی برای خیریت ما عمل می کند.

۱۹- b) پاداش اخروی.

این آخرین درس از بخش اول این کتاب درسی می باشد. بعد از اتمام این خودآزمایی، دروس ۱ تا ۳ را مرور کرده، به سؤالات آزمون میانی ۱ پاسخ دهید. از رهنمودهای داده شده پیروی کنید.

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیک

فصل دوم

مشکلات در روابط

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی



مشکلات در روابط اجتماعی

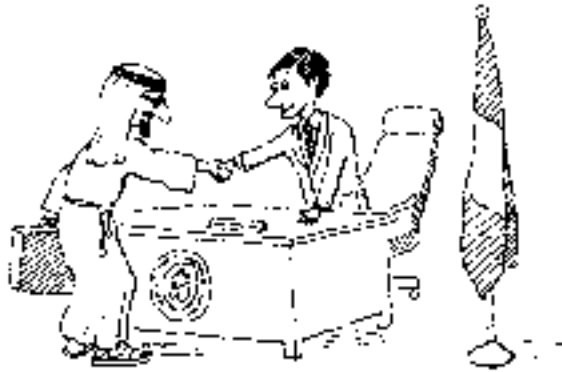
گاهی شنیده می‌شود که یک سفیر خارجی به علت عدم توافق بین کشورش و مملکتی که در آنجا خدمت می‌کند، به موطن خود فرا خوانده می‌شود. مواقعی هم بوده که آن سفیر به دلیل این اختلافات به قتل رسیده است. خوشبختانه چنین اتفاقاتی استثناء هستند. اکثر مواقع بین ملت‌های دوست، سفرای خارجی به‌عنوان نمایندگان حکومتشان مورد عزت و احترام هستند و با رفتارشان باعث افتخار و عزت کشورشان می‌شوند.

آیا می‌دانید که شما نیز یک سفیر هستید؟ شما شهروند ملکوت آسمانید و در نتیجه بر روی زمین نماینده پادشاه ملکوت، خداوند عیسی مسیح هستید. از ابتدای تاریخ بشر، هدف خدا این بود که انسان را به مشارکت نزدیک با خودش برگرداند. به هر حال واقعیت شگفت‌آور این است که:

«... خدا در مسیح بود و جهان را با خود مصالحه می‌داد و کلام مصالحه را به ما سپرد. پس برای مسیح ایلچی هستیم که گویا خدا به زبان ما وعظ می‌کند. پس به خاطر مسیح استدعا می‌کنیم که با خدا مصالحه کنید» (۲ قرن‌تیا ۱۹:۵ و ۲۰).

اگر بر روی این نکته متمرکز شویم که ما که هستیم و مهم‌تر اینکه به چه کسی تعلق داریم، آن وقت می‌توانیم راحت‌تر با مشکلات مربوط به روابط اجتماعی که در نقاط مختلف از قبیل محل کار، مدرسه، کلیسا و یا همسایگان بوجود می‌آید، برخورد کنیم. در این درس، در پرتو رابطه‌ای که با مسیح داریم، به بررسی تعدادی از مشکلات بحرانی ایجاد شده در روابطمان با اشخاصی که مسیح را نمی‌شناسند و بر اساس تمایلات خود رفتار می‌کنند، خواهیم پرداخت. چگونه مسیحیان باید با چنین

مشکلاتی که جزو زندگی روزمره آنها است، برخورد کنند؟ آنها چه عکس‌العملی باید نشان دهند؟ کتاب مقدس در این زمینه راهنمایی‌های مثبتی به ما می‌دهد. اجازه دهید در حین مطالعه این درس، کلام خدا با شما سخن گوید.



فهرست مطالب

طمع
جاه‌طلبی
عدم بلوغ مسیحی
ثروت و فقر
بی‌عدالتی

اهداف درس

- پس از مطالعه این درس شما قادر خواهید بود:
- راه حل‌های کتاب مقدسی برای مشکلات طمع، جاه‌طلبی، عدم بلوغ مسیحی و ظلم را بیان کنید.
 - ارزش پول و دارایی را از دیدگاه مسیحی بیان کنید.

- به منظور یافتن جواب برای مشکلاتی که در روابط اجتماعی دارید، از روش‌های حل مشکل استفاده کنید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- درس را بر اساس موضوعات داده شده، مطالعه کنید. به سؤالات مطرح شده در درس، قبل از آنکه به بخش جواب‌ها نگاه کنید، پاسخ دهید.
- ۲- در این درس به آیات زیادی از کلام خدا اشاره شده است، حتماً آنها را به دقت مطالعه کنید.
- ۳- به خودآزمایی درس پاسخ داده، جواب‌های خود را با پاسخ‌های داده شده مقایسه کنید.

متن درس

طمع

ما در یک جهان اجتماعی زندگی می‌کنیم، به این معنا که جهان از اجتماعات انسان‌هایی تشکیل شده که زندگی، کار و بازی می‌کنند و با یکدیگر ارتباط متقابل دارند.

هر فرد دارای اراده است. همه انسان‌ها طبیعتی را به ارث برده‌اند که به خودخواهی، جاه‌طلبی، ارضای خواهش‌های نفس و برتر بودن از دیگران تمایل دارد. بنابراین تعجب‌آور نیست که با رفتارهای اشتباه، مشکلات بسیاری را برای یکدیگر بوجود می‌آوریم.

یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که در روابطمان با دیگران، با آن روبرو می‌شویم، طمع است (یعنی خواستن چیزی که متعلق به دیگری است). ما قدرت، ثروت، مقام، دوستان، زیبایی و یا استعدادهای دیگران را برای خودمان می‌خواهیم. در واقع، ما

بهترین هر چیزی را می‌خواهیم حتی اگر به قیمت فدا شدن دیگران تمام شود. آخرین حکم ده فرمان اخطار شدیدی است در مورد طمع.

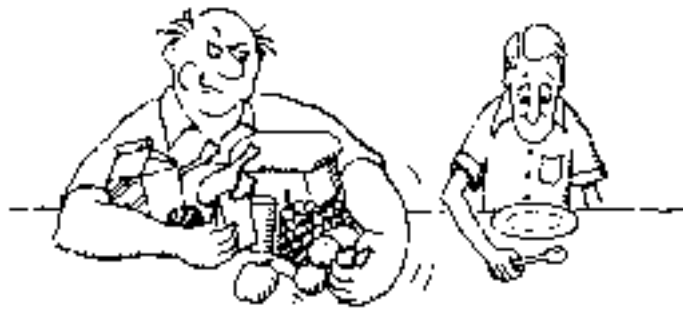
«به خانه همسایه خود طمع مورز، و به زن همسایه‌ات و غلامش و کنیزش و گاوش و الاغش و به هیچ چیزی که از آن همسایه تو باشد، طمع مکن» (خروج ۲۰: ۱۷).

آیا خود را با دیگران و فضایل آنها مقایسه می‌کنید؟ این کار در بعضی مواقع مفید است اما اگر بطور دائم موجب پریشانی و عدم احساس رضایت شما شود، می‌تواند مضر باشد.

آیا سعی می‌کنید خودتان را شبیه کسی بسازید که مورد تحسین شما است؟ ضرورتی ندارد. همه ما از دیگران خیلی چیزها یاد می‌گیریم، شما نیز می‌توانید همین کار را انجام دهید. اما در ضمن، باید نسبت به محدودیت‌های‌تان آگاه باشید و خودتان را به همان صورتی که هستید بپذیرید. همچنین باید از نقاط قوت خود آگاه باشید و آنها را پرورش دهید و به دنبال چیزهای غیرممکن نباشید.

من می‌توانم از گوش دادن به یک کنسرت ویولن لذت ببرم بدون اینکه خودم یک ویولونیست باشم و یا ناراحت شوم که چرا آن شخص یک ویولونیست است. من می‌توانم خانه، ماشین یا دوچرخه جدید همسایه‌ام را تحسین کنم و با او شاد باشم بدون اینکه خودم آن چیزها را داشته باشم. کلام خدا به ما تعلیم می‌دهد که باید: «خوشی کنید با خوشحالان و ماتم نمایید با ماتمیان» (رومیان ۱۲: ۱۵). همدردی با دیگران کار مشکلی نیست، اما شادی کردن با دیگران گاهی اوقات مشکل است مخصوصاً اگر احساس حسادت می‌کنید.

امکان دارد گناه طمع ما را به‌سوی گناهان دیگر سوق دهد. گناهی مثل: دروغ گفتن و دزدی برای بدست آوردن چیزی که می‌خواهید، خشم، سازش در ایمان مسیحی، حسادت، رنجش، تنفر، انتقام، اغفال کردن و امثال اینها. عجیب نیست که خدا در ده فرمان نسبت به طمع هشدار داده است.



- ۱- در درس دوم درباره یک راه حل ممکن برای مشکلات حاصل از طمع صحبت کردیم. آیا می‌توانید آن را نام ببرید؟ در تصدیق آن، آیاتی از کلام خدا را ذکر کنید؟
- ۲- خود را ارزیابی کنید. چنانچه به هر یک از سؤالات زیر جواب مثبت می‌دهید، احتیاج دارید با استفاده از راه حل ذکر شده، مشکل طمع را در زندگی‌تان حل کنید. از خداوند بخواهید که به شما کمک کند تا محبت در زندگی شما حاکم شود. می‌توانید هر جا که علامت ضربدر گذاشته شده، نام شخصی را جایگزین کنید.

بله	خیر
(a) دوستی دارم که در هر امری موفق است و من از اینکه از او پایین‌تر هستم احساس رنجش و ناراحتی می‌کنم.	
(b) از استعدادی که دارم راضی نیستم همیشه دلم می‌خواهد که استعداد (x) را داشته باشم.	
(c) از فقیر بودن خسته شده‌ام، آرزو دارم که مانند (x) چیزهای زیبا و قشنگ داشته باشم.	
(d) حق دارم نسبت به (x) حسادت کنم چون کارفرمایم به او بیشتر توجه می‌کند تا به من.	
(e) از خدا عصبانی هستم چون هر کاری که انجام می‌دهم اشتباه از آب درمی‌آید ولی دوستم همیشه به هر چیزی که می‌خواهد یا احتیاج دارد می‌رسد.	
(f) زمانی که یکی از همکارانم برای اشتباهی که مرتکب شده، سرزنش می‌شود احساس رضایت می‌کنم.	
(g) (x) چیزی را دارد که من خیلی دنبال آن هستم تا آن حد که هیچ چیز دیگری برای من مهم نیست.	

جاه‌طلبی

شخصی گفته است: «دنیا هنوز نمی‌داند فردی که دنبال جاه و مقام این جهان نیست، چه کارهایی می‌تواند برای پادشاهی و ملکوت خدا انجام دهد.» تمایل برای مورد توجه قرار گرفتن، ستایش شدن، بدست آوردن مقام و موقعیت، مورد احترام بودن، شناخته شدن، و قدرت‌طلبی، قسمتی از طبیعت انسانی ما است. آیا زمانی که کاری انجام دادید و آنطور که شایسته است مورد توجه قرار نگرفته‌اید، احساس ناراحتی کرده‌اید؟ من ناراحت شده‌ام. امکان دارد هر شخصی در یک زمانی این احساس را بکند. مشکل زمانی پیش می‌آید که آن شخص سعی می‌کند همیشه در صدر و مسئول باشد، و برای هر کاری که انجام می‌شود اعتبار و آبرو کسب کند. همچنین مشکل برای فردی پیش می‌آید که نسبت به کسی که مورد احترام و شناسایی است احساس حسادت می‌کند و یا از اینکه کار و خدمت او مورد توجه قرار نمی‌گیرد، احساس رنجش و خشم می‌کند.

اما مسیح برای این نوع از رنجش‌ها نیز به همان صورتی که برای بقیه چیزهای مضر که همراه جاه‌طلبی هستند، درمانی دارد. درمان در درون خود ما است و آن روش برخوردی است که با آن خدا را خدمت می‌کنیم.

مسیح از درون انسان‌ها باخبر بود (یوحنا ۲: ۲۴ و ۲۵). مسیح از تمایل و آمادگی انسان‌ها برای حسادت و کسب قدرت آگاه بود. زمانی که مسیح هنوز با شاگردانش بود، آنها بر سر این موضوع که کدام یک از همه بزرگتر است با یکدیگر بحث می‌کردند (لوقا ۲۲: ۲۴). مسیح به آنها گفت:

«... سلاطین امتها بر ایشان سروری می‌کنند و حکام خود را ولی نعمت

می‌خوانند. لیکن شما چنین مباشید، بلکه بزرگتر از شما مثل کوچکتر

باشد و پیشوا چون خادم» (لوقا ۲۲: ۲۵ و ۲۶).

مسیح با زندگی خودش مفهوم خدمتگزار بودن را به شاگردان نشان داد. در آخرین شامی که عیسی در عید فصح با شاگردانش خورد، او پایهای آنها را همانطور که بردگان این کار را انجام می‌دادند، شست.

«و چون پایهای ایشان را شست، رخت خود را گرفته، باز بنشست و بدیشان گفت: آیا فهمیدید آنچه به شما کردم؟ شما مرا استاد و آقا می‌خوانید و خوب می‌گویید زیرا که چنین هستم. پس اگر من که آقا و معلم هستم، پایهای شما را شستم، بر شما نیز واجب است که پایهای یکدیگر را بشوید. زیرا به شما نمونه‌ای دادم تا چنانکه من با شما کردم شما نیز بکنید. آمین آمین به شما می‌گویم غلام بزرگتر از آقای خود نیست و نه رسول از فرستنده خود. هرگاه این را دانستید، خوشبحال شما اگر این را به عمل آرید» (یوحنا ۱۳: ۱۲-۱۷).

۳- جملاتی را که بیان‌کننده آن حقیقتی است که مسیح سعی داشت درباره جاه‌طلبی به شاگردان (و به ما) تعلیم دهد انتخاب کنید.

- a) مسیح خداوند و سرور است.
- b) مسیح پایهای شاگردان را شست تا به آنها نشان بدهد چقدر فروتن است.
- c) مسیح که برتر از همه است، خدمت کم‌ارزش مثل شستن پایهای شاگردان را انجام داد.
- d) اگر چه ممکن است خدا از شاگردان برای انجام کارهای بزرگ استفاده کند، ولی آنها باید خود را مانند خدمتگزاران و رسولان ببینند نه مثل اشخاص بزرگ و مهم.
- e) شاگردان می‌بایست شستن پایهای زیردستان را به عنوان یک رسم رواج می‌دادند.
- f) در اثر درک این واقعیت که آنها خدمتگزاران و رسولان هستند، شاگردان می‌بایست کار یک خادم را برای یکدیگر انجام می‌دادند.
- g) مسیح به آنها وعده داد که اگر پایهای یکدیگر را بشویند، برکت خواهند یافت.
- h) مسیح به آنها وعده داد که اگر خدمتگزار یکدیگر باشند برکت خواهند یافت.

از این قسمت می‌توانیم دو درس یاد بگیریم که به ما کمک می‌کند تا بر مشکلات حاصل از رنجش، خشم، غرور، احساس برتری و یا احساس حقارت غلبه کنیم.

۱- شخصی که مسئولیت پیشوایی را برعهده دارد، باید مانند کسی باشد که خدمت می‌کند و موقعیت او باید باعث جلال مسیح شود نه خودش.

۲- شخصی که مسئولیت پایین‌تری دارد، باید وظیفه‌اش را به گونه‌ای انجام دهد که انگار خداوند را خدمت می‌کند و به یاد بیاورد که خدا بر زندگی او حاکم است و اگر با وجود شرایط سخت در همین روحیه خدمت‌گزاری ادامه دهد، خدا او را برکت خواهد داد. در هر مقامی که قرار گرفته‌اید باید وظیفه خود را به بهترین شکل ممکن انجام دهید.

یک زندگی خدمت‌گزارانه و به دور از جاه‌طلبی، کلیدی است برای احساس رضایت شخص و خشنود کردن خداوند. تمایل برای برتر بودن، یک نیروی مخرب و ویرانگر است. این تمایل باعث نابودی آرامش، روابط با دیگران و مشارکت با خدا می‌شود. آزادی واقعی برای اعلام مسیح به دیگران، زمانی به طور کامل به دست می‌آید که شخص حاضر است در این دنیا از جاه‌طلبی برای کسب مقام و موقعیت بگذرد. پاداش واقعی ما در این زندگی نیست. «اما به آنانی که با صبر در اعمال نیکو طالب جلال و اکرام و بقایند، حیات جاودانی را (خواهد داد)» (رومان ۲: ۷). خدا به کسانی که خوشی و آرزویشان انجام کارهای نیکو است، احترام و جلال خواهد بخشید.

۴- لوقا ۱۷: ۵-۱۰ را مطالعه کنید و بگویید کدام یک از جملات زیر تعلیمی را که مسیح در این داستان بیان نموده، واضح بازگو می‌کند.

a) طبیعی است برای کار و همکاری که انجام داده‌ایم، انتظار احترام داشته باشیم و سزاوار نیز هستیم که سهمی را که در آن داشته‌ایم بازشناسی شود. به این دلیل است که همه ما می‌خواهیم موفق شویم.

(b) زمانی که امر خداوند را به جا آوردیم، نباید در جستجوی احترام و جلال خودمان باشیم بلکه باید نگرش ما این باشد که فقط کاری را انجام داده‌ایم که وظیفه ما است.

(c) هرگز نباید اشخاصی را که با ما همکاری می‌کنند، تحسین کنیم چون باعث می‌شود آنها خود را افراد مهمی بیندارند.

البته این کاملاً طبیعی است که همه ما دوست داریم برای کار خوبی که انجام داده‌ایم، مورد تحسین قرار گیریم. اما نباید تمایل برای کسب احترام و بازشناسی محرک در انجام کارهای خوب باشد. از طرف دیگر، شخصی که در مقام رهبری قرار دارد می‌تواند با تحسین به موقع افراد، از امکان بروز مشکلات بکاهد. یک لغت تشویق‌آمیز می‌تواند باعث شود افراد با روحیه مثبت‌تر و حتی بیشتر کار کنند.

همه برای رهبری خوانده نشده‌اند. خدا ما را بر اساس درجه و مقامی که داریم داوری نخواهد کرد بلکه بر اساس این واقعیت که مسئولیت خود را چقدر خوب انجام داده‌ایم (متی ۲۵:۱۴-۳۰ را مطالعه کنید).

یک آهنگ معروف اینطور می‌گوید: «خدا را برای تمام کارهایی که انجام داده، جلال باد.» آیا شما نیز می‌توانید بگویید «خدا را برای تمام کارهایی که ما انجام داده‌ایم، جلال باد؟»

عدم بلوغ مسیحی

شواهد عدم رشد و بلوغ

زمانی که شما به مسیح ایمان می‌آورید، انسانیت، تمایلات، عواطف، نیازها و توانایی صدمه دیدن را از دست نمی‌دهید. اینها احساساتی هستند که ما هر روزه در روابطمان با دیگران با آنها درگیر هستیم. غلبه بر این احساسات زمان می‌برد. در واقع فرآیند بلوغ مسیحی غلبه بر این احساسات است. مطمئن هستیم اشخاصی را

می‌شناسید که شاید مسیحی نیز باشند اما همیشه می‌خواهند اول باشند. همیشه دنبال بهترین موقعیت هستند، افرادی که همیشه احساس کوچک بودن می‌کنند و آنقدر شکایت می‌کنند تا بهترین موقعیت را داشته باشند. تا زمانی که همه چیز بر وفق مراد آنهاست، خوشحال هستند و زمانی که مشکلات سر برمی‌آورند، غمگین و بداخلاق می‌شوند.

شاید مسیحیانی را می‌شناسید که بیشتر وقت خود را با نگرانی و دلواپسی می‌گذرانند؛ نگران فرزندان، مادیات و زمان پیری خود هستند. نگرانی و دلواپسی نشانه دیگری از عدم بلوغ مسیحی است.

بیوه‌زن مسیحی خوبی را می‌شناسم که بسیار مشغول و پرت‌مهر است. ولی هنوز بعضی اوقات با مشکل تنهایی در کشاکش است. آیا یک مسیحی بالغ در مبارزه است؟ همین سؤال را می‌توان در مورد ترس، اضطراب، افسردگی، شک، خودخواهی، خشم و سایر احساسات انسانی مطرح کرد. مطمئناً حتی مسیحیان بالغ هر روزه در جنگ با این احساسات و غرایز هستند با این تفاوت که آنها یاد گرفته‌اند که چطور بر این موارد غلبه کنند!

در افسسیان باب ۴ و ۵، پولس رسول درباره علائم و نشانه‌های عدم بلوغ روحانی صحبت می‌کند. هنگام مطالعه این قسمت متوجه خواهید شد که بیشتر این نشانه‌ها در ارتباط با روابط ما با سایر مردم است. روی صحبت پولس رسول در این قسمت از کلام خدا، با مسیحیان است و به آنها هشدار می‌دهد که مانند بت‌پرستان زندگی نکنند. سپس پولس برای اطمینان از اینکه آنها کلام او را درک می‌کنند، دستوراتی برای رسیدن به بلوغ روحانی به آنها می‌دهد.

۵- رساله افسسیان باب‌های ۴ و ۵ را مطالعه کنید و جدول زیر را پر کنید. ابتدا ببینید آیا مشکلات بیان شده در جدول، مشکلاتی هستند که شما با آنها درگیر هستید. سپس در ستون سمت چپ، راه‌حلی را که پولس برای هر کدام از مشکلات بیان

کرده، بنویسید. ما راه حل ها را در زیر جدول به صورت یک لیست نوشته ایم. راه حل هر مشکل را از این لیست پیدا کنید و در جلوی آن بنویسید.

مرجع	اگر این مشکل را داشته باشم	باید این کار را انجام دهم
افسسیان ۲۵:۴ (a)	دروغگویی	
۲۶:۴ (b)	عصبانیت و خشم	
۲۸:۴ (c)	دزدی	
۲۹:۴ (d)	گفتن سخنان بد	
۳۰:۴ (e)	انجام اعمالی که باعث محزون شدن روح القدس می شود.	
۳۲-۳۱:۴ (f) ۲-۱:۵	تلخی، غیظ، خشم، فریاد، بدگویی و خباثت	
۵-۳:۵ (g)	زنا و هر نوع ناپاکی، طمع، قباح و بیهوده گویی، چرب زبانی	
۱۱-۶:۵ (h)	هدایت شدن برای انجام گناه توسط افراد خدانشناس و فریب خوردن	
۱۶-۱۵:۵ (i)	بی دقتی و نادانی در روش زندگی	
۱۷:۵ (j)	بی فهم بودن	
۱۸:۵ (k)	مشروب خواری	

راه حل ها: (راه حل ها به ترتیب مشکلات بیان شده در جدول ذکر نشده است.
راه حل مربوط به هر کدام از مشکلات را پیدا کنید و در کنار آن بنویسید. تمام راه حل ها مطابق با افسسیان باب های ۴ و ۵ است.)
۱- روح خدا را محزون مسازید.

- ۲- با چنین افرادی همکاری نکنید. عمل زشت آنها را آشکار کنید.
- ۳- سعی کنید بفهمید خدا چه کاری از شما می‌خواهد که انجام دهید.
- ۴- افکار خود را با پرستش و سپاسگزاری کنترل کنید.
- ۵- گناه مورزید، خشمگین باقی نمانید.
- ۶- مهربان و رحیم باشید و همدیگر را عفو نمایید. اجازه دهید محبت، اعمال شما را کنترل نماید.
- ۷- مشروب‌خوار نباشید بلکه از روح‌القدس پر شوید.
- ۸- حقیقت را بگویید.
- ۹- سخنان شما بناکننده و مفید باشد.
- ۱۰- مانند یک شخص عاقل رفتار کنید. از هر شرایطی به نحو احسن استفاده نمایید.
- ۱۱- دزدی نکنید بلکه شروع به کار کرده، نیازهای خود را برآورده کنید و به فقرا کمک نمایید.

تنها راه حل برای رسیدن به بلوغ مسیحی، انجام کارهایی است که ما را در بالغ شدن کمک می‌نماید. راه‌هایی را که می‌بینید در زندگی نیاز دارید، به‌عمل بگذارید.

منابعی برای کسب بلوغ روحانی

بلوغ روحانی بطور اتفاقی حاصل نمی‌شود. همچنین بلوغ روحانی فقط نتیجه عمل خدا در زندگی ما نیست. برای رشد مسیحی دو نیروی اصلی وجود دارد: قدرت خدا و قدرت اراده شما.

قدرت خدا. قدرت خدا آن پایه و اساسی است که قدرت اراده شما باید بر آن متکی باشد. هیچ‌کس نمی‌تواند بدون داشتن آن تازگی که در مسیح است، صرفاً با تلاش برای انجام کارهای خوب، اعمال و رفتاری را که پولس در باب‌های ۴ و ۵

افسسیان توصیه می‌کند، بجا آورد. افسسیان باب ۴ آیات ۱۵ و ۱۶ را مطالعه کنید. دقت کنید که مسیح سر است و تحت کنترل او همه اعضا مرتب گشته، با همدیگر کار می‌کنند. در ۲۳:۴ می‌گوید: «و به روح ذهن خود تازه شوید.» و بالاخره در ۱۰:۶ پولس رسول خطاب به ما می‌فرماید: «خلاصه ای برادران من، در خداوند و در توانایی قوت او زور آور شوید.»

بنابراین قبل از هر چیز این قدرت خداست که به ما توانایی می‌بخشد که بطور واقعی با او زندگی کنیم و کارهایی را که در افسسیان باب‌های ۴ و ۵ گفته شده، انجام دهیم.

۶- این طریق دیگری است برای بیان مهمترین مرحله در یافتن راه حل مشکلاتمان (به درس دوم مراجعه کنید). خدا ما را کاملاً شخص جدیدی می‌سازد وقتی که ما:

- (a) از دوستان مسیحی خود نصیحت می‌پذیریم.
- (b) اعتراف می‌کنیم، ایمان می‌آوریم و اطاعت می‌نماییم و ابتدا مشکل گناه را در زندگی خود حل می‌کنیم.
- (c) سعی می‌کنیم همسایگان خوبی باشیم.

قدرت اراده. افسسیان ۲۷:۴ می‌گوید: «ابلیس را مجال ندهید.» این آیه نشان می‌دهد که امکان دارد ما به شریر فرصت بدهیم. توجه کنید که در افسسیان باب‌های ۴ و ۵ راهنمایی‌های زیادی وجود دارد که ما باید آنها را انجام دهیم. خدا سهم خودش را برعهده دارد و در انجام دادن آن امین است، اما اگر من و شما سهم خودمان را انجام ندهیم قادر نخواهیم بود از نظر روحانی رشد کنیم، و حتی ممکن است مشارکت خودمان را با خدا از دست بدهیم. قدرت اراده ما به وسیله اطاعت از احکام داده شده در کلام خدا، مؤثر واقع می‌شود. فقط به وسیله اطاعت است که ما می‌توانیم به بلوغ مسیحی دست بیابیم و بر مشکلات حاصل از عدم بلوغ غلبه کنیم.

۷- جملاتی را که منابع کسب بلوغ روحانی را بطور صحیح بیان می‌کنند، مشخص نمایید.

- (a) قدرت خدا که ما را کاملاً شخص جدیدی می‌سازد، بستگی به رفتار ما ندارد.
- (b) ما از قدرت اراده خود برای اعتراف به مسیح، ایمان به اینکه او خداوند قیام کرده ماست و اطاعت از دستوراتش استفاده می‌کنیم.
- (c) بعد از اینکه مسیح ما را شخص کاملاً جدیدی ساخت، می‌توانیم از او اطاعت نماییم چون تنها قدرت او است که ما را در این امر یاری می‌دهد.
- (d) قصور در انجام سهم خودمان، مانع رشد روحانی ما می‌شود.
- (e) اطاعت، کلید بلوغ در رشد مسیحی است.
- (f) وجود مشکلات در زندگی یک مسیحی، مطمئناً نشانه عدم بلوغ مسیحی است.
- پولس رسول در باب ۶ افسسیان به بحث دربارهٔ اسلحه‌هایی که ما برای جنگیدن بر علیه عدم بلوغ روحانی احتیاج داریم، می‌پردازد. آنها عبارتند از: راستی، عدالت، (زندگی صحیح و درست)، آمادگی اعلام انجیل (شهادت ما)، ایمان و کلام خدا. آخرین راهنمایی پولس دعا کردن است (افسسیان ۶:۱۸).
- بلوغ مسیحی، یک فرآیند پیشرونده در رشد روحانی است. هر موقع که تصمیم می‌گیرید خدا را اطاعت کنید، در واقع در رشد روحانی خود پیشرفت می‌کنید.

ثروت و فقر

پول یک چیز بی‌ضرر بنظر می‌رسد. پول می‌تواند برای ما راحتی و ضروریات زندگی را فراهم کند. و اگر از آن درست استفاده کنیم، می‌تواند برای ما مفید باشد. در اول تیموتائوس ۱۰:۶ به ما هشدار داده شده است:

«زیرا که طمع ریشه همه بدی‌ها است که بعضی چون در پی آن می‌کوشیدند، از ایمان گمراه گشته، خود را به اقسام دردها سفتند.»

آنقدر که کلام خدا به بحث درباره ثروت و وسوسه‌های هولناک آن می‌پردازد، در مورد ملکوت صحبت نمی‌کند.

ما ثروت و فقر را به عنوان مشکلاتی در روابط اجتماعی در نظر گرفتیم زیرا مردم از این جهت مقصر هستند که برای کسب ثروت، به هر عمل شریرانه‌ای نسبت به یکدیگر تن در می‌دهند. این موضوع به بحث ما در رابطه با طمع که در درس‌های قبل اشاره کردیم، مربوط می‌شود. در اینجا امکان آن نیست که تمام هشدارهای کلام خدا را که در رابطه با تمایل ما برای کسب ثروت و ترس از فقر است، بیان کنیم. اما امیدوار هستیم که با عنوان کردن راهنمایی‌های ابتدایی، شما را در اجتناب از مشکلات مربوط به پول و تأثیراتی که روی روابطتان با دیگران می‌گذارد، یاری دهیم. ابتدا درباره مشکلات مربوط به ثروت و فقر صحبت خواهیم کرد و سپس راه حل‌های کتاب مقدسی برخورد با این مشکلات را ذکر می‌کنیم که تمامی آنها به روش برخورد ما با مادیات و آنچه که مادیات می‌تواند برای ما انجام دهد، مربوط می‌گردد.

مشکلات مربوط به ثروت

۱- **ثروت ما را غلام و بنده خویش می‌سازد.** جوان ثروتمندی که از مسیح پرسید که چگونه حیات جاودان را بیابد، با ناراحتی از او دور شد. زیرا این جوان غلام و اسیر ثروت خود بود و نمی‌توانست از آن رهایی یابد (متی ۱۹: ۱۶-۲۲). گاهی اوقات به جای اینکه مادیات و دارایی در اختیار ما باشد، ما در اختیار و برده آن هستیم. تمام وقت ما صرف محافظت از دارایی مان و یا تلاش برای افزایش آن می‌شود.

۲- **ثروت باعث بوجود آمدن احساس برتری می‌گردد.** روش دنیا این است که به اشخاص ثروتمند احترام بیشتری گذاشته شود. اغلب مسیحیان نیز همین اشتباه را مرتکب می‌شوند. از آنجا که مردم به ثروتمندان با احترام بیشتر و حتی هیبت نگاه می‌کنند، ممکن است ثروتمندان خود را در مقامی عالی‌تر و والاتر از دیگران ببینند.

۳- ثروت باعث از بین رفتن و تغییر ارزش‌های زندگی می‌گردد. گرفتار مادیات شدن راحت‌تر است تا داشتن زندگی روحانی. خطر مادیات در این است که شخص به جای اعتماد به آنچه که خدا می‌تواند انجام دهد، به دارایی خویش اعتماد کند. ثروت شاید بتواند برای شما راحتی جسمی فراهم کند ولی هرگز نمی‌تواند شما را نجات دهد. ثروت فریبنده است (متی ۲۲:۱۳). پایدار نیست (امثال ۲۴:۲۷) همچنین مزبور ۱۶:۴۹ و ۲۰، مرقس ۱۹:۴، لوقا ۸:۱۴ و ۱۸:۱۲-۲۱ را نگاه کنید.

۸- کاملترین جواب را انتخاب کنید. آیات بیان شده آشکار می‌کند که علت فریبنده بودن ثروت عبارت است از:

(a) به نظر پایدار و دائمی می‌رسد در صورتی که اینطور نیست.

(b) می‌توانیم به آن برای انجام بعضی کارها اعتماد کنیم.

(c) برای ما راحتی جسمی بیشتری می‌آورد.

۴- ثروت ما را به گناه وسوسه می‌کند. یک فرد می‌تواند از نظر اخلاقی شخص درستی باشد ولی ممکن است برده و غلام طمع باشد و آن را گناه نشمارد. افسسیان ۵:۱-۶ طمع را با بت پرستی همسان می‌شمارد. حرص و طمع در واقع پول را به جای خدا می‌گذارد. طمع باعث می‌شود شخص در روابطش با دیگران درستکار و امین نباشد و سایر اعمال شریrane از قبیل خوشگذرانی، ولخرجی از مال دیگران، و عدم صداقت و درستی در پرداخت دستمزدها را انجام دهد. طمع حتی باعث شده که بعضی، دیگران را محکوم و یا به قتل برسانند (یعقوب ۵:۱-۶ را ملاحظه کنید).

مشکلات مربوط به فقر

بسیاری از مواقع فقر همراه با مشکلات واقعی است. شخصی که به اندازه کافی پول ندارد، همیشه با مشکلات روبرو است و بیشتر توجه‌اش صرف مسائل جسمانی می‌شود تا روحانی. بخش بزرگی از دنیا، از فقر و ترس از قحطی و گرسنگی حاصل از آن، در زجر است.

۱- **نگرانی و ترس.** نگرانی و ترس از نحوه برآورده کردن نیازهای خود و یا خانواده، مشکلی است که بسیاری از مردم و از جمله مسیحیان با آن دست به گریبان هستند. ما نگران از دست دادن شغل مان هستیم، یا اینکه مریض شویم و نتوانیم کار کنیم، و یا پول کافی برای پرداخت بدهی‌ها نداشته باشیم. نگرانی یک عکس‌العمل طبیعی در مقابل یک مشکل واقعی است.

۲- **وسوسه برای عدم درستکاری.** ممکن است هم شخص ثروتمند و هم شخص فقیر به دلایل متفاوت، وسوسه شوند که ثروت را از طریق غیر شرافتمندانه کسب کنند. امکان دارد شخص فقیر برای تصاحب آنچه که متعلق به کارفرما، همسایه یا یک شخص ثروتمند است بهانه بیاورد؛ چرا که نیاز او بزرگتر از نیاز آنها است. اما قانون خدا نادرستی را به هیچ دلیلی نمی‌پذیرد: «دزدی مکن» (خروج ۱۵:۲۰). بزرگترین نادرستی، دزدیدن چیزی است که متعلق به خداست که هم در بین ثروتمندان و هم در بین فقیران دیده می‌شود. «آیا انسان خدا را گول زند؟ اما شما مرا گول زده‌اید و می‌گویید در چه چیز تو را گول زده‌ایم؟ در عشرها و هدایا» (ملاکی ۸:۳).

۳- **احساس حقارت.** دقیقاً همانطور که امکان دارد یک شخص ثروتمند خود را بالاتر و برتر از دیگران ببیند، یک شخص فقیر نیز می‌تواند خود را حقیرتر از کسانی ببیند که ثروت بیشتری دارند. اگر چه این یک مشکل واقعی برای بسیاری از مردم است، اما اساس آن بر ارزش‌گذاری نادرست گذاشته شده که در آینده آن را بررسی خواهیم کرد.

۴- **عقاید اشتباه درباره تدارک خدا.** با وجود همه صحبت‌هایی که کتاب مقدس درباره خطرات ثروت کرده، بسیاری از مردم به دلایلی، این باور اشتباه را دارند که خداشناسی به معنی کسب برکت مادی است (اول تیموتائوس ۵:۶). چنین اشخاصی احتمالاً اینطور موعظه می‌کنند که اگر ایمان کافی داشته باشید، می‌توانید ثروتمند

شوید و اگر ثروتمند نیستید، حتماً در قسمتی کوتاهی کرده‌اید. آنها با انگیزه‌ای نادرست به خدا نزدیک می‌شوند و سود مادی را به نفع روحانی ترجیح می‌دهند. کتاب مقدس برای همه مشکلاتی که مطالعه کردیم، راه حل‌هایی دارد. تمرین زیر این فرصت را به شما می‌دهد که جواب کتاب مقدس را برای هر کدام از مشکلات پیدا کنید.

۹- در ستون سمت راست، مشکلات و آیه‌هایی از کتاب مقدس که به راه حل آن مشکل اشاره می‌کند، نوشته‌ایم. در ستون سمت چپ، خلاصه‌ای از راه حل‌های ارائه شده در کلام خدا را خواهید یافت. هر راه حل نوشته شده در ستون سمت چپ را با آیه مربوطه در ستون سمت راست مطابقت دهید.

- | | |
|---|---|
| ۱- به خدا اعتماد کنید. اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید و او نیازهای روزانه شما را برطرف خواهد کرد. | (a) بندگی ثروت
(متی ۱۹: ۲۱-۲۲ و ۲۹) |
| ۲- مرد خدا باید از اینها بگریزد و چیزهای الهی را پیروی نماید. | (b) احساس برتری
(یعقوب ۱: ۱۰) |
| ۳- بخاطر مقام والایی که به عنوان فرزند خدا و خادم او دارید، خدا را شکر کنید. | (c) از بین رفتن یا تغییر ارزش‌ها
(لوقا ۱۲: ۳۲-۳۴) |
| ۴- در فکر ارزش‌های جاودانی باشید نه گنج‌های این جهان؛ چرا که قلب شما جایی است که گنج شما در آنجاست. | (d) وسوسه برای انجام گناه
(اول تیموتائوس ۶: ۹-۱۱) |
| ۵- دینداری، بستگی به مقدار ثروت ما ندارد. | (e) نگرانی و ترس
(متی ۲۵: ۲۴-۳۴) |
| ۶- مسیح و ملکوت او را در زندگی‌تان در اولویت قرار دهید. | (f) وسوسه برای نادرستکاری
(اشعیا ۳۳: ۱۵ و ۱۶) |
| ۷- خدا نان و آب شما را تأمین خواهد کرد. (خدا هر نیاز شما را برآورده خواهد ساخت.) | (g) احساس حقارت
(یعقوب ۱: ۹ و ۱۰) |

h.... (عقیده نادرست درباره ۸- خود را مانند غلام مسیح ببین و به ثروت
تدارک خدا
خود فخر منما بلکه به مقامی که به عنوان
(اول تیموتائوس ۶: ۵-۸) یک غلام در مسیح داری.

نگرش مسیحی درباره پول

در اینجا چند راهنمایی عمومی درباره نگرشی که ما باید نسبت به دارایی مان داشته باشیم، ارائه می شود. پرورش این روش های برخورد، به شما کمک خواهد کرد تا از دام های حاصله از کمی یا زیادی پول، اجتناب کنید. قسمت های ذکر شده از کتاب مقدس را حتماً مطالعه کنید.

۱- شما وکیل و ناظر اموالی هستید که متعلق به خدا است (لوقا ۱۶: ۱-۱۳). من کاملاً متقاعد هستم که فرد مسیحی ای که مواظب است تا در رابطه با امور مالی درستکار و صادق باشد و ده یک درآمد خود را به خدا می دهد، برکت خواهد یافت (ملاکی ۳: ۸-۱۱ را بخوانید). خدا خود را متعهد ساخته که زمانی که زندگی مان را به او می سپاریم، برای نیازهای روزانه ما تدارک ببیند. اگر شما همیشه در نیاز مالی هستید، تعهدات خود را ارزیابی کنید. یا اگر همیشه با مشکلاتی از قبیل مخارج غیرمنتظره، بیماری ها و از دست دادن کار روبرو هستید، از خودتان بپرسید که آیا من یک ناظر امین برای پولی که متعلق به خدا است بوده ام؟ آیا ده یک خود را که در واقع به او مدیون هستم داده ام؟ آیا برای رفع نیازهایم به او اعتماد می کنم؟

۲- تعهد خدا برای رفع نیازهای ما بر اساس سرسپردگی مان به ملکوت او است. خدا خود را متعهد ساخته است تا چیزهای مورد احتیاج ما را مهیا سازد. در متی ۲۵: ۶-۳۴، مسیح به دفعات می گوید: «اندیشه نکنید (نگران نباشید)». برای من احمقانه خواهد بود که در این درس، راه حلی به این سادگی را برای مشکلات بنویسم، برای اینکه من قدرتی برای رفع نیازهای شما ندارم. اما ما خدای قدرتمندی را داریم که بر وعده های خود ایستاده است. وقتی او می گوید که اگر شما اراده مرا

بطلید، من احتیاجات مادی شما را برآورده خواهم ساخت، او قدرت انجام دادن این وعده را دارد و می‌خواهد که این کار را بکند!

۱۰- آیات زیر را بخوانید. تعهد و یا وعده‌ای را که خدا در هر کدام از آنها به شما داده است، بنویسید.

(a) فیلیپیان ۱۹:۴

(b) متی ۲۵:۶-۳۴

(c) عبرانیان ۱۳:۵ و ۶

۳- ثروت نمی‌تواند شما را نجات دهد

ثروت در روز داوری بی‌ارزش خواهد بود. (امثال ۱۱:۴، متی ۱۹:۶-۲۰)

۴- سود و منفعتی که باید مورد توجه شخص مسیحی باشد، خداترسی و قناعت است. (لوقا ۱۲:۱۵ و اول تیموتائوس ۶:۶ و ۷)

۵- ارزش‌های واقعی، روحانی و جاودانی هستند (کولسیان ۳:۱-۴)

۶- بخشنده بودن نسبت به خدا بهترین روحیه‌ای است که هم شخص فقیر و هم غنی باید داشته باشند.

خدا آنچه را که می‌بخشیم به حساب نخواهد آورد بلکه آنچه را که برای خودمان نگه می‌داریم. روزی مسیح فرمود که یک بیوه‌زن بیشتر از همه ثروتمندانی که در معبد بودند، هدیه داد (لوقا ۲۱:۴-۱). پولس رسول ایمانداران فقیر مکادونیه را تقدیر می‌کند به این دلیل که با خوشی و سخاوت زیاد و حتی با فداکاری بخشیده بودند (دوم قرنتیان ۸:۱-۵).

پولس پی برد که از زمانی که زندگی خود را کاملاً به عیسی مسیح سپرد، همه چیز ارزش جدیدی پیدا کرد. چیزهایی که قبلاً در نظر او مهم بودند، اکنون بی‌ارزش به نظر می‌آمدند و چیزهایی که به مسیح و قدرت قیامت او مربوط می‌گشتند، از اهمیت زیادی برخوردار شده بودند (فیلیپیان ۳:۷-۱۰). هر ایماندار واقعی این

موضوع را به عنوان یک حقیقت تصدیق خواهد کرد. ما از چیزهایی که در این جهان وجود دارد، استفاده می کنیم ولی مجذوب آنها نمی شویم (اول قرنیتان ۳۱:۷). چون خدا مهمترین جا را در قلب های ما دارد، بنابراین دادن مادیات به خدا، یک شادی و امتیاز برای ما به حساب می آید.

۱۱- هر یک از جملات زیر را دقیق بخوانید. در هر جمله اشتباهی وجود دارد. جملات را تصحیح کرده، دوباره به صورتی بنویسید که بیان کننده نگرش مسیحی درباره مادیات و پول باشد.

a) در روز داوری خداوند، مقدار ثروتی که من الان دارم، ارزش زیادی خواهد داشت.

b) خدا انتظار دارد که ثروتمندان، وکلایی امین برای مادیات او باشند.

c) خدا خود را متعهد ساخته که تمامی نیازهای هر شخص را رفع کند.

d) ما باید خدا را در اولویت زندگی مان قرار دهیم تا او از ما مواظبت کند.

e) فقط باید از ثروتمندان انتظار داشت که بخشنده باشند.

بی عدالتی

مشکلات روابط اجتماعی که تا اینجا مورد بررسی قرار دادیم، بیشتر با نگرش ها و رفتارهای ما سر و کار دارد. اکنون می خواهیم در مورد مشکلی صحبت کنیم که همه ما با آن روبرو شده ایم و تقریباً کنترل بر آن نداریم و آن عبارت است از مشکل بی عدالتی، یعنی زمانی که شخصی با شما بدرفتاری می کند و شما مستحق چنین رفتاری نیستید.

برای مثال، در نظر بگیرید که با یک برادر مسیحی همکاری تجاری دارید و او از شما سوءاستفاده مالی می کند و از عادلانه تقسیم کردن سود امتناع می ورزد. یا در نظر بگیرید که شما سخت و حتی بیشتر از حدی که کارفرمایان از شما خواسته کار می کنید اما سرپرستان کار انجام شده را به حساب خودش می گذارد. یا شاید کارتان

را خوب انجام داده‌اید اما یک همکار حسود گزارش می‌دهد که شما با بی‌دقتی و تبلی کار می‌کنید. یا دوست شما که در مدرسه هنگام تقلب گرفتار شده، به معلمتان می‌گوید که شما نیز تقلب می‌کردید در حالیکه واقعیت ندارد. شاید شخصی که قابلیتش از شما پایین‌تر است ترفیع می‌گیرد و به مقام بالاتری می‌رسد، در حالیکه شما خودتان را شایسته آن مقام می‌دانید.

مطمئن هستیم موارد بسیاری را می‌توانید به یاد بیاورید که مورد بی‌عدالتی و ظلم قرار گرفته‌اید. اما سؤال مهم این است که: شما چه عکس‌العملی از خود نشان دادید؟ آیا عصبانی شدید و به شخصی که با شما بدرفتاری کرده، ناسزا گفتید؟ یا برای خودتان متأسف شدید؟ و یا پیش همه شروع به گله و شکایت کردید؟ طبیعی است اگر از حق‌مان برای آنچه که می‌خواهیم باشیم و یا چیزهایی که از آن خود می‌دانیم، دفاع کنیم. اما یک مسیحی در چنین شرایطی باید چه رفتاری داشته باشد؟ راه حل مسیحی در مقابل بی‌عدالتی چیست؟

زمانی که دوست من احمد به مسیح ایمان آورد، یک پلیس بود. زندگی او ناگهان بعد از ایمان آوردن مملو از خوشی شد و در نتیجه می‌خواست این تجربه را با هر کسی که ملاقات می‌کند، در میان بگذارد. هیچ چیز نمی‌توانست برخورد مملو از خوشی او را تغییر دهد، به غیر از مأمور پلیسی که مسئول او بود. دوست من هر روز صبح با سرودی که در قلب داشت، به سر کار می‌رفت ولی با ترشروی، بدجنسی، انتقاد و یا بداخلاقی مسئول خود روبرو می‌شد که قادر بود زندگی را بر او تیره کند. عکس‌العمل احمد این بود که ساکت بماند و چیزی نگوید، و در حالیکه به دنبال راه تلافی می‌گشت، خشمی را که در دل احساس می‌کرد، فرو می‌برد. اما یک روز ناگهان این سؤال به ذهنش خطور کرد که چرا به او اجازه می‌دهم که خوشی و پیروزی را از من بگیرد؟ برخورد بد او مشکل خودش است نه مشکل من. بدون توجه به رفتاری که مافوقم دارد، باید در مسیح شادمان باشم! در نتیجه، احمد شروع به دلسوزی و محبت مافوقش کرد و در نتیجه این رفتار، سرانجام آن مافوق، یک دوست خوب برای او شد.

دوست من احمد واقعیتی را فرا گرفته بود که در این قسمت از کلام خدا بیان شده است:

«خوشابحال زحمت‌کشان برای عدالت، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است. خوشحال باشید چون شما را فحش گویند و جفا رسانند، و بخاطر من هر سخن بدی بر شما کاذبانه گویند. خوش باشید و شادی عظیم نمایید، زیرا اجر شما در آسمان عظیم است زیرا که به همین‌طور بر انبیای قبل از شما جفا می‌رسانیدند.» (متی ۵: ۱۰-۱۲)

این قسمت از کلام خدا آن چیزی را که ما در ابتدای درس گفتیم، تأکید می‌کند. ما سفیران مسیح هستیم و آشکار کنندگان او به جهان. رفتار خوب ما باعث احترام و جلال پدر آسمانی ما و ملکوت او می‌شود.

البته زمان‌هایی وجود دارد که می‌توان یک ناعدالتی را که در اثر سوء تفاهم بوجود آمده، درست کرد. اما هر زمان که ناعدالتی رخ می‌دهد، می‌توانید مسیح‌گونه رفتار کنید و تشخیص دهید که این مشکل مربوط به شما نیست بلکه از آن دیگری است و اینکه یک پدر آسمانی دارید که مواظب شما است و در قلبتان به شما پیروزی عطا می‌کند. گاهی خدا اجازه می‌دهد که بی‌عدالتی را متحمل شوید، اما از آن برای خیریت جاودانی‌تان استفاده خواهد کرد.

۱۲- اصلی را ذکر کنید که عکس‌العمل‌های یک مسیحی را که مورد بی‌عدالتی و ظلم قرار گرفته، بیان می‌کند.

به نظر من، بهترین نتیجه‌گیری این خواهد بود که شما را تشویق کنم که رومیان باب ۱۲ را با دعا و دقت فراوان بخوانید. اگر ترجمه جدیدی از کتاب مقدس در اختیار دارید، از آن استفاده کنید. این باب در چند آیه، دستورات کاملی برای کسانی که می‌خواهند رابطه صحیحی با خدا و هموعان خود داشته باشند، داده است. اغلب آن را بخوانید و اجازه دهید که در روابط‌تان، شما را هدایت کند.

۱۳- اکنون قبل از اینکه به خودآزمایی بپردازید، مشکلات مختلف روابط اجتماعی را مرور کنید. از مشکلاتی که خودتان درگیرشان هستید، لیستی تهیه کنید. سپس با رجوع به درس‌های ۱ تا ۳، از اصول مسیحی داده شده، برای پیدا کردن راه حل برای هر کدام از مشکلات استفاده کنید. مطمئن شوید که راه حل‌تان مطابق با کلام خداست. هدف از این تکلیف، کمک به شماست تا بتوانید از اصول درسی داده شده در این کتاب استفاده کنید و از نظر روحانی برکت بیابید. مطمئن هستیم که این تکلیف را با روحیه‌ای مشتاق برای پیدا کردن راه حل‌هایی برای مشکلات خودتان انجام خواهید داد.

در درس آینده، درباره مشکلات روابط خانوادگی بحث خواهیم کرد که یکی از موضوعات اساسی و حیاتی برای هر مسیحی است. به این امید که در حین مطالعه درس، خدا شما را برکت دهد.

خودآزمایی

سؤالات چند جوابی - مناسب‌ترین جواب را برای هر سؤال انتخاب کنید.

۱- طمع‌کاری عبارت است از:

(a) صادق نبودن

(b) مقایسه خود با دیگران

(c) خواستن چیزی که مال دیگری است.

(d) سعی برای بهترین بودن

۲- مسیح پایهای شاگردانش را شست تا به آنها نشان دهد که دعوت آنها

(a) خدمت به یکدیگر است

(b) رهبری کردن است

(c) بسیار مهم است

(d) از شأن اجتماعی بالایی برخوردار است

۳- چه چیزی پایه و اساس رشد مسیحی را فراهم می‌کند؟

(a) اعتراف

(b) قدرت اراده

(c) توانایی شخصی

(d) قدرت خدا

۴- کدام یک از مشکلات زیر معمولاً به ثروت ربطی ندارد؟

(a) احساس برتری

(b) احساس حقارت

(c) تحریف ارزش‌ها

(d) وسوسه برای گناه

۵- ثروت فریب‌دهنده است زیرا که ...

(a) همیشگی نیست

(b) باعث رضایت نمی‌شود

(c) باعث شادی نمی‌شود

(d) باعث احساس برتری نمی‌شود

۶- راه حل طمع‌کاری محبت است چون محبت ...

(a) مغرور نیست

(b) اعتماد می‌کند

(c) صبر می‌کند

(d) حسد نمی‌برد

۷- یک شخص مسیحی نمی‌تواند در جستجوی اعتبار شخصی باشد، اگر

موقعیت خودش را در ببیند.

(a) بدست آوردن قدرت

(b) جلال دادن مسیح

(c) فروتن ماندن

(d) افتاده (فروتن) بودن

۸- برای اینکه یک ناظر خوب و امین برای برکات مادی خدا باشید باید

(a) هر چه می‌توانید مادیات بیشتری بدست آورید.

(b) هر چه می‌خواهید داشته باشید.

(c) هر چه دارید بفروشید و به فقرا بدهید.

(d) ملکوت خدا را در اولویت قرار دهید و با سخاوت‌مندی ببخشید.

۹- وعده خدا در رابطه با برطرف کردن نیازهای ما بر اساس

(a) قدرت اوست

(b) مهم بودن نیازهای ما است

(c) سرسپردگی ما به ملکوت اوست

(d) نگران بودن یا نبودن برای آنهاست.

۱۰- راه حل مسیحی برای برخورد با ظلم و بی‌عدالتی این است که ...

(a) داشتن برخورد مسیح‌گونه با ظلم و برای غلبه بر آن به خدا اعتماد کنیم.

(b) دعا کنیم که خدا شخص ظالم را تنبیه کند.

(c) برای دفاع از حق مان بایستیم.

(d) با شخص ظالم مقابله به مثل کنیم.

سؤالات صحیح و غلط - جملات صحیح را با حرف ص و جملات غلط را با حرف غ مشخص کنید.

۱۱- مسیح تعلیم داد کسی که خدمت می‌کند باید مثل کسی باشد که حکومت می‌کند.

۱۲- مقدار کوشش و جدیتی که شخص در کار باید داشته باشد، بستگی به اهمیت آن کار دارد.

۱۳- برخورد یک خادم حقیقی این است که بگوید: من فقط آن چیزی را که وظیفه‌ام بود، انجام داده‌ام.

۱۴- تشویق شخصی که کارش را خوب انجام داده، اشتباه است.

۱۵- یک مسیحی بالغ هیچ مشکلی ندارد.

۱۶- بهترین روش برای بلوغ روحانی، انجام کارهایی است که باعث رشد می‌شود.

۱۷- خدا کارهای زیادی به ما داده که باید آنها را انجام دهیم تا به بلوغ روحانی برسیم.

۱۸- قدرت اراده ما مؤثر خواهد بود، زمانی که مطیع و فرمانبردار باشیم.

۱۹- خطر ثروت این است که امکان دارد به جای خدا به آن تکیه کنیم.

۲۰- اگر به اندازه کافی ایمان داشته باشید، می‌توانید ثروتمند شوید.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۷- a) غلط

b) صحیح

c) صحیح

d) صحیح

e) صحیح

f) غلط (بعضی از مشکلات امکان دارد نتیجه عدم بلوغ مسیحی باشد ولی نه همه مشکلات.)

۱- راه حل محبت است و قسمت مربوطه از کلام خدا اول قرن‌تین باب ۱۳ است. «محبت حلیم و مهربان است؛ محبت حسد نمی‌برد؛ محبت کبر و غرور ندارد؛ اطوار ناپسندیده ندارد و نفع خود را طالب نمی‌شود؛ خشم نمی‌گیرد و سوءظن ندارد؛ از ناراستی خوشوقت نمی‌گردد، ولی با راستی شادی می‌کند.» (اول قرن‌تین ۱۳: ۴-۶).

۸- a

۲- آیا پاسخ‌های شما نشان می‌دهد که در زندگی‌تان در رابطه با طمع، مشکل دارید؟ اگر اینطور است، توصیه می‌کنم که صادقانه برای درست کردن این مشکل و توسعه روش‌های برخورد صحیح، از مراحل حل مشکلات که در درس سوم بیان شده، استفاده کنید.

۹- a) ۶

b) ۸

c) ۴

d) ۲

e) ۱

f) ۷

۳ (g)

۵ (h)

۳- (a) صحیح

(b) غلط

(c) صحیح

(d) صحیح

(e) غلط

(f) صحیح

(g) غلط

(h) صحیح

۱۰- (a) او همه نیازهای شما را برآورده می‌سازد.

(b) اگر ملکوت خدا را در زندگی‌تان در اولویت قرار دهید، خدا همه

چیزهایی را که شما نیاز دارید، فراهم خواهد کرد.

(c) او هرگز شما را ترک نخواهد کرد.

۴- جواب b دقیقاً بیان‌کننده تعلیم مسیح است و جواب‌های دیگر روش‌های

برخورد مخالف و اشتباه را بیان می‌کنند.

۱۱- (a) مقدار ثروتی که الان دارم در روزی که تحت داوری خدا قرار بگیرم،

هیچ ارزشی برای من نخواهد داشت.

(b) خدا انتظار دارد که هم ثروتمندان و هم فقرا وکلایی امین برای مادیات او

باشند.

(c) خدا خود را متعهد ساخته تا نیازهای اشخاصی را که ملکوت او را در

اولویت قرار می‌دهند، برطرف سازد.

(d) ما باید خدا را در اولویت زندگی‌مان قرار دهیم و سپس برای محافظتش از

ما، به او اعتماد کنیم.

(e) همه مسیحیان چه ثروتمند و چه فقیر باید روح بخشنده‌گی داشته باشند.

۸ (a-۵)

۵ (b)

۱۱ (c)

۹ (d)

۱ (e)

۶ (f)

۴ (g)

۲ (h)

۱۰ (i)

۳ (j)

۷ (k)

۱۲- جواب انتخابی شما که می‌تواند عبارت باشد از: «یک مسیحی می‌تواند با به یاد آوردن این حقیقت که او نماینده پدر آسمانی‌ای است که به فکر اوست، در برابر هر نوع بی‌عدالتی مانند مسیح عکس‌العمل نشان دهد.

b-۶

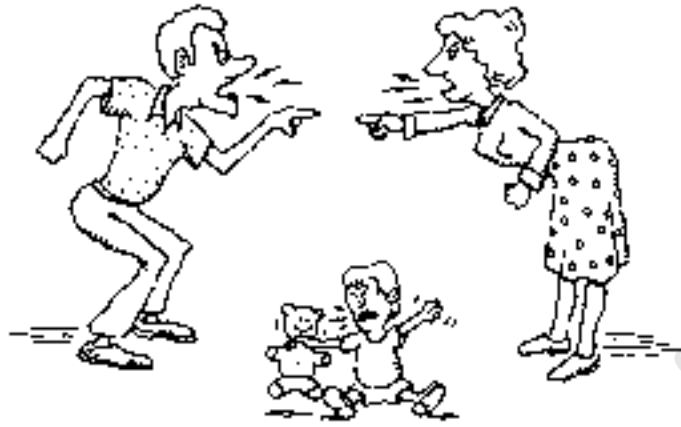
۱۳- جواب انتخابی شما.

مشکلات در روابط خانوادگی

روزی یک معلم کانون شادی سعی داشت به شاگردان ۸ ساله خود بفهماند که آسمان چگونه است. او در پایان سخنانش چنین گفت: «من دوست دارم آسمان را با خانه خودم مقایسه کنم. جایی که مملو از محبت، آرامش و پذیرفته شدن است! بله، آسمان مثل بودن در خانه است.»

یک پسر کوچک با چشم‌های گشاد شده و جدی به او نگاه کرد و پاسخ داد: «اگر آسمان شبیه خانه من است، من نمی‌خواهم به آنجا بروم!» از ابتدای خلقت، تشکیل خانواده نقشه خدا بود. نظم و آرایش جامعه و کلیسا بر اساس نظم و آرایش خانواده است. خدا قوانین مشخصی در رابطه با مسئولیت شوهر، زن و بچه‌ها داده است. با رعایت کردن این قوانین، یگانگی خانواده حفظ می‌شود و هر یک از اعضای خانواده احساس رضایت و خوشحالی می‌کنند. اما زمانی که یکی از این قوانین نادیده گرفته می‌شود، خانواده با مشکل روبرو می‌گردد و حتی ممکن است از هم بپاشد.

امروزه در بسیاری از نقاط دنیا اصل خانواده حقیقتاً با مشکلات جدی روبرو است. در بعضی از کشورها، بیش از ۵۰٪ ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد و در بعضی دیگر، مقام و منزلت زن کمی بیشتر از یک مستخدم است. بچه‌هایی که در یک خانواده نابسامان زندگی می‌کنند، احتمالاً در آینده وقتی ازدواج کنند، خود نیز چنین خانواده‌ای را بوجود خواهند آورد. اما در واقع، چه مشکلاتی همبستگی و یکدلی خانواده را از بین می‌برد؟ و کلام خدا در این مورد چه می‌گوید؟ اینها موضوعات درس پنجم ما است. اگر آسمان شبیه خانه شما بود، آیا می‌خواستید که به آسمان بروید؟ شما را تشویق می‌کنم در حین مطالعه این درس تصمیماتی در مورد زندگی‌تان بگیرید.



فهرست مطالب

مشکلات زن و شوهر

مشکلات فرزندان

راه حل های کتاب مقدسی برای مشکلات خانوادگی

اهداف درس

پس از مطالعه این درس شما قادر خواهید بود:

- راه حل های کتاب مقدسی برای مشکلاتی از قبیل بی وفایی، ازدواج با بی ایمان، و طلاق را بیان کنید.
- مسئولیت های شوهر، زن و فرزندان را نسبت به سایر اعضای خانواده بیان کنید.
- به منظور یافتن راه حل های معقول برای مشکلات مادی و مشکلات مربوط به فرزندان، از اصول کتاب مقدسی استفاده کنید.

فعالیت‌های یادگیری

۱- درس را بر اساس موضوعات داده شده، بخوانید. تمام آیات ذکر شده از کلام خدا را مطالعه کنید و به همه سؤالات پاسخ دهید و جواب خود را با پاسخ داده شده مقایسه کنید.

۲- به خودآزمایی درس پاسخ دهید و جواب‌های خود را مقایسه کنید.

متن درس

مشکلات زن و شوهر

غیرممکن خواهد بود اگر بخواهیم در این درس کوتاه همه مشکلاتی که امکان دارد در خانواده پیش بیاید، مورد بررسی قرار دهیم و راه حل‌های آنها را بیان کنیم. در بحثی که پیرامون روابط اجتماعی داشتیم، به حیطه بسیاری از مشکلات وارد شدیم که در خانواده نیز امکان دارد بوجود بیاید. در این درس، سعی خواهیم کرد فقط مشکلاتی را بررسی کنیم که بطور خاص مربوط به خانواده می‌شود و برای هر مورد، به اصول کتاب مقدسی‌ای که می‌تواند به ما کمک کند، اشاره خواهیم کرد. در ابتدا به مسائلی می‌پردازیم که می‌تواند مشکلات خیلی جدی بین زن و شوهر بوجود آورد.

تفاوت‌های روحانی

در بعضی از ازدواج‌ها، مشکلات از این جهت به وجود می‌آید که یکی از طرفین مسیحی است و دیگری غیرمسیحی. بسیاری از مواقع مسیحیان با این فکر که در آینده قادر خواهند بود همسرشان را به سوی خدا هدایت کنند، با یک بی‌ایمان ازدواج می‌کنند. و بعضی اوقات هم بعد از ازدواج یک زوج، شوهر و یا زن ایمان می‌آورد و همسرش ایمان نمی‌آورد. مشکلاتی که از چنین ازدواج‌هایی حاصل می‌شود، بسیار

بزرگ است. مشکلاتی از قبیل: همسر مسیحی به موضوعات روحانی، شرکت در کلیسا و بلوغ مسیحی تمایل دارد، در صورتی که همسر بی‌ایمان، به‌سوی لذات و مشغولیت‌های دنیوی جلب می‌شود. همچنین در تربیت فرزندان نیز اختلاف نظر وجود دارد و بچه‌ها امکان کمتری برای پذیرش مسیح به‌عنوان نجات‌دهنده شخصی خود دارند، چرا که همسر بی‌ایمان، یک نمونه غیرمسیحی برای آنها خواهد بود. حتی گاهی اوقات شخص بی‌ایمان، همسر ایماندار خود را به گناه می‌کشاند و او را از ایمان دور می‌کند.

بهترین راه حل برای این مشکل و سایر مشکلاتی که در این زمینه پیش می‌آید، اجتناب از ازدواج با یک غیرایماندار است که این موضوع در دوم قرن‌تین ۱۴:۶-۱۸ بیان شده است:

«زیر یوغ ناموافق با بی‌ایمانان مشوید، زیرا عدالت را با گناه چه رفاقت و نور را با ظلمت چه شراکت است؟ و مسیح را با بلیعال چه مناسبت و مؤمن را با کافر چه نصیب است؟ و هیکل خدا را با بتها چه موافقت؟ زیرا شما هیکل خدای حی می‌باشید، چنانکه خدا گفت که "در ایشان ساکن خواهم بود و در ایشان راه خواهم رفت و خدای ایشان خواهم بود، و ایشان قوم من خواهند بود." پس خداوند می‌گوید: "از میان ایشان بیرون آید و جدا شوید و چیز ناپاک را لمس نکنید تا من شما را مقبول بدارم، و شما را پدر خواهم بود و شما مرا پسران و دختران خواهید بود؛ خداوند قادر مطلق می‌گوید."»

۱- کدامیک از پاسخ‌های زیر بهترین جواب برای سؤالاتی است که در این قسمت خواندیم؟

- (a) در هر یک از موارد، مقداری هماهنگی و توافق می‌تواند وجود داشته باشد.
- (b) هیچ نوع هماهنگی و توافقی نمی‌تواند وجود داشته باشد چرا که آنها به ارزش‌های متضادی معتقد هستند.

c) تا زمانی که به اعتقادات همدیگر احترام می‌گذارند، می‌توانند با یکدیگر همکاری داشته باشند.

مسلماً پاسخ تمامی این سؤالات این است که عدالت با گناه، نور با تاریکی و مسیح با شیطان نمی‌تواند هیچ نوع توافق، سازش و یا همکاری داشته باشد. یک ایماندار و یک غیرایماندار، هیچ وجه مشترکی مگر در قسمت احتیاجات اولیه بشری ندارند. جوانی که آنقدر مشتاق ازدواج است که این تعلیم مهم کتاب مقدس را نادیده می‌گیرد، در واقع با این کار، در زندگی خود را به‌سوی مشکلات و غم‌ها باز می‌کند. راه خدا بهترین راه است و در صورتی که مطیع او باشیم، او همه نیازهای ما را برطرف می‌سازد. در درس آینده، درباره مشکلات اشخاصی که ازدواج نکرده‌اند، بیشتر سخن خواهیم گفت.

برای مسیحیانی که قبل از ایمان آوردن با یک غیرایماندار ازدواج کرده‌اند، پولس رسول در اول قرن‌تین ۱۲:۷-۱۶ دستوراتی ذکر می‌کند. اگر این قسمت را مطالعه کنید، خواهید دید که پولس رسول، شخص مسیحی را تشویق می‌کند که تا زمانی که همسر بی‌ایمانش تمایل به ادامه زندگی با او را دارد، از او جدا نشود. یک همسر مسیحی نباید آن فردی باشد که می‌خواهد جدا شود. خدا قادر است که محبت و رحمت لازم را بوجود آورد و که می‌داند، شاید در نهایت آن همسر بی‌ایمان نجات یابد.

«اما اگر بی‌ایمان جدایی نماید، بگذارش که بشود زیرا برادر یا خواهر در این صورت مقید نیست و خدا ما را به سلامتی خوانده است» (اول قرن‌تین ۱۵:۷).

۲- به نظر شما، چرا به یک مسیحی توصیه شده که در مواردی مثل مورد بالا، از همسر بی‌ایمانش جدا نشود (متی ۱۹:۴-۶ را بخوانید)؟

در بسیاری از خانه‌ها، مادر مسئولیت رهبری روحانی خانواده را برعهده دارد. اما این مورد پسند خدا نیست؛ چرا که خدا مرد را به‌عنوان سر خانواده قرار داده است.

بنابراین رهبری روحانی خانواده نیز باید برعهده مرد باشد. کودکان اغلب پدر خود را الگو قرار می‌دهند و پدر نمی‌تواند انتظار داشته باشد که خانواده‌اش از نظر روحانی به سطح بالاتری از آنچه خودش هست، برسد.

مشکلات روحانی خانواده فقط از طریق اطاعت از اصول کتاب مقدس، قابل حل است. در آخرین قسمت این درس، درباره اصول مسیحی در رابطه با خانواده بحث خواهیم کرد. در صورتی که شما در خانواده، در رابطه با این قسمت مشکل دارید، می‌توانید با استفاده از این اصول مشکلاتتان را حل کنید.

۳- در این قسمت، درباره دو اصل مقدماتی صحبت کردیم که به ما کمک می‌کند تا تفاوت‌های روحانی بین زن و شوهر را تصحیح و یا از آنها جلوگیری کنیم. این دو اصل را بیان کنید.

تفاوت در نیازهای جنسی

گاهی اوقات یکی از طرفین نیاز بیشتری برای داشتن رابطه جنسی دارد. نداشتن رابطه جنسی بین زن و شوهر مخالف کتاب مقدس است، مگر آنکه با رضایت طرفین، و آن هم فقط برای مدتی کوتاه باشد (اول قرن‌تین ۵:۷ را مطالعه کنید). زن و شوهری که می‌خواهند همدیگر را ارضاء کنند، لازم است که مطابق تعلیم کلام خدا هر یک خود را در اختیار دیگری بگذارد (اول قرن‌تین ۳:۷-۴ را مطالعه کنید). در عین حال، نسبت به نیازهای واقعی یکدیگر یعنی اظهار محبت و عاطفه که هدف جنسی ندارد، حساس باشند.

در درس هفتم، مسائل جنسی ازدواج بیشتر مورد بررسی قرار خواهد گرفت. زوجی که از تعلیم کلام خدا در این باره پیروی می‌کند، درخواست یافت که داشتن روابط جنسی باعث اتحاد می‌شود و در حل سایر مشکلات نیز کمک می‌کند.

- ۴- کدامیک از این نگرش‌ها، برای حل مشکلات ناشی از تفاوت در نیازهای جنسی، بهتر به یک زوج کمک خواهد کرد؟
- (a) همسری که همیشه خود را در اختیار شوهر می‌گذارد.
- (b) تمایل برای ارضاء و خشنود کردن یکدیگر.
- (c) با رضایت طرفین، روابط جنسی بسیار محدودتری داشته باشند.

بی‌وفایی

شاید مشکلی که بیش از هر چیز دیگر ازدواج را تهدید می‌کند، مشکل بی‌وفایی (خیانت یا زنا) است. این موضوع در درس هفتم مورد بررسی قرار خواهد گرفت. همانطور که در درس دوم دیدیم، زنا و خیانت هم در عهدعتیق و هم در عهدجدید به شدت رد شده است. در اینجا می‌خواهیم موضوع را از دید همسر بی‌گناه که مورد آسیب قرار گرفته، بررسی کنیم.

اگر همسران مرتکب زنا شده باشد، چه عکس‌العملی باید نشان دهید؟ آیا باید فوراً طلاق بگیرید؟ در صورتی که همسران به گناهش ادامه دهد، آیا باید رابطه زناشویی خود را با او حفظ کنید؟ در رابطه با این مشکل، سه جنبه وجود دارد که آنها را بررسی می‌کنیم:

۱- در صورتی که همسران به زنا خود ادامه می‌دهد، آیا شما موظف هستید که به رابطه زناشویی‌تان ادامه دهید؟ بر اساس گفته مسیح در متی ۹:۱۹، طلاق فقط در صورت زنا امکان‌پذیر است: «و به شما می‌گویم هر که زن خود را به غیر علت زنا طلاق دهد و دیگری را نکاح کند، زانی است و هر که زن مطلقه‌ای را نکاح کند، زنا کند.» بنابراین، زن یا شوهر به هیچ وجه موظف نیست که رابطه زناشویی را با همسر زناکارش ادامه دهد.

۲- اگر ازدواجی به علت بی‌وفایی همسر منجر به طلاق شود، آیا طرفی که مرتکب زنا نشده، می‌تواند دوباره ازدواج کند؟ مفسرین کتاب مقدس در تفسیر این قسمت از کلام خدا، اتفاق نظر ندارند. به عقیده تعدادی از آنها، کلام مسیح در متی

۹:۱۹، به چنین شخصی اجازه ازدواج مجدد می‌دهد. تفسیر آنها به این صورت است که وقتی شخصی مرتکب زنا می‌شود، در واقع آن اتحادی را که در هنگام ازدواج باعث می‌شد با همسرش یک بدن باشند، از بین می‌برد. در نتیجه همسرش دیگر در زیر یوغ این اتحاد نیست. در چنین شرایطی طرفی که مرتکب زنا نشده، می‌تواند دوباره با شخصی که محدودیتی برای ازدواج ندارد، پیوند زناشویی برقرار کند.

تفسیر دیگر این است که به طرف مقابل اجازه داده می‌شود که از شریک زندگی‌اش به علت ارتکاب زنا، طلاق بگیرد، اما نمی‌تواند دوباره ازدواج کند. ما این موضوع را در قسمت طلاق بیشتر مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۳- ممکن است خیلی چیزها شخص را به سمت زنا سوق دهد. امکان دارد همسر شخصی از داشتن رابطه جنسی با وی امتناع کند و در نتیجه، شخص در جستجوی جایی باشد که این نیاز را برآورده کند. و یا شاید در یک لحظه وقتی که شخص در آمادگی روحانی بسر نمی‌برد، دچار وسوسه شود. مطمئناً خدا هیچ‌یک را مبرا از خطا نمی‌شمرد و در هر دو حالت، زنا، گناه به حساب می‌آید. اما شاید آن همسر زناکار از گناهش توبه کند و واقعاً برای گناهی که انجام داده، ناراحت باشد و درخواست بخشش کند. در چنین شرایطی، آیا طرف مقابل باید او را ببخشد و رابطه زناشویی خود را با او مجدداً برقرار کند؟

این شاید یکی از مشکل‌ترین موارد بخشش باشد که امکان دارد شخص در زندگی با آن روبرو شود. جراحات حاصل از این بی‌وفایی، به اعماق قلب نفوذ می‌کند و اعتماد دوباره بسیار مشکل می‌شود. ولی با این وجود، اصل بخشش یکی از قوی‌ترین تعالیم در کتاب مقدس است. مسیح نه تنها به ما تعلیم داد که همدیگر را ببخشیم (متی ۱۴:۶)، بلکه خود نیز می‌بخشید (لوقا ۴۷:۷-۵۰). خدا از گناه متنفر است ولی شخص گناهکار را آنقدر دوست دارد که حاضر شد پسر محبوبش مورد اهانت قرار بگیرد، مجروح شود و در نهایت برای اینکه گناهان ما بخشیده شود، بر صلیب چوبی آویخته گردد. مسیح زنی را که در حین عمل زنا گرفتار شده بود، بخشید (یوحنا ۸:۳-۱۱).

در ازدواج، یک همسر، چه محبتی می‌تواند به زن یا شوهر خود نشان دهد، بزرگتر از اینکه همانطور که مسیح ما را بخشید او نیز زن یا شوهر خود را ببخشد؟ اگر ازدواجی نجات پیدا کند و خانواده مسیحی حفظ شود، و اگر زن و شوهر بتوانند پیمان‌شان را با همدیگر و با خدا دوباره برقرار سازند، خدا شخصی را که توانسته است ببخشد، برکت خواهد داد. در چنین مواردی، زن و شوهر هرگز نباید این موضوع را دوباره با همدیگر و یا با کس دیگری مطرح کنند. این موضوع باید بخشیده و فراموش شود. مگر مواقعی که می‌خواهیم به یاد آوریم که چطور قدرت شریر می‌تواند ما را به طرف گناه سوق دهد.

۵- کدامیک از جملات زیر بیان کننده عکس‌العمل یک مسیحی است، زمانی که همسرش مرتکب زنا می‌شود؟

- a) یک مسیحی باید در هر شرایطی پیوند زناشویی خود را با همسرش ادامه دهد.
- b) زمانی که همسر یک شخص مرتکب زنا شد، واجب است که او از همسرش جدا شود و با یک مسیحی دیگر ازدواج کند.
- c) در صورتی که همسر یک شخص مرتکب گناه زنا شود، شخص آزاد است که از همسرش طلاق بگیرد.
- d) این امکان وجود دارد که گناه زنا بخشیده شود و پیمان زناشویی دوباره برقرار گردد.

۶- بعضی از مفسرین کتاب مقدس سخنان مسیح را در متی ۹:۱۹ مجوزی می‌دانند برای اینکه

- a) همسری که مرتکب زنا شده، طلاق بگیرد و دوباره ازدواج کند.
- b) شخصی که همسرش مرتکب زنا شده، طلاق بگیرد و دوباره ازدواج کند.
- c) هم زن و هم شوهر دوباره ازدواج کنند.

طلاق

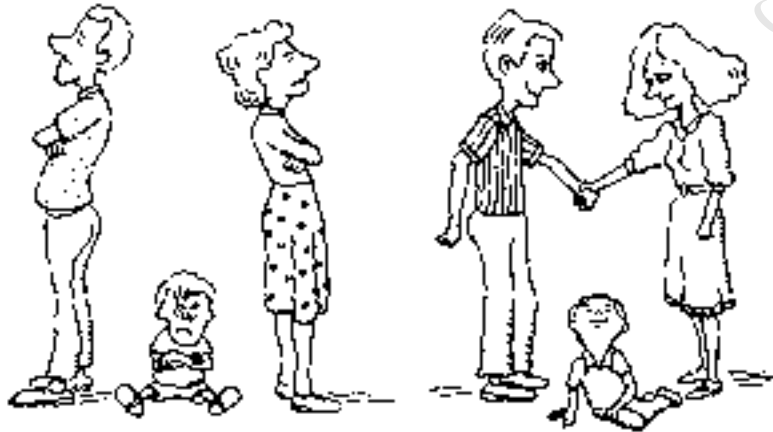
دیدگاه خدا درباره طلاق به روشنی در ملاکی ۱۳:۲-۱۶ بیان شده است: «و این را نیز بار دیگر بعمل آورده‌اید که مذبح خداوند را با اشک‌ها و گریه و ناله پوشانیده‌اید و از این جهت هدیه را باز منظور نمی‌دارد و آن را از دست شما مقبول نمی‌فرماید. اما شما می‌گویید سبب این چیست؟ سبب این است که خداوند در میان تو و زوجه جوانیت شاهد بوده است و تو به وی خیانت ورزیده‌ای با آنکه او یار تو و زوجه هم عهد تو می‌بود. و آیا او یکی را نیافرید با آنکه بقیه روح را می‌داشت و از چه سبب یک را (فقط آفرید)؟ از این جهت که ذریت الهی را طلب می‌کرد. پس از روح‌های خود باحذر باشید و زنهار احدی به زوجه جوانی خود خیانت نوزد. زیرا یهوه خدای اسرائیل می‌گوید که از طلاق نفرت دارم و نیز از اینکه کسی ظلم را به لباس خود بپوشاند. قول یهوه صباوت این است پس از روح‌های خود با حذر بوده، زنهار خیانت نوزید.»

یکی از دلایلی که خدا انتظار دارد زن و شوهر نسبت به همدیگر امین باقی بمانند، این است که فرزندان‌شان حقیقتاً جزو قوم خدا می‌شوند. فرزندان یک زوج مسیحی بطور خاص فرزندان خدا هستند. بزرگترین مشکلات زندگی برای کودکانی بوجود می‌آید که قربانی طلاق هستند.

شبابی را می‌شناسم که برای مدت ۲ سال به ۴۰ پسر بزهکار که توسط مراجع قانونی به دلیل ارتکاب انواع جنایات در یک خانه مخصوص اسکان داده شده بودند، درس می‌داد. این شبان به من گفت که همه این پسرها یک تجربه مشترک داشتند و آن این بود که والدین آنها از همدیگر طلاق گرفته بودند. مطمئناً همه فرزندان که والدین‌شان از همدیگر طلاق می‌گیرند جنایت‌کار نمی‌شوند، اما اکثر آنها به طریقی زجر می‌کشند.

قوانین متداول برای طلاق عبارتند از:

- ۱- طلاق برای مسیحیان، ممنوع شده است (اول قرنتیان ۷: ۱۰-۱۱).
- ۲- ازدواج با شخصی که طلاق گرفته، ممنوع است (لوقا ۱۶: ۱۸، متی ۵: ۳۲ و ۱۹: ۹، اول قرنتیان ۷: ۱۱).
- ۳- اشخاصی که طلاق گرفته‌اند، نباید دوباره ازدواج کنند (اول قرنتیان ۷: ۱۰ و ۱۱).



طلاق

ازدواج مسیحی

در ابتدای این درس، درباره دلیلی که یک مسیحی اجازه دارد طلاق بگیرد و دوباره ازدواج کند صحبت کردیم. اما حتی در چنین مواردی بهایی باید پرداخت کرد و آن بهای تحمل زجر و ناراحتی، آسیب رسیدن به بچه‌ها و نبودن یک نمونه خوب به عنوان یک مسیحی است.

در مواردی که طلاق قبلاً اتفاق افتاده و به علت ازدواج دوباره یکی از طرفین، برقراری مجدد پیمان زناشویی امکان‌پذیر نیست، جامعه مسیحی می‌تواند منبعی برای آسایش و کمک به شخصی باشد که طلاق گرفته است. خدا روی خودش را از کسی که برای کمک نزد او گریه و زاری می‌کند، برنمی‌گرداند. خدا به او قدرت می‌دهد تا

زندگی خود را دوباره بسازد و با مشکلات حاصل از طلاق برخورد کند. در درس ششم، این موضوع را از دیدگاه شخصی بررسی خواهیم کرد که طلاق گرفته و تنها زندگی می‌کند.

زوجی را می‌شناسم که سال‌ها پیش قبل از اینکه با همدیگر ازدواج کنند، هر دو طلاق گرفته بودند. مدتی بعد از ازدواجشان هر دو به مسیح ایمان آوردند. شوهر احساس تقصیر می‌کرد به دلیل طلاقی که قبلاً گرفته بوده، و چنین باور داشت که با ازدواج مجدد دچار زنا شده است. پولس رسول برای چنین موقعیتی نیز دستوراتی داده است.

۷- اول قرن‌های ۱۷:۷-۲۴ را مطالعه و بیان کنید چطور این قسمت را می‌توان برای موردی که در بالا ذکر شد، استفاده کرد؟
۸- بدون مراجعه به مطالب ذکر شده، قوانین متداول درباره طلاق را که به وسیله یک مسیحی بکار گرفته می‌شود، بیان کنید.

سایر مشکلات زناشویی

در این قسمت، بطور خلاصه تعدادی از مشکلاتی را بیان می‌کنیم که می‌توانند باعث ناراحتی و اختلاف در خانه شوند.

۱- **فقدان احترام و اعتماد متقابل.** شوهری را می‌شناسم که از تحقیر کردن همسرش در حضور دیگران لذت می‌برد. زنی را می‌شناسم که همیشه دنبال فرصت بود تا با مخالفت یا تصحیح صحبت شوهرش در جلوی دیگران او را کم‌ارزش بنمایاند. شاید آنها به این وسیله بعضی از رفتارهای همسرشان را تلافی می‌کنند، رفتارهایی مثل، کمی ابراز محبت، عدم اطاعت و غیره. اما مطمئناً اینها روش مسیحی برای حل مشکلات موجود در روابط نیست. روش کتاب مقدسی این است که مرد باید همانطور که مسیح کلیسا را محبت کرد، همسرش را محبت کند (افسیسیان ۲۵:۵-۲۸). و این که زن باید به شوهرش احترام بگذارد (افسیسیان ۳۳:۵).

هیچ یک از طرفین نباید کاری بکند که در همسرش سوءظن و یا حسادت بوجود بیاورد. زوج مسیحی‌ای که با این مشکل روبرو هستند باید بدون پرده با یکدیگر صحبت و توافق کنند که از هر شرایطی که باعث بوجود آمدن حسادت و سوءظن می‌شود، اجتناب کنند. شخصی که بدون دلیل موجه مدام درگیر سوءظن است، باید از مسیح بخواهد که او را در غلبه بر این حالت و افزایش اعتماد نسبت به همسرش کمک کند.

۹- سؤظن در اثر فقدان بوجود می‌آید.

(a) احترام

(b) فروتنی

(c) تعهد

(d) اعتماد

۲- فقدان ارتباط و مشارکت. «شوهرم هرگز با من صحبت نمی‌کند.» این شکایت متداول زنانی است که تمام روز خود را صرف نگهداری از کودکان کوچک‌شان می‌کنند و دنبال فرصتی هستند که شب‌ها با شوهرشان صحبت کنند. لازمه یک ازدواج خوب و موفق، داشتن مشارکت و ارتباط مناسب است. یک زن و شوهر باید قادر باشند بیشتر از هر کس دیگری شادی‌ها، نگرانی‌ها، امیدها، رویاها و مشکلات کوچک روزمره را با همدیگر در میان بگذارند.

۳- تعهد و الزام بیش از حد. یک روانشناس معروف مسیحی تعهد و الزام بیش از حد را مشکل درجه اول بسیاری از خانواده‌های مسیحی منجمله شبانان و خادمین تمام وقت دیگر خدمات کلیسایی معرفی کرده است. بسیار آسان می‌توان با فعالیت‌های خارج از خانه مشغول شد به حدی که شخص دیگر فرصتی برای زندگی خانوادگی ندارد و در نتیجه خانه تبدیل به مکانی برای خوردن، استحمام و استراحت می‌شود. زمانی که پدر مشغول بدست آوردن پول و یا خدمت به نیازهای روحانی

دیگران است، خانواده‌اش مورد فراموشی و غفلت قرار می‌گیرد. او بهترین وقت و توانایی‌اش را صرف کارش می‌کند و در نتیجه هیچ و یا فرصت کمی را به همسر و کودکانش اختصاص می‌دهد. خدا از ما انتظار دارد که با عقلی که به ما داده، اولویت‌های صحیح در زندگی‌مان را انتخاب کنیم. اگر شوهر می‌خواهد که مسئولیت رهبری روحانی خانواده را برعهده داشته باشد، باید وقت کافی برای مشارکت با خانواده اختصاص دهد.

۱۰- اول تیموتائوس ۱:۳-۱۲ را بخوانید و بیان کنید که در این قسمت پولس رسول چه دستوراتی درباره شبانان می‌دهد که نشان‌دهنده این واقعیت است که شبانان باید خانواده‌شان را در اولویت قرار دهند؟

۴- **مشکلات مالی.** زن و شوهر باید با یکدیگر همکاری کرده، بودجه‌ای فراهم سازند تا نیازهایشان را تأمین و از داشتن هر گونه بدهی نیز جلوگیری کنند. بهترین پایه و اساس این است که مطابق با کلام خدا با امانت ده یک خود را به خداوند تقدیم کنند (ملاکی ۸:۳، متی ۲۳:۲۳).

من کاملاً معتقدم که بسیاری از خانواده‌ها با مسائلی از قبیل مشکلات مالی، بیماری و خرج‌های غیرمنتظره روبرو و در رنج هستند، فقط به این خاطر که با خوشی سهم خدا را از درآمدشان نمی‌دهند. کلام خدا بارها و بارها اصل بخشش را مورد تأکید قرار داده است. خدا وعده داده که اگر به او وفادار بمانیم، تمام نیازهای ما را برآورده سازد (لوقا ۶:۳۸).

پولس رسول می‌گوید که یاد گرفته که همیشه قانع باشد، چه زمانی که دارد و چه زمانی که ندارد (فیلیپیان ۴:۱۱). مطمئناً خوشبختی وابسته به پول و مادیات نیست. خدا نمی‌خواهد که ما نگران انباشتن ثروت باشیم بلکه او می‌خواهد که برای رفع نیازهای روزانه‌مان به او اعتماد کنیم.

۵- **اختلاف نظر در تربیت فرزندان.** عامل بوجودآورنده بسیاری از مشکلات، به توافق نرسیدن والدین در روش تربیت فرزندان است. با اطاعت از اصولی که کلام خدا درباره تربیت کودکان داده، می‌توان از این مشکلات اجتناب کرد. در همین درس درباره تعدادی از این اصول صحبت خواهیم کرد. والدین باید همیشه در تصمیم‌گیری درباره فرزندان یگانگی و اتحاد نشان دهند و درباره اختلاف‌نظرها بطور خصوصی با یکدیگر صحبت کنند تا کودکانشان از این اختلاف‌نظرها سودجویی نکنند و اختلاف بیشتری بین والدین بوجود نیاورند.

۶- **مشکلات فامیلی.** زمانی که یک مرد ازدواج می‌کند، در واقع باید پدر و مادر خود را ترک و خودش را وقف همسرش کند (متی ۱۹:۵). بنابراین، مسئولیت او نسبت به زن و فرزندان است و نباید اجازه دهد هیچ چیزی باعث از بین رفتن یگانگی روابط زناشویی او شود. اما در ضمن، کلام خدا تعلیم می‌دهد که اگر عضوی از خانواده مشکلی جدی دارد، نباید از او رو برگرداند. اول تیموتائوس ۵:۴-۸، مسئولیت ایمانداران را جامع‌تر ساخته، آن را به حوزه پدر بزرگ و مادر بزرگ، سایر بستگان و هر بیوه‌زنی در فامیل می‌کشاند. آیه ۸ اضافه می‌کند: «ولی اگر کسی برای خویشان و علی‌الخصوص اهل خانه خود تدبیر نکند، منکر ایمان و پست‌تر از بی‌ایمان است.»

۱۱- اگر والدین شوهر از او درخواستی کنند که با مسئولیتی که او در قبال زن و فرزندان دارد مغایر است، شوهر کدامیک را باید در اولویت قرار دهد؟

(a) والدینش

(b) زن و فرزندان

۱۲- مشکلاتی را که در اینجا قید شده، با راه حل صحیح آن منطبق کنید.

(a) تنظیم مخارج خانواده بصورتی که سهم خدا در اولویت قرار گیرد.

(b) پیروی از الگوی کتاب مقدس برای زندگی و احترام به یکدیگر.

(c) اعتماد به همدیگر و قابل اعتماد بودن.

(d) گذراندن وقت بیشتر با خانواده.

(e) اطاعت از اصول مسیحی و نشان دادن یگانگی و اتحاد.
 (f) اولین اولویت مرد، نیازهای خانواده‌اش است و بعد از آن، احتیاجات جدی سایر اعضای فامیل.

(g) در میان گذاشتن امور با همدیگر.

۱- تعهد و الزام بیشتر از حد

۲- مشکلات فامیلی

۳- مشکلات مالی

۴- فقدان احترام

۵- اختلاف نظر در تربیت فرزندان

۶- کمبود ارتباط و مشارکت

۷- سؤزن

مشکلات فرزندان

نااطاعتی

نااطاعتی از والدین یکی از علامت‌های زمان‌های آخر است. تنها حکمی که با وعده همراه است، عبارت است از «پدر و مادر خود را احترام نما تا روزهای تو در زمینی که یهوه خدایت به تو می‌بخشد، دراز شود» (خروج ۱۲:۲۰). والدین باید به‌وسیله تربیت و انضباط دقیق، اطاعت را به فرزندان‌شان بیاموزند. «طفل را در راهی که باید برود تربیت نما و چون پیر هم شود از آن انحراف نخواهد ورزید» (امثال ۶:۲۲). تعلیم و تربیت فرزند یک شبه اتفاق نمی‌افتد، بلکه کاری است که نیاز به عزمی راسخ و اشتیاق برای در کنترل داشتن شرایط دارد. «... اما پسری که بی‌لگام باشد، مادر خود را خجل خواهد ساخت» (امثال ۱۵:۲۹). اگر والدین می‌خواهند که در دوره بلوغ و نوجوانی فرزندان‌شان بر روی آنها کنترل داشته باشند، لازم است که در سال‌های اولیه زندگی به آنها اجازه نااطاعتی ندهند.

امروزه بسیاری از والدین بخاطر سرکشی و افسار گسیختگی فرزندان نوجوانشان، دلشکسته و ناراحت هستند. علاوه بر این، وسوسه‌هایی از قبیل مواد مخدر، مشروبات الکلی و فحشا برای جوانان روبه افزایش است. کلیسا نیز دور از اثرات این فشارها نمانده است. فشارهایی مثل درد و رنج یک خانواده مسیحی که دختر مجردشان حامله شده، و یا پسری که به مواد مخدر معتاد شده، و فرزندی که برای کسب لذات دنیا خانه را ترک می‌کند.

اگر خانواده شما به دلیل چنین مشکلاتی زیر فشار قرار دارد، اجازه دهید شما را تشویق کنم که ایمان‌تان را حفظ و قوی سازید و ناامید نشوید زیرا خدا مراقب شما است و فرزندان سرکش شما را نیز دوست دارد. با خواندن داستان پسر گمشده، ایمان‌تان را تقویت کنید (لوقا ۱۵: ۱۱-۳۲).

در این داستان، پدر مانع نمی‌شود که پسرش خانه را ترک کند ولی مطمئناً قلبش از رفتن او پر از درد و ناراحتی بود. مطمئن هستم او روز و شب برای پسرش دعا می‌کرد و همیشه منتظر بود که خدا در این شرایط برای خیریت او عمل کند. فکر می‌کنید او در روز چند دفعه به سر جاده رفت تا ببیند که فرزندش می‌آید یا نه؟ کلام خدا می‌گوید که بالاخره پسر تصمیم گرفت به خانه بازگردد «در ساعت برخاسته، به‌سوی پدر خود متوجه شد. اما هنوز دور بود که پدرش دیده، ترحم نمود و دوان دوان آمده، او را در آغوش خود کشیده، بوسید» (۲۰: ۱۵).

والدین مسیحی می‌توانند بر وعده داده شده در امثال ۶: ۲۲ اعتماد کنند. امکان دارد در بعضی موارد، تنها کاری که شخص می‌تواند انجام دهد این است که آن فرزند مشکل‌ساز را به خداوند بسپارد و اعتماد داشته باشد که او برای خیریت ما عمل می‌کند. اما همیشه آماده باشید زمانی که فرزندان‌تان برای کمک به شما رو می‌آورند، آنها را در حل مشکلشان کمک کنید. به همان شکلی که پدر آسمانی گناهکاری را که بازگشت می‌کند می‌پذیرد، بدون توجه به آنچه که انجام داده، والدین مسیحی نیز باید محبت و همدردی را به فرزندان یاغی خود نشان دهند زمانی که آنها درخواست کمک می‌کنند.

فقدان ارتباط و تربیت صحیح

گاهی اوقات از آنجا که هم پدر و هم مادر در خارج از خانه کار می‌کنند، انرژی کمتری برای انجام وظیفه اصلی‌شان یعنی تربیت و انضباط فرزندانشان دارند. این دسته از والدین، اغلب اوقات انتظار دارند وظیفه‌ای را که خدا بر دوش آنها گذاشته، کلیسا و یا مدرسه آن را انجام دهد. تربیت کودک، کار دشواری است. شما نمی‌توانید صرفاً با گفتن این مطلب که کودک‌تان چطور باید زندگی کند، او را تربیت کنید. شما باید برای تصحیح هر اشتباه، با او کار کنید و به او نشان دهید چه چیزی درست و چه چیزی غلط است و کلام خدا را به او تعلیم دهید. این کار را تا زمانی که فرزندان به اندازه کافی بزرگ شود و بتواند مسئولیت‌های یک فرد بالغ را به عهده بگیرد، باید انجام دهید.

عدم محبت و درک

هر شخصی احتیاج به محبت و عاطفه دارد. کودکانی که در بیان محبت‌شان به دیگران مشکل دارند، در خانواده‌ای رشد کرده‌اند که در آن اثر کمی از محبت وجود داشته است. بنابراین والدین باید برای ابراز محبت به کودکانشان، وقت کافی بدهند. وقتی که والدین از فرزندان‌شان انتظارات زیادی دارند و یا آنها را خیلی آزاد می‌گذارند و اجازه می‌دهند هر کاری که دلشان می‌خواهد انجام دهند، در واقع عدم درک صحیح خود را نشان می‌دهند. اینها دو حالت افراطی هستند که می‌توانند باعث بروز مشکلات شوند. احساس حقارت و عدم اطمینان در کودکی که دائماً مورد انتقاد قرار می‌گیرد، بوجود می‌آید، که این احساس، حتی در بزرگسالی نیز همراه او خواهد بود. برخورد مثبت در تربیت کودکان، کمک می‌کند تا از این مشکلات اجتناب شود.

هر شخص زمانی که مورد تأیید قرار می‌گیرد، واکنش خوبی نشان می‌دهد. باید یک تعادل بین اصلاح اشتباه شخص و تأیید یک فرد زمانی که کار درستی انجام می‌دهد، وجود داشته باشد. قوانین محبتی که در درس دوم مطالعه کردیم (اول

قرنطیان باب ۱۳)، باید در رفتار و در روش برخورد والدین با فرزندان و همینطور با دیگران مورد استفاده قرار گیرد. حق مسلم هر شخص است که در هر سنی که باشد با او محترمانه رفتار شود.

۱۳- کدامیک از جملات زیر به بهترین نحو بیان کننده رفتاری است که باید والدین در برابر مشکلاتی از قبیل ناطاعتی، عدم تربیت و عدم محبت فرزندانیشان داشته باشند؟

- (a) والدین نباید به فرزندانیشان اجازه دهند که ناطاعتی کنند. بلکه باید با دقت آنها را تربیت کنند و نشان دهند که مورد محبت پدر و مادر قرار دارند.
- (b) مهم‌ترین کاری که والدین می‌توانند در قبال ناطاعتی فرزندانیشان انجام دهند، تنبیه آنها است.

اصول کتاب مقدسی برای حل مشکلات خانوادگی

من دوست دارم به عنوان نتیجه‌گیری از این درس تعدادی از اصول کتاب مقدس در رابطه با مسئولیت‌های شوهر، زن، والدین و فرزندان را خلاصه کنم. پیروی کردن از این اصول به شما کمک می‌کند که بتوانید بسیاری از مشکلاتی را که در خانواده شما روی می‌دهد حل کنید. این اصول، طرح و الگوی خدا برای یک زندگی موفق خانواده مسیحی می‌باشد.

مسئولیت‌های شوهر

۱- **جهت دادن.** بر اساس الگوی کتاب مقدسی، خداوند مرد را برای جهت دادن به خانواده هدایت می‌کند. ابراهیم به وسیله خدا هدایت شد که خانه‌اش را ترک کند و به سرزمینی که خدا انتخاب کرده بود برود (پیدایش ۱۲:۱). یعقوب از طرف خداوند هدایت شد که به سرزمین پدری‌اش بازگردد (پیدایش ۳:۳۱). یوسف از طرف خدا هدایت شد که برای محافظت از خانواده به مصر فرار کند (متی ۱۳:۲).

روح القدس پولس را هدایت کرد که ترتیب الهی در خانواده مسیحی را بیان کند: «اما می‌خواهم شما بدانید که سر هر مرد، مسیح است و سر زن، مرد و سر مسیح، خدا» (اول قرنتیان ۳:۱۱ و ۸-۱۲). «ای فرزندان والدین خود را در خداوند اطاعت نمایید زیرا که این انصاف است» (افسیسیان ۱:۶).

دقیقاً مانند سر، که برای هدایت کل بدن لازم است نسبت به تمام اعضای بدن حساس باشد، مرد نیز برای اینکه بتواند هدایت کننده روحانی خانواده‌اش باشد، باید نسبت به نیازهای زن و فرزندانش و هدایت خداوند حساس باشد. مردی که با فروتنی و اطاعت کامل از مسیح زندگی می‌کند، می‌داند که چطور خانواده‌اش را به طریقی که پسندیده خداوند است، هدایت کند. این هدایت، موضوعات روحانی را نیز در بر می‌گیرد «اما من و خاندان من، یهوه را عبادت خواهیم نمود» (همچنین به اعمال ۳۱:۱۶ مراجعه کنید). زن مسیحی او و فرزندانش، با سرسپردگی به همان خداوند، با خوشحالی اقتدار پدر خانواده را خواهند پذیرفت.

۲- تأمین/احتیاجات. شوهر مسئول است که نیازهای مادی خانواده‌اش را فراهم سازد و از آنها محافظت و امنیت‌شان را تأمین کند (اول تیموتائوس ۸:۵).

۳- محبت کردن. شوهر باید زن خود را محبت کند همانطور که مسیح کلیسا را محبت کرد (افسیسیان ۵:۲۵ و ۲۸). اما مسیح چطور کلیسا را محبت کرد؟ الف) خویشتن را برای آن داد (افسیسیان ۵:۲۵ و رومیان ۸:۵). تمایل شوهر برای رنج کشیدن بخاطر همسرش نشان‌دهنده محبت فداکارانه او است. ب) تا آن را به غسل آب به وسیله کلام طاهر سازد (افسیسیان ۵:۲۶). محبت شوهر باید شامل سهیم کردن همسرش در کلام خدا شود تا هر دو از طریق آن تقدیس شده، رشد کنند. ج) تقدیس نماید (افسیسیان ۵:۲۶). محبت شوهر باید باعث تشویق همسرش برای زندگی روحانی با مسیح باشد.

د) تا کلیسای مجید را به نزد خود حاضر ساخته تا مقدس و بی‌عیب باشد (افسیان ۵:۲۷). شوهری که هدف از محبت کردن زنش برکت روحانی اوست، از طریق داشتن همسری روحانی و بی‌عیب، برکت خواهد یافت.

ه) او اول ما را محبت نمود (اول یوحنا ۴:۱۹). این شوهر است که باید در اظهار محبت پیشقدم شود.

و) جسم خود را دشمن نداشت (افسیان ۵:۲۹). کلیسا به‌عنوان بدن مسیح شناخته شده است (رومان ۵:۱۲). این نوع بیان محبت شامل تمام کارهایی می‌شود که یک مرد برای بدن خود انجام می‌دهد. محبتی که باعث می‌شود از زنش محافظت و احتیاجات او را در هر قسمت رفع کند. این محبت از طریق وفادار بودن به همسر (امثال ۵:۱۵، ۱۸ و ۱۹، ملاکی ۲:۱۵-۱۶)، با ملاحظه بودن (اول پطرس ۳:۷ و کولسیان ۳:۱۹) و قدردانی (امثال ۳۱:۲۸-۳۱) ثابت می‌شود.

۱۴- به نظر شما چرا مهم است شوهر زنش را به تمام روش‌های ذکر شده محبت کند؟

مسئولیت‌های زن

عهدجدید تعلیم نمی‌دهد که زن پست‌تر از مرد است. «هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن، زیرا که همه شما در مسیح عیسی یک می‌باشید» (غلاطیان ۳:۲۸). این متن هم به برده‌ها، مردهای آزاد، یهودی‌ها و یونانی‌ها اشاره می‌کند و هم به مردها و زن‌ها. عهدجدید همچنین بیان می‌کند که مسیح همه مردم را با وجود تفاوت‌هایی که دارند، در یک سطح می‌پذیرد. سر بودن مرد بیان‌کننده مسئولیت و نظم و ساختار خانواده است. هر جمعی باید یک رهبر داشته باشد و خدا شوهر را به‌عنوان رهبر خانواده انتخاب کرده است.

لازمه وجودی یک رهبر و هدایت کننده این است که پیروانی وجود داشته باشند. زن باید با فروتنی از رهبری شوهرش پیروی کند. «لیکن همچنانکه کلیسا مطیع مسیح است، همچنین زنان نیز شوهران خود را در هر امری باشند» (افسیسیان ۵:۲۴). اطاعت از شوهر به اطاعت از مسیح تشبیه شده است (افسیسیان ۵:۲۲)؛ با احترام (۳۳:۵)؛ همانطور که شایسته خداوند است (کولسیان ۳:۱۸). لطفاً کمی در این مورد فکر کنید! همان تعهد و سرسپردگی را که در برابر خداوند دارید، باید همچنان در برابر شوهرتان داشته باشید. یک زن مسیحی، شوهرش را در مقام بالایی قرار می‌دهد، به او احترام می‌گذارد، او و مصاحبت با او را نسبت به دیگران ترجیح می‌دهد و او را تحسین می‌کند. اگر شوهرش ایماندار نیست، شاید با اعمال همسر و نه صحبت‌های او، به نجات رهنمون شود (اول پطرس ۳:۱). به این معنا که یک شیوه زندگی مداوم که بر اساس اصول مسیحی است می‌تواند باعث ایمان آوردن یک شوهر بی‌ایمان شود، بدون اینکه احتیاجی به بکارگیری کلمات باشد.

در تیتس ۲:۳-۵ در مورد دیگر وظایف یک همسر نوشته شده است. زنان مسن‌تر و با تجربه‌تر باید این موارد را به زنان جوان یاد دهند. اما قبل از این کار، زنان مسن‌تر باید مطمئن باشند که زندگی آنها نمونه خوبی است. آنها باید با وقار باشند، نه غیبت‌گو و بنده شراب. سپس می‌توانند اینها را به زنان جوان بیاموزند.

۱۵- تیتس ۲:۳-۵ را مطالعه کنید و هفت چیزی را که زنان پیر باید به زنان جوان تعلیم دهند، بیان کنید.

مسئولیت‌های والدین

۱- والدین مسئول تربیت فرزندان‌شان هستند (امثال ۲۲:۶ و افسسیان ۴:۶). تربیت شامل نمونه بودن، تعلیم و تأدیب در مواقع ضروری است. کودکان از آنچه که در اطرافشان می‌بینند، چیزهایی یاد می‌گیرند. بخشی دیگر از یادگیری به تعلیم وابسته است، و همچنین از طریق تأدیب و انضباط راه درست را فرا می‌گیرند (امثال ۲۹:۱۵ و ۱۷).

۲- تأدیب فرزندان باید همراه با انصاف باشد. افسسیان ۴:۶ می‌گوید «و ای

پدران، فرزندان خود را به خشم میاورید بلکه ایشان را به تأدیب و نصیحت خداوند تربیت نمایید». و کولسیان ۲۱:۳ می‌گوید: «ای پدران، فرزندان خود را خشمگین مسازید، مبدا شکسته دل شوند». کودکان نباید برای چیزی که نمی‌دانستند اشتباه است، تأدیب شوند. همچنین نباید آنها را با خشم تأدیب کرد. در تأدیب کودکان باید ثبات وجود داشته باشد. آنها باید بدانند که برای اعمال معینی، نتایج مشخصی نیز وجود دارد. این بدین معنا است که والدین باید در زمانی که کودک سزاوار تأدیب است، وقت و انرژی لازم را صرف کنند و به او توضیح دهند که چرا تأدیب می‌شود و سپس شاید لازم باشد در آن مورد با او دعا کنند (عبرانیان ۶:۱۲-۹ و دوم تیموتائوس ۱۶:۳ و ۱۷).

تأدیب کودکان در واقع ارزش زندگی دارد. کودکی که اطاعت از والدین را یاد نگرفته، نمی‌تواند خود را مطیع اقتدار الهی سازد (امثال ۱۸:۱۹، ۱۳:۲۳-۱۴، ۱۷:۲۹ را نگاه کنید).

۳- تربیت و تأدیب باید با محبت انجام شود. والدین باید در روش برخوردشان

با فرزندان، پدر آسمانی را نمونه قرار دهند. «زیرا اگر چه (خداوند) کسی را محزون سازد لیکن برحسب کسرت رأفت خود رحمت خواهد فرمود. چونکه بنی آدم را از دل خود نمی‌رنجانند و محزون نمی‌سازد» (مراثی ارمیا ۳۲:۳-۳۳).

۱۶- عبرانیان ۵:۱۲-۱۱ را بخوانید و جملات صحیحی را که بیان‌کننده این است

که چرا خدا فرزندان خود را تأدیب می‌کند و چرا والدین باید فرزندان‌شان را تأدیب کنند، مشخص کنید.

(a) زیرا خدا دوست دارد که فرزندانش را توبیخ کند.

(b) زیرا خدا فرزندان خود را دوست دارد.

(c) زیرا آنها فرزندان او هستند (خدا در برابر آنها مسئول است).

(d) زیرا خدا از آنها خشمگین است و می‌خواهد آنها را تنبیه کند.

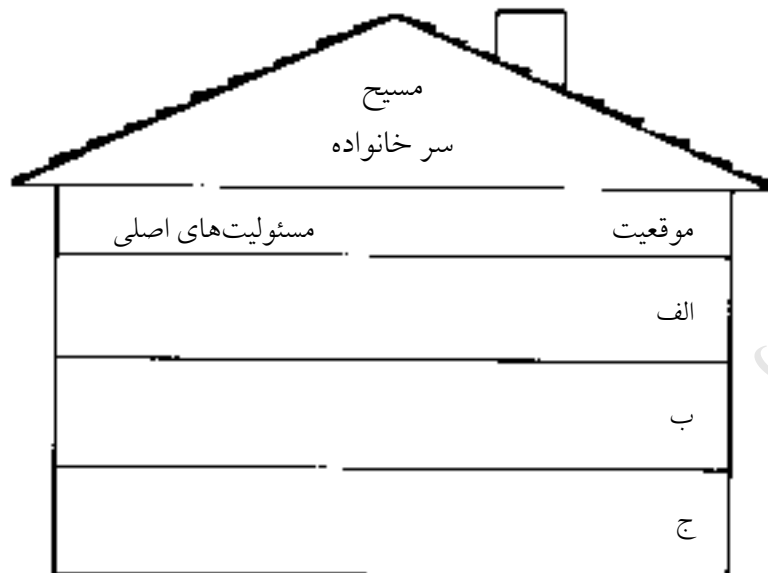
- e) تا مورد احترام آنها قرار گیرد.
- f) برای خیریت آنها تا در قدوسیت وی سهیم گردند.
- g) تا باعث رنج و عذاب آنها شود.
- h) باعث بوجود آمدن عدالت و سلامتی برای فرزندان خود شود.
- با توجه به آیات کلام خدا، فهمیدیم که پاسخ فرزندان به تأدیب والدین به زندگی آینده آنها جهت می‌دهد تا در برابر خدا و تأدیب او فروتن باشند.

مسئولیت‌های فرزندان

اولین تقاضایی که از فرزندان شده، احترام به والدین و اطاعت از آنهاست (خروج ۱۲:۲۰ و افسسیان ۶:۱-۳). برکت خدا بر کودکانی است که از والدین‌شان اطاعت می‌کنند (ارمیا ۳۵:۶-۷، ۱۸ و ۱۹). فرزندانی که والدین خود را اطاعت می‌کنند، بیشتر امکان دارد که در آینده کودکان‌شان را درست تربیت کنند.

احترام به والدین، با تمام شدن دوران کودکی پایان نمی‌گیرد. یک مرد جوان باید تعالیم مادر و پدرش را هنگامی که زندگی مستقل خود را آغاز می‌کند، بیاد بیاورد. شخص جوانی که از تعلیم والدین خود بهره می‌یابد، باعث شادی و خوشحالی والدینش می‌گردد (امثال ۲۲:۲۳-۲۵). در عهدعتیق، فرزندانی که از والدین‌شان ناطاعتی می‌کردند و یا به آنها احترام نمی‌گذاشتند، زیر داوری شدیدی قرار می‌گرفتند (خروج ۱۵:۲۱؛ لاویان ۹:۲۰؛ تثنیه ۲۱:۱۸-۲۱؛ و امثال ۲۴:۲۸ و ۱۷:۳۰ را مطالعه کنید).

۱۷- در نمودار صفحه بعد موقعیت و مسئولیت‌های اصلی هر یک از اعضای خانواده را بنویسید.



زمانی که دستورات الهی مربوط به مسئولیت‌های اعضای خانواده نادیده گرفته می‌شود، جای تعجب ندارد که مشکلات بوجود می‌آیند. خانواده‌ای که بر اساس این اصول و طرحی که خدا ساخته زندگی می‌کند، محبت و خوشبختی را در خود تجربه خواهد کرد. آیا خانواده شما این چنین است؟ اگر اینطور نیست، شما چه کاری می‌توانید انجام دهید تا خانواده‌تان شبیه به آن چیزی شود که خدا می‌خواهد؟ شما می‌توانید از خودتان آغاز کنید یعنی مسئولیتی را که خدا در خانواده بر دوش شما گذاشته، انجام دهید. این باعث خواهد شد که سایر اعضای خانواده راحتتر مسئولیت خود را بپذیرند. شاید هیچ تغییری را نمی‌توان راحت و سریع بوجود آورد اما نتیجه آن با ارزش خواهد بود.

۱۸- مانند درس گذشته، شما را تشویق می‌کنم که از اصول بیان شده برای حل مشکلاتی که امکان دارد در خانواده داشته باشید استفاده کنید. کلام خدا یک منبع غنی برای کمک به ما است. همراه با خانواده آن را مطالعه کنید و اجازه دهید کلام خدا با قلب‌های شما صحبت کند.

خودآزمایی

سؤالات چند جوابی - مناسب‌ترین جواب را برای هر سؤال انتخاب کنید.

۱- موقعیت شوهر در رابطه با همسرش شبیه موقعیت

(a) یک مادر است در رابطه با فرزندش

(b) کلیسا در رابطه با مسیح

(c) مسیح در رابطه با کلیسا

۲- لازمه تربیت صحیح فرزند

(a) تنبیه و تأدیب است.

(b) تعلیم، انضباط و محبت است.

(c) آزاد گذاشتن است.

(d) انتقاد است.

۳- طلاق فقط در صورت مجاز است.

(a) زنا

(b) ازدواج با یک غیرایماندار

(c) عدم توافق بر سر فرزندان

(d) حسادت

۴- بزرگترین قربانی طلاق

(a) شوهر است.

(b) همسر است.

(c) شخص زناکار است.

(d) فرزندان هستند.

۵- اگر یک شخص مطلقه قبل از ایمان دوباره ازدواج کند، بعد از ایمان باید

(a) به ازدواج قبلی خود برگردد.

(b) باید طلاق بگیرد و تنها بماند.

- (c) به همان صورتی که در زمان ایمان آوردن بوده، باقی بماند.
- ۶- در ازدواجی که یکی دیگری را حقیر می‌شمارد، چه چیزی کم است؟
- (a) رهبری
- (b) محبت و احترام
- (c) اعتماد
- (d) یکی بودن
- ۷- مشکلات مالی راحت‌تر حل می‌شود اگر زن و شوهر هر دو موافق باشند که ...
- (a) ساعت‌های زیادی کار کنند.
- (b) زن مسئول امور مالی باشد.
- (c) ده یک خود را اول بپردازند.
- (d) از مخارج غیرمنتظره اجتناب کنند.
- سؤالات صحیح و غلط - جملات صحیح را با حرف ص و جملات غلط را با حرف غ مشخص کنید.
- ۸- مادر باید مسئولیت رهبری روحانی خانواده را برعهده داشته باشد.
- ۹- فعالیت زیاد خارج از خانه مشکل ساز است، چون مانع از صرف وقت با اعضای خانواده می‌شود.
- ۱۰- احتمال اینکه فرزند مطیع یک خانواده، خادم خدا بشود، خیلی بیشتر از این است که یک فرزند نامطیع به این کار سوق پیدا کند.
- ۱۱- یک شخص مسیحی که با فرد غیر ایماندار ازدواج کرده، این آزادی را دارد که هر وقت دلش می‌خواهد از همسرش طلاق بگیرد.
- ۱۲- اولین اولویت یک مرد، والدین او می‌باشند.
- ۱۳- والدین باید همیشه آماده کمک به فرزند سرکش‌شان باشند.
- ۱۴- مسئولیت شوهر این است که مسیر زندگی خانواده خود را مشخص کرده، برای آنها تدارک ببیند.
- ۱۵- سر بودن خانواده باید توأم با محبت باشد تا به نتیجه مطلوب برسد.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۱۰- هر سر خانواده باید خانواده خود را به خوبی اداره کند و فرزندان خویش را در کمال وقار مطیع گرداند.

۱- (b) هیچ نوع هماهنگی و توافقی نمی‌تواند وجود داشته باشد چرا که آنها به ارزش‌های متضادی معتقد هستند.

۱۱- (b) زن و فرزندانش (البته استثنایی وجود دارد و آن این است که با توافق همسر، درخواست والدین در اولویت قرار گیرد).

۲- به این دلیل که آنها از قبل یک بدن بوده‌اند و این یک تعهد برای تمام زندگی است.

۱۲- (a) ۳

(b) ۴

(c) ۷

(d) ۱

(e) ۵

(f) ۲

(g) ۶

۳- (a) یک مسیحی فقط باید با یک مسیحی ازدواج کند.

(b) شوهر باید رهبر روحانی خانواده خود باشد.

۱۳- a

۴- b

۱۴- جواب انتخابی شما که می‌تواند به این صورت باشد: شوهر به‌عنوان سر به

زن داده شده و تنها طریقی که شوهر می‌تواند مسئولیت خود را بخوبی انجام دهد، محبت به همسر است.

۵- (a) غلط

(b) غلط

(c) صحیح

(d) صحیح

۱۵- شوهران خود را دوست داشته باشند؛ فرزندان خود را محبت کنند؛ پرهیزکار و مقدس باشند؛ به کار خانه مشغول شوند؛ مهربان و مطیع شوهر باشند.

b-۶

(a-۱۶) غلط

(b) صحیح

(c) صحیح

(d) غلط

(e) صحیح

(f) صحیح

(g) غلط

(h) صحیح

۷- این زوج باید در همان شرایطی باقی بمانند که زمان نجات و ایمان آوردنشان داشتند. به این معنا که پیوند زناشویی خود را ادامه دهند و یگانگی و اتحادی را که خدا از طریق توبه و تولد تازه به آنها بخشیده، بپذیرند.

۱۷- (a) شوهر: جهت دادن؛ تأمین نیازها؛ محبت زن و فرزندان؛ و تربیت فرزندان

(b) زن: مطیع شوهر خود باشد؛ از خانواده محافظت کند؛ شوهر و فرزندانش را دوست داشته باشد؛ در تربیت فرزندان کوشا باشد.

(c) فرزندان: اطاعت و احترام به والدین.

۸- برای یک مسیحی طلاق ممنوع شده است. او نمی‌تواند با شخصی که طلاق گرفته، ازدواج کند. اشخاصی که طلاق گرفته‌اند، نباید ازدواج کنند.

۱۸- پاسخ انتخابی شما

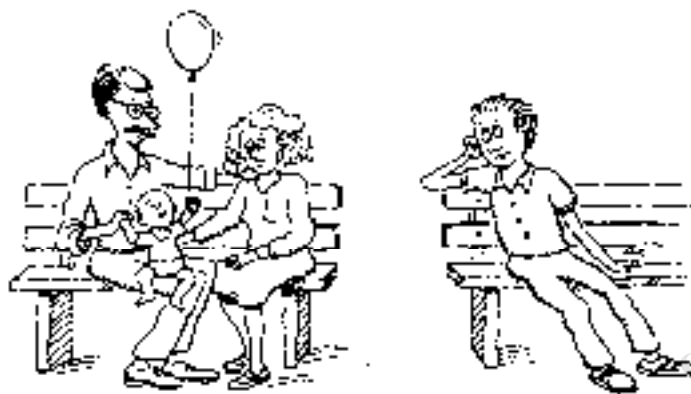
d-۹

مشکلات مجرد

ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که پایه و اساس آن بر ازدواج و تشکیل خانواده قرار دارد. گاهی اوقات مجرد ماندن یک نوع عار و ننگ محسوب می‌شود و بسیاری چنین فکر می‌کنند که اگر شخصی مجرد است، حتماً مشکلی دارد! چنین اعتقادی تازگی ندارد. در عهد عتیق نیز زندگی مجرد مورد پذیرش نبود (داوران ۳۸:۱۱، اشعیا ۱:۴ و ارمیا ۹:۱۶ را مطالعه کنید).

در درس چهارم، درباره مشکلات روابط اجتماعی صحبت کردیم. همه با این مشکلات روبرو هستند، چه مجرد و چه متأهل. در درس پنجم، مشکلات خانوادگی را مورد بررسی قرار دادیم. شخصی که تنها زندگی می‌کند یا مجرد است، علاوه بر اینها، با مشکلات مخصوصی از قبیل تنهایی بیشتر، افسردگی، ترس، تنها بودن در تصمیم‌گیری، نیاز به محبت و عاطفه و تمایلات جنسی روبرو می‌شود که باید آنها را کنترل کند.

مجرد بودن نباید یک تجربه منفی قلمداد شود. شخصی که می‌تواند مجرد بماند، بر طبق کلام خدا دارای یک عطای مخصوص در جهت نفع کلیسا است (متی ۱۲:۱۹ و اول قرن‌تینان ۷:۷). در این درس، ما به مطالعه برخی از ارزش‌های مثبت زندگی مجرد خواهیم پرداخت و به نکات مثبتی اشاره خواهیم کرد که می‌تواند زندگی یک شخص مجرد را رضایت‌بخش و پرمعنا سازد. همچنین خواهیم دید که ضرورتی ندارد یک شخص مجرد به تنهایی بر مشکلات غالب آید، چون او عیسی مسیح و هدایت روح‌القدس را دارد. کلیسا نیز می‌تواند منبعی فوق‌العاده برای کمک و تقویت او باشد.



فهرست مطالب

تشخیص مشکلات

ارزش‌های مجرد

تصمیم به ازدواج بگیرم یا نه

روبرو شدن با مشکلات ویژه

چطور کلیسا می‌تواند کمک کند

اهداف درس

پس از مطالعه این درس شما قادر خواهید بود:

- مشکلاتی را که یک شخص مجرد با آنها روبرو است، بیان کنید و برای هر کدام از آنها، از کلام خدا راه حل‌هایی بیابید.
- ارزش‌های مجرد را بیان کنید.
- اهمیت برخورد صحیح یک شخص مجرد با مشکلاتش را تشخیص دهید.
- راه‌هایی را که به وسیله آن کلیسا می‌تواند به رفع احتیاجات یک شخص مجرد کمک کند، بیان کنید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- درس را مطالعه کنید و به سؤالات درس جواب دهید. سپس پاسخ خود را با جواب داده شده، مقایسه کنید.
- ۲- به خودآزمایی درس پاسخ داده، جواب خود را مقایسه کنید.
- ۳- درس‌های ۴ الی ۶ را دوره کنید و به آزمون میانی شماره ۲ پاسخ دهید.

متن درس

تشخیص مشکلات

- در جامعه، یک مجرد به عنوان شخصی شناخته شده که ازدواج نکرده است. آنها بر سه گروه تقسیم می‌شوند:
- ۱- اشخاصی که هرگز ازدواج نکرده‌اند.
 - ۲- اشخاصی که طلاق گرفته‌اند.
 - ۳- اشخاصی که بیوه هستند.

۱- **اشخاصی که هرگز ازدواج نکرده‌اند:** در بسیاری از نقاط دنیا، اعضاء خانواده و فامیل بطور طبیعی افراد بالغی را که هنوز ازدواج نکرده‌اند، در پناه خودشان می‌گیرند و به آنها می‌رسند. اما امروزه بسیاری از بالغین در جهت یافتن کار و یا به دلایل دیگر از خانواده دور شده، به شهرهای بزرگتر نقل مکان کرده‌اند و در نتیجه برای اولین بار در زندگی تنها و دور از محافظت و جمع خانواده بسر می‌برند.

مارتا ۲۸ ساله و مجرد است. او برای پیدا کردن کار به شهر آمده و تنها در آپارتمان کوچکی زندگی می‌کند. مارتا به عنوان یک منشی مشغول کار است و در جلسات کلیسایی که پیدا کرده، شرکت می‌کند. ولی او بسیار ناراحت است و می‌گوید: «اکثر دوستانم ازدواج کرده‌اند و اغلب مرا در فعالیت‌های خودشان سهمیم

نمی‌کنند. در نتیجه، به غیر از مواقعی که مشغول کار و یا در کلیسا هستم، اوقات خود را به تنهایی می‌گذرانم. گاهی اوقات آنقدر احساس تنهایی می‌کنم که تا زمانی که به خواب بروم گریه می‌کنم. هیچکس واقعاً به فکر من نیست. من می‌خواهم که دوستم بدارند و خانواده و فرزندان داشته باشم.»

سوزان که ۳۸ ساله و مجرد است، می‌گوید: «برای من، اکثر مواقع، مجرد بودن مهم نیست. از کار لذت می‌برم و در بسیاری از فعالیت‌های کلیسا شرکت می‌کنم. در گروه کر آواز می‌خوانم و در کلاس کانون شادی درس می‌دهم و از کار کردن با مردم لذت می‌برم. مسلماً من نیز دوست دارم ازدواج کنم و تشکیل خانواده بدهم اما باید موقعیت مناسبی برای ازدواج وجود داشته باشد که تا حالا برای من پیش نیامده است. من آینده‌ام را به خدا سپرده‌ام و اراده او را برای زندگی‌ام خواهم پذیرفت. مهم‌ترین مشکل من این است که مردم بخاطر مجرد بودنم مرا اذیت می‌کنند و یا پافشاری می‌کنند که برای داشتن زندگی خوب باید ازدواج کنم. فشار زیادی که از طرف جامعه برای تشکیل خانواده وجود دارد، باعث می‌شود که من احساس کنم در اشتباه هستم و نباید به عنوان یک فرد مجرد خوشحال باشم.»

روبرت مرد جوانی است که دوست دارد تشکیل خانواده دهد و تا حالا چندین بار این موقعیت را داشته که روابط خوبی با دختران مسیحی برقرار کند. اما هر بار وقتی که روابط به اندازه کافی پیشرفت کرده و به جایی رسیده که می‌بایست بطور جدی در مورد ازدواج فکر کند، او ترسیده و روابط خود را قطع کرده است. استدلال او چنین است: «ازدواج مسئولیت بزرگی است و من می‌ترسم که اشتباه و حشتناکی بکنم. یا اینکه، من قادر نیستم آنطور که باید یک خانواده را تأمین کنم. مطمئن نیستم که آیا این آمادگی را دارم که بقیه زندگی‌ام را وقف و تسلیم شخص دیگری کنم.»

مرد ۴۰ ساله‌ای بخاطر مراقبت از مادر سالخورده‌اش که سال‌هاست مریض است، تصمیم گرفته که ازدواج نکند. با وجود اینکه خیلی دوست دارد تشکیل خانواده بدهد، ولی احساس می‌کند که نباید همسرش را با مسائل نگهداری و مخارج پزشکی مادرش که وظیفه خودش می‌داند، درگیر سازد.

این چهار مورد نمونه‌ای از مشکلات ویژه اشخاصی است که هرگز ازدواج نکرده‌اند. مشکلاتی از قبیل احساس حقارت و خود-کم‌بینی، احساس طرد شدگی، فشار برای ازدواج، ترس از پذیرش مسئولیت، تمایل برای تشکیل خانواده، بی‌علاقگی در برنامه‌ریزی برای آینده، و تمایل به اینکه دیگران به او احتیاج داشته باشند. زنهای مجرد نیز اغلب احساس می‌کنند که چون شوهری ندارند که از آنها محافظت و طرفداری کند، مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند.

۱- کدامیک از روش‌های برخورد زیر در رابطه با چهار مورد ذکر شده، مشترک هستند؟

- (a) ترس
- (b) بلا تکلیفی
- (c) رضایت
- (d) ناامیدی

۲- **اشخاصی که طلاق گرفته‌اند:** در درس پنجم بطور مفصل در مورد طلاق صحبت کردیم. در این درس، تأکید ما بر روی مشکلاتی است که یک شخص طلاق گرفته به‌عنوان یک مجرد با آن روبرو می‌شود.

شوهر مارگریت او را طلاق داده و مجدداً ازدواج کرده است. او داستان زندگی‌اش را چنین تعریف می‌کند: «من شوهرم را خیلی دوست داشتم اما بعد از اینکه ایمان آوردم، او بیشتر وقت خود را دور از خانه می‌گذراند. او می‌خواست کارهایی بکند که من احساس می‌کردم یک مسیحی نباید انجام دهد. با وجود اینکه سعی می‌کردم زندگی شاد و خوبی داشته باشیم، ولی او از من طلاق گرفت. در نتیجه، من به‌خاطر از هم پاشیده شدن خانواده احساس ناراحتی و تقصیر می‌کنم و همچنین احساس طردشدگی دارم از کسی که به او اعتماد زیادی داشتم. حالا مجبور هستم برای محافظت از دو فرزندم کار کنم. در ضمن، احساس می‌کنم که بخاطر این طلاق، مردم دیدی منتقدانه نسبت به من دارند. در کلیسا، خجالت می‌کشم به صورت

مردم نگاه کنم. حالا که تنها هستم، چطور می‌توانم در خانه محیط گرم و شادی برای فرزندانم ایجاد کنم؟»

امکان دارد شخصی که طلاق گرفته، خود را طرد شده ببیند و یا احساس کند مورد قضاوت ناعادلانه قرار گرفته است. او همچنین احتمالاً با مشکلاتی از قبیل درد و رنج، ناامیدی و تغییر ناگهانی روش زندگی روبرو می‌شود و مجبور خواهد بود به تنهایی مسئولیت نگهداری از بچه‌ها را بر عهده بگیرد.

۳- اشخاصی که بیوه هستند: یکی از دوستان من به دنبال بیماری طولانی و مرگ شوهرش بیوه شد. او در ماه آخر بیماری شوهرش بطور مداوم از او نگهداری و مواظبت می‌کرد. اکنون او می‌گوید: «زندگی من خالی و بی‌مفهوم است. هیچ کار با ارزشی نمی‌کنم و نه چیزی دارم که بخاطر آن زندگی کنم. شوهرم تمامیت زندگی من بود. احساس می‌کنم هویت خودم را از دست داده‌ام و ذهنم مملو از خاطرات بیماری زجرآور شوهرم است. فرزندانم ازدواج کرده‌اند و نمی‌توانند نزدیک من زندگی کنند. الان دیگر هیچ کسی به من احتیاج ندارد.»

مردی که زنش را از دست داده بود، به من گفت: «یکی از بزرگترین مشکلات من احساس تنهایی است. وقتی به خانه می‌روم، احساس می‌کنم خانه کاملاً خالی است. اصلاً حوصله آماده کردن غذا و تنها خوردن را ندارم و در نتیجه لاغر شده‌ام.» تعدادی از مشکلاتی که یک شخص بیوه با آن روبرو است، عبارتند از: غم و اندوه، تنهایی، تغییر ناگهانی روش زندگی، احتمالاً مشکلات مالی یا تسویه حساب‌ها (مخصوصاً برای زنها)، نداشتن هدف برای زندگی و احساس بی‌کس بودن. نیاز به محبت و عاطفه یک نیاز عمومی است و هر شخص دوست دارد که دیگران به او نیاز داشته باشند.

۲- قسمت‌هایی از کلام خدا را که در زیر داده شده، بخوانید و یکی از آنها را که در رابطه با مشکل بیان شده بهتر کمک می‌کند، انتخاب کنید.

(a) رنج کشیدن به دلیل رفتارهای مغرضانه دیگران (مزمور ۴:۹۱، اول پطرس ۱۲:۴-۱۹، عبرانیان ۱۸:۲).

(b) طرد شدگی (دوم قرنتیان ۹:۱۲، اشعیا ۵۳:۳، یوحنا ۱:۱۱، مزمور ۱۳۰:۴ و ۵)

(c) ترس (تثنیه ۱۲:۳۳، اول یوحنا ۹:۱، یوشع ۹:۱، دوم قرنتیان ۱۰:۱۲).

(d) غم و غصه (مزمور ۲۹:۱۸ و ۶۶:۱۰-۱۲، دوم قرنتیان ۱:۳-۴ و ۶).

۳- مزمور ۶۶:۱۰-۱۲ را مطالعه کنید.

(a) در چه موقعی می‌توان از این مزمور برای کمک به شخصی استفاده کرد.

(b) این مزمور چگونه می‌تواند سودمند باشد.

۴- اشعیا ۵۴:۴-۱۰ را مطالعه کنید.

(a) در چه موقعیتی می‌توان از این قسمت از کلام خدا برای کمک به شخصی

استفاده کرد؟

(b) چگونه این قسمت از کلام خدا می‌تواند مفید باشد؟

۵- در برگه‌ای جداگانه نام سه شخص مجرد را که می‌شناسید، بنویسید. مشکلاتی را که هر کدام از آنها با آن درگیر هستند، برشمارید. (اگر مجرد هستید مشکلاتی را بنویسید که خودتان به دلیل زندگی مجرد با آن روبرو هستید.) سپس سعی کنید در هر مورد قسمتی از کلام خدا را که می‌تواند به شما کمک کند، بیابید و آن را در جلوی مشکل مربوطه بنویسید.

ارزش‌های تجرد

پیش از آنکه به دنبال راه حل مشکلات زندگی افراد مجرد بگردیم، اجازه دهید بر اساس کلام خدا نگاهی داشته باشیم به ارزش‌های زندگی تجرد. این ارزش‌ها می‌تواند در پیدا کردن راه حل‌های ممکن به ما بصیرت بیشتری ببخشد.

۱- **تجرد نیز همانند ازدواج امری پذیرفته شده است** - هنگام صحبت درباره زندگی تجرد، ما درباره شخص مجردی صحبت می‌کنیم که رابطه جنسی ندارد و یا ازدواج نکرده است. در ارتباط با اشخاصی که ازدواج نکرده‌اند، بطور مفصل در فصل هفتم، در بحث خود درباره تمایلات جنسی انسان‌ها صحبت خواهیم کرد. به دلیل وجود فشارها و مشکلاتی که امکان دارد متأهلین با آن روبرو شوند، پولس رسول به مجردین نصیحت می‌کند که بهتر است مجرد باقی بمانند. اشخاصی که ازدواج نکرده‌اند، از نگرانی‌ها و مشکلات شخص متأهلی که مسئولیت خانواده را به دوش دارد، آزاد و رها هستند (اول قرن‌تین ۲۶:۷-۳۲). منظور پولس رسول این نیست که همه را مجبور کند که مجرد باقی بمانند بلکه اظهار می‌دارد مجرد بودن خوب است برای اشخاصی که می‌خواهند مجرد باقی بمانند (اول قرن‌تین ۳۵:۷).

۲- **تجرد یک عطای مخصوص است** - افرادی که عطای تجرد را دارند می‌توانند مجرد باقی بمانند. من ایمان دارم که تجرد یک عطا است که خدا آن را رایگان به اشخاصی که آن را می‌طلبند، عطا می‌فرماید. مسیح و بعد از او پولس، تجرد و ازدواج را به عنوان یک عطا معرفی کردند. خدا من و شما را دوست دارد و تمام نیازهای ما را، هر چه که باشد و در هر وقت، برآورده می‌سازد. مسیح به شاگردانش که فکر می‌کردند شاید بهتر است ازدواج نکنند، چنین پاسخ داد: «ایشان را گفت: تمامی خلق این کلام را نمی‌پذیرند، مگر به کسانی که عطا شده است. زیرا که خصی‌ها می‌باشند که از شکم مادر چنین متولد شدند و خصی‌ها هستند که از مردم خصی شده‌اند و خصی‌ها می‌باشند که به جهت ملکوت خدا خود را خصی نموده‌اند. آنکه توانایی قبول دارد بپذیرد» (متی ۱۹:۱۱ و ۱۲).

شخصی که ازدواج نمی‌کند و می‌تواند وقتش را برای بنای ملکوت آسمان وقف کند، در واقع یک بخشش مخصوص برای کلیسا است. مردان و زنان وقف شده‌ای را می‌شناسم که گرچه موقعیت ازدواج داشته‌اند، اما تصمیم گرفته‌اند که زندگیشان را وقف خدمت انجیل کنند و تعدادی از آنها برای رسانیدن انجیل به مکان‌های

دوردست رفته‌اند. این افراد، خودشان این انتخاب را کردند چون می‌دانستند که در غیر اینصورت امکان ندارد بتوانند کاری را که خدا آنها را برای انجام آن دعوت کرده، به پایان برسانند. پولس رسول نمونه‌ای از این افراد است. او می‌گوید: «اما می‌خواهم که همه مردم مثل خودم باشند. لکن هرکس نعمتی خاص از خدا دارد، یکی چنین و دیگری چنان» (اول قرنتیان ۷:۷)

۳- تجرد فرصتی برای خدمت است - همانطور که مشاهده کردید، در بخشی که از مسیح نقل قول شد که عده‌ای «بخاطر ملکوت خدا» ازدواج نمی‌کنند، پولس رسول نیز همچنین این موضوع را به‌عنوان دلیلی برای انتخاب تجرد در اول قرنتیان ۷:۳۲-۳۵ ذکر می‌کند. پولس بیان می‌کند که یک مرد مجرد می‌تواند آزادانه خود را مشغول کار خداوند سازد، در صورتی که شخصی که ازدواج کرده، باید به فکر خانواده خود باشد. به همین صورت، یک زن که ازدواج کرده، باید به فکر رضایت شوهر خود نیز باشد. اما یک زن مجرد، آزاد است تا خود را کاملاً به خدمت خداوند بسپارد بدون اینکه خود را مشغول چیز دیگری بسازد.

همانطور که می‌دانیم، هر مسیحی خوانده شده تا خود را کاملاً وقف خداوند بنماید. در نتیجه، مجردین نسبت به اشخاصی که مسئولیت نگهداری از خانواده را پذیرفته‌اند، موقعیت‌های بیشتری دارند که این وقف‌شدگی را در زندگی‌شان عملی سازند.

۶- متی ۲۳:۶ را مطالعه کنید و در دفترتان بنویسید که چطور این قسمت مربوط به مجردی می‌شود که تمایل زیادی به ازدواج دارد.

۷- کدامیک از جملات زیر بیان‌کننده ارزش‌های زندگی تجرد است.

- a) اشخاص مجرد از نگرانی و مشکلات آزاد هستند.
- b) زندگی تجرد نه تنها مجاز شمرده شده، بلکه پولس رسول قرنتیان را که با شرایط سخت روبرو بودند تشویق می‌کرد که مجرد بمانند.

(c) کسانی که مجرد باقی می‌مانند این امکان را دارند که وقت بیشتری به خدمت مسیح بدهند.

(d) به هر شخصی عطای تجرد بخشیده شده است.

(e) شخصی که ازدواج کرده، باید توجه خود را بین خانواده و خدمت خدا تقسیم کند.

(f) شخص مجرد یک عطای مخصوص برای کلیسا است.

اشخاصی که تصمیم می‌گیرند مجرد باقی بمانند تا بتوانند خود را کاملاً وقف کار خدا کنند، درخواست یافت که خدا آنها را در برآورده شدن نیازهایشان کمک می‌کند تا آنها او را با تمام قلب خدمت کنند. پاداش چنین افرادی عظیم خواهد بود: «و هر که بخاطر اسم من، خانه‌ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا فرزندان یا زمین‌ها را ترک کرد، صد چندان خواهد یافت و وارث حیات جاودانی خواهد گشت» (متی ۱۹: ۲۹).

تصمیم به ازدواج بگیرم یا نه؟

در زندگی گاهی اوقات انتخاب شخص نیست که شرایط را بوجود می‌آورد و بعضی از مجردین، تنها بودن را تصمیم شخصی خودشان نمی‌دانند. بر اساس مثالی که در ابتدای درس عنوان شد، آن شخص، خودش تصمیم به طلاق نگرفته بود. و یا شخصی که بیوه بود، مسلماً خودش نمی‌خواست که بیوه باشد. اینها مشکلاتی است که این اشخاص کنترلی بر آن نداشتند. شخصی که هرگز ازدواج نکرده، شاید نمی‌خواهد مجرد باقی بماند. در اینصورت، تکلیف این اشخاص چیست؟

قبلاً تأکید کردیم که فیض خدا برای هر مشکلی که با آن روبرو هستیم کافی و بسنده است. او نمی‌خواهد که فوق از طاقتمان تحمل کنیم. هر تجربه‌ای که پیش می‌آید، فرصتی است که بیشتر به خدا نزدیک شویم و باعث می‌شود محبت و محافظت الهی را تجربه کنیم. در چنین موقعیت‌هایی است که باید مشکل مان را

تشخیص دهیم، آن را به خدا بسپاریم و انتظار داشته باشیم که او برای خیریت ما عمل کند. خدا هرگز ما را خجل و شرمنده نمی‌سازد.

فشارهایی که شخص از درون احساس می‌کند و همینطور فشار دیگران گاهی باعث می‌شود که شخص با دیدی نادرست به ازدواج نزدیک شود و یا زوجی را انتخاب می‌کند که الزاماً همسر مورد انتخاب خدا نیست. به کمتر قانع نباشید. همسری را انتخاب کنید که خدا می‌خواهد. در وهله اول، اراده خدا برای ما این است که زندگی درست و خداگونه داشته باشیم، نه اینکه ازدواج کنیم.

در نقشه‌ای که خدا برای زندگی ما دارد، زمان عامل بسیار مهمی است. عجله در تصمیم‌گیری و یا ازدواج قبل از اینکه شخص واقعاً آماده باشد، باعث شکست می‌شود. گاهی اوقات زن و شوهر مناسب همدیگر نیستند و یا آنقدر نابالغ هستند که نمی‌دانند با فشارهای زندگی زنشویی چطور برخورد کنند. خداوند نیازهای اجتماعی مجردین را از طریق برادران و خواهران ایماندار برطرف می‌سازد. یک مجرد هرگز نباید تحت فشار قرار گیرد تا رابطه‌ای را برقرار سازد که مطابق اراده خدا نیست. همه ما چه مجرد و چه متأهل، باید سعی کنیم شخصیت بالغ و قوی مسیحی را در خود رشد دهیم. ما درباره این موضوع در درس چهارم صحبت کردیم. معیار خدا همان است، چه متأهل باشید و چه مجرد. بنابراین، اگر خدا شخص مجردی را برای ازدواج هدایت کند، پایه و اساس آن محکم خواهد بود.

یک زن مسیحی دو پیشنهاد ازدواج را رد کرد، چون معتقد نبود آنها هدایت خدا برای او هستند. خدا او را برای خدمت خاصی دعوت کرده بود و اگر او ازدواج می‌کرد، نمی‌توانست این خدمت را انجام دهد. او برای ۱۰ سال با وفاداری خدا را خدمت کرد. اما زمانی که به ۴۰ سالگی رسید، سال‌هایی که در تنهایی گذشته بود و اظهارنظرهای آزاردهنده افرادی که نیت بدی نداشتند، و همینطور فکر تنها بودن در سال‌های کهولت باعث شد تصمیم به ازدواج بگیرد. در همان زمان او با مردی ملاقات کرد که مسیحی نبود. روابط آنها صمیمی‌تر شد و نهایتاً با وجود اینکه آن مرد گفته بود که علاقه‌ای به مسیحی شدن ندارد، با او ازدواج کرد و در نتیجه او نتوانست

مدت زیادی به خدمت مسیحی‌اش ادامه دهد. اکنون تمام وقت او صرف بوجود آوردن شادی در خانواده‌ای می‌شود که از نظر اعتقادی هماهنگ نیستند.

۸- در مثال بالا کدامیک از قوانین خدا شکسته شده است؟

زن سالخورده میسیونری را می‌شناسم که دوره جوانی و میانسالی خود را به تنهایی در یک دهکده دور افتاده آفریقایی گذراند. برای سال‌های زیادی میسیونر مرد برای آن نواحی وجود نداشت و آن زن به تنهایی در آموزشگاه کتاب مقدس بار سنگین خدمت را به دوش می‌کشید و بشارت می‌داد. او این کار را انجام می‌داد چون می‌دانست که اراده خدا برای او این است. او در سن ۶۴ سالگی، زمانی که در موطن خویش در حال گذراندن آخرین دوره آمادگی برای خدمت در آفریقا بود، میسیونر بازنشسته‌ای را ملاقات کرد که زنش فوت کرده بود. آنها نسبت به همدیگر علاقمند شدند و مدت کوتاهی پس از پایان دوره آمادگی و بازگشت آن زن به آفریقا، آن مرد به او پیوست و در آنجا با همدیگر ازدواج کردند و در حال حاضر با یکدیگر در کار موعظه انجیل و تربیت خادمین خدمت می‌کنند.

این زن میسیونر درباره تغییری که در زندگی‌اش رخ داده بود، به من چنین گفت: «شادی غیرمنتظره‌ای نصیب من شده!» خدا او را بخاطر وقف وفادارانه‌اش بطور خیلی مخصوص برکت داد. مطمئناً او در تمام این سال‌ها تجربیاتی از قبیل تنهایی، طردشدگی، نیازهای مالی و ناامنی را تجربه کرده بود. اما او پاداش اخروی را به پاداش دنیوی ترجیح داد و خدا این موضوع را نادیده نگرفت.

۹- این داستان به ما نشان می‌دهد که

- (a) خدا برای هر کسی که او را در اولویت قرار دهد همسری مهیا خواهد کرد.
- (b) اراده خدا برای همه این است که ازدواج کنند.
- (c) کسانی که خدا را در اولویت زندگی خود قرار می‌دهند می‌توانند برای رفع هر نیاز خود به خدا اعتماد کنند که او آن را در زمان مناسب برآورده می‌سازد.

آیا یک شخص مجرد، بیوه و یا شخصی که طلاق گرفته باید به دنبال ازدواج باشد؟ ما قبلاً هم دیدیم که در کتاب مقدس تعلیمی وجود ندارد که مانع ازدواج افرادی شود که تابحال ازدواج نکرده‌اند. پولس رسول بیوه‌ها را تشویق می‌کند که مجرد باقی بمانند اما به آنها اجازه داده شده که در صورت تمایل ازدواج کنند (اول قرنتیان ۷:۸ و ۹).

در درس پنجم ما درباره تعلیم کتاب مقدس درباره اشخاصی که طلاق گرفته‌اند صحبت کردیم. همانطور که بیان شد، اگرچه در کلام خدا درباره این موضوع تعلیمی آشکار و مشخص وجود ندارد اما بطور معمول ازدواج برای مسیحیانی که قبلاً طلاق گرفته‌اند ممنوع شده است. تنها مورد استثناء در مورد زوجیهایی است که پیوند زناشویی آنها به دلیل زنا فسق شده است. درباره این حقیقت مطمئن هستیم که اگر شما ملکوت خدا و عدالت او را در اولویت قرار دهید، او شما را در تصمیم‌گیری و زندگی سرشار از رضایت الهی هدایت خواهد کرد.



۱۰- اصلی را بیان کنید که بر اساس آن یک شخص بتواند تصمیم بگیرد آیا ازدواج کند یا نه؟

روبرو شدن با مشکلات ویژه

آیا به مثالهایی که در ابتدای درس درباره دو زن مجرد عنوان شد، دقت کردید؟ با وجود اینکه شرایط مشابهی داشتند، اما یکی از آنها خوشحال بود و دیگری نه. این موضوع آشکار می‌سازد که مشکل آنها خارج از خودشان نبود بلکه در درونشان بود. در زیر راهنمایی‌هایی وجود دارد که شما را در پیدا کردن راه حل برای مشکلاتی که به عنوان یک فرد مجرد با آنها درگیر هستید، کمک می‌کند.

۱- **به درون خود نگاه کنید.** شاید نتوانید شرایط را عوض کنید اما می‌توانید دیدگاه‌تان را نسبت به اوضاع و شرایط تغییر دهید. به یاد بیاورید که شادی خداوند قوت شماست (فیلیپیان ۴:۱۳).

۲- **مقام خود را در مسیح بشناسید.** مسیح جان خود را برای شما داد! او شما را دوست دارد و شما در او کامل شده‌اید (کولسیان ۲:۱۰). شما هدیه مخصوص مسیح به کلیسا هستید. از آزادی‌ای که دارید استفاده کنید و خود را وقف خدمت مسیح سازید. خدا را شکر کنید که به شما این فرصت را داده که او را خدمت کنید و آنچه می‌توانید برای او باشید.

۳- **خود را مشغول کمک به دیگران سازید.** بسیاری وجود دارند که تنها تر و افسرده‌تر از شما هستند و رنج بیشتری را متحمل می‌شوند. بدنبال راه‌هایی باشید که بار آنها را سبک کنید. خوش برخورد باشید و همیشه هدفی برای دنبال کردن داشته باشید.

یکی از دوستان من بیوه است. او برای چندین ماه پس از فوت شوهرش درگیر تلاطمات عاطفی زندگی بود. صبح‌ها با ترس و وحشت از خواب بیدار می‌شد و خودش را مجبور می‌کرد که کارهای روزمره را انجام دهد. او فقط به دنبال این بود که به هر طریقی که شده روز بگذرد تا دوباره وقتش را با خوابیدن سپری کند. او

به تدریج متوجه شد که این نوع زندگی خدا را خشنود نمی‌سازد. او از احساس ترحمی که نسبت به خودش داشت توبه کرد و از خدا خواست که زندگی‌اش را با فعالیت‌های مفید پر سازد. بنابراین، هر شب قبل از اینکه بخوابد، لیستی از کارهایی را که فردا باید انجام می‌داد آماده می‌کرد. در آن لیست، او قبل از هر چیز وقتی را تعیین نمود که به تنهایی فرصت مطالعه کلام و تفکر و دعا داشته باشد. سپس او وقت مشخصی را برای انجام کارهای روزمره تعیین کرد و بقیه وقت خود را هم برای کمک به دیگران اختصاص داد. کمک‌هایی از قبیل ملاقات از بیماری در بیمارستان، ملاقات با شبان، بردن غذا برای شخصی که مریض و یا در احتیاج است، و یاری رساندن به مادرانی که احتیاج به کمک دارند. اکنون او هر روز برنامه‌ای دارد که انجام دهد و زندگی او پر و شاد شده است. او مرتباً دوستان جدیدی پیدا می‌کند. او موقعیت ناراحت کننده زندگی‌اش را به فرصتی برای انجام کارهایی تبدیل کرد که ارزش جاودانی دارد. او به منظور انجام این کارها احتیاج به استعداد خاصی نداشت بلکه فقط از عطایایی که خدا به او داده بود، استفاده کرد.

شاید شما مجبور هستید برای تأمین مخارج زندگی ساعت‌های طولانی کار کنید و در نتیجه مثل این بیوه زن وقت آزاد ندارید. ولی می‌توانید از کارتان به عنوان فرصتی برای نشان دادن محبت مسیح استفاده کنید. به روش‌هایی فکر کنید که می‌توانید در سر کار باعث جلال مسیح شوید. در همان حال که به مسیح متمرکز شده‌اید، او زندگی شما را از خوشی و سلامتی مملو خواهد ساخت.

۴- وقت مطالعه کلام، تفکر و دعای خود را افزایش دهید. بیوه‌ای را می‌شناسم

که گاهی اوقات بعد از یک روز کار سخت و خسته کننده، در حالیکه به دلیل فشارهای روزانه خسته، تنها و مأیوس است، به خانه بازمی‌گردد. او احساس ناراحتی و تنهایی عمیقی برای شوهرش می‌کند ولی یاد گرفته که بر این شرایط غلبه کند. به چه روشی؟ با مطالعه کلام خدا. کلام خدا را در هر شرایطی که هستید، مطالعه کنید و آن را با صدای بلند بخوانید. از طریق ضبط صوت به کلام خدا گوش دهید. به هر

طریقی که شده ذهنتان را از کلام پر کنید. شرایط و اوضاع به وسیله قدرت مسیح زنده، عوض خواهد شد. کلام خدا باعث راحتی و آرامش قلب شکسته می شود و در هنگام خستگی، باعث استراحت و زمان یأس، موجب امیدواری می گردد. کلام خدا شما را بالاتر از مشکلات قرار می دهد و برای فردا به شما قوت می بخشد. اجازه دهید خدا از طریق کلامش، در هنگام دعا و انتظار کشیدن برای او، با شما سخن گوید. او قلب شما را چنان پر خواهد ساخت که محبتش از شما لبریز شود.

۵- برای حل مشکلاتتان، از اصول مسیحی که در بخش اول این کتاب بیان شد،

استفاده کنید. زمانی که بر روی مشکلی کار می کنید، اگر راه حل مشخصی وجود داشته باشد، خدا آن را به شما نشان خواهد داد. اگر نمی توانید راه حلی بیابید، مشکل را به خدا بسپارید و به او اعتماد کنید که او برای خیریت شما عمل می کند. شما می توانید در هر شرایطی که باشید، یک زندگی پیروزمند و شاد مسیحی داشته باشید. در تجربیات بزرگتر، شهادت شما به دیگران عظیمتر خواهد بود، وقتی که با اطاعت و اطمینان به خدا به او اجازه می دهید بر اساس اراده اش برای شما عمل کند.

۱۱- به منظور کمک برای هر کدام از مشکلات زیر، کدامیک از راهنمایی ها باید مورد استفاده قرار گیرد.

(a) از زمانی که شوهرش او را طلاق داده، مریم خودش را فردی بی ارزش می بیند. هویت و شخصیت او آنقدر تحت پوشش شوهرش قرار گرفته بود که بعد از طلاق، دیگر هدف و علتی برای زندگی نمی بیند. چه چیزی به او کمک می کند؟

(b) ادوارد، پسر جوانی است که عاشق یکی از دوستان هم دانشگاهی اش شد. آنها با هم نامزد کردند. اما بعد از مدت کوتاهی، آن دختر به ادوارد گفت که نمی تواند با او ازدواج کند. ادوارد برای اینکه از ناراحتی حاصل از این شکست فرار کند، شروع به خوشگذرانی با سایر هم دانشگاهی اش کرد. او زمانی که تنها بود، با صدای بلند موزیک می نواخت و هر کاری که می توانست انجام می داد تا مشکالش را فراموش کند. ادوارد یک مسیحی است ولی در هر حال هیچ کدام از این کارها او را راضی

نمی‌کرد. در واقع، او بیشتر از هر زمان دیگری احساس ناراحتی و خستگی می‌کرد. چه راهنمایی برای او مفید خواهد بود؟

c) ماندانا روحیه تلخی دارد و ناراحت است چون می‌بایست برای مراقبت از مادر بیوه‌اش که مریض هست، دانشگاه را ترک کرده، به خانه بازگردد. او احساس می‌کند که روزگار با او بی‌انصاف است.

d) از زمانی که شوهر سارا مرده، او برای انجام کارهایش به فامیل، دوست‌ها و همسایگانش وابسته شده است. او تقریباً هرگز خانه را ترک نمی‌کند و انتظار دارد دیگران به ملاقاتش بیایند، غذای او را تهیه کنند و هر کاری را که او از آنها می‌خواهد انجام دهند. اینطور بنظر می‌رسد که او فقط نگران خودش است و شکایت می‌کند که مردم واقعاً مواظبش نیستند. او معتقد است که هیچ‌کس به اندازه او زجر نمی‌کشد و در نتیجه خیلی افسرده است.

e) آندره به تازگی از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده و در حال آماده شدن برای ورود به خدمت کلیسایی است. پدر آندره یک کشاورز است و اخیراً در اثر حادثه‌ای افتاد و کمرش شکست. از آنجا که او برای چند ماه قادر به انجام کار کشاورزی نخواهد بود، از آندره درخواست کرده که تا زمانی که سلامتی‌اش را به دست نیاورده، برای انجام امور به او کمک کند. در ضمن یکی از رهبران به او پیشنهاد کرده که به عنوان کمک شبان مشغول خدمت شود. آندره می‌ترسد اگر این پیشنهاد را رد کند، دیگر چنین موقعیتی برایش پیش نیاید.

چطور کلیسا می‌تواند کمک کند

اخیراً این اطلاعیه را در تابلو اعلانات یک کلیسا خواندم: «مجرد هستید؟ آیا کسی شما را انتخاب نکرده! و یا انتخاب خودتان بوده! مجرد شما به هر دلیلی که باشد، در کلاس جدید مجردین ۱۹ تا ۹۰ ساله شرکت کنید.» این جمله بیانگر ناآگاهی کلیسا

نسبت به نیازها و شخصیت افراد مجرد است. این کلیسا قصد کمک به افراد مجرد را داشت، ولی مردم را نمی‌شناخت و سعی می‌کرد طریقی برای کمک به آنها بیابد. کلیسای دیگری کلاس مطالعه کتاب مقدس برای «زوجها و مجردین» گذاشته بود. مسلماً زوجها به معنی متأهلین است و مجردین، افرادی هستند که ازدواج نکرده‌اند، و یا به عبارت دیگر کسانی که جدا و رها شده‌اند.

کلیسا می‌تواند خدمت مؤثر و مهمی در بین مجردین انجام دهد. در رسالات، مسیحیان مکرراً تشویق شده‌اند که به همدیگر خدمت کنند. برای مثال:

«بارهای سنگین یکدیگر را متحمل شوید و بدین نوع شریعت مسیح را بجا آرید» (غلاطیان ۲:۶).

«با یکدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است» (افسیسیان ۳۲:۴).

«خلاصه بقدری که فرصت داریم، با جمیع مردم احسان بنماییم، علی‌الخصوص با اهل بیت ایمان» (غلاطیان ۱۰:۶).

«نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید، زیرا دعای مرد عادل در عمل، قوت بسیار دارد» (یعقوب ۱۶:۵).

«همچنین ما که بسیاریم، یک جسد هستیم در مسیح، اما فرداً اعضای یکدیگر. با محبت برادرانه یکدیگر را دوست دارید و هر یک دیگری را بیشتر از خود اکران بنمایید. مشارکت در احتیاجات مقدسین کنید و در مهمان‌داری ساعی باشید. خوشی کنید با خوشحالان و ماتم بنمایید با ماتمیان» (رومیان ۱۲:۵، ۱۰، ۱۳ و ۱۵).

«هر یک از شما ملاحظه کارهای خود را نکند، بلکه هر کدام کارهای دیگران را نیز» (فیلیپیان ۴:۲).



کلیسایی، خانواده‌های خود را تشویق می‌کند که هر کدام یکی از اعضای مجرد را در میان خود بپذیرند و آنها را در خوراک، اوقات فراغت، و سایر مسائل شریک سازند. کلیسای دیگری گروه‌های ۱۰ تا ۱۵ نفره، از بین خانواده‌ها و مجردین تشکیل داد و اعضای این گروه اوقات زیادی را با یکدیگر مشارکت داشتند. ترکیب این گروه‌ها هر ۳ ماه یک بار عوض می‌شد تا از این طریق اعضای کلیسا بتوانند سایر ایمانداران را که شاید به هیچ روش دیگری امکان آشنایی با آنها را نداشتند، بشناسند. برای جوانان مجرد، ترتیب دادن اوقات مخصوص برای مطالعه کتاب مقدس، مشارکت و پرستش، در جهت نیازهای مخصوص آنها می‌تواند بسیار سودمند باشد. مجردینی که مسن‌تر هستند، در گروه‌هایی که ترکیبی است از متأهلین و مجردین، بیشتر احساس راحتی می‌کنند. بهترین روشی که ایمانداران ازدواج کرده می‌توانند به ایمانداران مجرد کمک کنند این است که نسبت به نیازهای خاص آنها حساس باشند و آنها را درک کنند و از بکار بردن القاب تحقیرکننده مثل پیر دختر و یا برکت نیافته، بپرهیزند. بزرگسالان مجرد را باید در فعالیتهای جدی کلیسایی شرکت داد تا

استعدادهایشان بکار گرفته شود. از وقت آزاد آنها در جهت خدمت کلیسایی استفاده کنید (نه سوءاستفاده)! آنها می‌توانند کمک زیادی به شبان و سایر رهبران کلیسا بکنند. مخصوصاً به آنهایی که کمرو هستند و کمتر در فعالیت‌ها شرکت می‌کنند، توجه بیشتری بکنید. چنین افرادی شاید از تجربه غیرقابل تحملی رنج می‌برند و احتیاج دارند که اطمینان حاصل کنند که مورد محبت دیگران هستند.

قسمتی از یک شعر مردم‌پسند اینطور می‌گوید:

«من یک صخره هستم، من یک جزیره هستم.

یک صخره درد را احساس نمی‌کند.

و یک جزیره هرگز نمی‌گیرد.»

این شعر مطمئناً فریاد مجردی است که در زندگی و در روابطش با دیگران لطمه شدیدی خورده. مسیح به ما تعلیم داده که مردم را خدمت کنیم، حتی اگر بعضی از آنها به ما خیانت کنند. چون ثمر و منفعت به دست آمده، خیلی بیشتر از ضرر احتمالی است.

متأهلین ایمان‌داری که وقت خود را برای عمیق‌تر کردن دوستیشان با مجردین از سنین مختلف می‌گذرانند، از طریق نگرش و درک جدیدی که نسبت به خلقت گوناگون خدا پیدا می‌کنند، زندگی پرثمرتری خواهند داشت و پاداش بزرگتری دریافت خواهند کرد. کلیسا و هر ایمان‌داری باید به یاد داشته باشد که پایه و اساس مشارکت مسیحی، موقعیت اجتماعی و متأهل بودن فرد نیست بلکه تعلق به مسیح است. ما می‌توانیم از طریق زندگی دیگران چیزهای زیادی بیاموزیم و برکت بیابیم.

۱۲- کدامیک از جملات زیر بیان‌کننده اصول مناسبی است که با رعایت آنها

کلیسا می‌تواند به اعضای مجرد خود کمک کند؟

(a) تأکید اصلی در کلیسا باید رسیدگی به نیازهای زوجهای کلیسا باشد.

(b) مجردین باید به همراه زوجها در فعالیت‌های کلیسایی شرکت کنند.

c) به جای اینکه اعضا را بر اساس سن گروه‌بندی کنیم بهتر است آنها بر اساس وضعیت تأهل تقسیم شوند.

d) باید متوجه باشیم که القابی را که باعث تحقیر و یا پایین آمدن شخصیت مجردین می‌شود، استفاده نکنیم.

e) کتاب مقدس کسانی را که به مسیح تعلق دارند، تشویق می‌کند که به فکر یکدیگر باشند.

f) مجردینی که وقت آزاد بیشتری دارند و می‌توانند در فعالیت‌های کلیسا بیشتر حضور داشته باشند، برای کلیسا یک هدیه به حساب می‌آیند.

g) مشارکت مسیحی باید شامل همه اشخاصی شود که متعلق به مسیح هستند.

در بخش سوم و آخر این کتاب، به بررسی تعدادی از مشکلات ویژه می‌پردازیم که همه ما با شدت‌های متفاوت با آن روبرو هستیم. آرزوی ما این است که شما از این بخش بهره برده باشید و بخش آخر به شما کمک کند تا تشخیص دهید که به عیسی مسیح تعلق داشتن و در سایه بال‌های او استراحت یافتن چقدر با ارزش است. باشد که خدا شما را در حین مطالعه بقیه این کتاب برکت عطا فرماید.

خودآزمایی

سؤالات چند جوابی - مناسب‌ترین جواب را برای هر سؤال انتخاب کنید.

۱- کدام یک از افراد زیر به احتمال خیلی زیاد احساس طرد شدگی را تجربه می‌کنند؟

(a) یک بیوه

(b) شخصی که ازدواج نکرده

(c) فرد طلاق گرفته

۲- پولس رسول می‌گوید که شخص ازدواج نکرده بهتر است مجرد باقی بماند چون ...

(a) شخص مجرد بیشتر از یک متأهل عمر می‌کند.

(b) زندگی مجرد شادتر است.

(c) ازدواج باید به‌عنوان راهی برای دوری از بی‌عفتی در نظر گرفته شود.

(d) مجردین می‌توانند فرصت بیشتری را بدون تشویش به خدمت خدا بدهند.

۳- چرا مجرد به‌عنوان یک عطا در نظر گرفته شده است؟ چون ...

(a) آنان که زندگی خود را وقف ملکوت خدا می‌کنند، بیشتر از متأهلین باعث برکت کلیسا می‌شوند.

(b) هر شخصی می‌تواند مجرد باقی بماند ولی تعداد کمی آن را انتخاب می‌کنند.

(c) مجرد تدارک خداست برای شخصی که انتخاب کرده که مجرد باقی بماند.

۴- اولین اولویت در زندگی یک شخص مجرد چه چیز باید باشد؟

(a) ازدواج با یک مسیحی

(b) اراده خدا برای زندگی او

(c) انجام کارهایی که باعث رضایت دیگران می‌شود.

(d) غلبه بر تنهایی

۵- اراده خدا برای ما این است که اول

(a) مجرد باقی بمانیم.

(b) رابطه خوب و خداگونه با او داشته باشیم.

(c) ازدواج کنیم.

۶- بنیاد صحیح برای یک ازدواج پایدار عبارت است از

(a) تنوع روابط اجتماعی

(b) چندین سال خدمت در کلیسا

(c) رشد یک شخصیت قوی و بالغ مسیحی

۷- کدامیک از موارد زیر اشتباه‌ترین انتخاب برای یک شخص مسیحی مجرد

است.

(a) مجرد باقی بماند حتی اگر تمایل به ازدواج دارد.

(b) ازدواج با یک بی‌ایمان

(c) مشارکت با دیگر مسیحیان مجرد.

۸- مطابق تعلیم کتاب مقدس، ازدواج بطور کلی برای منع شده است.

(a) شخص طلاق گرفته

(b) بیوه

(c) شخص تنها

(d) شخص مجرد

۹- اولین قدم پیش از تصمیم‌گیری برای ازدواج چیست؟

(a) یافتن یک همسر مسیحی

(b) اطاعت از نصیحت‌های یک مسیحی قدیمی‌تر

(c) انتخاب یک روش زندگی مطمئن برای خودتان

(d) وقف کامل به اراده خدا برای زندگیتان

- ۱۰- مهم‌ترین اصل برای کلیسا در برطرف کردن نیازهای افراد مجرد چیست؟
- (a) اعضا باید بر اساس مجرد و یا تأهل تقسیم شوند تا بتوان نیازهای خاص هر یک را برطرف کرد.
- (b) برای خوشحال نگاه داشتن مجردین باید آنها را با خدمات کلیسایی مشغول کرد.
- (c) اساس شراکت مسیحیان با همدیگر تعلق آنها به مسیح است نه موقعیت اجتماعی‌شان
- ۱۱- پنج راهنمایی را که به مجردین کمک خواهد کرد تا راه حل مشکلاتشان را پیدا کنند، بیان کنید.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۷- (a) غلط

(b) صحیح

(c) صحیح

(d) غلط

(e) صحیح

(f) صحیح

۱- (b) بلا تکلیفی (امکان دارد شما ترس را انتخاب کرده باشید) اما در مثال دوم سوزان بنظر نمی‌رسد که دچار ترس شده باشد. چراکه برای آینده‌اش به خدا اعتماد کرده بود.

۸- یک ایماندار نباید زیر یوغ بی‌ایمان برود (دوم قرنتیان ۶: ۱۴).

۲- (a) اول پطرس ۴: ۱۲-۱۹

(b) اشعیا ۵۳: ۳، یوحنا ۱: ۱۱

(c) تثنیه ۳۳: ۱۲، یوشع ۱: ۹

(d) دوم قرنتیان ۱: ۳-۴ و ۶

۹- c

۳- (a) این مزمور برای کمک به شخصی مناسب است که دچار مصیبت سختی شده ولی خودش بی‌تقصیر است.

(b) این مزمور بیان می‌کند که گر چه خدا اجازه می‌دهد که تجربه شویم ولی ما را پیروز از این تجربه عبور می‌دهد.

۱۰- پاسخ انتخابی شما که می‌تواند عبارت باشد از: اولین قدم برای اینکه تصمیم بگیرید ازدواج کنید یا نه این است که کاملاً اراده خدا را برای زندگی خود بپذیرید. سپس اجازه بدهید که خدا اراده خودش را برای شما در قلبتان بگذارد. او شما را به راه صحیح هدایت خواهد نمود.

۴- a) این قسمت برای یک شخص بیوه مناسب است.

b) این قسمت بیان می‌کند که خدا از رنج‌های ما اطلاع دارد و نسبت به ما دلسوز است و اگر ما به او اعتماد کنیم، او ما را از غم‌ها می‌گذراند و وارد شادی‌ها می‌سازد.

۱۱- پاسخ انتخابی شما - پاسخ من عبارت است از

a) مریم قبل از هر چیزی احتیاج دارد موقعیت و مقامش را در مسیح تشخیص دهد.

b) ادوارد از طریق مطالعه کلام، تفکر و دعا و مشارکت با برادران و خواهران می‌تواند کمک بزرگی به خودش بکند.

c) ماندانا احتیاج دارد خودش را تفتیش کند و نگرشش را نسبت به شرایط تغییر دهد. این یک موقعیت عالی است تا محبتش را نسبت به مادرش نشان دهد و به او بیشتر نزدیک شود.

d) برای سارا مفید خواهد بود اگر وارد خدمت به دیگران شود. او باید شکرگزار باشد از اینکه نیازهایش برآورده می‌شود، برای سلامتی که دارد و اینکه می‌تواند به دیگران کمک کند.

e) آندره برای تشخیص اراده خدا درباره این موضوع، باید از اصول مسیحی حل مشکل استفاده کند. برای او شاید گذراندن وقت با پدر، مفیدتر از وقتی باشد که با خادم دیگر می‌گذراند. شاید هم بتواند فردی را پیدا کند که به پدرش کمک کند. در واقع موضوع مهم این است که آندره اراده خدا را درک کند.

۵- پاسخ انتخابی شما. آرزوی من این است که درباره این سؤال، جدی فکر کرده باشید و سعی کنید برای این مشکلات قسمت‌هایی از کلام خدا را پیدا کنید که به شما کمک کند.

۱۲- a) اصل مناسبی نیست.

b) اصل خوب و مناسبی است.

c) اصل مناسبی نیست.

d) اصل خوب و مناسبی است.

e) اصل خوب و مناسبی است.

f) اصل خوب و مناسبی است.

g) اصل خوب و مناسبی است.

۶- پیش از اینکه برای ازدواج فکر کنیم، باید ملکوت خدا و اراده او را برای زندگیمان جویا باشیم. اگر این چنین رفتار کنیم، خدا کاری را که برای ما بهترین است انجام می‌دهد. اراده او هر چه که باشد اعم از ازدواج و یا مجرد، باز می‌دانیم که همه چیز تحت کنترل او است و برای خیریت ما عمل می‌کند.

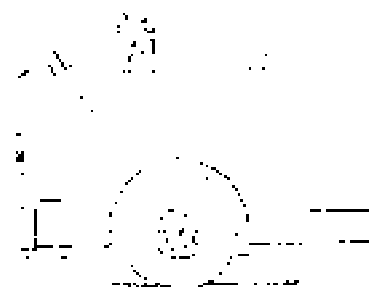
این آخرین درس از بخش دوم است. بعد از انجام این خودآزمایی، دروس ۴-۶ را مرور کرده، به سؤالات آزمون میانی شماره ۲ پاسخ دهید. از رهنمودهای داده شده پیروی کنید.

فصل سوم

مشکلات ویژه

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی



مسائل جنسی در نقشه خدا

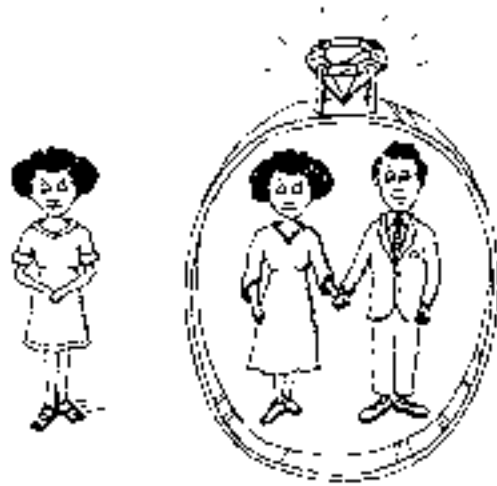
یکی از زیباترین روابط در زندگی، یک تن شدن زن و مرد در ازدواج است. تمایلات جنسی انسان بخششی از جانب خدا است که نه تنها ما را قادر به داشتن فرزند می‌سازد، بلکه باعث بوجود آمدن نهایت اتحاد و صمیمیت بین زن و مرد می‌شود.

بعضی از مشکلات بزرگ زندگی، زمانی بوجود می‌آید که زن و مرد به شکلی غلط از تمایلات جنسی‌شان استفاده می‌کنند. بسیاری از مردم بدون استفاده از حکمت خدا که در این مورد آشکار شده، و بدون بهره‌گیری از توانایی او برای کنترل بدن‌هایشان، به این موضوع نزدیک می‌شوند. در نتیجه، خودشان را در زندگی غیرمقدسی که هم از نظر بدنی و هم از نظر احساسی به آنها ضرر می‌رساند، گرفتار می‌سازند.

خدا ما را تنها نگذاشته بلکه به منظور تحت کنترل درآوردن انگیزه قوی جنسی که در درون ما وجود دارد، دستورات مخصوصی داده است. چه ازدواج کرده باشید و چه مجرد، خدا از شما انتظار دارد این قسمت از زندگی‌تان را تحت کنترل درآورید.

دستوراتی که خدا در کلامش داده، مرزی را برای ابراز تمایلات جنسی تعیین می‌کند که تخطی از آن باعث احساس تقصیر، شرمندگی، رنج و گناه در زندگی می‌شود. اطاعت از این دستورات، باعث می‌شود که شما در خوشی و قدوسیت در رابطه با تمایلات جنسی که بخشش خدا به شما است، او را خدمت کنید.

در این درس، ما درباره مرزی که خدا برای ابراز تمایلات جنسی قرار داده، صحبت خواهیم کرد و به این سؤالات پاسخ خواهیم داد که: در کتاب مقدس چه اصولی در رابطه با تحت کنترل درآوردن تمایلات جنسی یک ایماندار وجود دارد؟



فهرست مطالب

تمایلات جنسی و مجرد
تمایلات جنسی و ازدواج
روابط جنسی ممنوع شده
برخورد با مشکلات جنسی

اهداف درس

- پس از مطالعه این درس شما قادر خواهید بود:
- اصول کتاب مقدسی ای را که در رابطه با تحت کنترل درآوردن تمایلات جنسی یک ایماندار وجود دارد، بیان کنید.
 - توضیح دهید چرا به غیر از ازدواج، مجرد تنها انتخاب پذیرفته شده از طرف خدا است.
 - خطرات روش‌های غیر کتاب مقدسی در رابطه با تمایلات جنسی را بشناسید.
 - روش‌های حل مشکل را در رابطه با مشکلات جنسی بکار ببرید.

فعالیت‌های یادگیری

۱- به عنوان زمینه‌ای برای این درس، اول قرن‌تین ۱۲:۶ الی ۴۰:۷ و افسسیان ۲۲:۵-۳۳ را مطالعه کنید.

۲- درس را بر اساس موضوعات داده شده، مطالعه کنید.

۳- به خودآزمایی آخر درس پاسخ داده، جواب‌های خود را مقایسه کنید.

متن درس

تمایلات جنسی و مجرد

امروزه در بسیاری از نقاط دنیا مردان و زنانی که ازدواج نکرده‌اند، روابط جنسی کوتاه‌مدت و یا عشق‌بازی‌های غیر جدی را صرفاً به منظور برآورده کردن نیازهای جنسی‌شان انتخاب می‌کنند. دنیا مسائل جنسی را آنقدر پر زرق و برق کرده که جوانان در صورتی که روابط جنسی نداشته باشند، احساس محرومیت و عدم کفایت می‌کنند و الگوی کتاب مقدسی مجرد (شخصی که ازدواج نکرده و رابطه جنسی نیز ندارد)، یک روش غیرمتداول به حساب می‌آید و اغلب رعایت نمی‌شود.

آیا امکان دارد شخصی مجرد بماند و رابطه جنسی نیز نداشته باشد؟ مطمئناً! ما می‌توانیم از همان منابع الهی که در سایر قسمت‌های زندگی‌مان استفاده می‌کنیم، برای اجتناب از وسوسه‌ها نیز بهره‌یابیم. ما می‌توانیم از همان قسمت از کلام خدا که در درس اول (اول قرن‌تین ۱۳:۱۰) برای سایر تمایلات بکار بردیم، برای تمایلات جنسی نیز استفاده کنیم. خدا به شما قدرت می‌دهد که در برابر وسوسه گناه مقاومت کنید و این شامل گناه روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج نیز می‌شود.

۱- بر اساس اول قرن‌تین ۱۳:۱۰ بیان کنید که چطور خدا شما را در غلبه بر وسوسه گناه جنسی کمک می‌کند؟

چرا خدا رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج را ممنوع کرده است؟ در این مورد دلایل بسیاری وجود دارد و تمام این دلایل به محبت خدا و توجه او نسبت به شما مربوط می‌شود. خدا می‌خواهد که شما را از تمامی مشکلات جدی دنیای اطرافتان حفظ کند.

۱- **کودکان نامشروع.** کودکانی که خارج از چارچوب ازدواج قانونی بدنیا می‌آیند، از امتیاز داشتن پدر و مادری که از آنها مواظبت کنند و وظایف والدین را بجا آورند، محروم هستند و اغلب طرد شده و مورد بی‌محبتی قرار می‌گیرند.

۲- **افزایش سقط جنین.** بسیاری از زنانی که ازدواج نکرده‌اند، عمل جراحی سقط جنین را برای پایان بخشیدن به دوره بارداری‌شان انتخاب می‌کنند تا فرزندى خارج از چارچوب ازدواج بدنیا نیاورند. احساس تقصیر حاصل از گرفتن زندگی فرزندى که سقط شده، باعث آشفتگی شدید روحانی و رنج روحی می‌شود.

۳- **افزایش بیماری‌های آمیزشی.** اشخاصی که روابط جنسی نامشروع دارند، در معرض بیماری‌های آمیزشی از قبیل: ایدز، سفلیس و سوزاک هستند که این بیماری‌ها می‌توانند بر روی کودک نیز تأثیر گذاشته، باعث کوری و یا سایر مشکلات جسمی و مغزی کودک بشوند.

۴- **صدمات عاطفی و روحی.** برنامه و نقشه خدا این نبود که انسان‌ها خارج از یک رابطه مداوم و پر محبت، با همدیگر رابطه جنسی داشته باشند. اغلب، نتیجه رابطه جنسی بدون هیچگونه تعهد همراه با محبت، احساس طرد شدگی، مورد سوءاستفاده قرار گرفتن و خوار شدن است. احساس تقصیر حاصل از آن باعث تشویش فکری و خود محکومی می‌شود.

۲- اغلب موارد احساس تقصیر به عنوان یک هشداردهنده به ما می گوید که

(a) امیدی برای ما وجود ندارد.

(b) گناه ما را غمگین نمی سازد.

(c) ما باید به صدای وجدان که از جانب خدا است، گوش دهیم.

در کلام خدا به غیر از ازدواج، مجرد به عنوان تنها انتخاب پذیرفته شده، معرفی می شود. در اول قرنیتان باب ۷، پولس رسول به اشخاصی که نمی توانند مجرد باقی بمانند، توصیه می کند که ازدواج کنند. مجرد ماندن و نداشتن رابطه جنسی برای شخصی که مجرد را دوست ندارد و درباره مسائل جنسی و ازدواج زیاد فکر می کند و رؤیاها در سر خود می پروراند، بسیار مشکل و سخت خواهد بود. در درس ششم دیدیم که شخص مجردی که خود را وقف مسیح کرده، یک بخشش و عطا برای کلیسا به حساب می آید. کنترل افکار، بهترین روشی است که یک شخص مجرد می تواند از آن طریق با مسیح همکاری کند تا از نظر جنسی مقدس باقی بماند (یعقوب ۱: ۱۴-۱۵). در درس دوم، درباره اهمیت کنترل افکار به منظور جلوگیری از وسوسه برای انجام گناه صحبت کردیم. خدا می تواند و می خواهد به شما در این مشکل کمک کند. اگر فکرتان را مقدس و پاک نگاه دارید، زندگی را در خوشی و اطاعت از خدا سپری خواهید کرد. برای تمامی قسمت های زندگی آینده تان به او اعتماد کنید و او شما را در هر قدمی که بر می دارید، کمک خواهد کرد.

در زیر قسمتی از کلام خدا نوشته شده که شما را در برخورد صحیح با نیازهای جنسی کمک خواهد کرد:

«همه چیز برای من جایز است لیکن هر چیز مفید نیست. همه چیز برای من رواست، لیکن نمی گذارم که چیزی بر من تسلط یابد. یا نمی دانید که بدن شما هیكل روح القدس است که در شما است که از خدا یافته اید و از آن خود نیستید؟ زیرا که به قیمتی خریده شدید، پس خدا را به بدن خود نمجید نمایید» (اول قرنیتان ۶: ۱۲ الی ۱۳، ۱۹ و ۲۰).

خدا راهی برای کنترل تمایلات جنسی مهیا کرده تا تسلیم‌شان نشویم. این راه والایش نامیده می‌شود که عبارت است از کانالیزه کردن کشش جنسی به سمت فعالیت‌های باارزش. والایش، به این صورت تعریف می‌شود: «فرآیند فکری که توسط آن کشش و غرایز جنسی به صورت ناخودآگاه به فعالیت‌های مورد قبول اجتماعی تبدیل می‌شود.» رضایت واقعی را می‌توان در کار، بازی، فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی یافت. انرژی جنسی را نیز می‌توان بسوی هنر، ادبیات، ورزش، دعا، مطالعات مذهبی، خدمت مسیحی و یا سایر فعالیت‌های هدفدار که مورد علاقه شما است، هدایت نمود.

۳- دو روش را نام ببرید که به وسیله آن شخص می‌تواند از نظر جنسی مقدس بماند.

باید توجه داشت که خواهش و تمایلات جنسی گناه نیست بلکه قسمتی از ساختمان فیزیولوژیکی ما و در واقع بخشش خدا است. اما باید تا زمان ازدواج کاملاً تحت کنترل قرار بگیرد. خدا می‌خواهد و قادر است به اشخاص مجردی که ملکوت و اراده او را در زندگی در اولویت قرار می‌دهند، یک زندگی پیروزمندانه عطا فرماید (متی ۶:۳۳). اگر اراده خدا برای شما این باشد که مجرد باقی بمانید، حتماً قدرت لازم را به شما خواهد داد تا بر روی این قسمت از زندگی تان کنترل داشته باشید و بتوانید این آیات را در زندگی عملی سازید:

«لهمذا ای برادران، شما را به رحمت‌های خدا استدعا می‌کنم که بدن‌های خود را قربانی زنده مقدس پسندیده خدا بگذارید که عبادت معقول شما است. و هم شکل این جهان مشوید بلکه به تازگی ذهن خود صورت خود را تبدیل دهید تا شما دریافت کنید که اراده نیکوی پسندیده کامل خدا چیست.» (رومان ۱۲:۱-۲)



- ۴- چهار مشکلی را که یک شخص مجرد از آنها اجتناب می‌کند، نام ببرید.
- ۵- بر اساس آنچه که در این قسمت مطالعه کردیم، در رابطه با تمایلات جنسی و زندگی مجرد، کلام خدا چه اصلی را بیان می‌کند؟

پولس رسول بخوبی می‌دانست که عطای تجرد به همه داده نشده است. اما کسانی که این عطا را دارند، از طریق تسلیم کامل خودشان به اراده خدا و خدمت بی‌تشویش او، می‌توانند یک برکت مخصوص برای ملکوت خدا باشند.

تمایلات جنسی و ازدواج

رابطه جنسی یک بخش طبیعی و مقدس از ازدواج است. نویسنده کتاب عبرانیان چنین می‌گوید: «نکاح به هر وجه محترم باشد و بسترش غیرنجس زیرا فاسقان و زانیان را خدا داوری خواهد نمود» (عبرانیان ۴:۱۳).

پولس رسول کشش یا نیروی قوی میل جنسی را تشخیص داده بود و به همین دلیل مسیحیانی را که در زمینه کنترل میل جنسی دچار مشکل بودند، تشویق می‌کرد که ازدواج کنند تا دچار وسوسه برای انجام گناه نشوند (اول قرنتیان ۹:۷).

خدا با چه هدفی روابط جنسی را به‌عنوان بخش مهمی از روابط زناشویی قرار داد؟

مطمئناً یکی از هدف‌ها، زاد و ولد است. نقشه خدا این بود که انسان‌ها زمین را پر سازند و در نتیجه در آنها این تمایل را قرار داد تا برای بوجود آوردن فرزندان، از نظر جسمانی با یکدیگر متحد شوند.

برای اکثر موجودات زنده، روابط جنسی فقط در زمانی مشخص که جنس ماده قابلیت باروری دارد، صورت می‌گیرد. ولی خدا زن و مرد را بگونه‌ای آفرید که حتی در زمانی که زن قابلیت باروری ندارد، بتوانند با همدیگر روابط جنسی داشته باشند. بنابراین هدف از داشتن روابط جنسی صرفاً بدنیا آوردن فرزندان نیست بلکه اتحاد و یگانگی است. این اتحاد و یگانگی، لذت بردن از رابطه جنسی بر اساس محبت را نیز شامل می‌شود. خدا زن و شوهر را به همدیگر بخشیده تا مرتباً از این لذت بهره‌مند شوند.

مسیح در متی ۱۹:۴-۶ به این اتحاد و یگانگی اشاره می‌کند. پولس رسول بعدها زمانی که از این اتحاد اسرارآمیز در ازدواج، برای بیان رابطه روحانی مسیح با کلیسایش استفاده می‌کند، از سخنان مسیح نقل قول کرده، می‌گوید: «از اینجاست که مرد پدر و مادر را رها کرده، با زوجه خویش خواهد پیوست و آن دو یک تن خواهند بود. این سرّ عظیم است، لیکن من درباره مسیح و کلیسا سخن می‌گویم.» (افسیسیان ۵:۳۱ و ۳۲)

در اول قرن‌تین ۱۵:۶، این اتحاد و یگانگی، به‌عنوان دلیلی قوی در مخالفت با زنا ارائه شده است. در توضیح، پولس رسول می‌گوید از آنجا که در عمل رابطه جنسی زن و شوهر یک تن می‌شوند و چون بدن‌های ایمانداران قسمتی از بدن مسیح و هیکل روح‌القدس است، زنا یک گناه وحشتناک هم نسبت به مسیح و هم نسبت به بدن خود شخص به حساب می‌آید.

۶- در آیات زیر به چه هدفی از رابطه جنسی اشاره شده است؟

(a) پیدایش ۱:۲۸

(b) پیدایش ۲:۲۴

کلام خدا به وضوح دستوراتی درباره روابط جنسی در چارچوب ازدواج می‌دهد که ما آنها را بصورت خلاصه در اینجا بیان می‌کنیم:

۱ - در ازدواج یک زن با یک مرد متحد شده، یک تن می‌شوند. این موضوع در سخنان مسیح در متی ۱۹:۴-۶ مورد تأیید قرار گرفته است: «او در جواب ایشان گفت: مگر نخوانده‌اید که خالق در ابتدا ایشان را مرد و زن آفرید، و گفت از این جهت مرد، پدر و مادر خود را رها کرده، به زن خویش پیوندند و هر دو یک تن خواهند شد؟» بنابراین رابطه جنسی فقط بین یک مرد و همسرش مجاز شمرده شده است. این رابطه برای تمام دوره زندگی است و اگر هر کدام از آنها با شخص دیگری رابطه جنسی داشته باشد، مرتکب زنا شده است.

۲ - همکاری دو طرفه، قانون دیگری در روابط جنسی در چارچوب ازدواج است (اول قرن‌تین ۳:۷-۴). هم زن و هم شوهر باید با محبت، احترام و درک متقابل نیازهای یکدیگر را در نظر بگیرند. پولس رسول بطور واضح بیان می‌کند که زن بر بدن خود مختار نیست بلکه شوهرش، و به همین صورت مرد نیز بر بدن خود مختار نیست بلکه زنش. آنها باید «همدیگر را در خداترسی اطاعت کنند» (افسیان ۵:۲۱). در افسسیان باب ۵، پولس با الهام روح القدس محبت و اطاعتی را که بین مسیح و کلیسایش وجود دارد در مثال رابطه زناشویی به تصویر می‌کشد:

«ای زنان، شوهران خود را اطاعت کنید چنانکه خداوند را. زیرا که شوهر سر زن است چنانکه مسیح نیز سر کلیسا و او نجات‌دهنده بدن است. لیکن همچنانکه کلیسا مطیع مسیح است، همچنین زنان نیز شوهران خود را در هر امری باشند. به همین طور، باید مردان زنان خویش را مثل بدن خود محبت نمایند زیرا هر که زوجه خود را محبت نماید، خویشتن را محبت می‌نماید. خلاصه هر یکی از شما نیز زن خود را مثل نفس خود محبت بنماید و زن شوهر خود را باید احترام نمود.» (افسیان ۵:۲۲-۲۵ و ۲۸ و ۳۳)

این آیات به خوبی اصل همکاری دوطرفه را توضیح می‌دهد. زمانی که زن در روابط جنسی مانند سایر قسمت‌ها مطیع شوهرش باشد، امکان بیشتری دارد که از عکس‌العمل‌های محبت‌آمیز شوهرش برخوردار گردد. به همین صورت شوهری که در تمام رفتارهایش با محبت نسبت به زنش عمل می‌کند، بیشتر امکان دارد از عکس‌العمل فروتنانه زنش در قبال تمایلاتش بهره‌مند گردد. هر کدام باید مشتاقانه نیاز دیگری را برطرف سازد.

۳- زن و شوهر نباید از داشتن روابط جنسی خودداری کنند مگر به توافق

طرفین. این توافق باید برای مدت زمانی کوتاه، و آن هم به منظور دعا و عبادت باشد (اول قرنیتان ۵:۷). امکان دارد دلایل معتبر دیگری از قبیل مسافرت‌های کاری، بیماری‌های شدید و دلایل شبیه به آنها وجود داشته باشد که باعث شود زن و شوهر مدتی روابط جنسی با یکدیگر نداشته باشند. به هر حال، خودداری از روابط جنسی در چارچوب ازدواج نباید بدون دلیل و رضایت طرفین باشد.

۷- پولس رسول چه هشداري در این مورد می‌دهد (اول قرنیتان ۵:۷)؟

۴- روابط جنسی باعث تحکیم ازدواج می‌شود. در زندگی زناشویی ممکن است

که یکی از زوجین به این علت که همسرش پاسخگوی نیازهای جنسی او نیست، بارها مرتکب زنا شود. روابط نرمال جنسی در چارچوب ازدواج باید باعث شود که شخص ازدواج کرده به دلیل عدم پرهیزکاری و یا تلخی، برای ارضای خود به طریق دیگر، تن به وسوسه شیطان ندهد.

اتحاد جسمانی بوجود آمده بین یک زن و شوهر که همدیگر را دوست دارند و به یکدیگر احترام می‌گذارند، اساسی برای یک ازدواج مستحکم و یک خانواده متحد است. فرزندان، محبت و علاقه والدین نسبت به همدیگر را احساس می‌کنند و در نتیجه، آنها نیز با محبت و علاقه عکس‌العمل نشان خواهند داد.

- ۸- کدامیک از عبارات زیر با اصول کتاب مقدسی در رابطه با ازدواج و روابط جنسی موافقت دارد؟
- (a) تنها دلیل واقعی برای روابط جنسی زاد و ولد است.
 - (b) ازدواج، یک رابطه دائمی برای تمام دوره زندگی بین یک زن و یک مرد است.
 - (c) زن و شوهر فقط با توافق طرفین و برای مدتی کوتاه می توانند از داشتن روابط جنسی پرهیز کنند.
 - (d) اطاعت و محبت عوامل مهم همکاری در ازدواج است.
 - (e) در ازدواج، روابط جنسی باعث اتحاد و یگانگی می شود به گونه ای که دو فرد یک تن می شوند.
 - (f) زن و شوهر می توانند با برطرف کردن نیازهای جنسی یکدیگر باعث استحکام ازدواجشان گردند.
 - (g) اگر شوهری نسبت به زنش محبت نشان ندهد، زنش نباید مطیع او باشد.

روابط جنسی ممنوع شده

خدا از فساد و بی عفتی متنفر است. او در کلامش دستورات واضحی درباره چیزهای مجاز و غیر مجاز داده است. در عهدعتیق مجازات اسرائیلی هایی که مرتکب بی عفتی جنسی می شدند، مرگ بود.

۹- لاویان ۱۰:۲۰-۲۱ و اول قرنیتان ۱۲:۶ الی ۴۰:۷ را مطالعه کنید. این قسمت ها آشکارا بیان می کند که خدا روابط جنسی را فقط بین کدامیک از گروه های زیر مجاز شمرده است.

- (a) دوستان نزدیک
- (b) اعضای فامیل
- (c) زن و شوهر

لاویان باب ۲۰ همچنین بیان می‌کند که زن و شوهر نباید نسبت خونی داشته باشند. رابطه جنسی بین افرادی که نسبت خونی با همدیگر دارند، زنا با محارم نامیده می‌شود که کتاب مقدس به شدت آن را ممنوع کرده است. زنا با محارم همچنین به وسیله اکثر جوامع بشری رد شده است.

سه نوع رابطه جنسی ممنوع شده وجود دارد که به نظر می‌رسد مشکلات ویژه دنیای امروز ما باشد. ما در این درس درباره آنها سخن خواهیم گفت. این سه نوع رابطه جنسی عبارتند از: زناي شخص متأهل، زناي شخص مجرد و هم‌جنس‌گرایی.

زناي شخص متأهل

این نوع زنا عبارت است از برقراری رابطه جنسی بین یک شخص متأهل با کسی که همسر او نیست. زنا می‌تواند بین یک مرد متأهل و یک زن متأهل دیگر باشد، و یا بین یک شخص متأهل و یک شخص مجرد صورت گیرد. زنا را همچنین می‌توان رابطه جنسی «خارج از چارچوب ازدواج» نامید.

یکی از قوانین ده فرمان عبارت است از «زنا مکن» (خروج ۲۰:۱۴). این آیه بارها در کتاب مقدس تأکید و تکرار شده است (متی ۵:۲۷ و ۲۸، ۱۹:۹، رومیان ۱۳:۹، اول قرنتیان ۶:۹-۱۰ را ملاحظه کنید).

۱۰- امثال ۳۲:۶ را مطالعه و بیان کنید که این آیه درباره شخصی که مرتکب زنا می‌شود چه می‌گوید؟

۱۱- چه دلیلی در اول قرنتیان ۶:۱۸-۲۰ برای اجتناب از بی‌عفتی جنسی از جمله زنا بیان شده است.

سخنان مسیح در متی ۵:۲۷-۲۸ هشدار می‌دهد که هر کدام از ما تا بدقت مواظب افکارمان باشیم و از هر شرایطی که در این رابطه وسوسه ایجاد می‌کند، اجتناب کنیم. مسیح می‌فرماید: «لیکن من به شما می‌گویم، هرکس به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است.»

بسیاری از زناها نتیجه سخنان و رفتارهای غیرحکیمانه‌ای است که شاید کاملاً بی‌ضرر بنظر برسند اما ادامه آن وسوسه را ایجاد می‌کند. کلام خدا به ما می‌گوید که فرار کنیم و از چنین وسوسه‌هایی به سرعت بگریزیم (اول قرنتیان ۶: ۱۸). آمادگی روحانی به ما کمک می‌کند که در روابطمان با جنس مخالف، شبیه مسیح عمل کنیم (درباره آمادگی روحانی در درس سوم صحبت کردیم).

مردی را می‌شناسم که در کلیسایش یک رهبر قوی روحانی بود. او نسبت به یک بیوه زن که دو فرزند کوچک داشت، احساس ترحم و دلسوزی زیادی می‌کرد و اغلب برای آنها غذا می‌برد و تعمیراتی را که در خانه لازم داشتند، انجام می‌داد. این باعث شد که روابط آنها گسترش پیدا کند و به مرور به همدیگر نزدیک شوند تا زمانی که سرانجام هر دو مغلوب وسوسه شدند. شهادت نیکویی که مرد از خودش بجا گذاشته بود، از بین رفت و هر دو آنها در جلوی چشم دوستان و فامیل شرمنده شدند. همچنین درد و ناراحتی زیادی برای افرادی که درگیر این موضوع بودند، پیش آمد. باوجود اینکه هر دو آنها توبه کردند و دیگر همدیگر را ملاقات نکردند، اما اشتباه آنها تأثیر مخربی بر زندگی خودشان و دیگران گذاشت. چیزی که به‌عنوان یک خدمت روحانی شروع شده بود، به صورت یک مصیبت به پایان رسید.

۱۲- به سؤالات ۱۰ و ۱۱ دوباره نگاه کنید و آنها را با موقعیت ذکر شده در پاراگراف بالا مربوط سازید.

زنای شخص مجرد

این زنا عبارت است از رابطه جنسی به غیر از رابطه‌ای که بین یک مرد و همسرش وجود دارد. همچنین اشاره دارد به رابطه جنسی بین افرادی که ازدواج نکرده‌اند. در ابتدای همین درس هنگامی که درباره افراد مجرد صحبت می‌کردیم، به این موضوع اشاره کردیم. روابط جنسی بین افرادی که ازدواج نکرده‌اند ولی در شرف ازدواج هستند، به رابطه جنسی «پیش از ازدواج» معروف است.

۱۳- چهار دلیلی که برای اجتناب از روابط جنسی قبل از ازدواج بیان شد، ذکر کنید.

۱۴- اول قرن‌تین ۲:۷ و ۸-۹ را مطالعه و بیان کنید هنگامی که افراد مجرد وسوسه می‌شوند تا رابطه جنسی داشته باشند، چه کاری باید انجام بدهند.

پولس رسول در باب ۶ رساله اول به قرن‌تین چنین می‌گوید: «... از آن خود نیستید زیرا که به قیمتی خریده شدید، پس خدا را به بدن خود تمجید نمایید.» یک بدن گناه‌آلود باعث جلال خدا نمی‌شود. شما با دور بودن از گناهان جنسی و مقدس زندگی کردن می‌توانید باعث جلال خدا و همچنین باعث جلال مسیح شوید که مجازات گناهان شما را پرداخت کرد و برای نجات شما رنج و مرگ را متحمل گردید.

۱۵- مهم‌ترین دلیل برای مقدس زندگی کردن چیست؟

هم‌جنس‌گرایی

در بسیاری از نقاط دنیا هم‌جنس‌گرایی (رابطه بین دو هم‌جنس، دو مرد یا دو زن) آشکارا به‌عنوان یک روش زندگی تبلیغ می‌شود. اما کتاب مقدس واضحاً هم‌جنس‌گرایی را گناه معرفی می‌کند.

۱- هم‌جنس‌گرایی گناه است چون مخالف و مغایر با اصولی است که خدا برای روابط جنسی تعیین کرده است. در خلقت، میل جنسی در آدمی به گونه‌ای قرار داده شد که متمایل به جنس مخالف و تک همسری باشد (یک مرد با یک زن). زمانی که مردم هم‌جنس‌گرایی را انتخاب می‌کنند، در واقع اصولی را که خدا برای روابط جنسی مقرر کرده، رد و نادیده می‌گیرند. رومیان ۱:۱۸-۳۲ چنین توضیح می‌دهد: آنها اعمال شرم‌آور انجام می‌دهند و حقیقت خدا را به دروغ مبدل می‌کنند، از این جهت خدا ایشان را به هوس‌های شرم‌آور تسلیم نمود. رومیان ۱:۲۸ می‌گوید: «و چون روا

نداشتند که خدا را در دانش خود نگاه دارند، خدا ایشان را به ذهن مردود وا گذاشت تا کارهای ناشایسته بجا آورند».

۲- همجنس‌گرایی گناه است چون کلام خدا به آن به عنوان یک عمل شریکانه

اشاره می‌کند. اول قرن‌تین ۹:۶ و ۱۰ می‌گوید: «آیا نمی‌دانید که ظالمان وارث ملکوت خدا نمی‌شوند؟ فریب مخورید، زیرا فاسقان و بت‌پرستان و زانیان و متنعمان و لواط و دزدان و طمعکاران و میگساران و فحاشان و ستمگران وارث ملکوت خدا نخواهند شد.» (همچنین لاویان ۱۸:۲۲-۲۳، رومیان ۱:۲۱-۲۷ را نگاه کنید)

۳- همجنس‌گرایی گناهی است که مورد داوری الهی قرار می‌گیرد. «زیرا غضب

خدا از آسمان مکشوف می‌شود بر هر بی‌دینی و ناراستی مردمانی که راستی را در ناراستی باز می‌دارند» (رومیان ۱:۱۸). (همچنین پیدایش ۴:۱۹-۱۱ و ۲۴-۲۵ را نگاه کنید). پیدایش باب ۱۹ داوری شدید خدا را بر شهر سدوم بیان می‌کند. جایی که گناه همجنس‌گرایی در آنجا رواج داشت (همچنین دوم پطرس ۲:۶ و یهوذا ۷ را مطالعه کنید).

امیدی وجود دارد! گناه همجنس‌گرایی می‌تواند برداشته و بخشیده شود. در کلیسای قرن‌تس اشخاصی وجود داشتند که قبلاً همجنس‌گرا بودند ولی به وسیله خون عیسی مسیح از اسارت گناه آزاد شدند. در اول قرن‌تین ۹:۶، پولس رسول همجنس‌گراها را در لیست اشخاصی قرار می‌دهد که نمی‌توانند وارث ملکوت خدا شوند. اما در آیه ۱۱ می‌گوید: «و بعضی از شما چنین می‌بودید لیکن غسل یافته مقدس گردیده و عادل کرده شده‌اید به نام عیسی خداوند و به روح خدای ما.»

۱۶- عبارت زیر را کامل کنید:

ما می‌دانیم که همجنس‌گرایی گناه است چون

۱۷- به شخصی که ادعا می‌کند خدا او را یک همجنس‌گرا آفریده و نمی‌تواند

عوض بشود، چه پاسخی خواهید داد؟

برخورد با مشکلات جنسی

در اینجا بررسی همه مشکلات جنسی و بیان طرز برخورد با آنها، غیرممکن خواهد بود. تعدادی از مشکلات جنسی در واقع یک نوع مشکل جسمی است که در آن صورت به کمک یک پزشک نیاز هست ولی اکثر آنها مشکلات حاصل از گناه هستند و راه حل شان توبه و تولد تازه است.

خدا می بخشد

در برخورد با شخصی که مرتکب گناه جنسی شده، پیغام مهمی را که باید با او در میان بگذاریم، این است که خدا می بخشد.

۱۸- یوحنا ۸: ۳-۱۱ را مطالعه کنید و به سؤالات زیر پاسخ دهید.

- (a) چرا آن زن را نزد مسیح آوردند؟
- (b) جمعیت می خواستند با آن زن چگونه رفتار کنند؟
- (c) طرز برخورد مسیح چگونه بود؟
- (d) مسیح به آن زن چه گفت؟

۱۹- لوقا ۷: ۳۶-۵۰ را مطالعه کنید و عکس العمل مسیح را در برابر توبه و ایمان زن گناهکار بیان کنید.

مهم نیست که مردم درباره شما چطور قضاوت می کنند و یا نتایج حاصله از گناه شما چقدر فجیع است. بخشش الهی همیشه در مسیح مهیا است و نه تنها گناه شما را می بخشد بلکه به شما کمک می کند تا زندگی دوباره داشته باشید.

ذهن تازه شده

آنانی که مرتکب گناه جنسی شده‌اند، می‌توانند مطمئن باشند که خدا آنها را زمانی که توبه کرده‌اند، بخشیده است. خدا به آنها ذهن تازه‌ای می‌بخشد تا بتوانند مطیع اراده او باشند. آنها بخاطر گناهی که انجام داده‌اند، دیگر تحت داوری و محکومیت نیستند چون که از گناه آزاد شده‌اند. کلام خدا در این رابطه چنین می‌گوید: «پس هیچ قصاص نیست بر آنانی که در مسیح عیسی هستند. زیرا که شریعت روح حیات در مسیح عیسی مرا از شریعت گناه و موت آزاد گردانید. زیرا آنانی که برحسب جسم هستند، در چیزهای جسم تفکر می‌کنند و اما آنانی که برحسب روح هستند در چیزهای روح. از آن جهت که تفکر جسم موت است، لکن تفکر روح حیات و سلامتی است» (رومیان ۸: ۲ و ۵-۶).

در زندگی مشکلاتی که در رابطه با مسائل جنسی پیش می‌آید، می‌تواند بسیار حساس و دردسر آفرین باشد. اما اگر از کلام خدا اطاعت کنیم، خدا برای هر مشکل ما کافی است. به همین دلیل دانستن اصول کلام خدا اهمیت بسیار دارد. در این درس، این اصول را با هم بررسی کردیم. از این اصول در زندگی‌تان استفاده کنید تا «به تازگی ذهن خود صورت خود را تبدیل دهید» (رومیان ۲: ۱۲). خدا را برای دستوراتی که داده تا بتوانید از وسوسه‌های جنسی اجتناب کنید، شکر گوئید و او را در بدن خود که هیكل روح القدس است، جلال دهید.

۲۰- بر اساس رومیان ۸: ۵و۶، برای داشتن یک ذهن تازه که حیات و آرامش به همراه می‌آورد، چه چیزی ضروری است؟

خودآزمایی

سؤالات چند جوابی - مناسب ترین جواب را برای هر سؤال انتخاب کنید.

۱- مهم ترین دلیل برای پاک بودن، عبارت است از

(a) اجتناب از مشکلات جنسی

(b) جلال دادن خدا در بدن خود

(c) کسب رضایت مردم

(d) یافتن همسری پاک و مقدس

۲- مجرد شخصی است که

(a) در خارج از چارچوب ازدواج رابطه جنسی دارد.

(b) ازدواج نکرده و رابطه جنسی ندارد.

(c) از تمایلات جنسی فقط به منظور زاد و ولد استفاده می کند.

(d) نمی تواند پرهیزکار باشد.

۳- هدف از روابط جنسی در چارچوب ازدواج عبارت است از

(a) زاد و ولد

(b) یگانگی

(c) زاد و ولد و یگانگی

(d) انقیاد

۴- رابطه مسیح با کلیسایش به کدامیک از موارد زیر تشبیه شده است؟

(a) رابطه بین والدین و فرزندان

(b) مجردها و خدمت مسیحی

(c) زاد و ولد و یگانگی

(d) رابطه زناشویی

۵- در برخورد با شخصی که درگیر رابطه بی‌عفتی جنسی است، مهم است که....

- (a) او را دچار احساس تقصیر کنیم.
- (b) برای گناهش عذر و بهانه‌ای بیاوریم.
- (c) کمکش کنیم تا بفهمد که خدا گناهکاری را که توبه می‌کند می‌بخشد.
- (d) به او نشان دهیم که چقدر در اشتباه بوده است.

۶- کدامیک از موارد زیر نتیجه بی‌عفتی جنسی نیست؟

- (a) صدمه عاطفی و رنج
 - (b) زندگی مقدس و پاک
 - (c) کودکان نامشروع
 - (d) بیماری‌های آمیزشی
- ۷- هنگامی که وسوسه می‌شوید تا کاری را انجام دهید که به وضوح در کلام خدا درباره آن صحبت نشده، کدامیک از سؤالات زیر را باید از خودتان پرسید؟

- (a) آیا این کار خدا را جلال می‌دهد؟
- (b) آیا این کار باعث لذت من می‌شود؟
- (c) چه سودی می‌توانم از انجام این کار ببرم؟
- (d) آیا انجام این کار برای من جایز است؟

۸- تمایلات جنسی

- (a) گناه‌آلود است.
- (b) چیزی است که ما نمی‌توانیم آن را کنترل کنیم.
- (c) شرم‌آور است.
- (d) بخشش خداست.

۹- اصل روابط جنسی در چارچوب ازدواج عبارت است از

- (a) همکاری دو طرفه
- (b) مجرد
- (c) زاد و ولد

به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

۱۰- سه دلیل بیان کنید که چرا هم‌جنس‌گرایی گناه است؟

..... -

..... -

..... -

۱۱- با توجه به آیات کلام خدا که در این درس و درس دوم داده شد، دو بخش از کلام را انتخاب کنید که در پاسخ به شخصی که سؤالات زیر را دارد و می‌خواهد بداند که کلام خدا درباره مشکلش چه می‌گوید، می‌توان بکار برد.

(a) ما فعلاً نمی‌توانیم با همدیگر ازدواج کنیم، اما یکدیگر را دوست داریم بنابراین داشتن رابطه جنسی مانعی ندارد.

(b) چرا من باید سعی کنم همسرم را راضی کنم درحالی که او هیچ محبتی به من نشان نمی‌دهد و هرگز به من نگفته که دوستم دارد.

(c) من حامله هستم و دوست پسرم نمی‌خواهد با من ازدواج کند، بنابراین قصد دارم بچه را سقط کنم.

(d) فکر می‌کنم بتوانم یک هم‌جنس‌گرا باشم و یک مسیحی باقی بمانم.

(e) زندگی من آنقدر گناه‌آلود بوده که نمی‌توانم یک مسیحی باشم، خدا هرگز مرا قبول نخواهد کرد.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۱۱- کسی که زنا می‌کند، نسبت به بدن خود که متعلق به خداست گناه می‌کند. بنابراین در واقع او نسبت به خدا گناه می‌ورزد.

۱- خدا برای شما راه گریزی مهیا می‌کند تا بتوانید وسوسه را متحمل شده، تسلیم نشوید.

۱۲- آیاتی که در سؤالات ۱۰ و ۱۱ آمده، بیان می‌کند که در این شرایط چه اتفاقی برای مرد و یا زن می‌افتد.

c-۲

۱۳- احتراز از امکان بوجود آمدن کودکان نامشروع، سقط جنین، بیماری‌های آمیزشی و صدمات عاطفی و احساسی (این رابطه، گناهی است که مورد داوری الهی قرار می‌گیرد).

۳- بوسیله کنترل و مراقبت افکار، بوسیله والایش.

۱۴- آنها یا باید پرهیزکار باشند و یا باید ازدواج کنند.

۴- داشتن کودکان نامشروع، باعث سقط جنین شدن، ابتلا به بیماری‌های آمیزشی، صدمات عاطفی و احساسی.

۱۵- باعث جلال خدا شوید.

۵- پاسخ شما باید شامل این مفاهیم باشد: مجرد تنها شق پذیرفته شده در مقابل ازدواج است. از یک مسیحی مجرد انتظار می‌رود که رابطه جنسی نداشته باشد. بدن او متعلق به خدا و هیکل روح القدس است. بنابراین تمایلات جنسی باید همیشه تحت کنترل قرار گیرد.

۱۶- موافق اصول کلام خدا در رابطه با تمایلات جنسی نیست. کلام خدا آن را شریانه می‌داند و در نهایت تحت داوری الهی قرار می‌گیرد.

۶- (a) یگانگی

(b) زاد و ولد

۱۷- جواب انتخابی شما. من، تعلیم کلام خدا را در این باره برای او بیان خواهم کرد و به او نشان خواهم داد که چطور می تواند به وسیله نام عیسی مسیح و روح خدا تغییر کند و تقدیس و عادل شمرده شود.

۷- مبدا شما پرهیزکاری خود را از دست بدهید و در گناه بیفتید.

۱۸- (a) او در حین عمل زنا گرفتار شده بود.

(b) می خواستند بر اساس شریعت او را سنگسار کنند تا بمیرد.

(c) همراه با بخشش

(d) عیسی گفت: من هم بر تو فتوا نمی دهم. برو و دیگر گناه مکن.

۸- f, e, d, c, b

۱۹- مسیح تمام گناهان زن را بخشید.

۹- c

۲۰- ما باید بر اساس هدایت روح القدس زندگی کنیم.

۱۰- ناقص العقل است؛ جان خود را هلاک می سازد؛ برای خود رسوایی بیار

می آورد؛ ننگ او محو نخواهد شد.

غلبه بر افسردگی

«اشکهایم روز و شب نان من می‌بود، چون تمامی روز مرا می‌گفتند: "خدای تو کجاست؟" ... ای جانم چرا منحنی شده‌ای و چرا در من پریشان گشته‌ای؟ ... به خدا گفته‌ام: "ای صخره من چرا مرا فراموش کرده‌ای؟ چرا به سبب ظلم دشمن ماتم کنان تردد بکنم؟" دشمنانم به کوییدگی در استخوان‌هایم مرا ملامت می‌کنند، چونکه همه روزه مرا می‌گویند: "خدای تو کجاست؟"» (مزمور ۴۲: ۳، ۵، ۹، ۱۰)

آیا می‌توان تصور کرد که این سخنان را فردی گفته که سرودهای شاد بسیاری برای پرستش و تشکر از خدا بخاطر رحمت و فیضش نوشته است؟ آیا امکان دارد چنین مردی نزد خدا فریاد بریآورد که «چرا مرا فراموش کرده‌ای؟» این فریاد قلبی داود، نشان می‌دهد که امکان دارد شخصی که خدا را دوست دارد و بر او اعتماد می‌کند، در مواقعی که بنظر می‌رسد خدا دور ایستاده و سکوت کرده، پریشانی و افسردگی شدیدی را تجربه کند. نکته مهم این است که داود برای کمک نزد خدا فریاد برآورد. او به خودش چنین می‌گوید: «بر خدا امید دار زیرا که او را باز حمد خواهم گفت، که نجات روی من و خدای من است» (مزمور ۴۲: ۱۱).

در این درس خواهیم دید که چه عواملی باعث افسردگی می‌شود و منابعی عنوان خواهد شد که به یک مسیحی کمک خواهد کرد تا بر افسردگی غلبه کند. همچنین نگاهی به روش‌هایی خواهیم انداخت که از آن طریق می‌توان به افرادی که دچار افسردگی هستند کمک کرد. ما می‌توانیم امیدمان را بر خدا قرار دهیم و مطمئن باشیم که او ما را فراموش نخواهد کرد.



فهرست مطالب

تعریف افسردگی

تشخیص عوامل افسردگی و درمان آن

پیشگیری از افسردگی

کمک به دیگران

اهداف درس

پس از مطالعه این درس شما قادر خواهید بود:

- نشانه‌های افسردگی را تشریح کنید.

- عوامل افسردگی و راه‌های غلبه بر آن را تشخیص دهید.

- بیان کنید که یک مسیحی چگونه می‌تواند به یک شخص افسرده کمک کند.

- اصول داده شده در این درس را در زندگی‌تان بکار گیرید تا بتوانید به دیگران

کمک کنید.

فعالیت‌های یادگیری

۱- درس را بر اساس موضوعات داده شده مطالعه کنید. تمام آیات ذکر شده را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید.

۲- به خودآزمایی درس پاسخ داده، جواب‌های خود را مقایسه کنید.

متن درس

تعریف افسردگی

افسردگی چیست؟ یک پزشک، افسردگی را چنین تعریف می‌کند: «تمام دنیا بنظر سایه‌ای است در تاریکی! و بدتر از آن، شما به این باور خواهید رسید که همه چیز واقعاً به همان بدی که تصور می‌کنید هست.» این پزشک، معتقد است که افکار منفی باعث بوجود آمدن افسردگی می‌شود.

لغت‌نامه وبستر افسردگی را چنین تعریف می‌کند: «یک احساس غم و دلمردگی، یک اختلال روان‌پریشی که در اثر غم بوجود می‌آید، عدم فعالیت، مشکل در فکر کردن و عدم تمرکز، احساس دلمردگی، کاهش فعالیت چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی، کاهش سرزندگی یا فعالیت‌های عملی.»

بسیاری از ما وارد دوره‌هایی از افسردگی می‌شویم. زندگی ناگهان خالی از شادی بنظر می‌رسد؛ مشکلات ما را در هم می‌شکنند و ما غرق بدبختی، ناامیدی و ترحم نسبت به خود می‌شویم.

خانمی که بعد از مرگ نابهنگام شوهرش دچار افسردگی شده بود، حالت خود را چنین توصیف می‌کند: «زمانی که شوهرم فوت کرد، فامیل‌ها و دوستانی که به من علاقه داشتند، دور مرا گرفتند و من حضور خدا را به خوبی احساس می‌کردم. خدا در تمام مدت طولانی بیماری شوهرم و روزهای بعد از آن، به من قدرت می‌بخشید. بسیاری شهادت می‌دادند که من نمونه خوبی هستم از آرامش و تسلی‌ای که مسیح

به اشخاص غمگین و سوگوار عطا می‌فرماید. مسیح به من آرامش داد، مرا حفظ کرد و مرا رهبری نمود.

«با گذشت ایام، من مشغول یک خدمت بسیار هیجان‌انگیز و رضایت‌بخش شدم و اگر چه با فامیل‌ها و دوستان عزیزم رابطه‌ای نداشتم ولی کاملاً مشغول و شاد بودم. حدوداً یک سال به این صورت گذشت. در همان زمان در محل کارم تعدادی از کارکنان عوض شدند و بعضی از آنها تأثیرات تهدیدآمیزی بر کار من گذاشتند. من نسبت به هر نوع انتقادی بسیار حساس شده بودم و وقتی می‌دیدم آنطور که شایسته من است از من قدردانی نمی‌شود، نسبت به کارم نیز بی‌تفاوت شدم. اکثر وقت آزاد خود را در تنهایی می‌گذراندم و کم‌کم احساس کردم که تنها هستم و اشخاصی که آنها را بسیار دوست دارم مرا ترک کرده‌اند.

«در همین زمان شخصی که او را بسیار تحسین می‌کردم و تأیید او برایم مهم بود، باعث رنجش شدید من شد. عکس‌العملی که از خود نشان دادم دوری کردن از هر چیزی بود که امکان داشت باعث رنجش بیشتر من شود و این شروع افسردگی من بود. در ابتدا غرق فکر و غصه برای مرگ شوهرم شدم. احساس بی‌محبتی، عدم کفایت و بی‌ارزشی می‌کردم. در نظرم هیچ چیز باارزش برای زندگی کردن وجود نداشت. دیگر علاقه‌ای به خواندن کلام، دعا و یا شنیدن نصیحت دوستان مسیحی نداشتم فقط می‌خواستم تنها باشم تا به بدبختی‌ام فکر کنم و به حال خودم دلسوزی نمایم.»

اگر شما تا بحال افسردگی را تجربه کرده‌اید، احتمالاً می‌توانید بعضی از احساسات این زن را درک کنید. در لیست زیر بعضی از نشانه‌های متداول افسردگی بیان شده است.

۱- خستگی - عدم خواب

۲- عدم تمرکز

۳- عدم علاقه به چیزهایی که بطور معمول از آنها لذت می‌برد، از جمله، رابطه

جنسی.

۴- ترجیح می‌دهد تنها بماند

۵- مشکل داشتن در تصمیم‌گیری

۶- نگرش منفی نسبت به خود و دیگران

۷- افسردگی امکان دارد باعث بروز بیماریهایی از قبیل زخم معده شود

۸- تصمیم‌گیریها اغلب عجولانه و اشتباه هستند (مثل تصمیم به خودکشی)

۹- غم و نومیدی شدید

۱۰- کاهش شدید فعالیت

مطمئناً گاهیگاهی اتفاقاتی در زندگی مان رخ می‌دهد که باعث می‌شود ما احساس غم، ترس و عدم اطمینان کنیم. همه ما در زندگی روزهای خوب و بد داریم. بعضی از روزها احساس می‌کنیم که همه چیز خوب و عالی است و روزهایی نیز هست که بنظر می‌رسد همه چیز نادرست و اشتباه است. این حالت را می‌توان دمدمی مزاج بودن نامید. بطور معمول این حالت‌ها مدت زمان طولانی ادامه ندارد و به زودی این روزهای بد بدون اینکه نتایج منفی به همراه داشته باشد، تمام می‌شود. از طرف دیگر، افسردگی یک حالت فکری است که به مرور در ما بوجود می‌آید و مدت زمان طولانی ادامه می‌یابد.

ما احتیاج داریم عواملی را که باعث بروز افسردگی می‌شوند و همچنین راه‌های غلبه بر آن را بشناسیم. در قسمت بعدی این درس، درباره عوامل مهم افسردگی و روش مبارزه با آنها بحث خواهیم کرد.

۱- کدامیک از عبارات زیر تعریف صحیحی از افسردگی است. عبارات صحیح را مشخص کنید.

(a) بی‌حالی و کاهش فعالیت از نشانه‌های افسردگی است.

(b) افسردگی عبارت است از هر نوع احساس غم و تنهایی.

(c) گاهی اوقات اتفاقات دست به دست هم داده باعث بروز افسردگی می‌شوند.

(d) شخص افسرده نظر خوبی درباره خودش دارد.

- e) اغلب گوشه‌گیری یکی از نشانه‌های افسردگی است.
- f) شخص افسرده از بودن با افراد شاد لذت می‌برد.
- g) شخص افسرده تمایل بیشتری برای گرفتن تصمیمات عجولانه و ضعیف دارد.
- ۲- چگونه می‌توان از روی مدت زمانی که نشانه‌ها طول می‌کشند فهمید که شخص از افسردگی رنج می‌برد.

تشخیص عوامل افسردگی و درمان آن

خیلی چیزها می‌تواند در بوجود آمدن افسردگی مؤثر باشد. در درس‌های گذشته درباره تعدادی از مشکلات از قبیل مشکلات مادی، مشکلات مربوط به فرزندان، تنهایی و به هم خوردن روابط صحبت کردیم که هر یک می‌تواند باعث بروز افسردگی گردد. معمولاً افسردگی فقط با یک مشکل بوجود نمی‌آید بلکه مجموعه‌ای از شکست‌ها که در نهایت بر روی هم، فوق از تحمل شخص شده، آن را بوجود می‌آورد. در این قسمت از درس، درباره مشکلاتی که معمولاً باعث بروز افسردگی می‌شود و همینطور در مورد روش غالب آمدن بر این مشکلات، صحبت خواهیم کرد.

بیماری

روانشناسی می‌گوید: «هر وقت مریضی پیش من می‌آید که دچار افسردگی است اول او را برای انجام معاینه پزشکی نزد یک طبیب می‌فرستم.» افسردگی می‌تواند نشانه یک بیماری جسمی باشد که احتیاج به رسیدگی دارد و یا می‌تواند در نتیجه سعی و تلاش شخص برای غلبه بر یک بیماری سخت بوجود بیاید. وقتی که شخصی می‌فهمد بیماری لاعلاجی دارد، دچار افسردگی می‌شود. در درس آینده، درباره این موضوع بیشتر سخن خواهیم گفت.

گاهی اوقات زیاد کار می‌کنیم و در نتیجه بدن‌هایمان را خسته و مستعد بیماری و افسردگی می‌سازیم. حتی اشخاصی که خدمات مسیحی انجام می‌دهند، در اثر تعهد کاری بیش از حد و خستگی، امکان دارد دچار افسردگی شوند. من شبانان و یا همسرانشان را دیده‌ام که چطور پس از مدت‌ها کار شبانه‌روزی به منظور انجام چندین خدمت، از پا درآمده‌اند. در مرقس ۶:۳۰ و ۳۱ می‌خوانیم زمانی که شاگردان مسیح در چنین شرایطی بودند، مسیح برای آنها استراحت را تجویز کرد. «و رسولان نزد عیسی جمع شده، از آنچه کرده و تعلیم داده بودند او را خبر دادند. بدیشان گفت: "شما به خلوت، به جای ویران بیایید و اندکی استراحت نمایید." زیرا آمد و رفت چنان بود که فرصت نان خوردن نیز نکردند.»

بدن ما به ورزش، رژیم غذایی مناسب و استراحت کافی به منظور عملکرد صحیح نیاز دارد. وقتی که ما در انجام هر یک از اینها غفلت می‌کنیم، جای تعجب ندارد اگر بدن‌مان عکس‌العمل نشان دهد و سرزنده بودن‌مان را از دست بدهیم و بخواهیم تسلیم این حالت شویم.

در هنگام بیماری، کلام خدا برای ما یک منبع روحانی است تا بتوانیم بر افسردگی غلبه کنیم. «آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی بخشید. کلام خود را فرستاده، ایشان را شفا بخشید و ایشان را از هلاکت‌های ایشان رهانید» (مزمور ۱۰۷:۱۹ و ۲۰).

در کتاب مقدس شهادت‌های بسیار در مورد شفا می‌خوانیم که توسط قدرت کلام خدا انجام شده‌اند. این شهادت‌ها ما را تشویق می‌کند تا در زمان اضطراب و نگرانی خدا را بطلبیم و اجازه دهیم کلام او بر طبق نیازمان در ما کار کند و برای شفای خود به او اعتماد کنیم.

۳- سه طریق را نام ببرید که افسردگی با بیماری مرتبط می‌شود.

۴- در هر سه مورد، اولین قدم برای غلبه بر افسردگی چیست؟

فشار روانی

فشار روانی چنین تعریف شده است: «یک عامل جسمی، شیمیایی و یا عاطفی که باعث تنش جسمی یا فکری شود و امکان دارد عامل بوجود آمدن بیماری باشد.» فشار روانی یا استرس زمانی بوجود می‌آید که مشکلات یکی پس از دیگری بر مشکل قبلی اضافه می‌شود تا زمانی که شخص زیر بار فشار زیاد قرار می‌گیرد و در نتیجه، یک واکنش جسمی، شیمیایی و یا عاطفی از خود نشان می‌دهد که غالباً این واکنش، افسردگی است. یک روانشناس مقیاسی را برای سنجش شدت فشاری که در اثر اتفاقات گوناگون زندگی بر شخص وارد می‌شود، تهیه کرده است. در زیر تعدادی از این اتفاقات و شدت فشار وارده بیان شده است.

شدت فشار وارده	اتفاق
۱۰۰	مرگ همسر
۷۳	طلاق
۶۳	مرگ یکی از اعضای نزدیک خانواده
۵۳	بیماری یا جراحی
۵۰	ازدواج
۴۷	از دست دادن کار
۳۶	تغییر کار
۲۹	تغییر مسئولیت در کار
۲۹	ترک خانه به وسیله پسر یا دختر
۲۸	کسب موفقیت بزرگ
۲۰	تغییر محل اقامت
۱۹	تغییر خدمت در کلیسا
۱۲	مرخصی
۱۲	کریسمس

نتیجه‌ای که این روانشناس از تحقیقاتش گرفت این بود که اگر شخصی در طول مدت ۲ سال از زندگی‌اش بیش از ۳۰۰ واحد فشار دریافت کند، در معرض ابتلا به بیماری است (مقدمه‌ای بر روانشناسی نوشته گرین - ۱۹۷۶). در این لیست، اندوه، به عنوان یکی از عوامل بوجود آورنده فشار روانی، در بالای همه قرار گرفته است و رنج و مرگ یکی از عزیزان، مهم‌ترین عامل در غم و اندوه شمرده می‌شود. اینها فشارهای روانی هستند که اکثر ما در طول زندگی با آنها مواجه می‌شویم. عکس‌العملی که ما نسبت به این فشارهای روانی نشان می‌دهیم، به مقدار زیادی بستگی به آمادگی روحانی‌مان دارد (به درس سوم رجوع کنید).

یک دوره غم و ناراحتی که در نتیجه از دست دادن کسی بوجود آمده، طبیعی است. اما من نمی‌توانم بپذیرم شخصی که فشار روانی زیادی را متحمل می‌شود باید از بیماری و یا افسردگی به عنوان نتیجه حتمی آن رنج ببرد. ما می‌توانیم از روح‌القدس قدرت و آرامی بیابیم. به این آیات توجه کنید.

«پس به ایشان گفت: بروید و خوراکیهای لطیف بخورید و شربت‌ها بنوشید و نزد هرکه چیزی برای او مهیا نیست حصه‌ها بفرستید، زیرا که امروز، برای خداوند ما روز مقدس است؛ پس محزون نباشید زیرا که سرور خداوند قوت شما است» (نحمیا ۸: ۱۰).

«پس شما همچنین الان محزون می‌باشید، لکن باز شما را خواهم دید و دل شما خوش خواهد گشت و هیچ کس آن خوشی را از شما نخواهد گرفت» (یوحنا ۱۶: ۲۲).

۵- بهترین جواب را انتخاب کنید. این آیات به ما می‌گویند که:

- a) یک مسیحی هنگامی که کسی را از دست داده، نباید در رنج، غم و ناراحتی باشد.
- b) زمان‌هایی وجود دارد که در حزن هستیم اما خدا قادر است که شادی خودش را جایگزین غم ما کند.
- c) تجربه همزمان حزن و شادی خداوند امکان‌پذیر نیست.

زمانی که نشانه‌های فشار روانی را در زندگی‌تان می‌بینید، سعی کنید از شرایط استرس‌آور بپرهیزید. اگر برای سبک شدن فشاری که بر شما وارد می‌شود هیچ کاری نمی‌توانید انجام دهید، به وقتی که برای مطالعه کلام خدا می‌دهید بیفزایید. منتظر خدا باشید و اجازه دهید او مشکلاتتان را متحمل شود. سخنان مسیح به شاگردانش، امروز برای شما کلمات امیدوارکننده است: «دل شما مضطرب نشود! به خدا ایمان آورید به من نیز ایمان آورید. سلامتی برای شما می‌گذارم، سلامتی خود را به شما می‌دهم. نه چنان که جهان می‌دهد، من به شما می‌دهم. دل شما مضطرب و هراسان نباشد.» (یوحنا ۱۴: ۱ و ۲۷)

فشار روانی، درد و رنج چیزهایی هستند که ما می‌توانیم از دنیا انتظار داشته باشیم اما مسیح برای تمام آنها شفا را در آرامش و شادی خودش مهیا کرده است. ما فقط باید آن را از او بطلبیم.

- ۶- کدامیک از اصول زیر بهترین کمک برای یک مسیحی است تا بتواند بر افسردگی حاصل از فشار روانی غلبه پیدا کند؟
- (a) یک مسیحی باید از خدا بخواهد که او را از هر اتفاقی که باعث فشار روانی می‌شود، دور نگه دارد.
- (b) مسیحیان باید یاد بگیرند چطور احساساتشان را کنترل کنند تا اتفاقاتی که در زندگی می‌افتد باعث بروز تنش در آنها نشود.
- (c) همانطور که فشار روانی فزونی می‌یابد، باید از طریق افزایش وقت دعا و مطالعه کلام خدا، بر آمادگی روحانی خود بیفزاییم.
- (d) برای شخصی که واقعاً تسلیم خدا است، هیچ اتفاقی در زندگی نمی‌تواند باعث فشار روانی شود.

ترس و یأس

ما در عصری زندگی می‌کنیم که مملو از ترس و نومیدی است. در هر لحظه امکان دارد بمبی رها شود و همه ما را نابود سازد. سرطان، بیماری ترسناکی است که هر خانواده‌ای را تحت تأثیر قرار داده و با وجود همه پیشرفت‌های پزشکی هنوز هم درمان قطعی برای آن کشف نشده است. جنایت غوغا می‌کند و قربانیان این جنایات از نتایج آن در رنج هستند. در بسیاری از نقاط دنیا، مردم از اینکه شب در خیابان باشند می‌ترسند. ما از اینکه کارمان را از دست بدهیم، پیر بشویم و یا عزیزان خود را از دست بدهیم، در ترس هستیم.

زمانی که نسبت به ترس وسواس پیدا می‌کنیم و آن افکار و وجود ما را پر می‌سازد، آنوقت افسردگی می‌تواند بر ما غلبه کند. چنین ترسی باعث یأس می‌شود و در این شرایط شخص هیچ دلیلی برای ادامه زندگی نمی‌بیند و یا دلیلی برای شاد بودن وجود ندارد چون زندگی نوسید کننده است. چنین به نظر می‌رسد که هیچ راهی برای فرار از این شرایط رقت‌انگیز وجود ندارد و امکان ندارد هیچ اتفاق خوبی برای ما رخ دهد. در چنین شرایطی امکان دارد شخص نوسید برای رهایی از این وضعیت ترس‌آور حتی به فکر خودکشی بیفتد.

۷- شخصی که به فکر خودکشی می‌افتد، چه نکته‌ای را نادیده می‌گیرد؟

درمان ترس، محبت است. اگر خدا را دوست داریم، می‌توانیم برای رهایی از ترس‌هایمان به او اعتماد کنیم. در اول یوحنا ۴:۱۶-۱۸ چنین می‌خوانیم:

«و ما دانسته و باور کرده‌ایم آن محبتی را که خدا با ما نموده است. خدا محبت است و هر که در محبت ساکن است در خدا ساکن است و خدا در وی. محبت در همین با ما کامل شده است تا در روز جزا ما را دلاوری باشد، زیرا چنانکه او هست، ما نیز در این جهان همچنین هستیم. در محبت خوف نیست بلکه محبت کامل خوف را بیرون

می‌اندازد؛ زیرا خوف عذاب دارد و کسی که خوف دارد، در محبت کامل نشده است».

هر زمان که قلب شما پر از ترس می‌شود، از خدا بخواهید که ترس را از شما بردارد و قلبتان را با محبت جاودانی‌اش پر سازد. اجازه دهید کلماتی که مسیح به شاگردانش فرمود، باعث تشویق شما شود: «بدین چیزها به شما تکلم کردم تا در من سلامتی داشته باشید. در جهان برای شما زحمت خواهد شد. و لکن خاطر جمع دارید زیرا که من بر جهان غالب شده‌ام» (یوحنا ۱۶: ۳۳).

۸- یک مسیحی باید چه برخوردی در قبال حوادث ترسناکی که می‌تواند منجر به نومی‌دی شود داشته باشد؟

احساس تقصیر و پشیمانی

اغلب به دنبال احساس تقصیر یا پشیمانی برای کاری که انجام داده‌ایم و یا می‌بایست انجام می‌دادیم، غم و غصه ما را فرا می‌گیرد. من والدینی را ملاقات کردم که فرزندشان خانه را ترک کرده بود و در گناه زندگی می‌کرد. آنها خود را بخاطر عدم تربیت صحیح فرزندشان بسیار سرزنش می‌کردند. پدری که اجازه داده بود پسرش موتورسیکلتی بخرد، فرزندش را در تصادف رانندگی از دست داد. او خودش را ملامت و سرزنش می‌کرد و با گریه بارها و بارها می‌گفت: «اگر می‌گفتم نه، این اتفاق نمی‌افتاد». بسیاری نیز هستند که برای کار زشتی که انجام داده‌اند و یا حرفی که زده‌اند و باعث ضرر کسی شده‌اند، شدیداً احساس تقصیر می‌کنند.

دو نوع احساس تقصیر وجود دارد: اول احساس تقصیر واقعی که نتیجه عمل گناه‌آلودی است که انجام داده‌ایم و دوم، احساس تقصیر کاذب که در رابطه با چیزی است که بر آن هیچ کنترلی نداریم. احساس تقصیر واقعی، احساس تقصیر مفیدی است که ریشه در روابط ما با خدا، دیگران و خودمان دارد و با تمایل شدیدی برای اعتراف همراه است. این احساس، در برابر بخشش، واکنش مثبت نشان می‌دهد.

احساس تقصیر کاذب (روان رنجوری)، معمولاً به قواعد و مقررات مربوط می‌شود. این احساس نیز با تمایل قوی برای اعتراف همراه است ولی به ندرت نسبت به بخشش پاسخ می‌دهد. هر دو این احساسات شبیه هم بنظر می‌رسند ولی ریشه در مشکلات متفاوت دارند و نسبت به بخشش واکنش متفاوتی نیز نشان می‌دهند. هر دو نوع احساس تقصیر می‌توانند باعث افسردگی شوند و روش درمان آنها متفاوت است.

احساس تقصیر واقعی

لزومی ندارد که یک مسیحی برای گناہانی که در زندگی مرتکب شده، دائماً خودش را محکوم کند. زمانی که وجدانمان ما را مذمت می‌کند، شفيعی داریم که نزد پدر آسمانی برای ما شفاعت می‌کند (اول یوحنا ۲: ۱-۲). «اگر به گناہان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناہان ما را بیامرزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد» (اول یوحنا ۱: ۹).

نیازی نیست که بار گناه را متحمل شویم. توبه کنید و گناه خود را به خداوند اعتراف نمایید (و در صورت لزوم، با کسی که نسبت به او اشتباهی مرتکب شده‌اید، صحبت کنید)، و بخشش الهی را بیابید. سپس این حقیقت را بپذیرید که دیگر تمام شده است و آن را فراموش کنید.

احساس تقصیر کاذب

درباره مادر جوانی شنیدم که فرزند خردسال خود را برای پیاده‌روی بیرون برده بود. آنها هنگام پیاده‌روی یکی از همسایه‌ها را ملاقات کردند و در نتیجه مادر مشغول صحبت با همسایه شد، در حالیکه فرزندش در همان نزدیکی بازی می‌کرد که ناگهان آن کودک به داخل خیابان دوید و در اثر برخورد با یک اتومبیل درگذشت. آن مادر جوان در حالیکه دچار حزن و غم بسیار بود، خودش را بخاطر این سانحه مقصر می‌دانست و با گذشت زمان بیشتر و بیشتر گوشه‌گیر و افسرده شد. او نمی‌توانست خود را از احساس تقصیری که برای بروز آن حادثه می‌کرد، رها سازد.

مسلماً اتفاقات زیادی در زندگی رخ می‌دهد که باعث پشیمانی شدید ما می‌شود. وقتی به گذشته نگاه می‌کنیم، چیزهایی را می‌بینیم که اگر الان امکان آن وجود داشت، آنها را به صورت دیگری انجام می‌دادیم. اشخاص بیوه، اغلب درباره کارهایی که می‌توانستند انجام دهند تا همسرانشان را شادتر سازند فکر می‌کنند و پشیمان هستند که چرا این کارها را انجام نداده‌اند. والدین نیز اکثراً از فکر اینکه می‌توانستند خیلی بهتر فرزندانشان را تربیت کنند، دچار احساس تقصیر و پشیمانی هستند.

تمامی این افکار بی‌فایده است، چرا که نمی‌توانیم گذشته را تغییر دهیم. ما فقط می‌توانیم از آن یاد بگیریم و مواظب باشیم که در آینده همان اشتباهات را دوباره تکرار نکنیم. اگر اتفاقاتی در زندگی می‌افتد که خارج از کنترل ما است، باید تشخیص دهیم که تقصیر ما نبوده و اینکه زندگی ما تحت کنترل و محافظت خدا است. اگر خدا بنا به فیض و رحمت الهی‌اش حتی کثیف‌ترین گناهان ما را فراموش می‌کند، آیا ما نباید بخشش او را نیز برای تمام شرایط دردناکی که وجود ما را از پشیمانی و خود-محکومی پر می‌سازد، بپذیریم؟

داود می‌دانست که با وجود همه اشتباهاتی که انجام داده، می‌تواند بسوی خدا برگردد و پاکی از گناه را دریافت کند. او چنین می‌نویسد:

«ای خداوند از عمقها نزد تو فریاد برآوردم. ای خداوند! آواز مرا بشنو و گوشهای تو به آواز تضرع من ملتفت شود. ای یاه، اگر گناهان را بنظر آوری، کیست ای خداوند که به حضور تو بایستد؟ لیکن مغفرت نزد توست تا از تو بترسند. اسرائیل برای خداوند امیدوار باشند زیرا که رحمت نزد خداوند است و نزد اوست نجات فراوان» (مزمور ۱۳۰: ۱-۷).

مهم نیست چه اتفاقی در زندگی شما رخ داده است، در خداوند رستگاری کامل وجود دارد. اگر خدا آنقدر رحیم و مشتاق بخشیدن است، آیا شما نمی‌توانید خودتان را ببخشید؟ هر پشیمانی و احساس تقصیر بی‌مورد را پشت سر بگذارید و آنها را

وسیله‌ای بسازید تا به دیگران نشان دهید که چطور با سپردن قصوراتتان به خدا از رهایی با شکوه و محبت و رحمت خدا برخوردار شدید.



۹- نمونه‌ها و راه‌حل‌های نوشته شده در زیر را با نوع احساس تقصیر مربوطه انطباق دهید.

(a) هنگامی که مرد جوانی به علت مسافرت از خانواده دور بود، مادرش ناگهان فوت می‌کند.

(b) توبه، اعتراف و دریافت بخشایش.

(c) زن ازدواج نکرده‌ای که بچه خود را سقط می‌کند.

(d) مادری که فرزند ناقصی را بدنیا می‌آورد.

(e) بخشیدن خود.

۱- احساس تقصیری که نتیجه گناه است.

۲- احساس تقصیر کاذب یا احساس تقصیری

که نتیجه افسوس خوردن بی‌مورد است.

تلخی و رنجش

هیچ چیز به اندازه تلخی روح و رنجش نسبت به کسی که به ما بدی کرده نمی‌تواند باعث از بین رفتن پیروزی روحانی یک مسیحی شود. تلخی در هر جنبه از زندگی مانند خوره‌ای است که همه چیز را از بین می‌برد تا جایی که تنفر و دشمنی نسبت به شخصی که به شما خطا ورزیده، تنها محرک تمام اعمال شما می‌گردد. تلخی و رنجش دو بُعد از عصبانیت و خشم هست.

اخیراً درباره شخصی که یک مسیحی خوب بود می‌خواندم که زندگی‌اش سرشار از تجربیات و مشکلات بود. پسرش در کودکی فوت کرد، سپس بعد از مدتی خانه‌اش سوخت و تمام دارایی خود را از دست داد. مدتی بعد نیز همسرش بعد از یک بیماری طولانی و رنج‌آور فوت کرد، با وجود اینکه مبلغ زیادی صرف درمان او شده بود. در زندگی او، ثمرات روح در تمام تجربیاتی که داشت دیده می‌شد. او برای سال‌ها معلم بزرگسالان در کلاس‌های روز یکشنبه بود و با یک ایمان وقف شده و روح بزرگوار مطابق آنچه تعلیم می‌داد، زندگی می‌کرد.

روزی یکی از شماسانی که سر کلاس او بود، چنین فکر کرد که خدمت تعلیمی معلمش اثر خود را از دست داده و در نتیجه افکار خود را با سایرین چنین در میان گذاشت که معلمشان دیگر مثل گذشته قابلیت و توانایی تعلیم را ندارد و آنها باید به فکر یک معلم جدید باشند. وقتی این سخنان به گوش آن معلم رسید که اعضای کلاس از تعلیم او راضی و خشنود نیستند، عمیقاً رنجید و در نتیجه این رنجش، یک روح تلخی و خشم نسبت به شخصی که از او انتقاد کرده بود، در این معلم بوجود آمد. او توانسته بود با تمام تجربیاتی که تا آن زمان برایش پیش آمده بود، مدارا کند ولی زمانی که شخصاً مورد حمله قرار گرفت، نتوانست آن را تحمل کند. در نتیجه، او از تمام خدماتی که در کلیسا انجام می‌داد، خودش را کنار کشید و دچار افسردگی خیلی شدید شد. او اجازه داد که تلخی فکر بر او مسلط شود تا جایی که کاملاً وجودش از تلخی پر شد. او که زمانی باعث برکت کلیسا بود، اکنون به یک مورد قابل سرزنش تبدیل شده بود.

در درس چهارم، درباره بی‌عدالتی و عکس‌العملی که یک مسیحی باید در قبال آن داشته باشد صحبت کردیم. اگر این مرد می‌توانست سخن مسیح در متی ۵: ۱۰-۱۲ را درباره مشکلش بکار گیرد، پرهیز از تلخی و افسردگی حاصل از آن، قابل دسترسی می‌شد. افسسیان به ما می‌گویند: «هر قسم تلخی و غیظ و خشم و فریاد و بدگویی و خیانت را از خود دور کنید» (افسسیان ۴: ۳۱). «و مترصد باشید مبادا کسی از فیض خدا محروم شود و ریشه مرارت نمو کرده، اضطراب بار آورد و جمعی از آن آلوده گردند» (عبرانیان ۱۲: ۱۵).

۱۰- پاسخ صحیح را انتخاب کنید.

تلخی و رنجش نه تنها می‌تواند ما را بسوی افسردگی سوق دهد و پیروزی روحانی ما را از بین ببرد، بلکه همانطور که کلام خدا بیان می‌فرماید:

a) طرز برخوردی است که مشکل‌ساز است و به بسیاری صدمه می‌رساند.

b) حالتی است که باید انتظار داشته باشیم گاهی به دلیل کارهایی که مردم

انجام می‌دهند و به ما لطمه می‌زنند بوجود آید.

c) اشتباه شخص است که باعث گسترش تلخی روح می‌گردد.

تنها راه حل برای برطرف نمودن روح تلخی و خشم نسبت به یک شخص، بخشش است. مسیح به شاگردانش فرمود:

«زیرا هرگاه تقصیرات مردم را بدیشان بیامرزید، پدر آسمانی شما،

شما را نیز خواهد آمرزید. اما اگر تقصیرهای مردم را نیامرزید، پدر

شما هم تقصیرهای شما را نخواهد آمرزید» (متی ۶: ۱۴-۱۵).

در جای دیگر مسیح می‌فرماید:

«لیکن ای شنوندگان شما را می‌گویم دشمنان خود را دوست دارید و

با کسانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید» (لوقا ۶: ۲۷).

اگر شما از این دستورات پیروی کنید و کسی را که نسبت به شما خطایی مرتکب شده در دعا بیاد آورید، غیر ممکن خواهد بود اگر بتوانید همزمان در قلبتان نسبت به آن شخص هر نوع تلخی نگه دارید.

همچنین تلخی می تواند نسبت به خدا باشد و آن زمانی اتفاق می افتد که بجای اینکه ریشه اصلی مشکلاتمان را کشف کنیم، خدا را مسئول این مشکلات می دانیم. جای تعجب نیست اگر شخصی که تلخی را در قلبش پرورش می دهد، مغلوب افسردگی شود. تلخی نه تنها از نظر جسمی بر ما اثر می گذارد بلکه روحانیت ما را نیز از بین می برد. بزرگترین صدمه به خود شخص وارد می شود، زمانی که اجازه می دهد تلخی بر او حاکم شود. ممکن است شخصی که باعث تلخی شده، حتی از صدماتی که رسانیده، کاملاً بی خبر باشد.

۱۱- متی ۵: ۱۰-۱۲ را بخوانید و آن را در رابطه با مشکل تلخی و رنجش بررسی کنید و توضیح دهید چه تأثیری بر روی این موضوع می تواند داشته باشد.

پیشگیری از افسردگی

آیا راهی برای جلوگیری از افسردگی وجود دارد؟ آیا می توانیم قدمی برای اجتناب از افسردگی برداریم؟ من معتقدم راه هایی هست که از آن طریق یک مسیحی می تواند آمادگی لازم برای غلبه بر افسردگی را بیابد و علائم آن را تشخیص داده، نگذارد بر او مسلط شود.

در این قسمت، تعدادی از اصولی را که می توان در جهت جلوگیری از افسردگی بکار برد، برمی شماریم:

۱- نباید اجازه دهیم هیچ گناه اعتراف نشده ای در زندگی ما باقی بماند. گناه باعث افسردگی و اندوه می شود و تنها راه رهایی از افسردگی، آزاد شدن از گناه است.

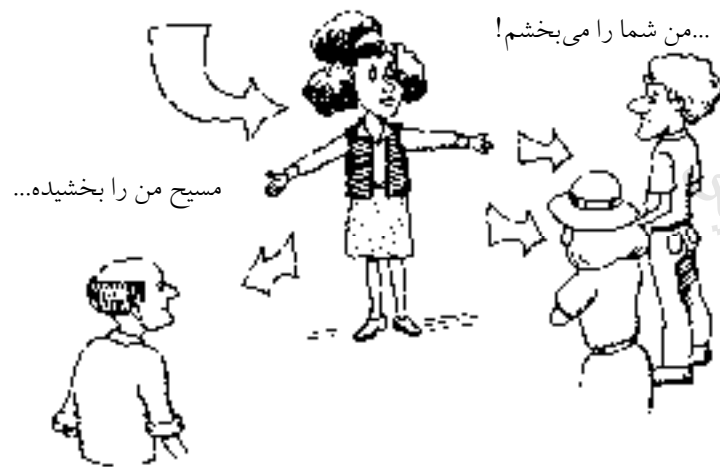
۲- هر نوع افسردگی، گناه نیست. مسیح زمانی که برای اورشلیم گریه می‌کرد، ناراحت بود (لوقا ۱۹:۴۱). او زمانی که به باغ جتسیمانی رفت، کلام خدا می‌گوید: «و پطرس و یعقوب و یوحنا را همراه برداشته، مضطرب و دلتنگ گردید. و بدیشان گفت: "نفس من از حزن، مشرف به موت شد. اینجا بمانید و بیدار باشید"» (مرقس ۱۴:۳۳ و ۳۴). ایوب گناهی علیه خدا مرتکب نشد، اما افسردگی بزرگی را تجربه کرد (ایوب ۳). زمانی که غم و غصه را به درون خود می‌ریزیم، تبدیل به افسردگی می‌شود. اما وقتی که در زمان ناراحتی و غم به خدا توجه می‌کنیم، او شادی خود را جایگزین غم و غصه ما می‌گرداند.

۳- ما وجودی هستیم جسمانی و هم روحانی. تعهد بیش از حد، کار طاقت‌فرسا، استراحت ناکافی، رژیم غذایی نادرست و عدم فعالیت بدنی، همه می‌توانند ما را بسوی افسردگی سوق دهند. کوتاهی در زندگی روحانی از قبیل، قصور در پرستش، مطالعه کلام، تفکر و دعا باعث ضعیف شدن و ضربه‌پذیر بودن ما در برابر حملات شیطان می‌گردد.

۴- زمانی که مشکلی داریم، باید ریشه آن را تشخیص دهیم و هر چه سریعتر برای آن راه حل مناسبی بیابیم. زمانی که مشکلات حل نشده روی همدیگر انباشته می‌شوند، به راحتی ما را مغلوب می‌سازند.

۵- کمک و شراکت در احتیاجات دیگران، شفا به همراه می‌آورد. بجای اینکه فقط متمرکز خودتان باشید و در فشارها و یا دردهایتان غوطه‌ور شوید، به اطراف و بیرون از خودتان نگاه کنید. تجربیاتی که می‌گذرانید، به شما حساسیت مخصوصی درباره دیگرانی که صدمه دیده‌اند می‌بخشد و در نتیجه می‌توانید آشکار کننده محبت مسیح در زندگی آنها باشید. افسردگی شما جای خود را به شادی حاصل از خدمت مسیح و دیگران می‌دهد و به همین دلیل، فعال بودن در جمع مسیحیان یا کلیسا از اهمیت بسزایی برخوردار است. در واقع، کلیسا جایی است که ایمانداران به فکر یکدیگر هستند و همدیگر را خدمت می‌کنند.

۶- شخصی که دیگران را می‌بخشد، رهایی از فشار روانی حاصل از تلخی و رنجش را تجربه می‌کند. او حقیقتاً درک کرده که محبت چه چیزهایی هست و چه چیزهایی نیست (اول قرن‌تین ۱۳).



وعدۀ خدا در اول قرن‌تین ۱۰:۱۳ به من کمک کرده تا در زمان‌های سخت قدرت لازم را از او بگیرم و هرگز برخلاف آنچه که گفته عمل نکرده است: «هیچ تجربه جز آنکه مناسب بشر باشد، شما را فرو نگرفت. اما خدا امین است که نمی‌گذارد شما فوق طاقت خود آزموده شوید، بلکه با تجربه مغری نیز می‌سازد تا یارای تحمل آن را داشته باشید».

۱۲- چه اصلی را از این قسمت از کلام خدا می‌توانیم در رابطه با پیشگیری از افسردگی نام ببریم.

گاهی اوقات نیاز به مشاوره مسیحی است تا شخص بتواند بر افسردگی غالب شود و یا از آن پیشگیری به‌عمل آورد. اگر راه‌هایی که در اینجا عنوان شده برای کمک به شما کافی نیست، حتماً سعی کنید از شخصی حاذق کمک بگیرید.

۱۳- کدامیک از جملات زیر درباره راه‌های پیشگیری از افسردگی صحیح است؟

- (a) بخشش، باعث رهایی از احساس تقصیر و تلخی می‌شود.
- (b) مشکلات لاینحل شرایط مناسبی را برای بروز افسردگی فراهم می‌کنند.
- (c) کوتاهی در امور روحانی خیلی بیشتر از کوتاهی در مراقبت‌های جسمی می‌تواند باعث افسردگی شود.
- (d) افسردگی معمولاً مربوط به گناه می‌شود.
- (e) غلبه بر افسردگی راحت‌تر خواهد بود اگر به جای تمرکز بر خود، به بالا و به خدا نگاه کنیم.
- (f) مسیح در باغ جتسیمانی به ما نشان داد که چطور می‌توان با افسردگی مبارزه کرد.
- (g) گاهی اوقات دردهایی که متحمل می‌شویم، کمک می‌کند تا بتوانیم دیگرانی را که در زحمت و مشکل هستند، بهتر خدمت کنیم.

کمک به دیگران

زمانی که ایوب از تجربیات بزرگی که داشت رنج می‌کشید (ایوب باب ۱ و ۲)، کلام خدا می‌گوید: «و چون سه دوست ایوب، این همه بدی را که بر او واقع شده بود شنیدند، هر یکی از مکان خود، یعنی الیفاز تیمانی و بلد شوحی و سوفرنعماتی روانه شدند و با یکدیگر همداستان گردیدند که آمده، او را تعزیت گویند و تسلی دهند. و چون چشمان خود را از دور بلند کرده، او را شناختند، آواز خود را بلند نموده، گریستند و هر یک جامه خود را دریده، خاک بسوی آسمان بر سر خود افشاندند. و هفت روز و هفت شب همراه او بر زمین نشستند و کسی با وی سخنی نگفت چونکه دیدند که درد او بسیار عظیم است» (ایوب ۲: ۱۱-۱۳).

اگر به خواندن کتاب ایوب ادامه دهید، خواهید دید که دوستان ایوب به جای اینکه کماکان ساکت بمانند و با این سکوت با او همدردی کنند، لب به سخن

گشودند و با سرزنش کردن او به فشارهایش افزودند و او را متهم ساختند که علیه خدا مرتکب گناه شده است.

بهترین روش برای کمک به شخصی که دچار افسردگی شدید هست، داشتن برخوردی غم‌خورانه و دلسوزانه است. در کنار او بمانید و از این طریق، حمایت و علاقه خود را به او نشان دهید. شخصی که در ناراحتی است احتیاجی ندارد که کسی به غم او بیفزاید، مانند کاری که دوستان ایوب انجام دادند. او احتیاج به دوستی دارد که او را محکوم نکند بلکه زمانی که آمادگی روبرو شدن با عامل افسردگی خود را پیدا کرد، کمک کند تا قدمهای ضروری برای غلبه بر افسردگی را بردارد.

ما افسردگی را به معنی از دست دادن خوشی و سرزندگی، احساس دلشکستگی و عدم فعالیت تعریف کردیم. اغلب شخص افسرده قدرت و یا تمایلی برای کوشش به منظور غلبه بر حالت خود ندارد. اگر شخصی به او بگوید که «می‌دانم ناراحت هستی و می‌خواهم بدانی که به فکر تو هستم. آیا کاری هست که برای کمک به تو بتوانم انجام بدهم؟» و سپس برای دعا، اشک ریختن، تسلی دادن و محبت کردن آماده باشد، چنین فردی می‌تواند وسیله‌ای باشد در دست خدا برای بلند کردن روح آن شخص از عمق یأس و نومیدی به پیروزی‌ای که در مسیح وجود دارد.

وظیفه مدد کننده عبارت است از تشویق و امید بخشیدن. اگر گناه اعتراف نشده‌ای وجود دارد، اجازه دهید روح‌القدس صحبت کند و شخص را به اعتراف هدایت نماید. در مسیح رهایی وجود دارد. اجازه دهید هر وقت که مشکلات و مسائل زندگی فوق از طاقت و تحمل ما است، این سخنان پولس رسول را به یاد یکدیگر بیاوریم:

«در هر چیز زحمت کشیده، ولی در شکنجه نیستیم؛ متحیر ولی مأیوس نی؛ تعاقب کرده شده، لیکن نه متروک؛ افکنده شده، ولی هلاک شده نی؛ از این جهت خسته خاطر نمی‌شویم، بلکه هر چند انسانیت ظاهری ما فانی می‌شود، لیکن باطن روز بروز تازه می‌گردد. زیرا که این زحمت سبک ما که برای لحظه‌ای است، بار جاودانی

جلال را برای ما زیاده و زیاده پیدا می‌کند» (دوم قرن‌تیا ۸:۴-۹، و ۱۶-۱۷).

۱۴- کدامیک از روش‌های برخورد یا فعالیت‌های ذکر شده کمک مثبتی به

شخصی که از افسردگی رنج می‌برد، می‌کند؟

(a) نشان دادن اینکه به فکر او هستیم.

(b) با محبت بودن.

(c) محکوم کردن.

(d) حدس زدن دلایلی که باعث افسردگی او شده است.

(e) گوش دادن.

(f) حضور داشتن در کنار شخص.

(g) شریک غم او شدن.

(h) تنها گذاشتن او.

(i) حمایت کردن از او.

(j) پیشنهاد کمک دادن.

(k) تسلی و امید بخشیدن.

(l) تشویق کردن.

خودآزمایی

- سؤالات صحیح و غلط - جملات صحیح را با حرف ص و جملات غلط را با حرف غ مشخص کنید.
- ۱- افسردگی شامل تفکر، احساس و عکس‌العمل منفی است.
 - ۲- افسردگی عبارت است از هر گونه احساس ناراحتی و یا عدم امیدواری که احتمال دارد شخص تجربه کند.
 - ۳- شخص افسرده معمولاً به راحتی تصمیم می‌گیرد.
 - ۴- سه نشانه افسردگی عبارت است از: نداشتن استراحت و خواب، علاقه نداشتن به چیزهایی که در شرایط عادی از آنها لذت می‌برد و غم و ناراحتی شدید.
 - ۵- افسردگی می‌تواند هم نشانه بیماری باشد و هم نتیجه بیماری.
 - ۶- بین فشار روحی روز افزونی که بر یک شخص وارد می‌شود و امکان ابتلا به یک بیماری جدی و یا افسردگی رابطه‌ای وجود دارد.
 - ۷- گاهی اوقات علت بوجود آمدن افسردگی این است که مردم خودشان را برای اتفاقاتی که خارج از کنترل آنهاست، سرزنش می‌کنند.
 - ۸- کسی که دچار افسردگی است معمولاً تصور خوبی از خود دارد.
 - ۹- بر اساس صحبت‌های مسیح در یوحنا ۱:۱۴ اطمینان داریم که یک قلب دردمند می‌تواند با اعتماد بر خدا درمان شود.
 - ۱۰- بهترین روش برای کاهش فشار روانی این است که از نظر روحانی خود را آماده مقابله با مشکلات زندگی سازیم.
 - ۱۱- درمان ترس عبارت است از جرأت.
 - ۱۲- هر وقت احساس تقصیر می‌کنیم، می‌دانیم که کار اشتباهی انجام داده‌ایم.

۱۳- شخص می‌تواند از احساس تقصیر و پشیمانی برای اعمالی که در گذشته انجام داده آزاد شود، زمانی که می‌پذیرد مسیح او رابخشیده و در نتیجه او نیز خود را می‌بخشد.

۱۴- شخصی که اجازه می‌دهد احساس تلخی و غیظ در وجودش باقی بماند، از هر کس دیگری بیشتر مورد لطمه قرار می‌گیرد.

۱۵- بهترین روش برای رهایی از تلخی و احساس بد نسبت به شخصی، این است که برای آن فرد دعا کنیم.

پاسخ‌های کوتاه

جاهای خالی را بگونه‌ای کامل کنید که جملات زیر بیان‌کننده اصولی برای جلوگیری از افسردگی باشند.

۱۶- اگر مواظب سلامتی و خود باشیم کمتر دچار افسردگی خواهیم شد.

۱۷- هرگز نباید اجازه بدهیم که اعتراف نشده‌ای در زندگی ما باقی بماند.

۱۸- با به کسانی که در احتیاج هستند، در واقع می‌توانیم به خودمان کمک کنیم.

۱۹- برای اینکه از افسردگی جلوگیری کنیم، باید هر مشکلی که بوجود می‌آید همان موقع آن را کنیم.

۲۰- بسیار مهم است که ما را جایگزین تلخی و یا رنجش کنیم.

۲۱- لازم است در زمان‌های ناراحتی اجازه دهیم خدا غم ما را بردارد و بجای آن خودش را که به ما قدرت الهی می‌بخشد، عطا نماید.

۲۲- سه روش کمک به شخصی را که دچار افسردگی است نام ببرید.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۸- پاسخ انتخابی شما. پاسخ شما باید شامل نکات زیر گردد:
داشتن برخورد محبت‌آمیز نسبت به خدا و اعتماد به او، باعث غلبه بر ترس می‌شود. می‌توانیم مطمئن باشیم که در هر شرایط ترسناکی که باشیم، مسیح غالب است - او با ما است و محبت او ما را حفظ می‌کند.

۱- (a) صحیح

(b) غلط

(c) صحیح

(d) غلط

(e) صحیح

(f) غلط

(g) صحیح

۹- (a) ۲

(b) ۱

(c) ۱

(d) ۲

(e) ۲

۲- علائم افسردگی برای مدت طولانی قابل مشاهده خواهد بود. بسیاری از ما گاهی روزهای بدی را تجربه می‌کنیم. اما افسردگی حالتی است که به تدریج و آهسته در شخص بوجود می‌آید و مدت زمان طولانی باقی می‌ماند.

۱۰- a

۳- امکان دارد افسردگی نشانه یک بیماری جسمی باشد. همچنین می‌تواند نتیجه یک مشکل و یا بیماری جسمی باشد. افسردگی همچنین می‌تواند نتیجه عدم مراقبت صحیح از بدن باشد.

۱۱- پاسخ انتخابی شما. اگر به یاد آوریم که مسیح ما را برکت می‌دهد زمانی که زحمات و دشنام‌های دیگران را تحمل می‌کنیم، آنوقت می‌توانیم زمانی که واقعاً دیگران بر علیه ما هستند، احساس شادی کنیم چرا که می‌دانیم مسیح پیروز است و هرگز بر علیه ما عمل نخواهد کرد. با پیروزی و غلبه بر احساس تلخی می‌توانیم باعث برکت دیگران شویم.

۴- اول: انجام یک سری آزمایش پزشکی تا بفهمیم مشکل یا بیماری جسمی وجود دارد یا نه.

دوم: زمانی که افسردگی نتیجه یک مشکل جسمی است، کلام خدا به ما کمک می‌کند تا با این مشکل به صورت مثبت برخورد کنیم.

سوم: ورزش، رژیم غذایی و استراحت مناسب از بروز افسردگی جلوگیری می‌کند.

۱۲- پاسخ انتخابی شما. برداشت من به این صورت است: مهم نیست در چه نوع تجربه و یا آزمایشی قرار دارم، خدا دیگران را که قبلاً در چنین تجربیاتی بوده‌اند کمک کرده، به من هم کمک خواهد کرد.

b-۵

۱۳- a) صحیح

b) صحیح

c) غلط

d) غلط

e) صحیح

f) صحیح

g) صحیح (دوم قرن‌تیا ۱:۱-۱۱ را نگاه کنید).

۶- c

- ۱۴- همه این فعالیت‌ها می‌توانند مفید باشند به غیر از موارد c، d و h.
- ۷- این حقیقت را در نظر نمی‌گیرد که خدا زندگی ما را تحت کنترل دارد و اجازه نمی‌دهد که فوق از تحمل مان تجربه شویم.

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی

رنج کشیدن و مرگ

پسر کوچکی نامه‌ای با این مضمون به خدا نوشت: «خدای عزیز، اگر واقعاً بعد از مرگ دنیایی وجود دارد، پس چرا ما باید بمیریم؟»

تفکر درباره مرگ چندان خوشایند نیست و ما دوست نداریم درباره آن فکر کنیم. اگر شخصی که مورد علاقه‌تان هست به شما بگوید: «امروز می‌خواهم درباره کاری که بعد از مرگم باید انجام دهم صحبت کنم.» چه عکس‌العملی نشان خواهید داد؟ آیا با علاقه وارد چنین بحثی خواهید شد؟ و یا سعی می‌کنید از صحبت درباره چنین موضوع ناخوشایندی پرهیز کنید؟ پذیرش مرگ خودمان و یا کسی که او را دوست داریم مشکل است و فکر می‌کنیم اگر از صحبت درباره این موضوع اجتناب کنیم، هرگز برای ما اتفاق نخواهد افتاد.

مسیحیان نباید مرگ را به عنوان یک مشکل در نظر بگیرند. همانطور که پولس رسول می‌فرماید: «زیرا که مرا زیستن مسیح است و مردن نفع» (فیلیپان ۱:۲۱). مرگ پایان همه چیز نیست. بلکه آغاز است! اما گذشتن از مراحل مرگ برای جوانان و هم پیران چیزی است ترسناک، چرا که ما از درد و رنج می‌ترسیم.

در درس اول، به سؤالاتی از قبیل «چرا مسیحیان رنج می‌کشند؟»، «چرا ما باید درد را تجربه کنیم؟»، «چرا زندگی پر از بدبختی است؟» پاسخ دادیم. در این درس، خواهیم دید که چطور رنج کشیدن و مرگ باعث بروز یک سری مشکلات در زندگی انسان‌ها می‌شود و مسیحیان چگونه باید با این مشکلات برخورد کنند. نحوه برخورد ما با این تجربیات دردناک بسیار مهم است بخصوص زمانی که آنها را از دید ارزش‌های اخروی بنگریم.



فهرست مطالب

فواید درد و رنج

مشکلات مربوط به رنج و مرگ

کمک به اشخاصی که در رنج و یا در حال مرگ می‌باشند.

مشکلات مربوط به مرگ

نگرش مسیحی

اهداف درس

پس از مطالعه این درس شما قادر خواهید بود:

- درباره ثمرات درد و رنج صحبت کنید.

- مشکلاتی را که در نتیجه درد، بیماری و مرگ بوجود می‌آیند، توضیح دهید.

- روش‌هایی را بیان کنید که یک مسیحی می‌تواند از آن طریق به افرادی که در

رنج و یا در حال مرگ هستند، یاری دهید.

- اصول کتاب مقدسی را که دربردارنده نگرش یک مسیحی درباره رنج و مرگ

است، بیان کنید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- اشعیا ۵۲:۱۳-۱۵ و باب ۵۳ را مطالعه کنید. همچنین می‌توانید کتاب ایوب را به عنوان تکلیف اختیاری بخوانید.
- ۲- درس را بر اساس موضوعات داده شده مطالعه کنید و به تمام سؤالات پیش از نگاه کردن به پاسخ‌های داده شده، جواب دهید.
- ۳- به سؤالات خودآزمایی پاسخ دهید و جواب‌هایتان را مقایسه کنید.

متن درس

فواید درد و رنج

احتمالاً پس از خواندن این عنوان فکر خواهید کرد: «چطور درد و رنج می‌تواند مفید و سودمند باشد؟» اگر درد نتیجه ورود گناه به جهان است، آیا کاملاً شریرانه نیست؟ آیا در چیزی که شریرانه است، می‌تواند فایده‌ای وجود داشته باشد؟ بله، فوایدی در درد وجود دارد که هم ماهیت فیزیکی دارد و هم روحانی.

فواید فیزیکی

یک کودک چطور یاد می‌گیرد که آتش خطرناک است؟ با نزدیک کردن دستش به آتش! وقتی او این کار را می‌کند، یک احساس فیزیکی بوجود می‌آید که آن را درد می‌نامیم. درد باعث اذیت و آزار می‌شود. زمانی که احساس درد می‌کنیم، نهایت سعی‌مان را بکار می‌گیریم تا آن درد را متوقف کنیم. درد، صحبت از مشکلی می‌کند که باید حل شود. زمانی که کودک درد حاصله از نزدیکی به آتش را احساس می‌کند، با عقب کشیدن سریع دست، با این مشکل برخورد می‌کند. زمانی که در یکی از اعضای بدن‌مان احساس درد کنیم، هر کاری خواهیم کرد تا علت آن را تشخیص دهیم و راه فرار از آن را بیابیم.

زمانی که خدا انسان را خلق کرد، هدفش این نبود که انسان درد را تجربه کند. اما احساس درد را در ما قرار داد تا هشدار دهنده‌ای باشد نسبت به چیزهایی که به بدن صدمه می‌زند و یا آن را از بین می‌برد. اگر ما احساس درد نمی‌کردیم، نمی‌توانستیم از خودمان در برابر میکروب‌ها، بیماری‌ها و یا چیزهایی که بدن‌مان را مورد حمله قرار می‌دهند، دفاع کنیم.

فواید روحانی

سی.اس.لوئیس می‌گوید: «خدا در لذت‌هایمان با ما نجوا می‌کند، از طریق وجدانمان با ما سخن می‌گوید، اما در دردهایمان او فریاد برمی‌آورد.» درد باعث رنج می‌شود و نادیده گرفتن آن غیر ممکن است.

۱- فایده روحانی درد شبیه فایده فیزیکی آن است. با کلمات خودتان فایده روحانی آن را توضیح دهید.

بعضی‌ها فقط در شرایط اضطراری و حساس به خدا رو می‌آورند. زمانی که همه چیز خوب است، آنها احساس بی‌نیازی می‌کنند. اما وجود رنج باعث می‌شود آنها درک کنند که چیزهایی ورای قدرت و کنترل‌شان وجود دارد و در نتیجه، هنگام نومیدی و یأس، خدا را برای کمک جستجو می‌کنند. مسلماً زمانی که ما به خدا اعتماد می‌کنیم و او را که شایسته پرستش ماست می‌ستاییم، خدا خشنود می‌شود. چقدر عجیب و حیرت‌آور است که حتی زمانی که ما راه خودمان را می‌رویم و در شناخت خدا به‌عنوان خداوند و مالک زندگی‌مان قاصر هستیم، باز هم او ما را دوست دارد و به هر طریق ممکن ما را به سوی خود می‌کشد. اگر خدا بتواند از طریق درد و رنج باعث نجات من از گناه و مرگ جاودانی شود، آیا این فایده خارق‌العاده درد و رنج نیست؟ به همین دلیل پولس رسول می‌گوید: «زیرا یقین می‌دانم که دردهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد هیچ است» (رومیان ۸: ۱۸).

خدا می‌داند که مهم‌ترین تصمیمی که می‌توانیم در زندگی بگیریم، دوست داشتن و خدمت به اوست. اگر از گرفتن چنین تصمیمی غافل بمانیم، پایان زندگی ما یک مرگ یأس‌آور برای ابدیت خواهد بود. اگر خدا می‌تواند از طریق رنج توجه و اطاعت ما را بسوی خود جلب کند، چقدر باید از او بخاطر چنین محبتی شکرگزار باشیم!

۲- کاملترین عبارت را انتخاب کنید. ما می‌توانیم این مفهوم را چنین توصیف کنیم: این عمل خدا مشابه پدر بامحبتی است که

- (a) برای نشان دادن محبت خود هرگز فرزندش را تنبیه نمی‌کند.
- (b) برای کسب اطاعت فرزندش بهترین هر چیز را به او می‌دهد.
- (c) به منظور تربیت فرزندش، در مواقع ضروری او را تأدیب می‌کند.

یکی دیگر از فواید روحانی که در درس اول درباره آن صحبت کردیم، این است که اشخاصی که رنج کشیده‌اند بهتر می‌توانند دیگران را تسلی دهند (دوم قرن‌یان ۱: ۳-۶ را نگاه کنید). ما با کسانی که تجربیات مشابه داشته‌اند، بیشتر احساس یگانگی می‌کنیم. به عنوان عضوی از بدن مسیح، از ما خواسته شده که بارهای سنگین یکدیگر را متحمل شویم (غلاطیان ۲: ۶)؛ با ماتمیان ماتم کنیم (رومیان ۱۲: ۱۳)؛ و برای کسانی که در زحمت و مشکل هستند دعا کنیم (یعقوب ۵: ۱۶). پولس رسول همین موضوع را در اول قرن‌یان باب ۱۲ بیان می‌کند: «زیرا چنانکه بدن یک است و اعضای متعدد دارد و تمامی اعضای بدن اگرچه بسیار است یک تن می‌باشد، همچنین مسیح نیز می‌باشد. و اگر یک عضو دردمند گردد، سایر اعضا با آن همدرد باشند و اگر عضوی عزت یابد، باقی اعضا با او به خوشی آیند. اما شما بدن مسیح هستید و فرداً اعضای آن می‌باشید» (اول قرن‌یان ۱۲: ۱۲، ۲۶ و ۲۷).

همچنین در درس اول دیدیم که رنج باعث پاکی و اثبات ایمان ما می‌شود (اول پطرس ۱: ۶-۷) و همین‌طور شخصیت مسیح را در ما شکل می‌دهد (دوم قرن‌یان ۴: ۷-۱۰). زمانی که از جنبه خیریت ابدی به موضوع نگاه می‌کنیم، می‌بینیم فواید روحانی رنجی که متحمل می‌شویم، بسیار افزون‌تر از درد و بدبختی آن است.



جلال آینده بزرگتر است از دردهای زمان حاضر

۳- مثالی از فایده درد بنویسید که هم ارزش جسمانی و فیزیکی دارد و هم ارزش روحانی.

۴- دو مثال دیگر از فواید روحانی درد را بیان کنید.

مشکلات مربوط به رنج و مرگ

همانطور که در سایر درس‌ها دیدیم، رنج می‌تواند شکل‌های متفاوت داشته باشد. رنج می‌تواند ماهیت فیزیکی و جسمی، و یا احساسی داشته باشد. ما به دلیل بیماری، بی‌عدالتی، بلایای طبیعی که بر ما اثر می‌گذارند، گناهان خودمان و دلایل بیشمار دیگر رنج می‌بریم. در این کتاب، درباره مسائل ویژه‌ای که باعث رنج ما می‌شوند، بحث کردیم و اکنون می‌خواهیم مرکز توجه خود را بر مشکلات حاصل از درد، بیماری و مرگ قرار دهیم.

درد

ترس از درد و اجتناب از آن طبیعی است. قدم زدن در راهروهای یک بیمارستان و دیدن رنج و بدبختی افراد مبتلا و مصیبت‌زده تجربه غم‌انگیزی است. شبانی درباره ملاقاتش از یک بیمارستان روانی صحبت می‌کرد. او شکنجه و عذاب اشخاصی را

دیده بود که هیچ رابطه‌ای با دنیای واقعی نداشتند. تعدادی از آنها به تختشان بسته شده بودند تا نتوانند به خودشان و یا به دیگران صدمه‌ای برسانند. قلب این شبان برای درد و رنج آنها آزاده بود. چندی بعد او به یکی از بیمارستان‌های ارتش رفت و در آنجا نیز مردان جوانی را دید که قربانی جنگ بودند. بعضی از آنها کور یا فلج بودند و یا بعضی دیگر دست و پا نداشتند. قلب او یک بار دیگر برای دردی که آنها می‌کشیدند، به درد آمد.

امکان دارد درد مانع فعالیت طبیعی ما شود. درد می‌تواند بر روی رفتار، نحوه برخورد ما با دیگران و تصویری که از خود داریم، تأثیر بگذارد. همچنین تحمل درد می‌تواند باعث نومیدی و دلسردی شود.

کتاب ایوب نمونه‌ای است از مردی که دچار رنج عظیمی شد. ایوب، مرد خدایی بود که همه دارایی‌اش را از دست داد؛ همه فرزندان‌ش در یک سری از بلایای وحشتناک مردند؛ و سپس از نظر جسمی رنج کشید و بدنش پوشیده از زخم‌ها شد. رنجی که ایوب می‌کشید، او را به اعماق نومیدی فرو برد. لحظاتی بود که ایوب احساس می‌کرد خدا از او دور شده است. اما در تمامی این شرایط ایمان خود را نسبت به خدا حفظ کرد و با وجود همه مشکلاتش او را پرستش می‌کرد (ایوب ۱: ۲۱ و ۲۲).

همه مانند ایوب، در برابر درد عکس‌العمل نشان نمی‌دهند بلکه امکان دارد بعضی‌ها دچار خشم، رنجش، شکها و ترس شوند. شاید شما مسیحیانی را بشناسید که در برابر درد به طریق‌های مختلف عکس‌العمل نشان داده‌اند، تعدادی عکس‌العمل مثبت و تعدادی عکس‌العمل منفی.

۵- پنج عکس‌العمل منفی را که می‌توان در قبال درد داشت، نام ببرید.

۶- چه چیزی ایوب را قادر ساخت که حتی در شرایطی که متحمل درد زیاد بود، برخوردی درست داشته باشد؟

بیماری

بیماری، یکی دیگر از مسائلی است که با شدت‌های مختلف روی همه ما تأثیر می‌گذارد. پیشرفت‌های شگفت‌آوری که در علم پزشکی بوجود آمده، امید به زندگی طولانی‌تر را بیشتر کرده است. انسان با بسیاری از بیماری‌ها مبارزه کرده و به موفقیت‌های شایانی دست یافته است. با این وجود، هنوز هم بیماری، جوانان و پیران، ثروتمندان و فقیران، اشخاص خوب و بد را مورد حمله قرار می‌دهد. در زیر تعدادی از مشکلاتی که امکان دارد برای یک شخص بیمار پیش بیاید، بیان شده است:

- ۱- مشکلات اقتصادی (مخارج پزشکی، عدم توانایی برای کار و کسب درآمد).
- ۲- نگرانی از ایجاد مزاحمت برای دیگران.
- ۳- ترس از مرگ و آینده نامعلوم.
- ۴- عدم توانایی برای انجام فعالیت‌های طبیعی و روزمره.
- ۵- عصبانیت و احساس عجز به دلیل مبتلا بودن.
- ۶- رنجش از کسانی که سالم هستند.
- ۷- معوق ماندن برنامه‌ها.

همچنین کسانی که مسئولیت مراقبت از یک شخص بیمار را برعهده دارند، احتمالاً در بعضی از مشکلات او سهیم می‌شوند. بعلاوه، امکان دارد آنها به صورت دیگری نیز رنج ببرند، چرا که در تسکین ناراحتی شخص بیمار احساس عجز می‌کنند.

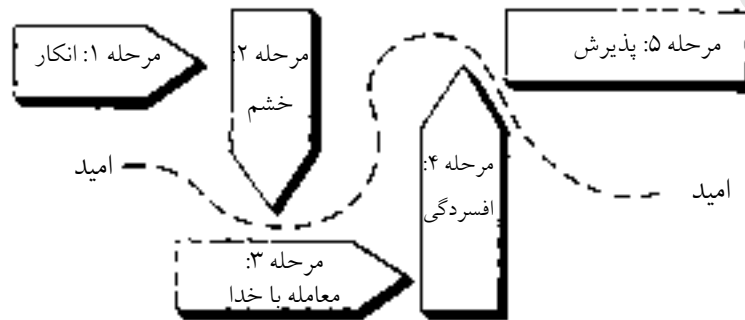
۷- جلوی هر کدام از مشکلاتی که در بالا ذکر شد و شما آن را تجربه کرده‌اید، علامت بگذارید.

(a) هر مشکل دیگری را که مربوط به بیماری است و شما آن را تجربه کرده‌اید، نام ببرید.

(b) اگر شما برای هر کدام از این مشکلات راه حلی پیدا کرده‌اید، آن را بنویسید و در صورت لزوم از دفترچه خود استفاده کنید.

مرگ

پزشکی به نام الیزابت کویلر-راس تحقیقات گسترده‌ای درباره نحوه برخورد افرادی که مبتلا به بیماری‌های لاعلاج و کشنده هستند، انجام داده است. نتیجه این تحقیقات نشان می‌دهد که بعضی از روش‌های برخورد در بین بیمارانی که می‌دانند فوت خواهند کرد عمومیت دارد. این روش‌ها دستخوش تغییر گشته، از چندین مرحله می‌گذرند. این مراحل عبارتند از:



مرحله ۱: انکار - اولین عکس‌العمل در برابر حقیقت مرگ، عبارت است از: «نمی‌تواند حقیقت داشته باشد، امکان ندارد برای من چنین اتفاقی رخ دهد.» انکار، یک روش برخورد در برابر شوک حاصل از درک این موضوع است که مرگ به سراغ ما می‌آید. اغلب اشخاصی که بیمار هستند، از رفتن پیش دکتر امتناع می‌ورزند چرا که از آن چیزی که امکان دارد دکتر به آنها بگوید، می‌ترسند و این یک نوع انکار است. این موضوع شاید بطور خاص مشکلی باشد که یک مسیحی با آن روبرو است؛ چرا که ایده مرگ با این حقیقت که مسیح از طریق رنج و مرگ خود سلامتی ما را مهیا نموده، در تضاد است. من شخصاً در کنار اشخاصی بوده‌ام که اگر چه می‌دانستند خواهند مرد ولی تا آخرین لحظه حیات خود، امید شفا را داشتند. همچنین اشخاصی را می‌شناسم که مبتلا به بیماری لاعلاجی بودند اما به صورت معجزه‌آسای شفا

یافتند. باید همیشه کسانی را که مبتلا به بیماری لاعلاج هستند، تشویق کنیم که برای شفای خود دعا کنند و به خدا اعتماد نمایند و ما نیز باید با آنها در دعا و اعتماد به خدا متحد گردیم.

اغلب انزواطلبی، با انکار همراه است و شخص بیمار شاید احتیاج داشته باشد زمانی را با خودش تنها بماند. ما باید در برخورد با موضوع احتمال مرگ شخص بیمار، نسبت به نیازهای مخصوص او حساس باشیم.

مرحله ۲: خشم - دومین عکس‌العمل عبارت است از: «چرا من؟» زمانی که شخص می‌فهمد در صورتی که معجزه‌ای اتفاق نیفتد واقعاً خواهد مرد، به‌نظر طبیعی به نظر می‌رسد که این موضوع باعث خشم و طغیان او گردد. تمایل برای زنده ماندن انگیزه‌ای است قوی در ما و بخشی از طبیعت همه انسان‌ها بشمار می‌آید. دلایل زیادی برای خشم وجود دارد: بیماری، باعث قطع شدن فعالیت‌ها، نقشه‌ها و رؤیاهای آینده می‌شود؛ دیگران عمر طبیعی می‌کنند، در صورتی که زندگی او کوتاه شده است؛ کارهای زیادی هنوز برای انجام دادن وجود دارد؛ بعلاوه او نمی‌خواهد از کسانی که دوستشان دارد جدا شود.

۸- آیا فکر می‌کنید اشتباه است اگر یک مسیحی بعد از آگاهی از این موضوع که بزودی خواهد مرد، خشمگین شود؟ توضیح دهید.

مرحله ۳: معامله با خدا - بسیاری از افرادی که مبتلا به بیماری لاعلاج هستند، وارد این مرحله می‌شوند و سعی دارند با خدا معامله کنند. چنین موقعیتی فرصت خوبی است برای یک مسیحی دلسوز تا به شخص مریض کمک کند که از احساس تقصیر رهایی یابد و اراده خدا را برای زندگی بپذیرد؛ چه شفا جزو آن باشد و چه نباشد. گاهی اوقات مردم چنین احساس می‌کنند که خدا آنها را تنبیه می‌کند. مسلماً همانطور که در درس‌های گذشته دیدیم، خدا اجازه می‌دهد مشکلات را تجربه کنیم

تا به ما نظم و انضباط بخشد و به خودش نزدیک کند. اما رحمت او وابسته به معامله ما با او نیست.

مرحله ۴: افسردگی - زمانی که بیماری شخص پیشرفت می‌کند و علائم آن

شدیدتر می‌شود، دیگر شخص نمی‌تواند به انکار خود ادامه بدهد و در نتیجه فقدان بزرگی را احساس می‌کند. بیماری، تغییرات بزرگی در زندگی بوجود می‌آورد: از دست دادن کار، فشار مالی، درد و سایر مسائل. در نهایت، از آنجا که شخص قدرت غلبه بر این مشکلات را ندارد، دچار افسردگی می‌شود. این افسردگی مربوط می‌شود به چیزهایی که شخص قبلاً از آنها عبور کرده است. بر اساس نظر کوبلر-راس مرحله دیگری از افسردگی وجود دارد که شخص بیمار به این دلیل که باید از افراد و چیزهایی که دوست دارد جدا شود، وارد مرحله حزن و ماتم می‌شود. این مرحله زمانی نیست که بخواهیم شخص را شاد کنیم، بلکه زمان تسلی و در صورت لزوم گریه کردن با او است. این مرحله، شخص را برای اتفاقی که خواهد افتاد آماده می‌کند و او را در پذیرش واقعیت مرگ یاری می‌دهد.

مرحله ۵: پذیرش - بالاخره، شخصی که دچار بیماری لاعلاج است وارد مرحله

پذیرش می‌شود یعنی مرحله‌ای که دیگر به واقعیت مرگ تن در می‌دهد و نسبت به اتفاقاتی که در اطرافش می‌گذرد، بی‌توجه می‌شود. امکان دارد او خود را از مردم جدا و کنار بکشد. او دیگر خشمگین نیست و گرچه بنظر خوشحال نیز نمی‌رسد ولی در آرامش واقعیت مرگ را پذیرفته است. در این زمان، اشخاصی که به او نزدیک هستند، بیشتر به تسلی احتیاج دارند تا شخص بیمار.

بر اساس تحقیقات انجام شده، بعضی از افراد بیش از یک بار وارد بعضی از این مراحل می‌شوند و یا امکان دارد از مرحله‌ای به مرحله دیگر در انتقال باشند.

امید داشتن، یکی دیگر از پاسخ‌های متداولی است که بین تمامی انسان‌ها مشترک است. یک ضرب‌المثل قدیمی می‌گوید: «امید، جاودانگی را در وجود انسان‌ها می‌دمد.» شخصی که به بیماری لاعلاجی مبتلا است، امید دارد که شاید تشخیص

دکترها اشتباه باشد، و یا علائم بیماری از بین برود، و یا اینکه بزودی درمانی برای بیماری او کشف بشود. این عکس‌العملی است که هم در بین غیر مسیحیان و هم مسیحیان وجود دارد. امید، ریسمانی است که در تمام این مراحل تنیده شده، باعث تعدیل احساسات می‌شود. البته مسیحیان امید مبارکی نیز دارند که بر اساس ایمان به خدا پایه‌ریزی شده است و ما در درس آینده درباره این امید صحبت خواهیم کرد. این امید بزرگترین پاسخ برای تمامی مشکلات زندگی ما است.

"دشمن آخر که نابود می‌شود موت است."

مرگ در ظفر بلعیده شده است

بواسطه خداوند ما عیسی مسیح

اول قرن‌تین ۱۵: ۲۶، ۵۴ و ۵۷

- سایر مشکلات** - مشکلات عملی بسیاری در رابطه با شخصی که به بیماری لاعلاج مبتلاست، پیش می‌آید که بعضی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:
- ۱- لزوم پنهان کردن این واقعیت که شخص به بیماری لاعلاج مبتلا شده است. شخصی به من گفت: «من به هیچ کس نمی‌گفتم که بزودی خواهم مرد. چرا که وقتی مردم از این واقعیت باخبر می‌شوند، رفتارشان تغییر می‌کند. من می‌خواهم تا آنجا که امکان دارد زندگی طبیعی داشته باشم.»
 - ۲- نگرانی درباره اینکه چه کسی کارهای ناتمام را ادامه خواهد داد. بر سر خانواده‌ام چه خواهد آمد؟ و نگرانیهایی مانند «لازم است یک نفر بداند که کلیدها کجاست، پول‌ها را کجا گذاشته‌ام، چقدر بیمه پرداخت خواهد کرد، اوراق مهم کجا است.....» شخصی چنین پیشنهاد کرد که «لحظه‌ای فرض کنید که دیگر اینجا نیستید، خانواده شما از چه چیزهایی باید اطلاع داشته باشند؟»
 - ۳- مشکلات مربوط به پرداخت مخارج پزشکی و یا از قطع درآمد.

۴- عدم تمایل اعضای خانواده برای صحبت درباره امکان فوت شخص و تأثیری که بر خانواده خواهد گذاشت. شخصی که مبتلا به یک بیماری لاعلاج است، حق دارد که از شرایط خطرناک و جدی خود باخبر باشد و بتواند درباره آن با خانواده‌اش صحبت کند.

شاید شما نیز بتوانید مشکلات مشابه دیگری که در چنین شرایطی باید به آنها رسیدگی شود، برشمارید. علاوه بر این، مشکلات عاطفی و روحانی نیز برای شخص بیمار و خانواده‌اش می‌تواند در ارتباط با فقدان، غم و دعا‌های جواب داده نشده، پیش بیاید.

۹- لیستی را از چیزهایی آماده کنید که دوست دارید در هنگام مرگ، خانواده‌تان از آنها باخبر باشند.

بهترین زمان برای صحبت درباره مسائل مهم خانوادگی وقتی است که شما هنوز سالم هستید و می‌توانید با آنها به روش معقول و غیراحساسی برخورد کنید. اگر ثروتی دارید، می‌توانید با تنظیم یک وصیت‌نامه همسر و فرزندان‌تان را از نظر مالی تأمین کنید. زن و شوهر باید با همدیگر برنامه مناسبی برای تأمین نیازهای فرزندان‌شان، برای زمانی که احیاناً یک یا هر دو آنها فوت کرده‌اند، آماده کنند. این موضوع مهمی است که نباید مورد غفلت قرار گیرد.

۱۰- چطور می‌توانید به بهترین وجه برای حل مشکلات ویژه‌ای که در رابطه با مرگ وجود دارد، آماده شوید؟

۱۱- در ستون سمت چپ مراحل را که شخص مبتلا به یک بیماری لاعلاج امکان دارد از آن عبور کند، نوشته شده و در ستون سمت راست علائم هر مرحله ذکر گردیده است. نام هر مرحله را در جلوی علائم مربوط به آن بنویسید.

(a) مخالفت علنی با حقیقت بیماری

۱- انکار

(b) اعتقاد به اینکه اتفاقی می‌افتد و شرایط عوض می‌شود

۲- خشم

- c) تسلیم، کناره‌گیری و یک احساس آرامش
 ۳- معامله با خدا
 d) عدم پذیرش واقعیت بیماری
 ۴- افسردگی
 e) وعده تغییر روش زندگی اگر خدا مداخله کند
 ۵- پذیرش
 f) غم و احساس عمیق از دست دادن
 ۶- امید

هنگام رنج‌های جسمی است که مسیحیان حقیقت انجیل عیسی مسیح را در زندگی‌شان لمس می‌کنند. بیلی گراهام می‌گوید: «من تجلیات بسیار زیبایی روح را در زندگی اشخاصی دیده‌ام که در رنج‌های بزرگ بوده‌اند.» سرودهای زیبا و پیغام‌های شیوای بسیار به وسیله مقدسینی که در زیر دردهای شدید بوده‌اند، نوشته شده است. ایماندارانی که در بطن تجربیات سخت زندگی، شادی و آرامش مسیح را منعکس می‌کنند، حقیقتاً منبعی الهامی هستند.

۱۲- به چه طریقی انجیل می‌تواند شرایط را برای کسی که مبتلا به یک بیماری لاعلاج است، تغییر دهد؟

کمک به اشخاصی که در رنج و یا در حال مرگ هستند

در این کتاب، روش‌های زیادی برای خدمت به اشخاصی که در رنج هستند بیان کرده‌ایم. در این درس، به طور خاص روش‌های کمک به اشخاصی را که از یک درد جسمی یا روحی رنج می‌برند و یا به یک بیماری لاعلاج مبتلا هستند، بررسی خواهیم کرد.

حضور داشتن

شاید مهم‌ترین کاری که می‌توانید انجام دهید این است که آنجا حضور داشته باشید. نزدیکی شما، صدای ملایمتان و لمس دست بیشتر از بسیاری از سخنان، بیان‌کننده محبت و دلسوزی شما است. خود را در دسترس شخصی که در رنج است و

خانواده‌اش قرار دهید. ملاقات‌های کوتاه و مکرر از یک شخص بیمار باعث تشویق او می‌شود. اگر برای مدت طولانی پیش شخص بیمار بمانید ملاقاتتان برای او خسته کننده خواهد شد. شما می‌توانید محبتتان را به طریق‌های گوناگون نشان دهید. مثلاً می‌توانید پیغام‌های خانواده را به افراد برسانید، یا از کودکان نگهداری کنید، برای شخص بیمار کتاب بخوانید و یا شاید در قسمت نیازهای جسمی به او کمک کنید.

صادق باشید

هنگام صحبت با شخص بیمار و یا فرد در حال مرگ روراست و صادق باشید. در بیان احساساتتان راحت باشید و به آنها بگویید که مسیح منبعی بوده که در زمان ترس و نومیدی شما را تقویت کرده است. اجازه دهید روح‌القدس از طریق شما آنها را تسلی دهد. بخش‌هایی از کلام را برای تشویق و تقویتشان بخوانید و با آنها و برای آنها دعا کنید. مراحل را که پیشتر ذکر شد، در نظر داشته باشید و شخص بیمار را برای نشان دادن چنین عکس‌العمل‌هایی سرزنش نکنید.

حساس و دقیق باشید

اگر چه مسیحیان از ترس مرگ آزاد هستند، ولی هنوز مرگ یک دشمن به حساب می‌آید و نامأنوس بودن با آن می‌تواند ناآرامی ایجاد کند. شما باید بطور خاص نسبت به احساس تنهایی یک شخص داغ‌دیده و یا کسی که در حال مرگ است، حساس باشید. آنها احتیاج به حضور برادران و خواهرانشان در مسیح دارند تا به آنها در جدا شدن از عزیزان کمک کنند.

اشخاصی که در حال مرگ هستند، اغلب ذکر می‌کنند که دیگران با آنها مانند یک انسان رفتار نمی‌کنند بلکه انگار که آنها قبلاً مرده‌اند. دقیقاً در همان زمانی که آنها به بیشترین تسلی و تشویق احتیاج دارند، مردم آنها را به حال خود رها می‌کنند و می‌گذارند در تنهایی با مرگ روبرو شوند. و یا فامیل و دوستان در حضور خود بیمار درباره وضعیت، علائم و رفتار بیمار به گونه‌ای صحبت می‌کنند که انگار آن شخص

بیمار آنجا نیست. یک مسیحی حساس و دقیق اجازه نمی‌دهد چنین شرایطی پیش بیاید. گرچه شاید شخص بیمار قادر به پاسخگویی نباشد ولی می‌تواند بشنود. مهم است که در چنین شرایطی سخنان شما باعث تسلی و امید شخص شود.

- ۱۳- بیان کنید کدامیک از جملات زیر روش‌هایی را عنوان می‌کند که یک مسیحی می‌تواند به شخصی که در رنج و یا در حال مرگ است کمک کند. یک مسیحی باید:
- (a) برای اینکه محبت و دلسوزی خود را نشان دهد ساعت‌ها در کنار شخص بیمار بماند و با او صحبت کند.
 - (b) در بیان احساسات و دلسوزی خود نسبت به شخص بیمار صادق باشد.
 - (c) برای انجام خدمات مختلف در دسترس باشد.
 - (d) از بحث درباره وضعیت بیمار با دیگران در حضور خود بیمار اجتناب کند.
 - (e) مشکلاتش را با شخص بیمار در میان بگذارد تا بیمار به خودش فکر نکند.
 - (f) با هدایت روح القدس، کلمات تسلی‌بخش و امیدوار کننده بگوید.
 - (g) با شخصی که در حال مرگ است، همچون یک شخص سالم برخورد کند.

مشکلات مربوط به مرگ

شرایط روحانی

مهم‌ترین سؤالی که شخص در حال مرگ با آن روبرو می‌شود، این است که: «آیا من آماده ملاقات با خدا هستم؟» اگر شخص مشکل گناه را در زندگی‌اش حل کرده و خلقت جدیدی در مسیح به دست آورده، دیگر مرگ برای او مشکلی نخواهد بود. چرا که مسیح مشکل را با مرگ بر صلیب و قیامش از مردگان، حل کرده است. این موضوع در اول قرن‌تین ۵۷-۵۵:۱۵ بیان شده است. «ای موت نیش تو کجاست و ای گور ظفر تو کجا؟» نیش موت گناه است و قوت گناه، شریعت. لیکن شکر خدا راست که ما را به واسطه خداوند ما عیسی مسیح ظفر می‌دهد.»

مسیحیان می‌توانند با پولس رسول همصدا شده، اعلام کنند: «زیرا که مرا زیستن مسیح است و مردن نفع. زیرا در میان این دو سخت گرفتار هستم، چون که خواهش دارم که رحلت کنم و با مسیح باشم، زیرا این بسیار بهتر است» (فیلیپان ۱:۲۱ و ۲۳). و مزبور ۱۵:۱۱۶ چنین می‌گوید: «موت مقدسان خداوند در نظر وی گرانهاست.»

سوگواری

مشکل بزرگ‌تری که وجود دارد، نه برای شخص مسیحی است که نزد خداوند رفته بلکه برای بازماندگان متوفی است. خانواده داغ‌دیده و سوگوار برای مدتی دچار غم و غصه می‌شود. آنها همچنین امکان دارد از آنجا که نتوانستند از مرگ عزیزشان جلوگیری کنند و یا تأسف‌هایی که دارند، خود را مقصر بدانند. آنها از فقدان عزیزشان رنج خواهند کشید و لازم خواهد بود که واقعیت مرگی را که رخ داده، بپذیرند. آنها احتیاج به شخصی خواهند داشت که با آنها سوگواری و گریه کند. بسیاری از ما هنگام تسلی دادن شخص سوگوار، احساس بی‌کفایتی می‌کنیم. اغلب چیزهایی گفته می‌شود که بیشتر ضرر می‌رساند تا نفع. یک بار دیگر، حضور شما، لمس دست و اشتیاق شما برای کمک، بیش از هر سخن دیگری مؤثر خواهد بود. پس از مدتی، زمانی که شوک حاصل از این واقعه از بین می‌رود و زندگی روال عادی خود را باز می‌یابد، شخص داغ‌دیده، باز هم به دوستی و علاقه شما احتیاج دارد تا بتواند خود را با زندگی بدون عزیزش وفق دهد.

آنانی که از دست دادن عضوی از خانواده را تجربه کرده‌اند، می‌دانند که در چنین زمان‌هایی خدا استقامت و آرامش فوق طبیعی را فراهم می‌سازد، اگر برای درخواست کمک به او نگاه کنند. خدا در همه شرایط و هر غم و غصه‌ای که داریم، از ما حمایت می‌کند و به ما این امید مبارک را می‌بخشد که روزی با عزیز از دست رفته‌مان برای همیشه در آسمان زیست خواهیم کرد.

۱۴- بر اساس اول قرن‌تین ۵۵:۱۵-۵۷ بیان کنید زمانی که یک مسیحی فوت می‌کند، چه چیزی باعث تقویت و آرامش آن خانواده داغ‌دیده می‌شود؟

نگرش مسیحی

زجر و مرگ مسیح

«اما خداوند را پسند آمد که او را مضروب نموده، به دردها مبتلا سازد. چون جان او را قربانی گناه ساخت، آنگاه ذریت خود را خواهد دید و عمر او دراز خواهد شد و مسرت خداوند در دست او میسر خواهد بود. ثمره مشقت جان خویش را خواهد دید و سیر خواهد شد. و بنده عادل من به معرفت خود بسیاری را عادل خواهد گردانید زیرا که او گناهان ایشان را برخویشتن حمل خواهد نمود» (اشعیا ۵۳:۱۰ و ۱۱).

مسیح مرتکب هیچ گناهی نشد و به‌عنوان یک شخص بی‌گناه برای تقصیرات ما رنج کشید. او قبل از آنکه به زمین بیاید می‌دانست که این آمدن، همراه با غم و رنج خواهد بود. مسیح پس از مرگ و قیام خود از مردگان چنین فرمود: «... بر همین منوال مکتوب است و بدین‌طور سزاوار بود که مسیح زحمت کشد و روز سوم از مردگان برخیزد» (لوقا ۲۴:۴۶).

۱۵- اعمال ۱۸:۳ و ۲۶:۲۲ و ۲۳ را مطالعه کنید و بگویید که مسیح چه کاری انجام داد؟

یهودیان انتظار داشتند که ماشیح مانند یک پادشاه، با یک قدرت سیاسی بیاید و آنها را از حاکمیت رومی‌ها نجات دهد. آنها نبوت‌هایی را که در عهدعتیق درباره مسیح شده بود که به‌عنوان یک خادم رنج کشیده می‌آید، نادیده گرفته بودند. آنها

همچون بسیاری از مردم امروز، از در نظر گرفتن رنج‌های مسیح به دلیل ناخوشایند بودن آن، اجتناب می‌کردند.

با وجود اینکه رنجی را که مسیح در جتسیمانی متحمل شد موقتی بود، اما شدت و فشار بیش از حد آن باعث شد مسیح چنین دعا کند: «... یا ابا پدر، همه چیز نزد تو ممکن است. این پیاله را از من بگذران، لیکن نه به خواهش من بلکه به اراده تو» (مرقس ۱۴:۳۶). مسیح می‌دانست رنجی که می‌کشد هدفی دارد. اگر چه ترجیح می‌داد در صورت امکان آن رنج را متحمل نشود، اما انجام اراده پدر برای او بر همه چیز ارجحیت داشت. مسیح به ارزش اخروی رنج و مرگ خودش خیلی بیشتر توجه داشت تا فشار و ناراحتی آن لحظه. او نمونه کاملی برای ما است.

«بسوی پیشوا و کامل کننده ایمان یعنی عیسی نگران باشیم که به جهت آن خوشی که پیش او موضوع بود، بی‌حرمتی را ناچیز شمرده، متحمل صلیب گردید و بدست راست تخت خدا نشسته است. پس تفکر کنید در او که متحمل چنین مخالفتی بود که از گناهکاران به او پدید آمد، مبادا در جان‌های خود ضعف کرده، خسته شوید» (عبرانیان ۱۲:۳).

۱۶- اصلی را بیان کنید که با الگو قرار دادن مسیح، باعث هدایت و راهنمایی یک مسیحی در زمان رنج و مرگ می‌شود.

طرز برخورد مسیحیان با موضوع رنج و مرگ

اعتماد و اطمینان به خدا

در گزارشی که کتاب مقدس درباره رنج‌های ایوب می‌دهد، خدا هیچوقت دلیل سختی‌هایی را که ایوب کشید، به او نگفت. با این وجود، او به خدا اطمینان داشت و می‌دانست که قصد خدا برای او نیکو است و نمی‌خواهد او را از بین ببرد بلکه تا تقدیسش کند. ایوب درباره خدا می‌گوید: «زیرا او طریقی را که می‌روم می‌داند و

چون مرا می‌آزماید، مثل طلا بیرون می‌آیم» (ایوب ۲۳:۱۰). ایوب تصدیق می‌کند که محبت و اعتمادش به خدا از اطمینانی سرچشمه می‌گیرد که بر پایه خدا بودن او بود نه بر پایه ثروت، رضایت و حتی سلامتی جسمی.

خدا اغلب موارد ما را با قدرت و رحمت خویش از رنج‌ها می‌رهاند. اما کماکان، با وجود همه دعا‌هایی که نزد خدا می‌کنیم، بعضی از رنج‌ها باقی می‌ماند. گاهی خدا اجازه می‌دهد تا رنج بکشیم چون این طریقی است که او برای تأدیب ما (عبرانیان ۱۲:۷-۱۱)، آزمایش ما (ایوب ۲۳:۱۰)، آماده شدن ما برای خدمت (دوم قرنتیان ۴:۱-۵)، و شکل دادن صورت مسیح در ما استفاده می‌کند. پولس رسول می‌فرماید: «و تا او را و قوت قیامت وی را و شراکت در رنج‌های وی را بشناسم و با موت او مشابه گردم» (فیلیپان ۳:۱۰).

خوشی

در عهدجدید ارتباطی قوی بین رنج و خوشی دیده می‌شود.

«ای برادران من، وقتی که در تجربه‌های گوناگون مبتلا شوید، کمال خوشی دانید» (یعقوب ۲:۱).

«و ایشان از حضور اهل شورا شادخاطر رفتند از آنرو که شایسته آن شمرده شدند که به جهت اسم او رسوایی کشند» (اعمال ۵:۴۱).
«الان از زحمتهای خود در راه شما شادی می‌کنم و نقص‌های زحمات مسیح را در بدن خود به کمال می‌رسانم برای بدن او که کلیسا است» (کولسیان ۱:۲۴).

«و شما به ما و به خداوند اقتدا نمودید و کلام را در زحمت شدید با خوشی روح‌القدس پذیرفتید» (اول تسالونیکیان ۱:۶).
«بلکه به قدری که شریک زحمات مسیح هستید، خشنود شوید تا در هنگام ظهور جلال وی شادی و وجد نمایید» (اول پطرس ۴:۱۳).

«پس شما همچنین الان محزون می‌باشید، لیکن باز شما را خواهم دید و دل شما خوش خواهد گشت و هیچکس آن خوشی را از شما نخواهد گرفت» (یوحنا ۱۶:۲۲).

همچنین عبرانیان ۳۴:۱۰، یعقوب ۱۱:۵، مکاشفه ۲:۱۲، رومیان ۸:۱۸، یوحنا ۲۰:۱۶-۲۲، و لوقا ۲۱:۶-۲۳ را مطالعه کنید.

شاد زیستن، روش زندگی یک مسیحی است. یک مسیحی نه تنها می‌تواند شاد بودن را در حین مشکلات تجربه کند بلکه شادی در خداوند یک درمان برای ناراحتی و غم او است (نحمیا ۸:۱۰، مزمور ۵:۳۰ و کولسیان ۱:۱۰-۱۲ را مطالعه کنید).

یک مسیحی می‌داند که اگر چه بخاطر وجود گناه، اجتناب از مرگ امکان‌پذیر نیست، اما مرگ به وسیله مسیح مغلوب شده است (مکاشفه ۱۷:۱-۱۸، اول قرنتیان ۱۵:۸-۱۵ و یوحنا ۱۱:۲۶). ایمان به مسیح، ما را به مکانی ترسناک و تاریک نمی‌برد. مسیحیان به هیچوجه چنین تصویری از مرگ ندارند. اشخاصی که در کنار جسد عزیز از دست رفته‌شان ایستاده‌اند، احساس ناراحتی و جدایی می‌کنند اما برای کسی که به نزد خدا رفته، یک ورود پر جلال و شاد اتفاق افتاده است.

«بلکه به کوه صهیون نزدیک آمده‌اید، به اورشلیم آسمانی که شهر خدای زنده است. به جمع شادمانه هزاران هزار فرشته آمده‌اید، به کلیسای نخستزادگانی که نامهایشان در آسمان نوشته شده است. به خدا نزدیک شده‌اید، به خدایی که داور همه آدمیان است، و به روحهای پارسایانی که کامل شده‌اند، و به عیسی که واسطه عهدی جدید است، و به خون پاشیده شده‌ای که نیکوتر از خون هابیل سخن می‌گوید» (عبرانیان ۱۲:۲۲-۲۴ - ترجمه هزاره نو).

تسلیم شدن

زمانی که رنج‌ها و مشکلات سر می‌رسند، ما نیز مانند مسیح برای درخواست کمک، به خدا دعا می‌کنیم. اغلب موارد خدا بر اساس رحمت خود ما را رهایی می‌دهد. اما بعضی اوقات دعاهايمان به آن صورتی که انتظار داریم جواب داده نمی‌شود. چنین چیزی لزوماً نشان از بی‌ایمانی نیست. زمانی که در تجربیات شدید هستیم، شاید داشتن روحیه درست نسبت به خدا، نیاز به ایمان بیشتری داشته باشد، تا زمانی که معجزه‌ای اتفاق می‌افتد. جواب هر چه که باشد، زمانی که دعا می‌کنیم، احتیاج داریم با مسیح همصدا شده، بگوییم: «نه به اراده من، بلکه به اراده تو». به گفته شخصی: «هر عملی خارج از تسلیم محض به خدا با درد همراه است». امکان دارد پذیرش اراده خدا با طبیعت انسانی ما در مغایرت باشد و شاید حتی نیاز به آمادگی برای رنج و درد داشته باشد:

«و هر که صلیب خود را برنداشته، از عقب من نیاید، لایق من نباشد.
هر که جان خود را دریابد، آن را هلاک سازد و هر که جان خود را
بخاطر من هلاک کرد، آن را خواهد دریافت» (متی ۱۰: ۳۸-۳۹). «زیرا
اگر بر حسب جسم زیست کنید، هر آینه خواهید مرد. لیکن اگر افعال
بدن را به وسیله روح بکشید، همانا خواهید زیست» (رومان ۸: ۱۳).

رومان ۷: ۱۴ می‌گوید: «زیرا احدی از ما به خود زیست نمی‌کند و هیچ کس به خود نمی‌میرد». ما چه زندگی کنیم و چه بمیریم، برای خداوند می‌کنیم و به این طریق اطرافیانمان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهیم. اگر شما برای رنج کشیدن خوانده شده‌اید، شاید این تجربه و یا پاسخی که به آن می‌دهید باعث تغییر زندگی شخص دیگری شود. «که ما را در هر تنگی ما تسلی می‌دهد تا ما بتوانیم دیگران را در هر مصیبتی که باشد تسلی نماییم، به آن تسلی که خود از خدا یافته‌ایم. زیرا به اندازه‌ای که دردهای مسیح در ما زیاده شود، به همین قسم تسلی ما نیز به وسیله مسیح می‌افزاید» (دوم قرنتیان ۱: ۴-۵).

دید الهی

چگونه اصولی که از کلام خدا در این قسمت مطالعه کردید، باعث تغییر زندگی شما می شود؟

الف - زمان

مزمور ۹۰ دعای موسی، مرد خداست. در این مزمور، موسی چنین دعا می کند: «ما را تعلیم ده تا ایام خود را بشماریم تا دل خردمندی را حاصل نماییم» (مزمور ۹۰: ۱۲).

درک این واقعیت که زمانی مرگ به سراغ همه ما خواهد آمد باعث می شود با احتیاط از وقتی که خدا به ما بخشیده، استفاده کنیم. محبت خدا و خدمت به دیگران، کارهایی هستند که ارزش جاودانی دارند و باعث خشنودی خدا می شوند.

ب - ارزش ها

زمانی که درک کنیم چیزهای زمینی همه موقتی و فانی است، آنگاه می توانیم آنها را بصورت واقعی ببینیم. این چیزها، در اختیار ما هستند تا از آنها استفاده کنیم و نباید آنها را ماندنی بدانیم. ما باید بیشتر برای چیزهای آسمانی ارزش قائل شویم تا برای چیزهای زمینی. سعادت و خوشی واقعی برای اشخاصی که اول ملکوت خدا را می طلبند، حتی در میان رنج ها قابل دسترسی است.

ج - تسلی دادن

یک مسیحی که به فکر دیگران است، حتی با حضورش می تواند باعث تسلی فردی شود که با مشکل درد، تنهایی ناشی از بیماری، مرگ و یا غم عزیز از دست رفته، دست به گریبان است.

د - تسلیم

از آنجا که مسیح را که حیات جاودان را وعده داده می شناسیم، دیگر از ترس و نگرانی مرگ آزاد هستیم. مسیح مانند ما انسان شد: «پس چون فرزندان در خون و

جسم شراکت دارند، او نیز همچنان در این هر دو شریک شد تا به وساطت موت، صاحب قدرت موت یعنی ابلیس را تباه سازد، و آنانی را که از ترس موت، تمام عمر خود گرفتار بندگی می‌بودند، آزاد گرداند» (عبرانیان ۲: ۱۴ و ۱۵). شما می‌توانید خود را کاملاً به خالق امینی که از شما مراقبت می‌کند، تسلیم کنید و در انجام کارهای خوب کوشا باشید (اول پطرس ۵: ۲).

۱۷- هر یک از جملاتی را که بیان‌کننده یک اصل خوب و مناسب در رابطه با طرز برخورد یک مسیحی با موضوع رنج و مرگ است، با حرف (خ) مشخص کنید. و در صورتی که بیان‌کننده یک اصل ضعیف است، در جلوی آن حرف (ض) بنویسید.

- (a) اعتماد به خدا بر اساس رهایی از درد و رنج است.
- (b) اگر خدا اجازه می‌دهد رنجی در زندگی ما باشد، همیشه از آن هدفی دارد.
- (c) پیروی مسیح شامل داشتن تمایل برای سهم شدن در رنج‌های او می‌شود.
- (d) در رنج‌ها می‌توان شاد بود نه فقط به دلیل ثمرات زمان حاضر بلکه برای جلال آینده.
- (e) وابستگی هر چه بیشتر به ثروت مادی، مستلزم رنج بیشتری خواهد بود.
- (f) اگر نسبت به این حقیقت که روزی خواهیم مرد بصیرت واقعی داشته باشیم، ارزش بیشتری برای اوقات خود قائل خواهیم شد.
- (g) اگر نسبت به رنج‌هایی که در زندگی داریم مانند مسیح عکس‌العمل نشان دهیم، خواهیم توانست اشخاصی را که در رنج هستند، تحت تأثیر قرار دهیم و باعث تسلی‌شان شویم.
- (h) یک مسیحی برای اینکه ایمانش را ثابت کند و بتواند دیگران را تسلی دهد، باید رنج‌های بزرگی را متحمل شود.

خودآزمایی

سؤالات چند جوابی - مناسب ترین جواب را برای هر سؤال انتخاب کنید.
۱- در چه حالتی امکان دارد درد را به عنوان یک برکت در نظر گرفت؟ هنگامی

که.....

- (a) آزار می دهد
 - (b) یک تجربه جهانی است
 - (c) ما را نسبت به مشکلی که احتیاج به رسیدگی دارد، آگاه می سازد.
 - (d) خدا از این طریق طبیعت گناه آلودی را که به ارث بردیم، به ما یادآور می شود.
- ۲- گاهی اوقات خدا به این دلیل اجازه می دهد ما درد را تجربه کنیم.
- (a) زمانی که به روش های دیگر با ما صحبت کرده، و ما توجهی نکرده ایم.
 - (b) هنگامی که سزاوار رنج کشیدن هستیم.
 - (c) نمی تواند به دیگران کمک کند مگر اینکه ما رنج کشیده باشیم.
 - (d) او را به دلایل اشتباه می پرستیم.
- ۳- به چه دلیلی خدا برای تأدیب ما اجازه می دهد که رنج بکشیم؟
- (a) برای اینکه می خواهد ما را آزار دهد.
 - (b) برای اینکه از دست ما خشمگین است.
 - (c) می خواهد ما را متکی به خود بار بیاورد.
 - (d) ما را خیلی زیاد دوست دارد.
- ۴- فواید روحانی رنج، از هر دردی که باید تحمل کنیم با ارزش تر است چرا که رنج زمان حاضر ما را به سوی هدایت می کند.

- (a) مرگ
- (b) درک
- (c) جلال آینده
- (d) آسایش موقتی

۵- با وجود اینکه ایوب واکنش‌های منفی ناشی از درد را تجربه کرد، اما قوی‌ترین عکس‌العمل او عبارت بود از:

(a) سرزنش خدا

(b) حفظ ایمان خود نسبت به خدا و ادامه پرستش او

(c) رنجش از دوستان، چرا که آنها رنج نمی‌کشیدند.

(d) خود-سرزنشی برای اتفاقاتی که برایش رخ داده بود.

۶- کدامیک از موارد زیر واکنش یک مسیحی در قبال مرگ را بیان می‌کند که بر اساس ایمان شخص است نسبت به خدا؟

(a) امید

(b) انکار

(c) خشم

(d) پذیرش

۷- کدامیک از مراحل زیر نمایشگر شخصی است که به خدا قول می‌دهد اگر او را شفا دهد، ده یک خود را وفادارانه پرداخت کند.

(a) خشم

(b) امید

(c) افسردگی

(d) معامله با خدا

۸- در کدامیک از مراحل زیر شخص با غم ناشی از امکان مرگ، جدایی از خانواده و همه برنامه‌های آینده، سر و کار دارد؟

(a) خشم

(b) افسردگی

(c) انکار

(d) امید

۹- بهترین زمان برای صحبت درباره مسائلی که در صورت وقوع مرگ می‌خواهید خانواده از آن با خبر باشند و یا به آنها عمل کنند، عبارت است از:

- (a) زمانی که در شرف مرگ هستید.
- (b) به مجرد اینکه فهمیدید به بیماری لاعلاجی مبتلا شده‌اید.
- (c) زمانی که هنوز سالم هستید.
- (d) وقتی که سن شما نزدیک ۷۰ سال شد.

۱۰- کدامیک از موارد زیر روش مناسبی برای کمک به شخصی که در رنج و یا در شرف مرگ است، نیست؟

- (a) برای کمک در دسترس باشید.
- (b) در نشان دادن احساسات خود صادق باشید.
- (c) نسبت به احتیاجات خاصشان حساس باشید.
- (d) وانمود کنید که از دردشان بهبود خواهند یافت و نخواهند مرد.
- (e) برای رهایی و شفای آنها دعا کنید.

۱۱- چگونه واکنشی که مسیح در قبال رنج نشان داد، برای ما یک الگو است؟

- (a) مسیح انتظار داشت که خدا او را از رنج رهایی دهد.
- (b) مسیح دعا کرد تا اگر اراده خداست، او رهایی یابد.
- (c) مسیح بدون نشان دادن احساسات قابل مشاهده‌ای رنج را متحمل شد.
- (d) او از دردی که می‌بایست تحمل کند ترسیده بود.

۱۲- کدامیک از موارد زیر عکس‌العمل یک مسیحی در قبال رنج نیست؟

- (a) گوشه‌گیری یا انزواطلبی
- (b) اعتماد به خدا
- (c) خوشی
- (d) تسلیم شدن
- (e) دید الهی

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۹- پاسخ انتخابی شما.

۱- درد، صحبت از مشکلی می‌کند که باید حل شود. در این قسمت، مشکلی که وجود دارد مشکل روحانی است.

۱۰- باید هنوز که زنده هستیم با اعضای خانواده درباره این موضوع صحبت کنیم و تمام راه‌هایی را که باعث رفاه آنها می‌شود، در نظر بگیریم (از قبیل: بیمه، نوشتن وصیت‌نامه، تعیین قیم برای فرزندان).

۲- c

۱۱ (a) ۲

(b) ۶

(c) ۵

(d) ۱

(e) ۳

(f) ۴

۳- درد به ما کمک می‌کند تا بفهمیم مشکلی وجود دارد که باید به آن رسیدگی کنیم.

۱۲- پاسخ انتخابی شما. به دلیل ایمانی که به مسیح دارم، می‌دانم که مرگ پایان همه چیز نیست بلکه آغاز است. من می‌توانم با مرگ روبرو شوم چرا که اعتمادم بر خداست و می‌دانم که زندگی و مرگ من در دست‌های اوست.

۴- هر یک از موارد زیر:

کسانی که در زندگی درد و رنج کشیده‌اند، بهتر می‌توانند دیگران را که در درد هستند، تسلی دهند. رنج، باعث تقدیس و اثبات ایمانمان می‌شود. همچنین شخصیت مسیح را در ما پرورش می‌دهد.

۱۳- a) غلط

b) صحیح

c) صحیح

d) صحیح

e) غلط

f) صحیح

g) صحیح

۵- رفتار نادرست، طرز برخورد غلط، خودکم بینی، ضعف، خشم، رنجش، شک و ترس

۱۴- پاسخ شما باید شبیه به این پاسخ باشد: ما می دانیم که برای تمام کسانی که کفاره مسیح را می پذیرند، مسیح بر مرگ غالب شده است. ما می دانیم که عزیزان مسیحی ما پس از مرگ در حضور مسیح خواهند بود و زمانی ما نیز با آنها خواهیم بود. دانستن این حقایق باعث از بین رفتن ترس از مرگ می شود و به ما آرامش می دهد.

۶- او در تمام شرایط به خدا ایمان داشت و هرگز از پرستش خدا دست نکشید.
۱۵- رنج کشید.

۷- پاسخ انتخابی شما. اگر شما هنوز در این قسمت بدنبال راه حل می گردید از روش های ذکر شده برای حل مشکل استفاده کنید و از خدا بخواهید به شما کمک کند.

۱۶- پاسخ شما باید شبیه به این پاسخ باشد: اگر اراده خدا برای من رهایی از رنج و مرگ باشد، او قادر است مرا برهاند. من برای رهایی دعا می کنم، با این وجود، اراده خدا را که برای خیریت من است می پذیرم، چه این اراده رهایی باشد، و چه رنج کشیدن و مرگ من.

۸- پاسخ انتخابی شما. مطمئناً خشم یکی از اولین عکس العمل های طبیعی در قبال مرگ هست، چرا که مرگ دشمن ما است (اول قرنتیان ۱۵: ۲۶). اما مسیح بر

مرگ غلبه یافته است و در نتیجه، اگر ما زندگی مان را تسلیم مسیح کرده باشیم، می‌توانیم هر اتفاقی را بپذیریم. با وجود این، از ما خواسته شده که درخواست‌های شفا را به حضور او بیاوریم و به او اعتماد کنیم زمانی که به دنبال رهایی از مرگ هستیم.

۱۷- a) ض

b) خ

c) خ

d) خ

e) ض

f) خ

g) خ

h) ض

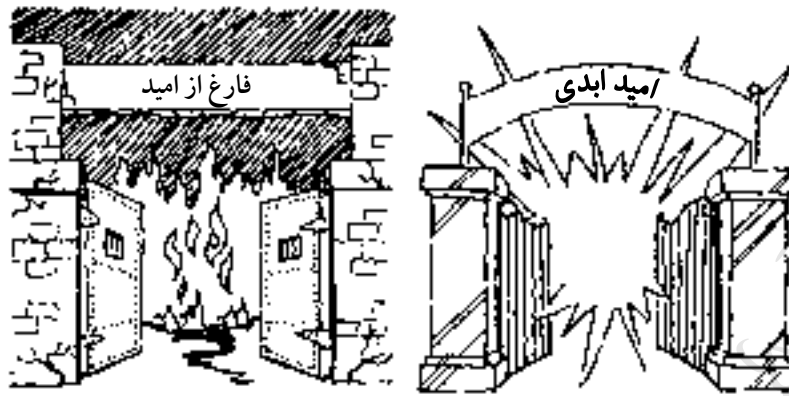
امیدوار بودن

دائمه، در شعر «دوزخ» خود درباره دروازه‌های جهنم سخن می‌گوید. بر سر در جهنم چنین نوشته شده است: «ای همه کسانی که وارد می‌شوید، امید را به فراموشی بسپارید.»

هیچ‌کدام از ما جوابی کامل و نهایی برای رنج نداریم. شاید خدا علت مشکلاتمان را آشکار نکند، اما می‌خواهد ما ایمان داشته باشیم که او از تمام این مشکلات هدف و منظوری دارد که در نهایت برای خیریت ما خواهد بود. این زندگی شبیه مسابقه دو است که ما در آن می‌دویم. عاقبت این مسابقه مرگ نیست؛ مرگ فقط دروازه‌ای است که ما را به زندگی جاودانی هدایت می‌کند! چه امید پر جلالی! ما که مسیح را می‌شناسیم، این امید مبارک را داریم.

«این امید، به منزله لنگری محکم و ایمن برای جان ماست، امیدی که به محراب پشت پرده راه می‌یابد، جایی که عیسی چون پیشرو ما، و به نمایندگی از ما، داخل شد؛ همان که جاودانه کاهن اعظم شده است، از مرتبه ملکیصدق» (عبرانیان ۱۹:۶ و ۲۰ - ترجمه هزاره نو).

ما نمی‌دانیم که در آینده چه اتفاقی در زندگی ما رخ خواهد داد. اما می‌دانیم که آینده زندگی ما در دست‌های چه کسی است و اطمینان داریم که در او امیدی هست. در این درس، نظر کتاب مقدس را در ارتباط با امید مسیحی بررسی خواهیم کرد. یک روز مشکلات به پایان خواهند رسید و وارد آسمان خواهیم شد. جایی که مسیح عیسی، امید جاودانی ما در آنجا است.



فهرست مطالب

به وسیله مسیح پیروزمند
به وسیله اعتراف مثبت
به وسیله ایمان

اهداف درس

- پس از مطالعه این درس شما قادر خواهید بود:
- معنی عبارت «مسیح پیروزمند» را توضیح دهید و بگویید که چطور این عبارت باعث امیدواری ما می شود.
 - از کلام خدا نمونه هایی از اعتراف مثبت را بیان نمایید و توضیح دهید چه ارتباطی با تجربه ما در مسیح دارند.
 - از تجربه شخصی خودتان رابطه بین رنج و پیروزی هایی که به ما نوید داشتن اتحاد جاودانی با خدا را در آسمان می دهد، بیان کنید.
 - امید مبارکی را که در درون خود دارید و در هر شرایطی باعث تقویت شما می گردد، بیان کنید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- درس را مانند دروس قبل مطالعه کنید. تمام آیات ذکر شده را بخوانید، زیرا که برای درک کامل درس بسیار مهم است. به تمام سؤالات مطرح شده در طول درس پاسخ دهید و جواب‌های خود را مقایسه کنید.
- ۲- به خودآزمایی درس پاسخ دهید و جواب‌های خود را مقایسه کنید.
- ۳- به آزمون میانی ۳ پاسخ دهید.

متن درس

به وسیلهٔ مسیح پیروزمند

ما این کتاب را با نقل قولی از سخنان مسیح آغاز کردیم:
«بدین چیزها به شما تکلم کردم تا در من سلامتی داشته باشید. در جهان برای شما زحمت خواهد شد. و لکن خاطر جمع دارید زیرا که من بر جهان غالب شده‌ام» (یوحنا ۱۶: ۳۳).
مسیح با مرگ و قیامش بر قدرت گناه و مرگ غالب شد. او همچنین بر وسوسه‌های دشمن یعنی شریر پیروز شد و ما نیز به وسیله قدرت او می‌توانیم پیروز شویم.

کلیدهای موت و عالم اموات در دست‌های مسیح است. زمانی که یوحنا رسول، نویسنده کتاب مکاشفه مسیح را روبرو دید، مانند مرده‌ای پیش پایهای افتاد و مسیح به او گفت: «... ترسان مباش! من هستم اول و آخر و زنده؛ و مرده شدم و اینک تا ابدالا باد زنده هستم و کلیدهای موت و عالم اموات نزد من است» (مکاشفه ۱: ۱۷ و ۱۸).

مسیح بعد از مصلوب و مدفون شدن، از میان مردگان برخاست. مسیح بعد از قیامش از مردگان، چندین بار به شاگردان و دوستانش و یک بار به بیش از ۵۰۰ نفر از پیروانش ظاهر شد (اول قرن‌تین ۱۵: ۱-۸).

بنابر کلام مسیح، هر که زنده باشد و به او ایمان آورد، هرگز نخواهد مرد. هنگام زنده کردن ایلعازر، مسیح از موقعیت بوجود آمده استفاده کرد و این تعلیم را داد. سخنانی که مسیح به مرتا در آن زمان گفت، کلماتی هستند که باعث تسلی و امیدواری هر ایمان‌داری می‌شوند: «عیسی بدو گفت: من قیامت و حیات هستم. هر که به من ایمان آورد، اگر مرده باشد، زنده گردد. و هر که زنده بود و به من ایمان آورد، تا به ابد نخواهد مرد. آیا این را باور می‌کنی؟» (یوحنا ۱۱: ۲۵ و ۲۶)

از تعلیم کلام خدا کاملاً آشکار است که اشخاصی که مسیح را دوست دارند، هرگز نمی‌میرند بلکه فقط مکانشان عوض می‌شود. آنها از اقامتگاه موقتی خود (بدن جسمانی) جدا می‌شوند و در چشم بهم‌زدنی، در حضور خدا هستند (دوم قرن‌تین ۵: ۸). از آنجا که مسیح بر مرگ و قبر غالب شده، ما امیدی جاودانی و استوار داریم که عبارت است از زندگی جاودانه با مسیح در آسمان.

شعر قدیمی زیبایی بنام «صخره استوار» که توسط ادوارد مُت سرانیده شده است، امیدی را که ما در مسیح داریم، بیان می‌کند:

امید من بر هیچ چیز دیگری استوار نیست

مگر بر خون و عدالت عیسی

اعتماد من بر هیچ منطق شیرین دیگری استوار نیست

مگر بر نام عیسی

زمانی که تاریکی، چهره با محبت او را می‌پوشاند

اعتماد نمی‌کنم مگر بر رحمت جاودانی عیسی

هر تند باد قوی که باشد

کشتیانم مرا حفظ خواهد کرد

سوگند او، عهد او، خون او
در طوفان‌های سهمناک مرا حفظ می‌کند
زمانی که همه چیز اطراف من در حال نابودی است
تمام امید و اتکا من اوست
زمانی که او با صدای شیپور باز می‌گردد
آن وقت من در حضور او یافت خواهم شد
جامه عدالت او را برتن خواهم نمود
و بدون گناه نزد تخت او خواهم ایستاد
بر صخره قوی که عیسی باشد، خواهم ایستاد
و تمام زمین‌های دیگر باتلاق شن است
و تمام زمین‌های دیگر باتلاق شن است.

آگاهی از کاری که مسیح برای ما انجام داده و اینکه بعد از مرگ برای همیشه با او خواهیم بود، به ما امیدی می‌بخشد که در تاریکترین ساعات زندگی باعث تقویت ما می‌شود.

- ۱- اعمال ۱۵:۲۴ را بخوانید و بیان کنید که امید ما بر چه اساسی استوار است؟
- ۲- پس از مطالعه اول پطرس ۳:۱ بیان کنید که کلام خدا درباره منشأ امید ما چه می‌گوید؟
- ۳- کولسیان ۵:۱ و تیطس ۱۳:۲ و عبرانیان ۱۹:۶ را مطالعه کنید و بر اساس این قسمت‌ها بگویید امید ما چه زمانی کاملاً آشکار می‌گردد؟
 - a) زمانی که در تجربیات هستیم.
 - b) زمانی که نجات یافتیم.
 - c) زمانی که با مسیح در آسمان متحد شویم.

به وسیله اعتراف مثبت

همانطور که در درس دوم دیدیم، یکی از قدمهای اولیه برای مسیحی شدن اعتراف شخص است به اینکه مسیح قیام کرده را به عنوان خداوند زندگی خود پذیرفته است. اعتراف مثبت، عامل مهمی در نگهداشتن امید مسیحی است. شخصی که فقط جنبه منفی زندگی را می بیند و مدام درباره مشکلات و تجربیات صحبت می کند، دچار ترس و نومیدی می شود. ولی شخصی که ایمان دارد خدا در هر شرایطی به کمک او می آید، و درباره برکات و کارهای خوبی که خدا در زندگی اش انجام داده سخن می گوید، حتی در سخت ترین شرایط باز امیدوار خواهد بود.

گاهی اوقات تنها چیزی که می بینیم، مشکلی است که با آن روبرو هستیم. دوستی دارم که بارها زمانی که در مشکلات بودم به من کمک کرده است. او یادآوری کرده که چطور خدا در گذشته در شرایطی مشابه، بطور معجزه آسا به من کمک کرده و اینکه چطور در طی این سالها مرا برکت داده است. زمانی که درباره نیکویی خدا و وعده هایی که در کلامش داده که همیشه با ما خواهد بود و ما را حفظ خواهد کرد، فکر می کنیم، ایمانمان قوی می شود و می توانیم بر هر تجربه ای غالب شویم.

یادآوری وعده های خدا

- ۱- وعده های خدا حتماً انجام می شود (اول پادشاهان ۵۶:۸).
- ۲- خدا قدرت دارد آنچه را که وعده می دهد، انجام دهد (رومیان ۴:۲۱).
- ۳- او به ما وعده رهایی داده است (مزمور ۱۹:۳۴ و ۲۰).
- ۴- او وعده داده که با ما باشد (اشعیا ۴۳:۲).
- ۵- او وعده داده که دعاهای ما جواب داده خواهد شد (مرقس ۱۱:۲۴).
- ۶- او وعده داده که ایمان ما لایق احترام خواهد بود (لوقا ۱۷:۶).
- ۷- خدا وعده داده که به اشخاص بخشنده برکت خواهد داد (امثال ۹:۳ و ۱۰، لوقا ۳۸:۶ و دوم قرنتیان ۹:۶).

۸- خدا وعده داده که همراه مطیعان خواهد بود (یوحنا ۱۴:۲۳).

۹- خدا وعده داده که به کمک اشخاصی بشتابد که او را می‌طلبند (دوم تواریخ ۱۴:۷ و لوقا ۱۱:۹).

۱۰- او وعده حیات جاودانی داده است (اول یوحنا ۲:۲۵ و یعقوب ۲:۵). اینها نمونه‌های اندکی از وعده‌های فراوانی است که در کلام خدا یافت می‌شود. همه این وعده‌ها را از کلام خدا بخوانید. زمانی که وعده‌های خدا را مرور می‌کنیم، تشویق می‌شویم که به خدا اعتماد کنیم و بگوییم: «چه خدای عظیمی را خدمت می‌کنیم.» عجیب نیست زمانی که میکا نبی این وعده خدا را به اسرائیل به یاد آورد: «مثل ایامی که از مصر بیرون آمدی کارهای عجیب به او نشان خواهم داد» (میکا ۱۵:۷)، چنین اعتراف مثبتی کرد:

«کیست خدایی مثل تو که عصیان را می‌آمزد و از تقصیر بقیه میراث خویش درمی‌گذرد. او خشم خود را تا به ابد نگاه نمی‌دارد زیرا رحمت را دوست می‌دارد. او باز رجوع کرده، بر ما رحمت خواهد نمود و عصیان ما را پایمال خواهد کرد و تو جمیع گناهان ایشان را به عمقهای دریا خواهی انداخت.» (میکا ۷:۱۸-۱۹)

۴- آیات نوشته شده را با مفهوم آن انطباق دهید.

- | | |
|--|----------------------|
| a) خدا به دعا‌های ما جواب خواهد داد | ۱- مزمو ۳۴:۱۹ و ۲۰ |
| b) خدا به اشخاص بخشنده برکت می‌دهد | ۲- اول پادشاهان ۸:۵۶ |
| c) اگر از خدا کمک بخواهیم او کمک می‌کند | ۳- لوقا ۱۷:۶ |
| d) خدا ما را از مشکلاتمان می‌رهاند | ۴- مرقس ۱۱:۲۴ |
| e) او به ایمان ما احترام می‌گذارد | ۵- یوحنا ۱۴:۲۳ |
| f) اگر از خدا اطاعت کنیم، او با ما خواهد بود | ۶- امثال ۳:۹ و ۱۰ |
| g) وعده‌های خدا حتماً انجام می‌شود | ۷- لوقا ۱۱:۹ |

یکی از وعده‌های زیبای خدا در مزمور ۹۱ بیان شده است. در این مزمور، خدا وعده داده که ما را از تمام نیروهای شریر که می‌خواهند به ما صدمه بزنند، حفظ کند.

۵- مزمور ۹۱ را بخوانید و بیان کنید که اساس محافظت الهی چیست؟ (آیات ۱، ۹ و ۱۴ را نگاه کنید). بهترین پاسخ را انتخاب کنید:

(a) ما باید زمانی که به خدا احتیاج داریم، نام او را بخوانیم.

(b) ما باید در او بمانیم و او را محبت کنیم.

(c) ما باید قوی باشیم و بر علیه دشمن بجنگیم.

۶- آیات زیر را مطالعه کنید و شرط دریافت وعده را در هر مورد ذکر نمایید.

(a) دوم تواریخ ۹:۱۶

(b) مزمور ۷:۳۴

(c) یوحنا ۷:۱۵

(d) مرقس ۲۴:۱۱

(e) اول یوحنا ۳:۲۱ و ۲۲

۷- مزمور ۹۱:۱۵، اشعیا ۵۸:۹ و ۶۵:۲۴ و زکریا ۹:۱۳ را مطالعه کنید و بیان نمایید

در آنها چه وعده‌ای بیان شده است؟

بررسی نمونه‌های کتاب مقدسی

در کلام خدا نمونه‌های بسیار از اعترافات مثبتی که هنگام رویارویی با مشکلات بزرگ شده، وجود دارد. منظور از اعتراف مثبت این نیست که واقعیتهای متفاوت از آن چیزی که واقعاً هست در نظر بگیریم. بلکه منظور این است که نیکویی و قدرت خدا را در هر شرایطی تشخیص دهیم، و بدانیم که قدرت او ما را از شریر می‌رهاند، در هنگام خطر محافظت می‌کند و در غمهایمان به ما تسلی می‌دهد. اعتراف مثبت ما بر اساس کاری است که خدا قبلاً انجام داده و ایمان داریم که او عمل خود را در آینده همانند گذشته ادامه خواهد داد.

۸- دانیال ۱۳:۳-۱۸ را بخوانید و اعتراف مثبتی را که در این قسمت ذکر شده، بیان کنید.

حقوق نبی، این اعتراف مثبت را درباره اعتماد به خدا می‌کند:
 «اگر چه انجیر شکوفه نیاورد و میوه در موها یافت نشود و حاصل
 زیتون ضایع گردد و مزرعه‌ها آذوقه ندهد، و گله‌ها از آغل منقطع شود
 و رمه‌ها در طویله‌ها نباشد، لیکن من در خداوند شادمان خواهم شد و
 در خدای نجات خویش وجد خواهم نمود. یهوه خداوند قوت من
 است و پایهایم را مثل آهو می‌گرداند و مرا بر مکان‌های بلندم خرامان
 خواهد ساخت» (حقوق ۱۷:۳-۱۹).

یکی از قوی‌ترین اعترافات مثبت در کلام خدا در مزمور ۲۳ یافت می‌شود. داود پادشاه مردی بود که خوشی و غم، پیروزی و شکست، امنیت و خطر، و فرار از دشمنان را تجربه کرده بود. او نسبت به خدا گناه ورزیده، و بعد از توبه بخشش الهی را دریافت کرده بود. داود پادشاه زندگی مشکلی داشت مملو از اضطراب، اندوه، جفا، افسوس‌ها، شک‌ها و مخالفت‌ها. مزامیر پر است از فریادهای داود نزد خدا برای کمک و رحمت الهی. اما مزمور ۲۳ یکی از قوی‌ترین اعترافات مثبتی است که در کلام خدا یافت می‌شود. این مزمور، صحبت از بسیاری از مواقعی می‌کند که ما احتیاج به کمک خداوند داریم.

مزمور ۲۳

بخشش خدا به ما	اعتراف مثبت
رفع نیازها	خداوند شبان من است؛ محتاج به هیچ چیز نخواهم بود.
خشنودی و رضایت	در مرتع‌های سبز مرا می‌خواباند.
صلح	نزد آب‌های راحت مرا رهبری می‌کند.
احیا	جان مرا برمی‌گرداند
هدایت	و بخاطر نام خود به راه‌های عدالت هدایت می‌نماید.
محافظت	چون در وادی سایه موت نیز راه روم از بدی نخواهم ترسید
	زیرا تو با من هستی؛
تسلی	عصا و چوب‌دستی تو مرا تسلی خواهد داد.
اطمینان در زمان خطر	سفره‌ای برای من به حضور دشمنانم می‌گسترانی
احترام، برکت	سر مرا به روغن تدهین کرده‌ای
برکت زیاده	و کاسه‌ام لبریز شده است.
نیکویی جاودانی و محبت	هرآینه نیکویی و رحمت تمام ایام عمرم در پی من خواهد بود
امید جاودانی	و در خانه خداوند ساکن خواهم بود تا ابد/آباد

۹- مزمور ۱۶:۶۶-۱۸ را مطالعه کنید. در این آیات چه اعتراف مثبتی بیان شده است؟

۱۰- دو عمل خاص خدا را که در این قسمت از کلام بیان شده، نام ببرید.

۱۱- شرط لازم برای اینکه خدا این دو عمل را انجام دهد، چه بود؟

۱۲- شهادت پولس در دوم تیموتائوس ۱۱:۳ چیست؟

۱۳- دو اعتراف مثبتی را که پولس در دوم تیموتائوس ۱۶:۴-۱۸ بیان می‌کند، ذکر کنید.

(a) در گذشته:

(b) در آینده:

۱۴- روی یک کاغذ، اعترافات مثبت خود را درباره کارهایی که خداوند در گذشته برای شما انجام داده، بنویسید. بر همین اساس، برشماری کارهایی را که انتظار دارید خدا در آینده برای شما انجام دهد. سپس این اعترافات مثبت را با فردی در میان بگذارید. جمله خود را با این لغات آغاز کنید: بیایید و بشنوید ... اجازه دهید بگویم خدا برای من چه کارهایی انجام داده است.

به وسیله ایمان

حفظ امید وابسته است به داشتن یک ایمان قوی نسبت به خدا. در کلام خدا، عبرانیان باب ۱۱ «باب ایمان» نامیده شده است. در آیه اول چنین می‌خوانیم: «پس ایمان، اعتماد بر چیزهای امید داشته شده است و برهان چیزهای نادیده.»
عبرانیان باب ۱۱ را مطالعه کنید. قسمت اول این باب، پیروزی مردان و زنانی را برمی‌شمرد که ایمان قوی نسبت به خدا داشتند. ایمان آنها قدرت خدا را از طریق کاری که در زندگی‌شان می‌کرد، آشکار کرد.

۱۵- عبرانیان باب ۱۱ آیات ۳۵ الی ۳۸ از چه جنبه‌ای با آیات ۴ الی ۳۴ همان باب متفاوت است؟

۱۶- بر اساس آیه ۴۰، چرا آنها رهایی نیافتند؟

بنابراین این اشخاص نه صرفاً به جهت پیروزی بر دشمنان خود ستوده شدند بلکه به جهت اطمینانشان بر امید آنچه که هنوز ندیده بودند (آیه ۱). آنها به چه چیزهایی امید داشتند؟ به وعده خدا که در حضور او در آسمان زندگی جاودانه خواهند داشت! باید توجه داشت که تجربه هر یک از این مردان و زنان ایمان کاملاً منحصر به فرد بود. هیچ کدام از آنها تجربه مشابه نداشتند. ما می‌توانیم کار خدا را از طریق تجربیات مختلف و پیروزیهایی که آنها در زندگی داشتند ببینیم و در نتیجه ایمان داشته باشیم که به همان شکل، خدا در زندگی ما نیز عمل خواهد کرد.

سی.اس.لویس در کتابش به نام «مسئله رنج» در مورد بی‌همتا بودن هر شخص صحبت می‌کند. به اعتقاد او، اگر خدا نمی‌خواست از تفاوت‌هایی که بین ما هست استفاده کند، فقط یک نفر را می‌آفرید. ما مسکن خدا هستیم (دوم قرنتیان ۶:۱۶). خدا در شما و در من ساکن است. خدا مرا قبل از تولد می‌شناخت (مزمور ۱۳۹:۱۳-۱۶). او مرا بصورتی خارق‌العاده و برای خشنودی خودش آفریده است. تمام زندگی‌ام و همه وجودم، مشتاق خداست و با این وجود، فقط گوشه‌ای از آن طبیعت الهی را می‌توانم بفهمم (اول قرنتیان ۱۳:۱۲). ما فقط می‌توانیم درباره چیزهای عالی که خدا در خانه آسمانی برای ما مهیا کرده، بیندیشیم. آیا امکان ندارد که خدا از طریق تجربیات، اشک‌ها، خوشی‌ها، رنج‌ها و پیروزی‌های این جهان، شخصیت مرا بگونه‌ای شکل بدهد که مکانی را در حضور او داشته باشم که فقط من می‌توانم آن را پر کنم؟ آیا امکان ندارد مجموع تجربیاتی که داشته‌ام چه خوب و چه بد، خدا را به من بگونه‌ای بشناساند که فقط من می‌توانم آن را درک کنم و بفهمم؟ آیا ممکن نیست که هر مسیحی از طریق تجربیات منحصر به فردی که در زندگی دارد به شناخت خاصی از خدا برسد، به گونه‌ای که فقط او می‌تواند آن را کاملاً درک کند؟

سی.اس.لویس چنین می‌نویسد: «جایگاه شما در آسمان، فقط و فقط برای شما ساخته شده است، چرا که برای آن خلق شده‌اید؛ مانند دستکشی که برای دست شما دوخته شده باشد.» سپس چنین نتیجه می‌گیرد که «اگر همه خدا را به یک شکل تجربه کنند و او را به همان روش بپرستند، آنگاه آهنگ پیروزی کلیسا شبیه به یک موسیقی زیبا نخواهد بود که از نت‌های بسیار تشکیل شده بلکه مانند ارکستری خواهد بود که همه نوازندگان آن یک نت واحد را می‌نوازند.»

در مکاشفه ۱۷:۲، این سخنان خطاب به کلیسا نوشته شده است: «آنکه گوش دارد، بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید: و آنکه غالب آید، از من مخفی به وی خواهم داد و سنگی سفید به او خواهم بخشید که بر آن سنگ اسمی جدید مرقوم است که احدی آن را نمی‌داند جز آنکه آن را یافته باشد.»



«آقای او به وی گفت: آفرین ای غلام
نیک متدین! ... به شادی خداوند خود
داخل شو.» (متی ۲۵: ۲۱)

درباره آن فکر کنید! پاداش پیروز شدن در این زندگی این است که خدا به من نامی جدید خواهد بخشید که فقط او می داند و من! این اسم می تواند بین من و خدا سمبولی باشد از تمام آنچه که من هستم؛ همه رنج‌هایی را که متحمل شده‌ام؛ تمام پیروزی‌هایی را که کسب کرده‌ام؛ و هر آن چیزی که در اثر کار عیسی مسیح در من بوجود آمده و مرا شکل داده است. آن اسم نشانی است از پرستش شخصی من و یگانگی که با خالق خود دارم که با تجربه دیگر اشخاص متفاوت خواهد بود. چه تصور پر جلالی که در آسمان با تمام مقدسین همه اعصار از جمله مردان و زنان ایمان که نامشان در عبرانیان باب ۱۱ ذکر شده، جمع خواهیم بود و آن شناختی را که خداوند از خودش به ما ارزانی داشته، با یکدیگر در میان خواهیم گذاشت. وقتی من درباره شناخت خود از خدا بگویم و شما نیز از تجربه‌ای که با خدا داشتید، با من سخن بگوئید، هر دو ما شناخت بیشتری از آفریننده پر جلال خود، یعنی شاه شاهان، و پادشاه پادشاهان بدست خواهیم آورد.

در اول قرن‌تین ۹:۲ گفته شده است: «بلکه چنانکه مکتوب است: چیزهایی را که چشمی ندید و گوشی نشنید و به‌خاطر انسانی خطور نکرد، یعنی آنچه خدا برای دوست‌داران خود مهیا کرده است.»

وقتی که درباره چیزهای شگفت‌آوری که خدا برای ما مهیا کرده، فکر می‌کنم، ایمانم تقویت می‌شود و می‌توانم بپذیرم که تمام جفاها و مشکلاتی که پیش می‌آید مرا برای زندگی در آن مکان جاودانی، در حضور خدا آماده می‌سازد. در یوحنا ۱۴:۳-۱۴ مسیح با این سخنان شاگردانش را تسلی داد: «دل شما مضطرب نشود! به

خدا ایمان آورید به من نیز ایمان آورید. در خانه پدر من منزل بسیار است والا به شما می‌گفتم. می‌روم تا برای شما مکانی حاضر کنم، و اگر بروم و از برای شما مکانی حاضر کنم، باز می‌آیم و شما را برداشته با خود خواهم برد تا جایی که من می‌باشم شما نیز باشید.»

- ۱۷- جملات صحیح را انتخاب کنید که ارتباط درست بین رنج‌ها و مشکلات این جهان، و امید مسیحیان برای مشارکت جاودانی با خدا را بیان می‌کند؟
- (a) آنانی که نامشان در عبرانیان باب ۱۱ آمده، از تمام زحمات و جفاهایی که در این جهان داشتند، رهایی یافتند.
- (b) افراد ذکر شده در عبرانیان ۱۱ قادر بودند با شجاعت با مشکلاتشان روبرو شوند چرا که شدیداً به وعده خدا که به آنها زندگی جاودانی می‌دهد، امیدوار بودند.
- (c) نام جدیدی که در آسمان به ما داده می‌شود، پاداشی است برای امید داشتن به مسیح عیسی و پیروزی‌مان بر تمام تجربیات و وسوسه‌های این جهان.
- (d) از نام جدید من در آسمان فقط خدا و من باخبر خواهیم بود.
- (e) اگر در این جهان پیروز شویم، می‌توانیم مکاشفه کاملی از خدا داشته باشیم.
- (f) تنها درمان برای قلب رنج دیده، اعتماد به خدا و وعده‌های اوست.

پولس در اول قرن‌تین ۱۲:۱۳ می‌فرماید: «زیرا که الحال در آینه بطور معما می‌بینیم، لکن آنوقت روبرو؛ الان جزئی معرفتی دارم، لکن آنوقت خواهم شناخت چنانکه نیز شناخته شده‌ام.» در حال حاضر، قلب ما مشتاق داشتن مشارکت کامل با نجات دهنده‌مان است ولی این مشارکت در آسمان کامل خواهد شد.

کلام خدا می‌گوید: «اینک با ابرها می‌آید و هر چشمی او را خواهد دید» (مکاشفه ۷:۱). وقتی آن روز فرا برسد، او را با چشم‌های خود خواهم دید. تا رسیدن آن روز، ایمانم مرا برای چیزی که نمی‌بینم ولی امیدش را دارم مطمئن خواهد ساخت. «لیکن ایام سلف را به یاد آورید که بعد از آنکه منور گردیدید، متحمل مجاهده‌ای عظیم از دردها شدید، چه از اینکه از دشنامها و زحمات تماشای مردم می‌شدید، و

چه از آنکه شریک با کسانی می‌بودید که در چنین چیزها به سر می‌بردند. زیرا که با اسیران نیز همدرد می‌بودید و تاراج اموال خود را نیز به خوشی می‌پذیرفتید، چون دانستید که خود شما را در آسمان مال نیکوتر و باقی است. پس ترک مکنید دلیری خود را که مقرون به مجازات عظیم می‌باشد. زیرا که شما را صبر لازم است تا اراده خدا را بجا آورده، وعده را بیابید. زیرا که بعد از اندک زمانی، آن آینده خواهد آمد و تأخیر نخواهد نمود. لکن عادل به ایمان زیست خواهد نمود و اگر مرتد شود نفس من با وی خوش نخواهد شد. لکن ما از مرتدان نیستیم تا هلاک شویم، بلکه از ایمانداران تا جان خود را دریابیم» (عبرانیان ۱۰: ۳۲-۳۹).

به‌عنوان نتیجه‌ای از مطالعه این کتاب، مطمئناً می‌توانید در سراییدن کلمات این شعر با من همصدا شوید:

چقدر پر جلال خواهد بود زمانی که مسیح را روبرو بینیم
جفاهای این دنیا بسیار ناچیز خواهد بود وقتی که او را روبرو بینیم
با نگاهی کوتاه به صورت عزیز او همه غمها رخت برمی‌بندد
آنقدر شجاعانه در این میدان می‌دویم تا او را روبرو بینیم.
استر. کر. روستوی

خودآزمایی

- جملات صحیح و غلط - جملات صحیح را با حرف (ص) و جملات غلط را با حرف (غ) مشخص کنید.
- ۱- جمله «مسیح پیروزمند» یادآور این واقعیت است که مسیح بر مرگ و قبر غالب شد و ما را نیز شریک این غلبه کرده است.
 - ۲- یک مسیحی پس از مرگ جسمانی در یک چشم بهم زدن وارد حضور خدا می شود.
 - ۳- زمانی که مسیح گفت شخصی که زنده است و به من ایمان آورد هرگز نخواهد مرد، منظورش مرگ جسمانی بود.
 - ۴- امید ما بر «مسیح پیروزمند» بر این حقیقت استوار است که با مرگ و قیام او از مردگان، ما نیز با او در آسمان حیات جاودان خواهیم داشت.
 - ۵- اعتراف مثبت به این معنا است که قبل از دیدن جواب دعا، دعاهای خود را جواب داده شده اعلام کنیم.
 - ۶- یکی از راههای تأیید قدرت خدا که در هر شرایطی به ما کمک می کند این است که وعده های او را بیاد آورده، به آنها ایمان بیاوریم.
 - ۷- بعضی از وعده های خدا با شرط همراه است و لازم است جهت دریافت وعده، اول شرط لازم را بجا بیاوریم.
 - ۸- داود، مزمور ۲۳ را در حالت نومیدی نوشت از آن جهت که دعاهایش بی جواب مانده بود.
 - ۹- ما اطمینان داریم خدا آنچه را که برای آینده انتظار داریم انجام خواهد داد چرا که او قدرتش را در گذشته به ما ثابت کرده است.
 - ۱۰- ایمان مردان و زنانی که در عبرانیان باب ۱۱ ذکر شده، بر اساس پیروزیهایی بود که در زندگی بدست آورده بودند.

- ۱۱- یکی از زیبایی‌های آسمان، در میان گذاشتن رابطه منحصر بفرد مقدسینی خواهد بود که در همه مراحل زندگی به خدا اعتماد کردند.
- ۱۲- نام جدیدی که هر یک از ما از آفریننده خود در آسمان دریافت خواهیم کرد، در واقع پاداشی است نه برای نوع زحماتی که متحمل شده‌ایم، بلکه برای اینکه براین جهان غالب آمده‌ایم.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۹- درباره کاری که خدا برای سراینده مزمور انجام داده است.

۱- بر این اساس که حتماً قیام از مردگان حقیقت دارد.

۱۰- جواب به دعا و محبت کردن.

۲- منشأ امید ما قیام عیسی مسیح از مردگان است.

۱۱- سراینده مزمور هیچ گناهی در دل خود نگاه نداشته بود.

۳- c

۱۲- که خداوند او را از هر تجربه و جفایی رها کرده است.

۴- a

b

c

d

e

f

g

۱۳- a) خداوند با من ایستاده، مرا تقویت می‌بخشید.

b) خداوند مرا از حمله شریر خواهد رهانید و تا به ملکوت آسمانی خود

نجات خواهد داد.

۵- b

۱۴- پاسخ انتخابی شما. شاید این سؤال مهم‌ترین تمرینی است که در این درس

انجام داده‌اید.

۶- a) قلبی که کاملاً خود را به خدا تسلیم کرده است.

b) ترس از خدا (ستودن، احترام گذاشتن، تکریم کردن)

c) ماندن در مسیح و ماندن مسیح در ما

- (d) ایمان به اینکه هر چه در دعا بطلبیم آن را خواهیم یافت.
- (e) اطاعت از احکامش و انجام آنچه باعث خشنودی او می‌شود.
- ۱۵- آیات ۳۵ الی ۳۸ درباره مردان و زنان بزرگ ایمان صحبت می‌کند که از تجربیات و جفاهایی که داشتند رهایی نیافتند، ولی با این وجود رنج کشیدند و یا زندگیشان را از دست دادند تا به این وسیله خدا را خدمت کنند.
- ۷- زمانی که خدا را می‌خوانیم او جواب خواهد داد.
- ۱۶- برای اینکه خدا چیز بهتری برای آنها در نظر گرفته بود (و همینطور برای ما). (رهایی واقعی آنها به نجات موقتی از تجربیات این جهان بستگی نداشت).
- ۸- «اگر چنین است، خدای ما که او را می‌پرستیم قادر است که ما را از تون آتش ملتهب برهاند و او ما را از دست تو ای پادشاه خواهد رهانید» (دانیال ۱۷:۳).
- ۱۷- (a) غلط (بعضی کشته شدند. رهایی آنها از نوعی دیگر بود).

(b) صحیح

(c) صحیح

(d) صحیح

(e) غلط

(f) صحیح

این آخرین درس از بخش سوم و نیز آخرین درس این کتاب است. بعد از اتمام این خودآزمایی، درس‌های ۷ تا ۱۰ را مرور کرده، به سؤالات آزمون میانی شماره ۳ پاسخ دهید. از رهنمودهای داده شده پیروی کنید.

پاسخ خودآزمایی‌ها

درس اول

b-۱

a-۲

d-۳

c-۴

a-۵

a-۶

b-۷

b-۸

c-۹

۴ (a-۱۰)

۶ (b)

۲ (c)

۵ (d)

۲ (e)

۱ یا ۳ (f)

۱ (g)

درس دوم

c-۱

b-۲

a-۳

d-۴

c-۵

۶- صحیح

۷- غلط

۸- غلط

۹- صحیح

۱۰- صحیح

۱۱- غلط

۱۲- غلط

۱۳- صحیح

۱۴- غلط

۱۵- صحیح

۱۶- صحیح

درس سوم

- ۱- (a) مشکل آرلین نداشتن امکانات مالی برای تحصیلات دانشگاهی بود.
- (b) منشأ و ریشه مشکل آرلین تصمیم والدینش بود که می‌خواستند آن پول را برای تحصیلات پسرشان خرج کنند و این تصمیم خارج از کنترل آرلین بود.
- (c) عکس‌العمل آرلین گوشه‌گیری و انزواطلبی بود (در واقع عکس‌العمل او مجموعی از حسادت، خودخواهی و احساس ترحم نسبت به خود بود. تنها نتیجه حاصله اضافه شدن مشکلی جدی‌تر یعنی بیماری فکری به مشکل قبلی بود).
- (d) اگر آرلین مشکل را در دعا به حضور خدا می‌آورد، خداوند به او کمک می‌کرد تا راه حلی که با عقل سلیم جور باشد، پیدا کند. برای نمونه، او می‌توانست مثل بسیاری از اشخاص دیگر، در دوران تحصیلش در دانشگاه، شغلی داشته باشد. و

یا امکان داشت خدا از طریق معجزه‌ای که حتی به فکر آرلین هم نمی‌رسید، مشکل او را حل کند.

(e) آرلین می‌بایست بر اساس وعده داده شده در رومیان ۸:۲۸ ایمان می‌آورد که خدا برای خیریت او عمل می‌کند.

۲- (a) آندره می‌بایست با یک نگرش مسیحی آغاز می‌کرد: یعنی کسب آمادگی روحانی از طریق مطالعه روزانه کتاب مقدس و دعا؛ همچنین داشتن تمایل برای درک و انجام اراده خدا. به این طریق، او می‌توانست از هر نوع عکس‌العمل اشتباه خودداری کند و قدمهایی بردارد تا به یک راه حل مسیحی برسد. چنین کاری باعث جلال خدا می‌شد.

(b) نتیجه نهایی این بود که آندره و داود دشمن یکدیگر شدند و این موضوع تأثیر بدی بر روی کلیسایی گذاشت که در آن شرکت می‌کردند. به علاوه، این کار شهادت بدی برای دوستان غیر ایماندارشان بود.

(c) نتیجه نهایی می‌بایست این باشد که بدون توجه به پس گرفتن و یا نگرفتن پول، قلب آندره می‌توانست مملو از شکرگزاری شود چرا که خدا به او در چنین شرایطی پیروزی روحانی داده بود. این حالت باعث جلال خدا می‌شد.

(d) آندره می‌بایست ریشه مشکلش را در وجود چیزهایی می‌دید که خارج از کنترل او هستند. در نتیجه، می‌بایست مشکل را در دعا به حضور خدا می‌آورد و از او برای یافتن راه حل هدایت می‌طلبید. او می‌بایست کلام خدا را مطالعه می‌کرد تا ببیند در رابطه با شرایطی که در آن قرار گرفته، چه دستوراتی می‌تواند پیدا کند. شاید لازم بود از شبانش مشورت بگیرد و او اول قرن‌تیا ۶:۱-۸ را پیشنهاد می‌کرد. سپس آندره می‌توانست با یک روحیه مسیحی به ملاقات داود برود و آن وقت شاید پاسخ داود نیز فرق می‌کرد. با وجود این، حتی اگر داود از پس دادن پول امتناع می‌کرد، باز هم آندره می‌توانست با آوردن این موضوع به حضور خدا و اعتماد به اینکه او برای خیریتش عمل می‌کند، بر این مشکل غلبه روحانی پیدا کند.

- ۳- a) روش «ب»: تشخیص مشکل، آوردن آن به حضور خدا و انتظار کشیدن برای اینکه خدا در این شرایط برای خیریت آنها عمل کند.
- b) امین و استر مشکلشان را در این دیدند که از نظر فیزیولوژیکی قادر به بچه‌دار شدن نیستند. آنها این مشکل را در دعا به حضور خدا آوردند و انتظار داشتند که خدا برای خیریتشان عمل کند. راه حل خدا این نبود که به آنها فرزندی عطا کند، بلکه آنان را والدین روحانی بچه‌های زیادی کرد که ارزش اخروی بسیار داشت. نتیجه نهایی این شد که اگر چه آنها فرزندی از خود نداشتند، اما قلبشان مملو از شکرگزاری شد چون خدا به ایشان این توانایی را بخشیده بود که کودکان بسیاری را وارد ملکوت خدا سازند.
- ۴- جواب انتخابی شما.

درس چهارم

- c-۱
- a-۲
- d-۳
- b-۴
- a-۵
- d-۶
- b-۷
- d-۸
- c-۹
- a-۱۰
- ۱۱- غلط
- ۱۲- غلط
- ۱۳- صحیح

۱۴- غلط

۱۵- غلط

۱۶- صحیح

۱۷- صحیح

۱۸- صحیح

۱۹- صحیح

۲۰- غلط

درس پنجم

c-۱

b-۲

a-۳

d-۴

c-۵

b-۶

c-۷

۸- غلط

۹- صحیح

۱۰- صحیح

۱۱- غلط

۱۲- غلط

۱۳- صحیح

۱۴- صحیح

۱۵- صحیح

درس ششم

c-۱

d-۲

a-۳

b-۴

b-۵

c-۶

b-۷

a-۸

d-۹

c-۱۰

۱۱-۱) به درون خود نگاه کنید. بیاد بیاورید که مسیح شادی و قوت شماست.

۲) مقام خود را در مسیح بشناسید.

۳) مشغول کمک به دیگران شوید.

۴) وقت بیشتری به مطالعه کلام، تفکر و دعا اختصاص دهید.

۵) از اصول مسیحی برای حل مشکلات استفاده کنید.

درس هفتم

b-۱

b-۲

c-۳

d-۴

c-۵

b-۶

a-۷

d-۸

a-۹

۱۰- a) چون مخالف و مغایر اصولی است که خدا برای روابط جنسی تعیین کرده است؛ یعنی رابطه بین یک مرد و یک زن.

b) کلام خدا آن را یک عمل شریرانه معرفی کرده است.

c) مورد داوری الهی قرار می گیرد.

۱۱- a) اول قرن‌تین ۱۲:۶-۱۳ و ۱۹-۲۰ و باب ۷

b) اول قرن‌تین ۷:۳-۴، افسسیان ۵:۲۲-۲۳

c) خروج ۲۰:۱۳، اول قرن‌تین باب‌های ۶ و ۷، یوحنا ۸:۱۱

d) رومیان ۱:۱۸-۳۲، لائویان ۱۸:۲۲-۲۳، دوم پطرس ۲:۶-۱۰

e) متی ۵:۶، اول قرن‌تین ۶:۱۱، لوقا ۷:۵۰

درس هشتم

۱- صحیح

۲- غلط

۳- غلط

۴- صحیح

۵- صحیح

۶- صحیح

۷- صحیح

۸- غلط

۹- صحیح

۱۰- صحیح

۱۱- غلط

۱۲- غلط

۱۳- صحیح

۱۴- صحیح

۱۵- صحیح

۱۶- روحانی و فیزیکی

۱۷- گناه

۱۸- کمک

۱۹- حل

۲۰- بخشش

۲۱- خوشی

۲۲- هر یک از موارد زیر:

نشان دهیم به فکرش هستیم؛ محبت کنیم؛ گوش بدهیم؛ با او بمانیم؛ همدردی،
کمک، و حمایت کنیم؛ تسلی دهیم؛ امید ببخشیم؛ تشویق کنیم.

درس نهم

c-۱

a-۲

d-۳

c-۴

b-۵

a-۶

d-۷

b-۸

c-۹

d-۱۰

b-۱۱

a-۱۲

درس دهم

۱- صحیح

۲- صحیح

۳- غلط

۴- صحیح

۵- غلط

۶- صحیح

۷- صحیح

۸- غلط

۹- صحیح

۱۰- غلط

۱۱- صحیح

۱۲- صحیح

پاسخ به مسائل مهم زندگی

از دیدگاه مسیحیت

آزمون‌های میانی

دانشجوی گرامی

آزمون‌های میانی به‌منظور یادگیری بهتر تمامی جزئیات این کتاب درسی تهیه شده است. هر آزمون مربوط به چند درس می‌باشد که شماره درس‌ها در بالای هر آزمون مشخص شده است. لطفاً پس از مطالعه درس‌های مشخص شده، آزمون مربوط به آنها را بدون مراجعه به کتاب بگذرانید.

پاسخ‌های صحیح را در ورقه پاسخنامه علامت بزنید. پس از گذراندن هر سه آزمون میانی، ورقه پاسخنامه را برای تصحیح برای ما بفرستید.

در صورتی که مایلید این درس را به‌صورت رسمی امتحان دهید و یک واحد دانشگاهی کسب کنید، لطفاً جهت ثبت‌نام و انجام تشریفات امتحان با ما تماس حاصل فرمایید.

آزمون میانی شماره ۱

(مربوط به دروس ۱ تا ۳)

بخش اول - سؤالات صحیح و غلط

- جملات صحیح را با حرف a و جملات غلط را با حرف b مشخص نمایید.
- ۱- تصمیماتی که امکان دارد مشکل ساز باشند، همیشه اشتباه هستند.
 - ۲- اطاعت از قوانین خدا باعث بدبختی انسان می شود.
 - ۳- گناه آدم و حوا باعث شد زمین زیر لعنت قرار بگیرد و منشأی برای مشکلات شود.
 - ۴- زمانی که گناهان خود را به خدا اعتراف می کنیم، او ما را تنبیه می کند.
 - ۵- در هنگام سختیها و فشارها باید دعا و مطالعه کلام خود را افزایش دهیم.
 - ۶- برای یافتن جواب اکثر مشکلاتی که با آنها روبرو هستیم، کوشش های انسانی ما کافی است.
 - ۷- زمانی که نمی توانیم برای مشکلمان راه حلی پیدا کنیم، باید آن را به حضور خدا بیاوریم و انتظار داشته باشیم که برای خیریت ما عمل نماید.

بخش دوم - سؤالات چند جوابی

- صحیح ترین پاسخ را انتخاب نمایید.
- ۸- کدامیک از موارد زیر نمونه ای از بلایای طبیعی است که در اثر لعنت گناه بر جهان بوجود آمده است.
- (a) قحطی، سیل و زلزله
 - (b) تصادف اتومبیل
 - (c) ضرر ناشی از استعمال تنباکو و مواد مخدر
 - (d) دزدی

- ۹- کدامیک از موارد زیر نمونه‌ای از بلایایی است که خارج از کنترل ماست.
- (a) زمانی که با دوچرخه با سرعت زیاد از تقاطع می‌گذرید، با یک اتومبیل تصادف می‌کنید.
- (b) رئیس محل کارتان شما را بخاطر تلف کردن وقت، سرزنش می‌کند.
- (c) همسایه شما درخت را قطع می‌کند و درخت روی منزلتان می‌افتد.
- (d) شما پنجره را باز می‌گذارید و باران شدیدی وسایل خانه را خراب می‌کند.
- ۱۰- داستان سه جوان عبرانی که از حکم پادشاه اطاعت نکردند، نمونه‌ای از
- (a) یک انتخاب اشتباه است.
- (b) یک انتخاب صحیح است، اگرچه باعث بوجود آمدن مشکلاتی گردد.
- (c) مشکلاتی است که آن سه جوان بر آنها کنترلی نداشتند.
- (d) یک قضاوت احمقانه است.
- ۱۱- هدف خدا از آزمایش ما این است که باعث
- (a) شکست ما بشود.
- (b) نگرانی ما بشود.
- (c) رنج کشیدن ما بشود.
- (d) استقامت ما بشود.
- ۱۲- موعظه بالای کوه مسیح نشان می‌دهد که قوانین داده شده در ده فرمان
- (a) غیرقابل اطاعت است.
- (b) دیگر احتیاجی به اطاعت از آنها نیست.
- (c) به وسیله مسیح تحقق یافته است.
- (d) مربوط به عهدعتیق بود که امروز آزادی انتخاب شخصی جانشین آن شده است.

۱۳- ده فرمان مربوط به آن چیزی است که انجام می‌دهیم و خوشبحال‌های مسیح مربوط به چیزی است که ...

- (a) داریم.
- (b) ایمان داریم.
- (c) هستیم.
- (d) می‌خواهیم.

۱۴- کلید حفظ احکام مسیح عبارت است از:

- (a) ایمان
- (b) محبت
- (c) فهم و درک
- (d) طمع

۱۵- بهترین روش برای کنترل قسمت‌های مختلف زندگی، کنترل

- (a) زبان است.
- (b) خانواده است.
- (c) فعالیت‌ها است.
- (d) وجدان است.

۱۶- دو سؤال مهمی که هنگام بروز مشکلات باید از خودمان پرسیم، عبارتند از:

- (۱) آیا مایل هستم اراده خدا را در این رابطه بفهمم؟ و (۲).....
- (a) در رابطه با این مشکل چه کاری می‌خواهم انجام دهم؟
- (b) اگر اراده خدا را پیروی کنم، دوستانم چه خواهند گفت؟
- (c) آیا این مشکل موجب رنجش خدا خواهد شد؟
- (d) آیا زمانی که اراده خدا را فهمیدم، مایل به انجام آن هستم؟

۱۷- پس از عملی ساختن راه حلی که برای مشکلمان پیدا کردیم، باید...

(a) نتایج را ارزیابی کنیم و تعدیلات لازم را انجام دهیم.

(b) مشکل را فراموش کنیم.

(c) نتایج احتمالی عمل خود را در نظر بگیریم.

(d) مشکل خود را به خدا بسپاریم.

۱۸- اگرچه به ظاهر هیچ راه حلی برای مشکلمان وجود نداشته باشد ولی

می‌توانیم مشکلمان را به خدا بسپاریم و انتظار داشته باشیم که

(a) به آزمایش کردن ما ادامه بدهد.

(b) برای خیریت ما در این شرایط عمل کند.

(c) به سرعت مشکل را حل کند.

(d) راه حلی را به ما نشان بدهد.

۱۹- ناراحت کردن شخصی که باعث ناراحتی شما شده، به منزله است.

(a) گوشه‌گیری

(b) متهم کردن

(c) بخشیدن

(d) انتقام‌جویی

آزمون میانی شماره ۲

(مربوط به درس‌های ۴ تا ۶)

بخش اول - سؤالات صحیح و غلط

جملات صحیح را با حرف a و جملات غلط را با حرف b مشخص نمایید.

- ۱- طمعکاری، خواستن چیزی است که به دیگری تعلق دارد.
- ۲- شخصی که مسئولیت رهبری را بر عهده دارد، برای اینکه از احترام زیر دستان خود برخوردار شود باید مانند یک مافوق با آنها برخورد کند.
- ۳- صحیح‌ترین نگرش برای اشخاصی که خدا را خدمت می‌کنند، اعتراف به این است که: «ما فقط وظیفه خود را انجام می‌دهیم».
- ۴- رهبری روحانی خانواده باید بر عهده شوهر باشد.
- ۵- طلاق، به هر دلیلی غیر کتاب مقدسی است.
- ۶- ازدواج کردن از مجرد ماندن بهتر است.
- ۷- شخص مجرد بخشش مخصوص خدا به کلیسا است.

بخش دوم - سؤالات چند جوابی

صحیح‌ترین پاسخ را انتخاب نمایید.

- ۸- کدامیک از موارد زیر نمونه‌ای از عدم بلوغ یک مسیحی نیست.
 - a) بهترین هر چیز را خواستن
 - b) دائماً نگران بودن
 - c) تسلیم و سوسه شدن
 - d) جنگیدن با مشکلات و نومیدی

۹- دو منبع برای بلوغ مسیحی عبارتند از: قدرت خدا و اراده انسان. ما اثربخشی قدرت اراده خودمان را به چه روشی افزایش می‌دهیم؟

- (a) مطیع کلام خدا بودن
- (b) تصمیم گرفتن بدون دریافت کمک از دیگران
- (c) افزایش دادن قدرت اراده
- (d) مشغول خدمت دیگران بودن

۱۰- روش برخورد مسیحی در رابطه با ثروت و فقر عبارت است از:

- (a) شخص ثروتمند نسبت به شخص فقیر از شأن بیشتری برخوردار است.
- (b) شخص فقیر نسبت به شخص ثروتمند بیشتر احتیاج به کمک خدا دارد.
- (c) زمانی که تسلیم اراده خدا هستیم می‌توانیم برای رفع نیازهای خود به او اعتماد کنیم.
- (d) مطابق کلام خدا، ثروتمندان باید نسبت به فقیران بخشنده باشند و فقیران نیز به نوبه خود پست بودن خویش را بپذیرند.

۱۱- زمانی که قربانی بی‌عدالتی می‌گردید، مهم‌ترین کاری که می‌توانید انجام دهید این است که

- (a) در صدد اصلاح آن برآیید.
- (b) مانند یک مسیحی رفتار کنید.
- (c) به همه بگویید چه اتفاقی برای شما افتاده است.
- (d) به هر قیمتی که شده تلافی کنید.

۱۲- کدامیک از موارد زیر جزو اصول کلی کلام خدا در رابطه با طلاق نیست.

- (a) طلاق ممنوع است.
- (b) شخصی که طلاق گرفته، اجازه دارد دوباره ازدواج کند.
- (c) شخصی که طلاق گرفته، اجازه ندارد دوباره ازدواج کند.
- (d) یک شخص مجرد نباید با کسی که طلاق گرفته ازدواج کند.

۱۳- رابطه زناشویی زن یا شوهری که درگیر فعالیت‌های خارج از منزلشان هست و فرصت کمی برای گذراندن با خانواده دارد، به کدام علت زیر دچار مشکل می‌شود؟

- (a) فقدان محبت
- (b) فقدان مشارکت
- (c) تعهد بیش از حد
- (d) عدم درک

۱۴- اگر والدین می‌خواهند فرزندان خود را مطیع بار بیاورند، لازم است

- (a) به فرزندان خود اجازه مطرح شدن بدهند.
- (b) هر چیزی که فرزندان‌شان می‌خواهند برای آنها مهیا کنند.
- (c) قوانین سختی برای هر لحظه زندگی آنها تهیه کنند.
- (d) فرزندان خود را تربیت و تأدیب نمایند.

۱۵- تأدیب فرزندان باید

- (a) منصفانه باشد.
- (b) ممنوع باشد.
- (c) شدید باشد.
- (d) محدود به زمان‌هایی شود که عصبانی مان می‌کنند.

۱۶- کدامیک از موارد زیر بهترین انتخاب برای کسی است که تمایل زیادی برای ازدواج دارد اما موقعیت مناسبی برای ازدواج با یک ایماندار ندارد.

- (a) ازدواج با یک غیرایماندار.
- (b) مجرد باقی بماند ولی رابطه نامشروع با دیگران داشته باشد.
- (c) روحانی باشد و اعتماد کند که خدا نیاز او را برآورده خواهد کرد.

۱۷- مهم‌ترین پایه و اساس برای مشارکت مسیحی این است که آیا آن شخص

(a) از موقعیت اجتماعی خوبی برخوردار است.

(b) ایماندار است.

(c) به چیزهایی علاقه دارد که من علاقه دارم.

(d) ازدواج کرده است.

۱۸- بهترین روش برای رهایی از تنهایی و احساس ترحم نسبت به خود این

است که

(a) درباره آن با کسی صحبت کنیم.

(b) به مکانی برویم که اشخاص زیادی در آنجا هستند.

(c) به کسی کمک کنیم که نیاز بیشتری از ما دارد.

(d) به خلوت برویم و درباره تنهایی خود فکر کنیم.

۱۹- پولس رسول حکم می‌کند که اشخاص در صورت امکان مجرد باقی بمانند،

چون اگر ازدواج کنند

(a) از کلام خدا دور می‌شوند.

(b) فرصت بیشتری برای خدمت خدا خواهند داشت.

(c) شهادت مسیحی خود را از دست خواهند داد.

(d) با مشکلات فراوانی روبرو خواهند شد.

آزمون میانی شماره ۳

(مربوط به درس‌های ۷ تا ۱۰)

بخش اول - سؤالات صحیح و غلط

- جملات صحیح را با حرف a و جملات غلط را با حرف b مشخص نمایید.
- ۱- داشتن میل جنسی برای شخصی که ازدواج نکرده، گناه است.
 - ۲- چه ازدواج کرده باشید و چه مجرد، خدا انتظار دارد که بر مسائل جنسی خودتان کنترل داشته باشید.
 - ۳- افسردگی عبارت است از یک دوره ناراحتی شدید، از دست دادن انرژی روانی و روحی، عدم فعالیت، عدم توانایی برای تفکر صحیح یا اتخاذ تصمیمات درست.
 - ۴- هر چه فشار روانی بر روی شخص بیشتر باشد، احتمال اینکه از افسردگی رنج ببرد کمتر است.
 - ۵- درد و رنج فوایدی دارد که شخص می‌تواند از آنها بهره‌یابد.
 - ۶- دیدگاه مسیحی درباره رنج این است که با دعا از خداوند بخواهیم آن را به هر قیمتی شده از ما دور کند.
 - ۷- امید جاودانی یک ایماندار بر مسیح پیروزمند استوار است.

بخش دوم - سؤالات چند جوابی

- صحیح‌ترین پاسخ را انتخاب نمایید.
- ۸- در محدوده مسائل جنسی، تنها انتخاب پذیرفته شده کتاب مقدسی در امر ازدواج چیست؟
- a) رابطه جنسی قبل از ازدواج

(b) مجرد بدون داشتن رابطه جنسی

(c) یکی شدن

(d) زاد و ولد

۹- قاعده و قانون روابط جنسی در چهارچوب ازدواج را در کدامیک از کلمات

زیر می توان خلاصه کرد؟

(a) زاد و ولد

(b) والایش (تعالی)

(c) همکاری دوطرفه

(d) بخشش

۱۰- مهم ترین مشورتی را که به شخصی که مرتکب زنا شده و از این عمل در

رنج و عذاب است می توان داد این است که

(a) اگر توبه کنی، خدا تو را خواهد بخشید.

(b) به دلیل کاری که انجام داده ای، شایسته رنج کشیدن هستی.

(c) شما انسان هستید و این کاملاً طبیعی است که به هر طریقی که شده نیاز

جنسی خود را برطرف کنید.

(d) شما گناه کرده اید و باید نتایج آن را نیز تحمل کنید.

۱۱- بهترین طریق مقابله با فشار روانی عبارت است از

(a) انزوا

(b) افزایش آمادگی روحانی

(c) بخشش

(d) تلخی و رنجش

۱۲- بهترین درمان برای ترس عبارت است از

- (a) اضطراب
- (b) ناامیدی و یأس
- (c) تشویق
- (d) محبت

۱۳- احساس تقصیر که چه در نتیجه گناه باشد و چه نتیجه پشیمانی بی مورد، زمانی برداشته می شود که ما را می پذیریم.

- (a) مجازات
- (b) نصیحت
- (c) بخشش الهی
- (d) افسردگی

۱۴- کدامیک از موارد زیر مرحله ای از عکس العمل شخصی نیست که مبتلا به بیماری لاعلاج است؟

- (a) امیدواری
- (b) خشم
- (c) معامله کردن
- (d) انجام مسئولیت ها

۱۵- پاسخ یک مسیحی به رنج عبارت است از اعتماد، تسلیم، دید الهی و

- (a) خوشی
- (b) ترس
- (c) معامله کردن
- (d) افکار

۱۶- بحرانی ترین مشکلی که شخص مبتلا به بیماری لاعلاج با آن روبرو می شود، این است که

- (a) چه کسی از خانواده من مراقبت خواهد کرد؟
- (b) آیا آماده ملاقات با خدا هستم؟
- (c) آیا به اندازه کافی حق بیمه به خانواده ام پرداخت می شود؟
- (d) چطور می توانم رنج خود را کاهش دهم؟

۱۷- مسیح فرمود هر که زنده باشد و به او ایمان آورد هرگز

- (a) شکست نخواهد خورد.
- (b) نخواهد مرد.
- (c) رنج نخواهد کشید.
- (d) وسوسه نخواهد شد.

۱۸- این جمله بیانگر چیست: چون خدا ما را قبلاً رهانیده، بنابراین ایمان داریم که در آینده نیز خواهد رهانید؟

- (a) امید
- (b) احیا و تجدید ایمان
- (c) اعتراف مثبت
- (d) حفاظت الهی

۱۹- بر اساس مکاشفه ۱۷:۲ پاداش ما برای غلبه بر تمام وسوسه ها، جفاها و

آزمایش هایی که در این جهان برای ما پیش می آید عبارت است از

- (a) نام جدیدی که فقط خدا و ما از آن با خبر هستیم.
- (b) یک مکان پر افتخار در آسمان.
- (c) یک عمارت زیبا
- (d) مشارکت با سایر مقدسین